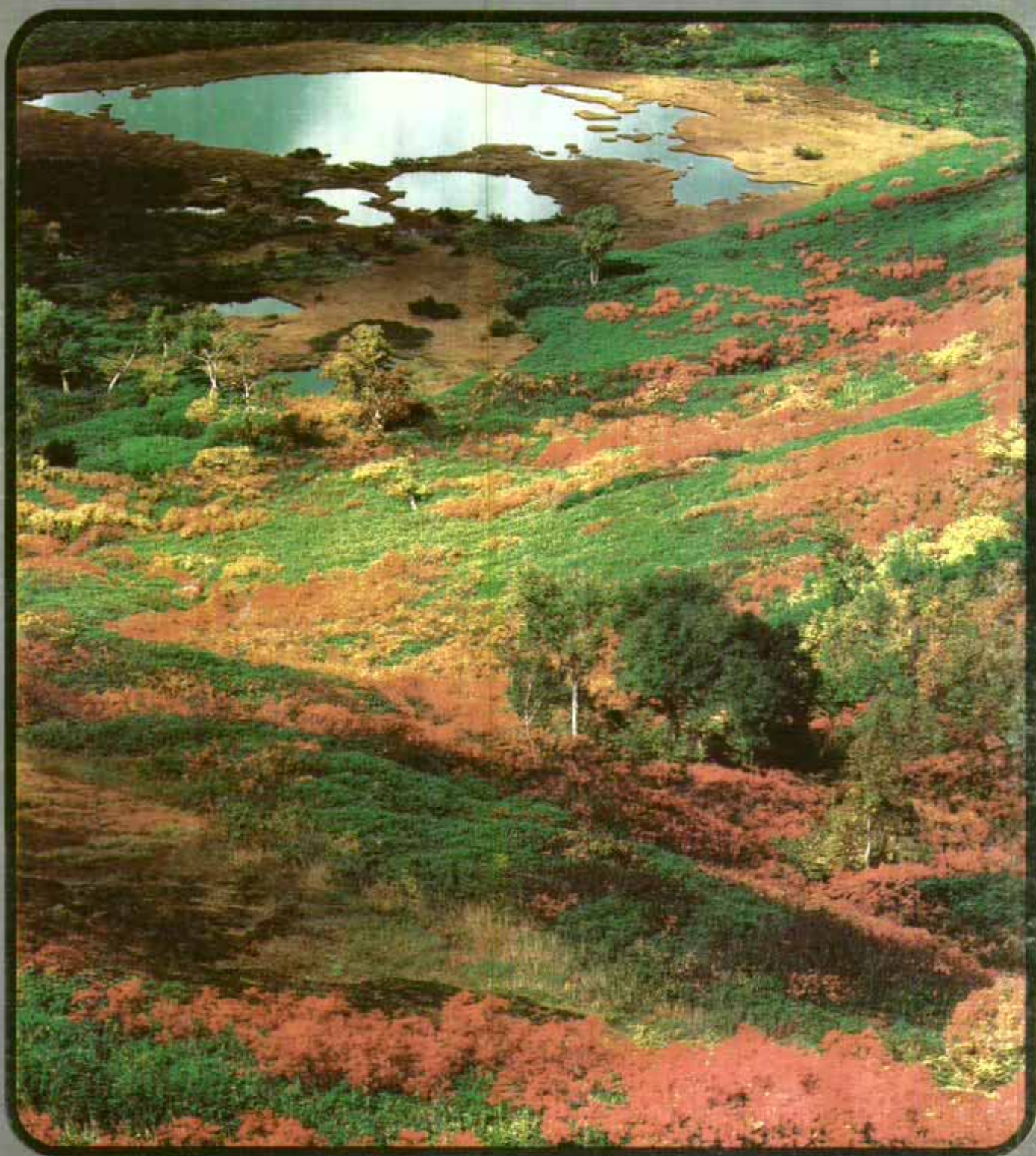


رشاد

# آموزش اهنمایی

جاء ۳۵۰ رمال

سال سوم - باير ۷۲ - شماره مسلسل ۲





وزارت آموزش عالی  
سازمان پژوهش‌های آموزشی  
رشد آموزش راهنمایی

سال دوم - پاییز ۷۲ - شماره مسلسل ۴

مجله رشد آموزش راهنمایی سه شماره در سال به منظور اعتدالی دانش دبیران دوره راهنمایی تحصیلی و دانشجویان مراکز تربیت معلم و سایر علاقه‌مندان منتشر می‌شود. جهت ارفقای کتبی آن نظرات ارزنده خود را به صندوق پستی ۳۶۳ - ۱۵۸۵۵ ارسال فرمایید.

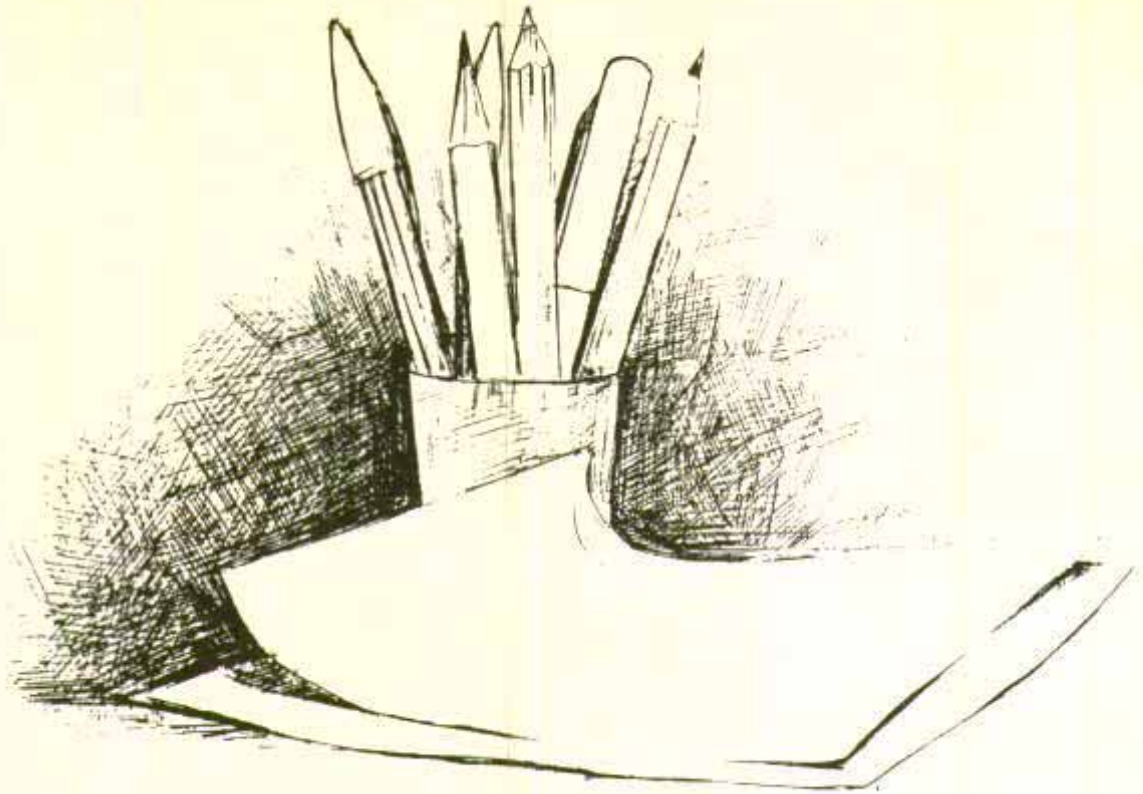
سر دبیر: فروغ تن‌ساز  
مسئول هماهنگی و تولید: فتح‌الله فروغی  
انور فی، صفحه‌آرا و رسام: علی محبی  
دستیار ناظر چاپ: محمد کشمیری

سر مقاله	۳	سر دبیر	۳	ریاضی	
مصاحبه با خانم صابر دل	۴			نسبت، درصد و تناسب	گروه ریاضی ۵۴
نامه‌های شما		فروغ تن‌ساز	۸	هنر	
دینی				قبولی معلم هنر	زهره اعتمادی ۶۱
مهارت‌ها و روش‌های اختصاصی در آموزش دینی محمدعلی سادات	۱۲			آثار هنری دانشجویان مرکز تربیت معلم	مجید ملانوروزی ۶۲
تعلیمات اجتماعی				طراحی و ساخت کارتهای تبریک	حسن شرفی ۶۴
تحلیل هدفهای آموزشی تعلیمات اجتماعی	۲۵	حسن ملکی	۲۵	زبان خارجی	
تاریخ				تفاوتها و شباهتهای زبان فارسی و انگلیسی	
گزارشی پیرامون کتابهای تاریخ	۲۸	مسعود جوادیان	۲۸	شهلزارعی - جمشیددیندوست	۶۹
جغرافیا				روش آموزش زبان خارجی	اعظم برق‌گیر ۷۳
تاریخچه رشد جمعیت تهران	۳۳	صدیقه سلطانیفر	۳۳	علوم تجربی	
پدیده‌های جوی	۳۹	فخری هاشمی تهرانی	۳۹	بحثی پیرامون جرم و وزن	محمود امانی طهرانی ۷۶
فارسی				شناخت حرفه‌وفن	
تکاتی در مورد فارسی و دستور	۴۵	بشیر فیروزی	۴۵	مطالعه تحقیق درس شناخت حرفه‌وفن گروه شناخت حرفه‌وفن	۸۰
تکاتی در مورد درس انشاء	۴۶	سیدمهدی فلسفی‌زاده	۴۶	نتایج سمینار بررسی وضعیت اجرایی ساعات جبرانی	۸۷
حضور معنوی قرآن وحدیث در کتابهای فارسی	۵۰	منوچهر مظفریان	۵۰	خلاصه طرح ارزشیابی از فعالیت معلمان راهنمایی روستایی	۹۲
				معرفی کتاب	۹۸

● رشد آموزش راهنمایی در ویرایش مقالات آزاد است.

● نقل مطالب بدون ذکر مأخذ مجاز نیست.

● مقالات درج‌شده الزاماً بین نظرات جهت تعویض است.



## سر مقاله

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم  
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

من اگر برخیزم تو اگر برخیزی همه برمی خیزند  
شاید محیط آموزشی شما چندان هم مناسب نباشد،  
شاید کلاسها پرجمعیت باشد، شاید دانش آموزان شما از پایه  
خوبی هم برخوردار نباشند، و شاید دانش آموز شما از  
خانواده‌ای آمده باشد که محل امن و خانه او در حقیقت  
زندگی او باشد و شاید خود شما نیز مشکلات فراوانی داشته  
باشید. اما به هر حال همه اینها زندگی است، زندگی فراز  
است و نشیب. زندگی سفید است و سیاه و زندگی آبی است و  
سرخ و هنر زندگی کردن در شناخت است. شناخت خود،  
شناخت و درک دیگران و سعی در ساختن، در روباندن. در  
سبز شدن و جوانه زدن.

تاکی باید بگویم که فلان کشور چنین بوده و چنان  
شده است. تاکی باید بگویم و بشنویم. بیاید همه با هم  
تصمیم بگیریم که بسازیم. کودک تو فرزند من است و همه  
دانش آموزان فرزندان ما و ما همه با هم باید در پرورش این  
گل‌های زندگی بکوشیم. باشد که روزی سرزمین گل و بلبل  
واقعاً گلستان شود.

سردیبر

سال جدید تحصیلی بر شما همکاران سختکوش و پرنشاط  
مبارک باد. شمایی که حرفه معلمی، شغل، عشق و تمام  
زندگی تان است. شمایی که تمامی کودکان معصوم و نوجوانان  
عزیز کشورمان را فرزند خود می دانید. شمایی که از من و  
منیت به در آمده‌اید و به ما پیوسته‌اید.

آموزش و پرورش چه بخواهیم و چه نخواهیم با یک  
یک ما در ارتباط است. تو برادری دانش آموز داری، فرزند تو  
دانش آموز است، خواهر من دانش آموز نوست و فرزندان  
همه ما هر صبح با زنگ مدرسه برای آموختن و آموختن برای  
ریستن روانه کلاسهای درس می شوند. آنچه که من امروز در  
کلاس درس انجام می دهم و انرژی ای که تو مصرف می کنی،  
در حقیقت برای فرزندان خودمان و تمام فرزندان میهن است.  
اگر من عاشق باشم، اگر تو بخواهی و اگر ما کوشش بیشتری  
کنیم. فرزندان ما، برادر من، پسر تو همه از آموزش بهتری  
برخوردار خواهند شد.



# مصاحبه با خانم صدیقه صابر دل، دبیر علوم مدارس راهنمایی



دومین کنفرانس آموزش فیزیک ایران در اردیبهشت ماه سال جاری با همکاری وزارت آموزش و پرورش و انجمن فیزیک در کرمان برگزار

شد.

حدود ۷۰۰ تن از دبیران فیزیک سراسر کشور و جمعی از استادان دانشگاهها در این کنفرانس شرکت داشتند.

سخنرانیها و مقاله‌های پذیرفته شده از سوی کمیته علمی کنفرانس که طی سه روز از هشتم تا دهم اردیبهشت ماه ارائه شد، عبارت بودند از:

- ۱ - انرژی خورشیدی، آقای دکتر جلال صمیمی
- ۲ - لیزر در پزشکی، آقای دکتر احمد امجدی
- ۳ - تدریس علوم در مدارس، خانم صدیقه صابر دل ساده
- ۴ - مفهوم تعدیل زمان در کتب درسی، آقای محمد باقری
- ۵ - فیزیک حالت جامد، خانم دکتر اعظم بورقازی (ایشان در این زمینه سه مقاله در سه روز ارائه کردند).
- ۶ - بیدایش تحول ستارگان، آقای دکتر جمشید قنبری
- ۷ - استفاده بهینه از منابع سوخت هسته‌ای، آقای دکتر محمد باقر غفرانی
- ۸ - توجیه برخی پدیده‌های فیزیکی از نظر معلمان و محصلان، آقای دکتر محمد فرهاد رحیمی
- ۹ - ویژگیهای الکتریکی و نوری و طیفی در لوله‌های تخلیه افروخته، آقای دکتر اکبر زنده نام
- ۱۰ - توضیح درباره کتابهای فیزیک نظام جدید آموزشی، آقای غلامعلی محمودزاده و همکاران
- ۱۱ - جلسه پرسش و پاسخ مسائل فیزیک، آقای دکتر اسماعیل مهدیزاده و همکاران
- ۱۲ - کاربردهای تکنولوژیکی لیزر، آقای دکتر اسماعیل مهدیزاده

در کنار سالن کنفرانس، سه نمایشگاه از وسایل آزمایشگاهی برپا شده بود که از آن میان در غرفه‌ای کوچک، وسایل آزمایشگاهی دست ساز توجه شرکت کنندگان را جلب می‌کرد.

در بازدید از این غرفه، با خانم صابر دل که مسؤول غرفه بوده و با گشاده رویی توضیحاتی را برای بازدید کنندگان ارائه می‌داد آشنا شدیم و تصمیم گرفتیم که با ایشان گفتگویی داشته باشیم.

اگر چه وسایل ساده و ابتدایی بودند و برای یک آزمایش دقیق مناسب به نظر نمی‌رسیدند، اما هر دیده تیزبین در می‌یافت که انسانی عاشق و دلسوز با تلاشی بیگیر بر این باور است که با ابزارهای ساده و وسایلی ابتدایی می‌توان آزمایشهایی ساده ترتیب داد تا توجه و علاقه دانش آموزان را به علم فیزیک جلب کرد.

به امید آن که همه ما باورمان شود که:

اولاً، فیزیک را به همراه آزمایش بهتر می‌توان تفهیم کرد و ثانیاً، برای شروع می‌توان با وسایل ساده آزمایشهایی را ترتیب داد و بتدریج در تکمیل آنها کوشید.

با تشکر از انجمن فیزیک ایران و مسؤولان وزارت آموزش و پرورش که ترتیب برپایی کنفرانس آموزش فیزیک ایران را داده‌اند و بسا عرض خسته نباشید به کارکنان اداره کل آموزش و پرورش کرمان که تمام بار اجرایی کنفرانس را برعهده داشتند، بسای صحبت خانم صابر دل ساده می‌نشینیم.

غلامعلی محمودزاده

به نام خدا و با تشکر از شما که این فرصت را به ما دادید که بتوانیم با شما گفتگویی داشته باشیم و بر سببهای خدمتتان مطرح کنیم. ابتدا خودتان را معرفی کنید و سابقه تحصیلات و کار خود را برای معلمان علوم تجربی شرح دهید.

— اینجانب صدیقه صابر دل دانشجوی علوم جو مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، عضو انجمن فیزیک ایران، و دبیر فیزیک دبیرستان فرزنانگان رشت (مقطع راهنمایی) هستم. دوران ابتدایی را در لاهیجان و دبیرستان را در شهرستان لنگرود گذراندم و به دلیل علاقه مندی به درس فیزیک در جو، از طریق کنکور وارد دانشگاه تهران شدم و یک ترم در دانشکده فنی دانشگاه گیلان و دو ترم در دانشکده علوم این دانشگاه بودم و واحدهای تخصصی را در ژئوفیزیک دانشگاه تهران ادامه دادم و در حال حاضر نیز دانشجوی می باشم.

علت انتخاب رشته تحصیلی و کار خود را توضیح دهید.  
— من شخصاً به فیزیک علاقه مند بودم.

بخصوص فیزیک در فضا و به این دلیل هم رشته علوم جو را انتخاب کردم، چون بردن مکانیک و دینامیک به جو برآیم جالب است، بخصوص دگرگونیهای جو و بررسی علت آن.

روش شما در تدریس علوم تجربی چیست؟  
— تلفیق علم و عمل سرلوحه تدریس من است. به اعتقاد من دبیر باید توانایی اثبات مطالب علمی خود را از طریق آزمایشها داشته باشد و به مطالب علمی خود سندیت بدهد. من فیزیک را از طریق آزمایشهای ساده و بسا وسایل ساخته شده تدریس می کنم. سعی می کنم پدیده های فیزیک را با آزمایشهای ساده به دانش آموزان خود یاد دهم و طی ۶ ماه تدریس در این مورد خیلی موفق بودم.

برای انجام کار خود از دیگران نیز کمک می گیرید یا خیر؟

— در انتخاب مطالب علمی بیشتر سلیقه و ابتکار شخصی خود مطرح بوده و بخصوص در مورد طرح و اجرای ساخت وسایل آزمایش ساده که در کنفرانس فیزیک کرمان به نمایش گذاشتم، شخصاً انتخاب مطلب می کردم، اما در

زمینه کارهای تدارکاتی از اطراف کمک داشتم.

به نظر شما کار عملی و آزمایش و ساخت وسایل، در تدریس علوم تجربی چه اثری دارد؟  
به طور یقین دیدن صحنه ای بیشتر در ذهن ما مسأله ثبت می کند تا نقل قول آن؛ بنابراین در تمام بعدها این مسأله صادق است، بخصوص اعتقاد دارم علم یعنی تجربه و ما نباید علم را از تجربه و عمل جدا کنیم؛ به این دلیل با ساخت وسایل علمی توانستم ثابت کنم که توانایی هر کاری را داریم، در این مورد با هزینه زیاد روبرو نیستیم، بلکه ابتکار عمل خیلی مهم است.

کارهای شما چگونه به آموزش علوم کمک می کند؟

کارهایی که انجام دادم بیشتر ساخت وسایل علمی است که به مفهوم فیزیک کمک می کند؛ مثلاً در مورد بررسی شناور شدن و معلق شدن و غرق شدن جسم در مایع از وسیله ای به نام چگالی سنج، در بررسی انبساط و انقباض از وسیله ای به نام ترمومتر، فواره، فنار سنج یا ساخت وسیله ای که انبساط طولی را نشان می دهد، برای نشان دادن عملکرد بار منفی و مثبت از وسیله ای به نام الکتروسکوپ، برای نشان دادن تبدیل انرژی از صورتی به صورت دیگر از وسایلی مانند دستگاه اعصاب نوری و صوتی، تلگراف نوری، صوتی و برای نشان دادن عملکرد عدسیها از پروژکتور آبی و میکروسکوپ آبی... استفاده کردم. همین طور در رابطه با اندازه گیری ظرفیت ششها و کار ششها از وسایل بسیار ساده می توان استفاده کرد که من این کار را انجام دادم.

برداشتن به کارهای علمی چه تأثیری در زندگی عادی شما دارد؟  
باید بگویم زندگی یک فرد عادی را ندارم؛



کار باعث شد که دانش آموزان در نگهداری وسایل علمی خودشان احساس مسؤلیت بکنند. دومین مرتبه این که آزمایشگاه را به کلاس آورده و این حرکتی جدید برای مدرسه ما بود.

در آموزش علوم به شیوه خودتان؛ از لحاظ مالی چه مشکلی دارید؟

— در آموزش علوم به شیوه خود دچار مشکل مالی زیادی نیستم. چون این وسایل به صورت واحد درسی به جعبه‌ها داده شده بود که ۵ نمره از کل نمره فیزیک را برای آن قائل شده. اما برای انتقال این تجربه از جیبی به جای دیگر مثلاً آوردن این وسایل به کنفرانس فیزیک در کرمان متحمل هزینه شخصی شده



به عبارتی تفریحات یک خانه عادی در برنامه‌ها نیست و تنها به کارها و فعالیتهای علمی می‌پردازم و بهترین تفریح من همین گردشهای علمی و کنفرانسهاست و شرکت در این گونه مراکز برایم بر ارزش است.

عکس العمل دانش آموزان نسبت به روش شما چیست؟

— طبیعی است که دانش آموزان وقتی مطلب سخت فیزیک را از طریق آزمایش با وسایل ساده، این هم با دخالت مستقیم در ساخت آن، یاد می‌گیرند خیلی خوب متحمل

ممکن است چند نمونه از وسایلی را که دانش آموزان شما ساخته‌اند، معرفی کنید.  
— بله، پرسکوپ، ماسین بخار، گشتی بار، وسیله‌ای برای نشان دادن پرسی، گالوانومتر، الکتروسکوپ، اهربندی الکتریکی، دستگاه تلفن ساده، وسیله کسوکسیون، زلزله نگار، دستگاه نامرئی کننده، میکروسکوپ بی

می‌شوند و احساس غرور می‌کنند که قادرند چیزی را درست کنند که ارزش علمی دارد.  
آیا شما از کمبود فضا و اتاق مخصوص برای آزمایشگاه در زحمت نیستید؟  
— بله و به این دلیل بود که نزدیک ففسه‌هایی را - هزینه دانش آموزان لازم و این



مانورهایی داشته باشد و تکنیکهایی را ارائه دهد و دانش آموز را وادار به این کار پیرایش نماید. وقتی علم با عمل و آزمایش، بخصوص با روشهای کم خرج و ساده تلفیق شود هم دبیر از درس دادن لذت خواهد برد و هم دانش آموز خوب یاد خواهد گرفت؛ بنابراین، این ارتباط دو طرفه است.

چه توصیه و پیامی برای همکاران خود در سراسر کشور دارید؟

— پیامی که برای همکاران خود در سراسر کشور دارم این است که درس را با آزمایش پیش ببرند تا دانش آموزان به واقعتهای علمی پی ببرند و روشهایی را به کار گیرند که بیشتر از نیروی خود دانش آموزان استفاده کنند. من در این رابطه تجربه ای دارم که در کنفرانس کرمان مطرح نمودم.



آیا روش عملی شما تنها در تدریس بخش فیزیک کتاب علوم تجربی است یا در بخشهای شیمی و زیست‌شناسی هم همین روش را دارید؟

— فعلاً منحصر به بخش فیزیک علوم راهنمایی بوده و همین طور از کتابهای مختلف غیردرسی که به طور زیراکس در اختیار دانش آموزان قرار دادم، اماد برنامهای آینده پروژه‌هایی در مورد فیزیک، شیمی، فیزیک پزشکی و همین طور زیست‌شناسی دارم.

به نظر شما در برنامه‌ریزی جدید کتاب علوم تجربی دوره راهنمایی چه نکاتی باید مورد توجه قرار گیرد؟

— به نظر من کتابهای راهنمایی از لحاظ مطالب اشکالی ندارد، اما من فکر می‌کنم اگر واحدی را به عنوان کار عملی وارد مدرسه‌ها کنیم خیلی بهتر است! یعنی برای مقطع ابتدایی و همین طور راهنمایی که تأثیر بسیار خوبی در سالهای بالاتر خواهد گذشت و هم دبیران و هم دانش آموزان به عنوان کار اصلی که تکمیل کننده نمره درسی است، مسأله را جدی خواهند گرفت. من این کار را در مدرسه انجام

در پایان از مسؤولان وزارت آموزش و پرورش تقاضای گنجانیدن واحدی عملی برای درس علوم ابتدایی و راهنمایی را دارم که رسماً در برنامه‌های درسی سراسر کشور مطرح شود. برای تدارکات و تنظیم کتابها نیز حاضر به همکاری می‌باشم یعنی حاضریم برای هر مبحثی وسایلی را به کمک بچه‌ها و دانش آموزان بسازیم.

دادم و در طی ۶ ماه سال تحصیلی، ۹۷ وسیله علمی ساختیم که در این کنفرانس به نمایش در آوردم.

چگونه می‌توان دانش آموزان و دبیران را به علوم علاقه‌مند کرد؟

کار دبیر در کلاس بسیار اهمیت دارد، چون کلاس در اختیار دبیر است و دبیر می‌تواند

# نامه‌های شما



ایشان به عنوان راه‌حل‌هایی پیشنهاد کرده‌اند:

۱. ساعات تدریس هر سه درس افزایش یابد یا بعضی مطالب مشکل کتابها حذف و مجموعاً از حجم کتابها کاسته شود.

۲. هر سه کتاب تاریخ، جغرافیا و اجتماعی هر پایه، در یک کتاب به نام علوم اجتماعی گنجانده شود و از حجم مطالب آنها کاسته شود. رشد آموزش راهنمایی: از ایشان به خاطر تدوین نامه مفصل فوق تشکر می‌کند و به اطلاع ایشان می‌رساند:

۱. هم‌گارسناسان دروس مختلف و هم

دبیران عهده‌دار تدریس این دروس همیشه تقاضای افزایش ساعات تدریس دروس را داشته و دارند. به همین منظور شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش دوره راهنمایی

در تاریخ ۱۶ تا ۲۰ آبان ماه سال ۱۳۷۱ اقدام به

برگزاری سمیناری مرکب از صاحب نظران در امر مسائل دوره راهنمایی کارشناسان تهیه و

تدوین برنامه و کتابهای درسی و دبیران محترم دوره راهنمایی کرد هدف از این سمینار این بود که دست‌اندرکاران امر آموزش دوره

راهنمایی در یک جا گرد آید و نسبت به اختصاص ساعات هفتگی، برنامه پیشنهادی برای دوره راهنمایی، رئوس مطالب درسی و

ریز مواد و اهمیت نقش ماده درسی و خلاصه کلیه مباحث مربوط به این دوره نظرات خود را

به صورت مدون و مدلل ارائه کنند.

نتیجه اینکه کلیه گروههای درسی لفظ به درس خود و اهمیت آن توجه داشتند و همگان

خواستار افزایش ساعات درسی بودند که اگر بنا باشد به این خواسته‌ها توجه شود، میزان

ساعات هفتگی کمتر از ۴۵ ساعت در هفته نخواهد بود و حال آنکه یک نوجوان ۱۵-۱۳

ساله دوره راهنمایی ظرفیت و توان یادگیری بیش از ۳۲-۳۰ ساعت در هفته را نخواهد

داشت.

نتیجه آنکه این موضوع هنوز هم در شورای تغییر نظام در دست بررسی است که با توجه به

از: فروغ تن‌ساز

افزایش یابد.

۳. در زمینه درس جغرافیا نیز مطالب کتابها زیاد است و دبیر این درس در طول سال تحصیلی به هیچ وجه فرصت توضیح و تدریس کامل درس را با توجه به ساعات تعیین شده ندارد.

راه‌حل: در این مورد نیز ایشان راه‌حل را افزایش ساعت تدریس جغرافیا از یک ساعت

به ۲ ساعت در هر سه پایه پیشنهاد کرده‌اند. ایشان در پایان نامه خود معایب نظام آموزشی

فعلی در زمینه دروس علوم اجتماعی دوره راهنمایی را به شرح زیر برشمرده‌اند:

۱. عدم درک و فهم کامل مطالب کتابها با توجه به ساعات پیشنهادی در هفته

۲. بیش از حدی اهمیت جلوه دادن دروس علوم اجتماعی

۳. مجموعه عوامل فوق سطح آموزش را تنزل می‌دهد.

۴. کاهش سطح آموزش و سایر عوامل سبب افت تحصیلی بیش از حد دروس فوق

می‌شود که هم اکنون شاهد آن هستیم.

آقای علیرضا میر سرگروه محترم علوم اجتماعی منطقه سبب و سودان طی نامه‌ای اهم مشکلات درس علوم اجتماعی دوره راهنمایی را به شرح زیر طبقه‌بندی و خودشان نیز راه‌حلهایی را ارائه کرده‌اند:

۱. حجم زیاد کتابهای تعلیمات اجتماعی، به خصوص کتابهای اجتماعی اول و دوم.

راه‌حل: افزایش ساعات تدریس در هر سه پایه از یک ساعت به دو ساعت و کم کردن

حجم کتابها به خصوص کتاب تعلیمات اجتماعی دوم راهنمایی.

۲. ارائه اسامی مشکل در کتابهای تاریخ دوره راهنمایی و حجم زیاد مطالب کتابهای تاریخ این دوره.

راه‌حل: حذف یا کاهش اسامی مشکل که

فهم و یادگیری آنها برای دانش‌آموزان مشکل است. بهتر است روش ارائه مطالب کتاب

تاریخ به صورت داستانی باشد. در این صورت یادگیری بهتر انجام می‌شود مضافاً اینکه باید

ساعات تدریس درس تاریخ نیز در پایه اول به ۲ ساعت و در پایه‌های دوم و سوم به ۳ ساعت



روند تاریخی تعلیم و تربیت جهانی، ظرفیت و توان یادگیری دانش‌آموزان مواد درسی مختلف و سایر مسائل مورد توجه باید این حداکثر ۳۲ ساعت در هفته را میان دروس مختلف تقسیم کند.

بنابراین به نظر ما افزایش ساعات درسی شاید چندان میسر نباشد اما کاهش دروس مختلف و کاهش ارائه مفاهیم مختلف از مواردی است که امکان‌پذیر می‌نماید.

۲. کتاب جدید التالیف تعلیمات اجتماعی دوم راهنمایی در سال تحصیلی ۷۳ - ۷۲ بر اساس بررسیهای انجام شده در سال ۱۳۷۱، و استفاده از پیشنهادهای دبیران محترم مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته است. به عنوان نمونه بعضی از قسمت‌های کتاب برای مطالعه آزاد در نظر گرفته شده و در ارزشیابی دانش‌آموزان منظور نخواهد شد.

در زمینه کتابهای تاریخ نیز اصلاحات کلی مختلف انجام شد که در گزارش گروه تاریخ که در همین شماره ارائه شده منعکس است.

۳. کم توجهی به رشته‌های علوم انسانی از مشکلات فعلی اجتماعی و فرهنگی جامعه ما محسوب می‌شود و حل آنها از عهده کتابهای درسی خارج است.

— آقای علیرضا بستانیان دبیر محترم علوم اجتماعی شهرستان کازرون طی نامه‌ای محبت‌آمیز از انتشار رشد آموزش راهنمایی که در ارتقاء سطح علمی دبیران و همکاران فرهنگی بسیار مؤثر است، اظهار خوشوقتی فرموده و نکاتی را به شرح زیر یادآور شده‌اند:

۱. تدریس سه درس تاریخ، جغرافی و اجتماعی، با توجه به وسعت و دامنه‌ی زیادی که هر یک از این سه علم دارند، توسط یک دبیر بسیار مشکل است.

۲. ساعات تدریس هفتگی با محتوای کتابها هماهنگی ندارد.

۳. با توجه به افت تحصیلی زیادی که در دروس علوم اجتماعی وجود دارد بهتر است با ایجاد دوره‌های آموزشی کوتاه مدت، یا

غیر حضوری، هر چه بیشتر سطح معلومات دبیران عزیز این رشته را گسترش داد.

۴. قسمت معرفی کتاب مجله را گسترش دهید و کتابهایی را در زمینه علوم اجتماعی معرفی کنید.

در پاسخ این همکار عزیز به اطلاع می‌رسانیم:

۱ — پیشنهاد گرایشی شدن سه ماده درسی تعلیمات اجتماعی، جغرافیا و تاریخ (منظور انتخاب واحدهای درسی با توجه به گرایش، علاقه و تدریس درس مورد نظر در آینده است) به اتفاق آرا از طرف سه گروه درسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی به اطلاع اداره کل آموزشهای ضمن خدمت رسیده است و کارشناسان مسؤول این سه گروه طی جلساتی که با مسؤولان آموزشی ضمن خدمت داشته‌اند ضرورت این امر را اظهار داشته‌اند، اما متأسفانه تا کنون در این مورد اقدام مشخصی صورت نگرفته است.

۲ — دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی ضرورت رشته علوم اجتماعی در دوره‌های عالی آموزش فرهنگیان کشور را طی نامه‌ای به اداره کل آموزشهای ضمن خدمت منعکس کرده و درخواست شده که به نحوی امکان ادامه تحصیل دبیران محترم این رشته فراهم گردد. پس از چندین جلسه فرارشد که این خواسته در کنکور سال ۷۲ این اداره کل مورد توجه قرار گیرد و در کنکوری که در اردیبهشت ماه سال جاری برگزار شد امکان ادامه این رشته از مقطع کاردانی به کارشناسی فراهم شد.

۳ — در تاریخ ۱۷ و ۱۸ شهریور، دو نوار ویدئویی به مدت ۵ ساعت برای توجیه برنامه‌های جدید تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی ضبط و به مراکز استانها فرستاده شد و چگونگی استفاده از این نوارها نیز طی بخشنامه‌ای ابلاغ گردید. همچنین مؤلفان و کارشناسان گروه علوم اجتماعی آماده‌اند که با هماهنگی قبلی استانها برای توجیه دبیران

محترم این درس در گردهماییهای استانی دبیران علوم اجتماعی شرکت کنند.

۴ — گرچه هدف اساسی کتابهای تعلیمات اجتماعی، انتقال صرف مفاهیم جامعه‌شناسی نیست، اما برای تدریس بهتر این درس لازم است که دبیران محترم اطلاعاتی در زمینه جامعه‌شناسی داشته باشند. پیشنهاد می‌شود که کلیه دبیران علوم اجتماعی، بخصوص دبیران محترمی که در رشته‌های غیر علوم اجتماعی تحصیل کرده‌اند با مطالعات جنبی در زمینه جامعه‌شناسی این مشکل را حل کنند. همچنین تأکید می‌شود که کتابهای جدیدالتالیف تعلیمات اجتماعی همراه با راهنمای معلم آن به عنوان یک مجموعه واحد در نظر گرفته شود و مدرسان محترم قبل از تدریس، همه فصلها و بخشهای کتاب راهنمای معلم را مطالعه کنند.

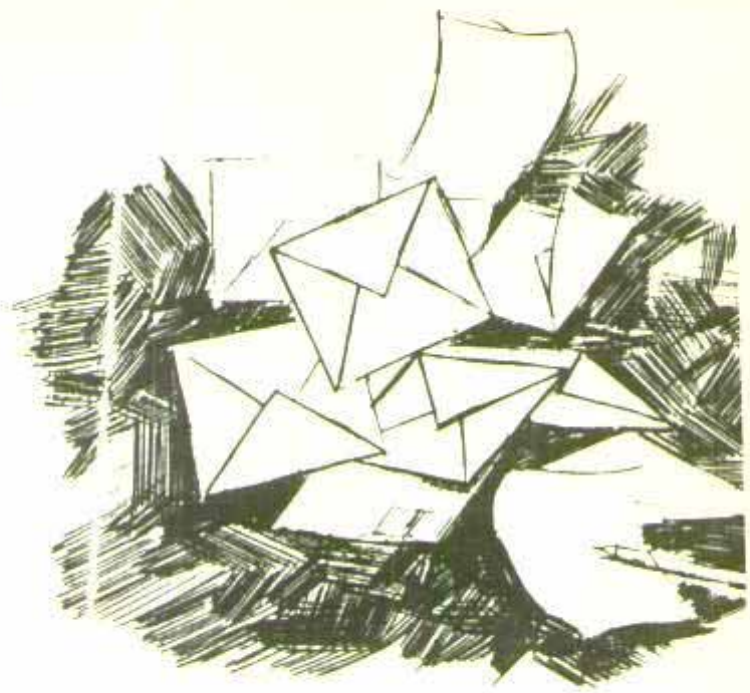
۵ — در مورد معرفی کتابهای علوم اجتماعی که تقاضا کرده بودید، در این شماره دو کتاب مرتبط با علوم اجتماعی معرفی شده است که امیدواریم مورد استفاده قرار گیرد.

آقای شمس، رحیمی دبیر محترم شناخت حرفه‌وفن در شهر روانسر از شهرهای استان باختران با نامه‌ای محبت‌آمیز از انتشار مجله‌ای خاص دوره راهنمایی تشکر و قدردانی کرده‌اند و نوشته‌اند که طرح تحقیقی در مورد حرفه‌وفن انجام داده‌اند و مایل هستند از این طرح استفاده شود.

از این همکار محترم می‌خواهیم که مقاله تحقیقی خود را برای مجله رشد آموزش راهنمایی ارسال فرمایند، در صورت مناسب بودن نسبت به چاپ آن اقدام خواهیم کرد.

آقای عبدالعزیز فیروزی دبیر ریاضی دوره راهنمایی آموزش و پرورش شهرستان گراش از استان فارس از گردانندگان رشد آموزش راهنمایی برای انتشار این مجله تشکر کرده‌اند و نوشته‌اند

— «از چند سال پیش که درس زبان



۱۸/۷۵ می‌شود و اگر از طریق نسبت بازوی محرک به مقاوم محاسبه شود، جواب مزیت مکانیکی ۲۵ می‌شود و این امر برای دانش‌آموزان موجب اشکال می‌شود.

— نامه شما به گروه فیزیک دفتر برنامه‌ریزی و تألیف ارسال شد چنین پاسخ داده‌اند.

هر دو جواب درست است ولی یکی مزیت واقعی است ۱۸/۷۵، و یکی مزیت کامل است (۲۵). اما از آنجا که در کتاب بحث واقعی و کامل برای مزیت نکرده است و هیچ بحثی نیز در مورد مزیت هنگامی که بازده صددرصد باشد، نیست (به عبارت دیگر اصطکاک وجود دارد) لذا دانش‌آموزان متوسل و بگران می‌شوند و حق با شماست.

آقای علی ایهامی دبیر قرآن مدرسه راهنمایی غیر انتفاعی خوارزمی از صهبان طی نامه‌ای مفصل مواردی را یادآور شده‌اند، از جمله اینکه:

۱- در شماره‌های گذشته مجله هیچ نامی از درس قرآن، شیوه ارزشیابی و چگونگی تدریس آن به میان نیامده است.

۲- در تدوین و تنظیم کتاب قرآن سوم راهنمایی خلأهایی موجود است.

۳- چند صفحه‌ای که مربوط به قرآن صبحگاهی در کتابهای قرآن چاپ شده است با توجه به اینکه برای آگاهی ستادهای قرآن مدارس و مربیان پرورشی جداگانه به چاپ رسیده است، اضافی است.

۴- جدول اخلاق و فنار دانش‌آموزان در منزل و مدرسه محل نظم کلاس است.

۵- شعارهای هفته که در انتهای کتاب انباشته شده است در کل کتاب پراکنده گردد. با تشکر از این همکار محترم به اطلاع می‌رسانیم.

گردانندگان مجله بسیار مشتاق و علاقمند هستند که در تمامی شماره‌های مجله، مطالب متنوع مربوط به همه سواد مختلف درسی

مقاله‌ای تحقیقی در مورد «عید نوروز از دیدگاه اسلام» را برای چاپ در مجله مخصوص بهار فرستاده بودند که متأسفانه وقتی به دست ما رسید که شماره ۳ مجله زیر چاپ بود و مقاله ایشان برای شماره ۴ یعنی این شماره نیز از نظر زمان و فصل مناسب نبود، در هر حال از ایشان بسیار متشکریم.

— آقای ناصر سلیم سرگروه علوم تجربی منطقه گراش استان فارس، ضمن نامه‌ای محبت آمیز و اظهار خوشوقتی از انتشار مجله رشد آموزش راهنمایی، پرسش شماره ۱۶ علوم سوالات امتحانات نهایی خرداد ۷۱ را از جهت وضوح مورد نقد فر داده و گفته‌اند در سؤال مذکور آمده است که مزیت مکانیکی را از یک راه دلخواه محاسبه نمایند. ایشان اضافه کرده‌اند با توجه به اینکه در مقطع راهنمایی در کتاب نوشته شده که برای محاسبه مزیت مکانیکی باید از تمام مقاومتها صرف‌نظر کرد، یعنی بازده صددرصد باشد. با توجه به اینکه در سؤال بازده را ۷۵ درصد ذکر کرده‌اند، لذا جواب این سؤال اگر از طریق نسبت نیروهای مقاوم به محرک محاسبه شود

انگلیسی دوره راهنمایی از کلاس دوم شروع می‌شود و سال اول این درس را نمی‌خوانند، از جهت حروف الفبای انگلیسی که در کتابهای ریاضی وجود دارد، هم برای دانش‌آموزان و هم دبیران مشکل ایجاد شده است. برخی از دبیران حرف  $\lambda$  را  $\mu$  بزرگ و برخی وی تلفظ می‌کنند و از این جهت در سال دوم دانش‌آموزان دچار مشکل می‌شوند. بهتر است دوره‌های گارآموزی برای دبیران ریاضی گذاشته شود تا این مشکل رفع شود.

رشد آموزش راهنمایی: با تشکر از شما، به نظر نمی‌رسد که از این نظر مشکل حسادی وجود داشته باشد. چه اینکه از تعداد محدودی حروف انگلیسی در کتابهای ریاضی استفاده می‌شود که دبیران محترم ریاضی می‌توانند قبل از تدریس درس خود طی یک یا دو جلسه آنها را به دانش‌آموزان آموزش دهند. از جهت تلفظ متفاوت حروفی مثل  $\lambda$  (بزرگ یا وی) نیز این گونه حروف که تلفظ متفاوتی داشته باشند بسیار اندک هستند و چندان مشکل‌آفرین نیستند.

آقای محمد بهرامیان از همدان طی نامه‌ای

گنجایده شود و از این نظر قرآن که هم درس مدرسه است و هم کتاب زندگی. هم درمان روح است و هم شفای تن، هم راه این دنیا را نشان می‌دهد و هم صلاح آخرت را ارجحیت کامل نسبت به سبقه مصاد درسی دارد. اما نباید گروه‌های درسی سازمان، خوانندگان مجله، و مربیان و معلمان عزیز ما را یاری کنند تا بتوانیم با دریافت مقالات و مطالب مفید مرتبط با درس، مجله را با محتوای کامل، غنی و پربار منتشر کنیم.

خوشبختانه در این شماره مقاله تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی مطالبی درمورد نفوذ قرآن کریم در کتابهای فارسی دارد که اگرچه با درس قرآن کاملاً مرتبط نیست اما نکات مفیدی برای معلمان قرآن نیز دارد. در هر حال نامه جنابعالی به گروه قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی داده شده و این گروه محترمه نیز به موارد زیر اشاره داشتند.

— درمورد قرآن سوم راهنمایی مطالبی که در قسمت آموزش قرائت در چاپ ۱۳۷۱ آمده است، در ۴ درس اول آشنایی با قرآن مجید و یادآوری مخارج حروف می‌باشد که لازم است و یادگیری آن مستلزم تکرار می‌باشند و در درسهای بعدی مطالبی در شیوه‌های علامت‌گذاری در قرآنهای مختلف برای قرائت استفاده کند. بنابراین مطالب کتاب آموزش قرآن سوم راهنمایی با سأل‌های قبل تفاوت دارد. امید است مطالبی درمورد درس قرآن در رشد راهنمایی داشته باشیم و توضیحات بیشتری را درمورد کتابهای قرآن مطرح کنیم. سایر مطالب نامه چنانکه می‌دانید مربوط به قرآن صبحگاهی و مسابقات قرآن است و درس موظف کلاس نمی‌باشد. آنها را با مسئولین مربوطه مطرح می‌کنیم چنانچه مورد قبول و توجه قرار گرفت اعمال خواهد گردد. با تشکر مجدد و آرزوی توفیق بیشتر برای شما

نامه‌ای هم از برادر سید ضیاءالدین موسوی دبیر علوم اجتماعی مدارس

راهنمایی منطقه دهقان اصفهان داشتیم بعلت طرح برخی مسایل آنرا عیناً چاپ می‌کنیم. ما هم امیدواریم که به دروس علوم انسانی توجه بیشتری مبدول شود.

با نام و یاد خداوند متعال، خالصانه‌ترین سلام‌ها و درود خویش را از راه دور تبار شما دست‌اندرکاران مجله رشد راهنمایی می‌نمائیم. دستهای توانای شما را به گرمی ارزش مطالب مجله‌تان می‌فشارم و از خداوند متعال آرزوی توفیق شما و استمرار این حرکت سازنده را دارم. مجله رشد راهنمایی شماره ۳ را مطالعه نمودم در مجله فرمی مربوط به نظرخواهی از دبیران جغرافیا در خصوص نقشه گنگ چاپ شده بود لازم دیدم مطالبی مختصر در ارتباط با اهمیت دانش جغرافیا و نقشه‌خوانی در آن را بیان نمایم.

جغرافیا دانشی گسترده و دارای ارتباط عمیق با مباحث ریاضیات، اقتصاد، طبیعت، جمعیت (انسان) و حتی سیاست است.

باید اذعان نمود که بیان و تدریس مطالب جغرافیا بدون کمک‌گیری از وسایل کمک آموزشی کاری است مشکل و طاقت فرسا. در حال حاضر در نظام آموزش و پرورش ایران وسایل کمک آموزشی مربوط به جغرافیا بسیار محدود است و آنچه که در این خصوص می‌توان یافت نقشه و کره جغرافیایی است اما از دیگر امکانات مانند عکس، اسلاید، فیلم، فرهنگ‌های جغرافیایی و افلاک‌نما... خبری نیست به جرأت می‌توان گفت حتی برای دبیران این رشته این وسایل در حد شنیدن اسم آنها محدود شده است هر چند ممکن است در بعضی از مناطق غنی چنین امکاناتی باشد ولی این محرومیت جنبه عمومی دارد.

به عقیده من علم جغرافیا هنوز جایگاه واقعی خود را در جامعه ما کسب نکرده است و زمانی که صحبت از جغرافیا به میان می‌آید بسیاری آن را علم معرفی کشورها و پایتخت‌ها و رودها معرفی می‌کنند و بیس. اما رسالت این علم بسیار بالاتر از آن است که در حال حاضر

بدان توجه می‌شود امروزه در بسیاری از کشورهای جهان این علم پایه و اساس بسیاری از تحقیقات و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی، فضایی... می‌باشد چرا که جغرافیا پدیده‌ها را در زمان و مکان‌ها گوناگون مورد مطالعه قرار می‌دهد و ارتباط و پیوستگی آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و نتیجه‌گیری می‌نماید و حاصل نتیجه را در برنامه‌ریزی‌ها مورد استفاده قرار می‌دهد.

وظیفه دبیران جغرافیا این است که واقعیت این علم را هر چه بیشتر درک نموده و در جایگزینی این شاخه از علوم در سکوی ارزش علمی اش تلاش لازم را مبدول دارند.

استفاده از وسایل کمک آموزشی حتی در محدوده نقشه و کره لازم و ضروری است باید به نقشه خوانی (نقشه گنگ) در سطوح مختلف تحصیلی اهمیت داده شود چرا که وقتی دانش آموز آموخته‌های خود را از روی نقشه می‌خواند و یا روی نقشه پیاده می‌کند مطالب را عمیق‌تر درک می‌کند و از فراموشی مطالب نا حدود زیادی نجات می‌یابد در این خصوص حتی اگر به نقشه خوانی در جغرافیا ۴ الی ۵ نمره هم اختصاص دهیم دارای ارزش علمی است و به بیراهه نرفته‌ایم.

اما یک مطلب را از نظر نباید دور داشت، عدم پیوستگی، گنگ بودن مطالب، حجم کتاب از همه مهمتر عدم هماهنگی محتوای کتاب با ساعت درسی معضلی است که گسربانگیر دروس علوم اجتماعی خصوصاً جغرافیا است چرا که هر چه مطالب از لحاظ تنوع کمتر و توضیحات بیشتر باشد بهتر از گستردگی و ناموزنی و نامتعارف بودن آن است امید است انشاء... مسئولین و برنامه‌ریزان آموزشی توجه خاصی در این خصوص داشته باشند که شاید روزنه‌ای امید بخش برای نظام آموزشی جامعه اسلامیان باشد.



## مهارتها و

# روشهای اختصاصی در آموزش

## دینی

محمدعلی سادات

در مقاله زیر که به شرح روشهای اختصاصی در آموزش دینی پرداخته است از مباحث قدرت انعطاف، اعتدال در آموزش دینی، لزوم برخورداری از بیش فرهنگی و مسایل مختلف دیگری که برای معلمان و به خصوص معلمان درس تعلیمات دینی بسیار مفید است، سخن به میان آمده است. رشد آموزش راهمایی از آقای مهندس سادات نویسنده مقاله و سرگروه درس تعلیمات دینی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی صمیمانه سپاسگزار است.

### قدرت انعطاف

یکی از مسائل مهمی که توجه به آن در درس دینی از اهمیت زیادی برخوردار است، این است که آمادگی، حساسیت و زمینه فکری دانش آموزان نسبت به درس دینی یکسان نیست. بعضی از دانش آموزان در خانواده های مذهبی و تحت تعلیم و تربیت دینی رشد کرده آمادگی بیشتری برای دریافت آموزشهای مذهبی دارند. برخی دیگر در خانواده هایی بزرگ شده اند که با توجه چندانی به دین ندارند یا سبک و روش عملی آنها بکلی با سبک و روش دینی معارض است و بین این دو قطب معارض، طیف گسترده ای قرار دارد که نمونه های آن را عملاً در جامعه

می توان مشاهده کرد. حتی از خانواده هایی هستند که بظاهر به آداب دینی تقید شدید دارند، اما به دلیل عدم برخورداری از رشد فکری، روشهای تعصب آمیز و خشنی را در تربیت فرزندان خود در پیش می گیرند که نمی توان انتظار این قبیل تربیتهای خانوادگی را در آینده این کودکان ندیده گرفت.

به هر حال، با توجه به تنوع فرهنگهایی که در سراسر کشور و حتی در داخل شهرهای بزرگ وجود دارد، می توان حدس زد که چه تنوع و تفاوتی در زمینه های فکری و روانی دانش آموزان نسبت به مسائل دینی باید وجود داشته باشد.

مسلم این است که نمی‌توان برای هر گروه و دسته‌ای، برنامه خاصی تهیه کرده و کتاب بخصوصی تألیف نمود. از سوی دیگر نباید انتظار داشت که یک کتاب و برنامه واحد بتواند پاسخگوی این نیازهای متنوع باشد؛ پس چه باید کرد!

کلید حل این مشکل اساسی در دست معلم و قدرت اعطاف اوست، زیرا کتاب درس دینی را می‌توان با چنین انعطافی تألیف کرد و اصولاً از کتاب درسی نباید چنین انتظاری داشت. کتاب درسی با توجه به اصول کلی و با عنایت به وضعیت میانگین در سطح کشور، از محورهایی بحث می‌کند که این محورها باید در همه جا کم و بیش محفوظ باقی بماند، اما شیوه تدریس آن در شرایط کاملاً متفاوت، برعهده معلم است؛ یعنی همان مطلب واحد در یک محیط فرهنگی و اجتماعی به نوعی و در محیط دیگر به نوعی دیگر باید تدریس شود و معلم دینی با توجه به جو فکری و روانی دانش‌آموزان، خود باید درباره چگونگی تدریس تصمیم بگیرد. مثلاً اگر در یک کلاس که همه یا اکثریت دانش‌آموزان، افرادی معتقد و پایبند به دین هستند، استفاده از آیات و روایات در آغاز درس مفید و مؤثر است و در کلاسی دیگر که دانش‌آموزان در چنین وضعیت فکری و روانی نیستند، این کار نه تنها مفید نیست؛ بلکه حتی به صلاح نیز نیست. در چنین وضعیتی، بهتر است پس از آماده ساختن ذهنها و با تحلیل‌های علمی و عقلی در نهایت از یک آیه یا روایت (که زمینه درک اصالت و عظمت آن فراهم شده است) استفاده کرد.

نکته حائز اهمیت دیگر این که بسیاری از مسائلی که برای معلم دینی جزء مسلمات است، چه بسا برای همه یا برخی از دانش‌آموزان مورد اشکال باشد که وظیفه و رسالت درس دینی است که این اشکالها و شبهه‌ها را به روشی منطقی از صفحه ذهن دانش‌آموزان بزداید و به پرسشها و تردیدهای آنها در زمینه مسائل اعتقادی پاسخ گوید؛ بنابراین نباید تعجب کرد که برخی دانش‌آموزان کم و بیش تردیدهایی حتی در زمینه مسائل اساسی داشته باشند. زیرا دوران سوجوانی که دوران آغاز حیات عقلی است. دوران پیدایش تردیدها نیز هست و سوجوانی که تفکر در مسائل مهم و حیاتی خود را آغاز کرده است، به کمک و راهنمایی نیاز دارد تا بتواند تردیدها را به روش اصولی

برطرف سازد و به نظام فکری مطمئنی دست یابد؛ بنابراین معلم دینی هرگز نباید با کسی که دستخوش تردید شده یا به عللی نظریات مخالفی دارد برخورد تند داشته باشد؛ او را ملامت کند یا با بی‌مهری و بی‌اعتنایی با او برخورد کند؛ از شیوه‌های تعصب‌آمیز استفاده کند و یا انتظار داشته باشد که همه دانش‌آموزان مانند او فکر کنند یا در برابر عقاید او تسلیم باشند؛ بلکه معلم دینی باید این اعتماد را در دانش‌آموزان به وجود آورده که براحتی و یا اعتماد کامل بتوانند مسائل و اشکالات و شبهه‌های خود را با او در میان بگذارند و با راهنماییهای صمیمانه و روشنگرانه او به حل مسائل و یافتن پاسخ پرسشهای خود بپردازند. البته معلم دینی نباید دانش‌آموزان را در پذیرفتن پاسخهایی که به سوالات آنها می‌دهد، در تنگنا قرار دهد و انتظار داشته باشد که در یک یا دو جلسه تفسیر کلی در آنها به وجود آید؛ بلکه باید به آنها فرصت دهد که درباره پاسخهای معلم فکر بکنند و اگر اشکالی به نظرشان می‌آید مجدداً مطرح سازند. همچنین معلم دینی اگر پاسخ آماده‌ای برای بعضی پرسشها ندارد، باید بصراحت از دانش‌آموزان فرصت بخواهد که پس از مطالعه بیشتر به پاسخ بپردازد که البته این امر، بر اعتماد دانش‌آموزان نسبت به وی می‌افزاید. در هر حال معلم نباید مسائل را با تعصب حل کند؛ بلکه باید سعی کند راه‌حلهای کاملاً منطقی و اصولی برای مسائل آنها ارائه دهد و از دانش‌آموزان دیگر نیز در یافتن این راه‌حلهای کمک بگیرد. از این جا می‌توان دریافت که لازمه ارشاد نسل جوان که به طور طبیعی ذهنی آمیخته به انواع شبهات و پرسشها دارد، بلندنظری و سعه صدر است که در شیوه برخورد بزرگان دین با نظرات مخالف بخوبی مشهود است؛ بخصوص اگر توجه کنیم که برخی از دانش‌آموزان در محیطهای نامساعد خانوادگی بزرگ شده و از توجه لازم و تعلیم و تربیت اصولی برخوردار نبوده‌اند و به طور کلی در دوران کودکی در محیط خانواده و مدرسه و جامعه همواره با روشهای غلط تربیتی مواجه شده‌اند و حال که نوجوانی را سبزی می‌کنند، هیچ پشتوانه‌ای در زندگی نداشته و جز حیرت و اضطراب دوره نوجوانی که بر انبوه مشکلات آنها افزوده است، دسترسی به هیچ پناهگاه فکری و روحی ندارند. در چنین شرایطی است که معلم دلسوز باید با درک مشکلات و گرفتاریهای دانش‌آموزان خود، با

بسیاری از مسائلی که برای معلم دینی جزء مسلمات است، چه بسا برای همه یا برخی از دانش‌آموزان مورد اشکال باشد و وظیفه و رسالت درس دینی است که این اشکالها و شبهه‌ها را به روشی منطقی از صفحه ذهن دانش‌آموزان بزداید.

# دین

صیرت و بلند نظری و از روی مهر و عطف به باری آنها شنیدند و به حل مشکلات فکری و اخلاقی آنها پرداختند.

## اعتدال در آموزش دینی

یکی از مشکلات اساسی در آموزش دینی تنوع بیساز معلمان دینی است. این تنوع بیش از آن است که هر کس بر اساس سوابق تحصیلی و حساسیتهای فکری و روحی، بعد خاصی از تعالیم دینی در نظرش جلوه پیدا کرده و سایر ابعاد را تحت الشعاع قرار داده است. مثلاً برخی به اصول عقاید، بعضی به مسائل اجتماعی و اقتصادی و عده‌ای به حکامه اهمیت بیشتری می‌دهند. بعضی دیگر اخلاق را محور آموزشهای دینی می‌دانند؛ برخی توجه به جهات احساسی و عاطفی را بیشتر می‌بینند؛ بعضی مستجابیل به فلسفه و باجهای عقلی استدلالی هستند و برخی گرفتار عرفانی درسه و عده‌ای مخالف فلسفه و عرفان بوده معتقدند نباید زیاد بر آن بحث و رویات یا بیرون نهاد و طبیعی است که هر کدام از اینها توقع دارند که کتاب و برنامه‌های درسی بر بیس اساس باشد و جز آن را احراف می‌دانند. این معلمان در کلاس نیز قطعاً آنچه را خود خوانده‌اند و می‌دانند، تدریس می‌کنند.

قالبی بدون توجه داشت که اسلام دینی جامع است و ویژگی «جامعیت» و «خدا بعدی» بودن را خصوصیت بارز آن است. توجه به یک رشته از معارف و تعالیم دینی و یکی به رشته‌های دیگر، یک بعدی بودن و یک بعدی بار آوردن است که مخالف با روح تعالیم اسلامی است. در آموزشهای اسلامی همه سازندگی فکری از طریق استدلالهای عقلی و فلسفی، همه پرورش استعدادهای عالی، وحشی از طریق عرفان و اخلاق و همه شکوفایی بعد اجتماعی از طریق ایجاد بیش از اجتماعی و... مورد توجه است و عقیده در این است که کسی بتواند هر عامی را در جای خود ببیند و نشاند و یکی را به نفع دیگری زمین خارج نکند. علت گرفتاریهای ما در تعبیه و تربیت دینی در یک جنبه‌نگریها و دوری از جامعیت موجود در اسلام است. یکی از کمبالاترین و در عین حال والاترین هنرها در عالم تعبیه و تربیت دینی، رسیدن به چنین اعتدال فکری و جامعیت در تحقیقات است. بر این اساس کتابهای درسی دینی باید تا حد ممکن بین جامعیت را منعکس سازد و تنها با نظر به یک

جنبه خاص نباشد، ولی مهمتر از کتاب، نقش معلم است که باید همواره به این جامعیت نظر داشته باشد و در بیان اهمیت یک جنبه از تعالیم دینی چنان سخن نگوید که بر نظر فراگیر جهات دیگری ارزش قلمداد شود.

دانش آموزان در مواجهه با معلمان گوناگون در سبکهای مختلف و برخورد با سلیقه‌های گوناگون، گاهی دچار نوعی سردرگمی و حیرت می‌شوند و نمی‌دانند بالاخره کدامیک از آنها درست است و تکلیف آنها در این میان چیست. اگر چه این مشکل آن است که معلمان دینی، خود را مبره به اجرای برنامه‌ها بصواب سازند تا از این طریق، خط مشی و وحدی در سراسر کشور به صورت احسن گسترده شود، همچنین تلاش کنند که سلیقه شخصی خود را سرسیره بزرگان این منظومه سازند. در زمان حاضر، راه و روش عملی آمده‌ها همین است. راه می‌شود تا گوی رسته‌ای از بیس احدی نیست. همچنین توجه و التزام به سیره و عملی بزرگان دیگر چون استاد علامه طباطبائی و استاد شهید مرتضی مطهری که از ارکان آموزش دینی در روزگار ما بوده‌اند، در جهت وحدت سلیقه بسیار مفید خواهد بود.

## تثویر بر پرورداری از بیس فرهنگی

ممکن است کسی از بیس شعری یا فلسفی برخوردار باشد و با نگاه نظر انتظامی با مباحث اخلاقی، فقهی، زیوی و غیره در سطح بیس ادبی باشد و به مراتب بالاتری از اسلام اسلامی، با آن اهدا داشته، اما از بیس فرهنگی صمیمی برخوردار نباشد. یعنی نتواند فرهنگ جامعه خود را به خوبی بشناسد. این هفتاد و گمباید است می‌شود که چنین فردی به بین‌ها و مقتضای پروردگار خود می‌تواند که هفتاد و گمباید و بیس خبری، سوابق و سوره در او سوار و هفتاد و گمباید جوانی بخصوص سل حسیه است که هفتاد و گمباید و زبانی با عیوس و مفهوم عربی آن می‌سازد. چنین فردی به علت بی خبری از حوا فکری و روحی حاکم بر فراگیر و... سندی است و حساسیتی آن، از قدرت تفهیم کمتری برخوردار خواهد بود و طبیعتاً می‌ماند که از معرض حیدر و سابع در من مبره بی اطلاع است و توانایی در زمان آنها را نیز ندارد. این مسأله در زمان حاضر که عصر ارتباطات به گزیده است، با آمدن بسیاری مطرح است و معنی و سرشت

— اسلام دینی جامع است و در سبک «جامعیت» و «خدا بعدی» بودن از خصوصیات بارز آن است.

ارتباطات در سطح جهانی سبب شده است که فرهنگهای گوناگون از یکدیگر متأثر شوند و مسائل جدید و نیازهای نو به وجود آید؛ بنابراین در زمان حاضر نمی‌توان تصور کرد که فرهنگ کشوری از این نوع تأثیر و تأثرات به دور ماند. به قول یکی از متفکران، جهان امروز «دهکده بزرگ» است؛ یعنی همچنان که در زندگی روستایی ارتباط بسیار نزدیک بین خانوادها و سرنوشت آنها وجود دارد و بیوندمحکمی زندگی افراد را به هم متصل می‌سازد، در جهان کنونی نیز به علت گسترش ارتباطات، چنین پیوند و ارتباطی بین کشورهای مختلف و فرهنگهای آنها به وجود آمده است؛ بنابراین هر هرابط کنونی نه تنها آشنایی با فرهنگ جامعه خود و مسائل و نیازهای آن، بلکه حتی آشنایی با جریانات فرهنگی جهان نیز امری اجتناب‌ناپذیر است. اگر ما امروز به علت بی‌توجهی به موضوع جهانی نتوانیم موجهایی را که در حال به وجود آمدن در نقاط حساس دنیا است، بشناسیم، زمانی که نتوانیم خود را در معرض تلاطم ناشی از این امواج خواهیم یافت و معلوم نیست در چنان شرایطی بتوانیم تعادل خود را حفظ کنیم؛ از این رو آموزش دینی در زمان حاضر از حساسیت زیادی برخوردار است و با زمانهای گذشته قابل مقایسه نیست. مریبان دینی جامعه باید نسل جدید را چنان تربیت کنند که توان مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه را در زمان حال و آینده داشته باشند. معلمی که در یک شهرستان دور افتاده آموزش فکری و معنوی جوانان را به عهده دارد نباید فقط امروز را در نظر داشته باشد، بلکه باید به فکر و ملاحظاتی باشد که شاگردان او چون او بزرگسالی و این جا با انواع مسائل و حوادث روبه روی شوند و اگر از سادگی قسمتی برخوردار نباشند، بواسطی ظلمت کربان و شکنان خواهند شد.

تعالیم اسلامی ضرورت آشنایی با زمان سفارش شده است. حضرت امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: «العالم بزمانه لانهجه علیه اللوائس: کسی که آگاه به روزگار خویش باشد، مورد هجوم شبهه‌ها فرار نمی‌گیرد.»

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «فرزندان خود را برای زمانی که در آن زندگی خواهند کرد، تربیت کنید.» از این جمله چنین استفاده می‌شود که نظام تعلیم و تربیت نه تنها باید به مقتضیات روز توجه داشته باشد؛ بلکه باید نیازهای آینده را نیز در نظر داشته باشد. کسی که به اوضاع

اجتماعی و فرهنگی زمان خویش ناآشناست، در واقع در زمان حال زندگی نمی‌کند. زبان او زبان گذشتگان و افکار او افکار گذشتگان است. کسی که این چنین از محیط فرهنگی جامعه خود دور است، چگونه می‌تواند نقش سازنده‌ای در هدایت فرهنگ جامعه خود داشته باشد؟ از این رو، یکی از مهمترین لوازم تبلیغ و تعلیم «روزگارشناسی» و «زمان آگاهی» است که از اجزاء مهم «بینش فرهنگی» است.

معلم دینی باید از طریق مطالعه مستمر، شرکت در سخنرانیها و محافل فرهنگی و به طور کلی حضور در جریانهای فرهنگی جامعه اطلاعات و معلومات لازم فرهنگی را کسب کند و این یکی از مهمترین و حیاتی‌ترین نیازهایی است که دبیران دینی ما باید به آن توجه کنند. تعلیم و تربیت دینی ما باید از چنان عمق و محتوایی برخوردار باشد که نسل جوان جامعه را برای حضور در عرصه فرهنگی جهان آماده سازد، به گونه‌ای که بتوانند در جریان برخوردهای فرهنگی که روز به روز بر دامنه آن افزوده می‌شود، از خود باخنگی و جذب شدن به جریانهای فرهنگی بیگانه در امان باشند. نگاهی به اوضاع عمومی جهان نشان می‌دهد که دنیای معاصر بیشتر در حال حرکت به سوی برخوردهای فرهنگی است و در آینده نزدیک اصلی‌ترین عامل در تعیین سرنوشت ملتها و پیروزی یا شکست آنها همین برخوردهای فرهنگی خواهد بود؛ از این رو معلمان دینی باید با برخورداری از بینش عمیق فرهنگی و آشنایی با مسائل سیاسی و اجتماعی روز و مسائل جهانی، موجبات ارتقای سطح فرهنگی نسل فرد را فراهم آورند و از این طریق بر جاذبه درس دینی بیفزایند. اگر درس دینی در مسائل نظری و کلامی - آن هم به سبک سنتی و قدیمی - محصور شود و با مسائل روز سروکار پیدا نکند، ممکن است دانش‌آموزان این گونه تلقی کنند که دین، مطالبی است که نقشی در زندگی در جهان معاصر ندارد، اما اگر بویایی دین به صورتهای مختلف شناساننده شود، مسلماً جاذبه‌های دین درک و لمس شده درس دینی نیز از جاذبه لازم برخوردار خواهد گردید.

#### ایجاد بینش سیاسی - اجتماعی

یکی از اهداف مهم آموزش دینی ایجاد بینش سیاسی

# دین

— اجتماعی در دانش آموزان است. در زمانهای گذشته که مسلمانان از دانش حکومت اسلامی محروم بودند غلبت فادایش سیاسی — اجتماعی نیز بودند. حد بودن حساب ملت از حکومت بتدریج مرده را به سوی تفکر فردی سوق داده سبب شده بود که هر کس به عالم فردیت خود پناه ببرد و از تأثیر سنگرف نظام سیاسی — اجتماعی بر زندگی خود غفلت کند. این امر علت پیدایش و تثبیت تفکر فردی به جای تفکر اجتماعی شده سبب گردیده که حتی بسیاری از هل نظر مسائل و معارف و مفاهیم را تنها از بست عینک فردی و حلقی سنگرف و سه جنبه اجتماعی امور توجه نداشتند ندانسته باشند. اکنون هم که این توفیق نصیب ملت ما گردیده تا خود سرنوشت خویش را تعیین کرده به تأسیس حکومت بپردازد، آثار و بقایای این تفکر در بسیاری از موارد بخوبی مشهود و محسوس است و زدودن آن نیازمند کار فرهنگی عمیق و دامنه دار است.

دانش آموزانی که اکنون در مدارس مشغول تحصیل هستند، از اوضاع قبل از انقلاب بی خبرند و غلبت به ارزش و حدودی نظام موجود چنان که به دید آگاه سپسند. وظیفه نظام آموزشی عموماً و آموزش دینی خصوصاً این است که نسل جدید را به صورت واقع بینانه به ارزش و اهمیت انقلاب و مشروعبت نظام سیاسی موجود آشنا سازد و ضرورت تأسیس حکومت اسلامی را در بشرفت جامعه تبیین نماید. این کار حساس و بسیار با اهمیت است، که هر معلم دینی باید به آن توجه کافی کند و این حقیقت را به دانش آموزان یادآوری نماید که علت اصلی عقبماندگی مسلمانان، نداشتن حکومت و عده دسترسی به رهبری سیاسی جامعه در طول اعصار و قرون است.

در این زمینه لازم است چند اصل را یادآوری کنیم:

۱ — آشنا ساختن دانش آموزان با اوضاع گذشته به استاد آمار و ارقام و اعترافات سردمداران رژیمهای پیشین و استاد و مدارک مربوط از زمان فاجعه تا زمان انقلاب بخصوص بیان وابستگی عمیق رژیم پهلوی به کشورهای استعمارگر خارجی. به عبارت دیگر باید این مطلب به دانش آموزان تفهیم شود که کشور ما چه مراحلی را پشت سر نهاده و اکنون دستخوش چه تحولی سبادی شده است. مواردی از این قبیل وابستگیها و ناپسانیاها، را می توان در ضمن دروس مختلف انتخاب و در اختیار

دانش آموزان قرار داد، و بی در عین حال باید توجه داشت که اطلاعات داده شده دقیق و عاری از هرگونه تعصب باشد. زیرا در غیر این صورت اثر خود را از دست خواهد داد.

این اطلاعات نشان خواهد داد که چگونه استقلال اسلامی، مملکت را از سیطره دستمان ملت خارج ساخته و کشور را به استقلال سیاسی رسانیده است.

۲ — اهمیت استقلال سیاسی باید مورد تأکید قرار گیرد تا جوانان ما بفهمند که برای یک ملت هیچ چیز با اهمیت تر از استقلال سیاسی نیست و هر سهایی که در قبایل آن برداخت شود، زیاد نیست. حفظ استقلال سیاسی در واقع زمینه پیدایش تاریخی استقلال اقتصادی و فرهنگی است. با وجود استقلال سیاسی و قطع وابستگی به خارج می توان استقلال اقتصادی را پذیرا زد و سامان بخشید و حرمان امور را در جهت مصالح ملت پیش برد. ولی با وجود وابستگی سیاسی، هر پیشرفتی فریب و نیرنگی بیس نیست.

۳ — باید چنانهایی که کشورهای استعمارگر و در زین آن مر یک کشور موفق جهان بود مرتکب می شوند، — مشاهده او آمار و ارقام و اطلاعات دقیق به جوانان و به خصوص توضیح داد تا بداند که سرچشمه بهمختی کشورهای عقب نگه داشته شده همین کشورهای متمن به استعمار و همچنین به این نکته پی ببرد که انقلاب اسلامی در دهنی با این جهنم خور بی رحانه تاجه ندارد محو است. آگاه باشد تا اگر چنانکه مع غفلت ممکن است در ده این چنانکاران بی فرهنگ و بی تقیه پس گران حریم تنایه. همچنین اطلاع از این چنانها چنانکه می شود که جوانان ما بتوانند آنچه را که در این سرزمین تسخیر است و در کشورها در کشورهای استعمارگر مشاهده می کنند و بویاب ماسکی در قیام آنان بر سبب زینت خود زده اند، بخورند و بدانند که آزادی و رفاه به بهای ویرانی و بدبختی سه چهارم کشورهای جهان است اگر روزی کشورهای عقب نگه داشته شده بیدار شوند و به فکر پس گرفتن حقوق خود بیفتند، جرح تمدن و پیشرفت و صنعت در کشورهای غربی به یکباره از کار خواهد افتاد.

۴ — مشکل مهمی که ممکن است دانش آموزان در ارتباط با نظام دانسته باشند، مشاهده برخی ساء — سامانیهاست. مشاهده فساد و تبعیض و بی عدالتی در

— اگر امروز به علت بی خبری از اوضاع جهانی نتوانیم موجهایی را که در حال به وجود آمدن در نقاط حساس دنیا است بشناسیم، زمانی خواهد ساخت که خود را در معرض تلاطم نانی از این امواج خرابه بیافتد.



بعضی موارد با برخی از فشارهای اقتصادی و ناسا - بسامانیهای اجتماعی و غیره علامت سؤالیهای را در آنان به وجود می آورد که چه بسا مشروعیت و حقانیت نظام را مورد تردید قرار دهد. این جاست که معلم دینی با انکا به پیش صحیح سیاسی - اجتماعی باید به راهنمایی جوانان پردازد و همواره این نکته را به آنان یادآوری کند که تحقق انقلاب اسلامی و تأسیس حکومت به معنای تحقق فوری همه مقاصد نظام اسلامی نیست (و کسی نیز چنین ادعایی ندارد و نمی تواند داشته باشد)؛ بلکه قدم نهادن در راهی طولانی است که به تحقق اهداف اسلامی سرورانه های نظامهای پوسیده گذشته منتهی می شود؛ همچنان که امام فقیدمان (ره) نیز همواره این نکته را یادآوری می کردند که «ما در آغاز راهیم» و...

در این جا باید به چند نکته توجه داشت:

الف - بسیاری از فشارهای اقتصادی و ناسا - بسامانیهای اجتماعی ریشه در نظام پوسیده پیشین دارد. زمان بسیاری می خواهد تا در نظام اقتصادی و اجتماعی تحولی اساسی صورت بگیرد و جامعه از این نظر حیات تازه ای پیدا کند. نکته فشارهای وارده از سوی کشورهای خارجی در دوران پس از انقلاب را نیز نباید فراموش کرد. تحمیل جنگ طولانی هفت ساله بهای ناپودی منابع اقتصادی جامعه و آثار اجتماعی ناشی از آن، تحریمهای اقتصادی، کاهش قیمت نفت و بسیاری مسائل دیگر که هر یک به تنهایی برای شکست یک انقلاب کافی است، همه بر روی هم موجب بیابان شدن بسامانیهای شده است که علاوه بر آن چون تحمل آنها نیست و نباید انتظار داشت که سرمایه های ملی به جای این که در سر و راه های زیربنایی و طبعاً در مدت و در جهت احیای نظام اقتصادی مصرف شود صرفاً راه عملیهای موقتی ر کوتاه مدت شود که این خود وضع را به مراتب بدتر و وخیمتر خواهد کرد.

ب - برخی از نابسامانیها از قبیل فساد مالی؛ تبعیض و بی عدالتی و اموری از این قبیل ... ناشی از وظیفه ناشناسی؛ سوء استفاده یا سوء مدیریت برخی کارگزاران است و حساب دیگری غیر از آنچه در بالا گفته شد، دارد. این امور خطرهایی است که همه باید با آن مبارزه کنند. و عرضه را بر کسانی که به سوء استفاده از موقعیت خود پرداخته اند، بکنی تنگ کنند. در این زمینه نیز چند نکته را

باید فراموش نکنیم:

اولاً: این امور نسبت به نظام جنبه عارضی دارند نه جنبه ذاتی؛ یعنی اقتضای نظام موجود این نیست که چنین مفاسدی به وجود آید و این مفاسد درست در نقطه مقابل اهداف و مقتضیات نظام قرار دارد.

تفاوت بین نظام موجود با نظام پیشین در این است که در نظام پیشین این قبیل مفاسد از ذات و طبیعت آن نظام سرچشمه می گرفت. فساد موجود در اصلی ترین مراکز تصمیم گیری و رهبری جامعه اقتضا می کرد که در سطوح پایین تر نیز فساد عمومیت داشته باشد، اما در نظام کنونی، چون روح و بدنه نظام؛ یعنی دستگاه رهبری و مدیریت جامعه سالم و عاری از هرگونه فساد و انحراف است. مفاسد موجود در سطوح پایین تر جنبه عرضی داشته و قابل تحمل نیست.

نظام کنونی توسط رادمردی بنیانگذاری و به مدت بیش از یک دهه رهبری و هدایت شده است که باکی، وارستگی، زهد و تقوای بی مانند او مورد تأیید انسانهای آگاه و بی غرض در اقصی نقاط عالم است. دست یافتن به قدرت سیاسی نه تنها کوچکترین تمایلی به دنیا در وی به وجود نیاورد که جلوه های زیبای شخصیت پیامبر گونه او را نمایانتر ساخت. مقایسه ای بین او سایر رهبران سیاسی دنیا نشان خواهد داد که چه موهبت عظیمی پشتوانه این نظام بوده و هست. او که قلب تپنده این نظام بود، با شخصیت بی بدیل و زهد و پارسایی بی مانند خود سرمایه معنوی عظیمی از باکی و طهارت و نورانیت را در اختیار این نظام قرار داد و اینک که در میان امت خویش نیست، راهی که ترسیم کرده بود توسط جانشین وی - و نیز مسئولان طراز اول نظام - با جدیت و قاطعیت دنبال می شود و اینهمه، ضامن سلامت روح حاکم بر این نظام است.

ثانیاً: باید توجه داشت که همه مردم در این زمینه وظیفه خطیری بر عهده دارند که اگر از انجام آن غفلت کنند، صدمات جبران ناپذیری بر بیکر جامعه وارد می شود و آن وظیفه مقدس و حیاتی «امر به معروف و نهی از منکر» است. هر کس که فسادی را در جایی ببیند، موظف است که به صورتهای گوناگون با آن به مبارزه کند.

بنابر این معلم دینی باید با ظرافت حساب این قبیل افراد و مسائل را در حکومت اسلامی جدا سازد و ناسازگاری



# پسین

این آموزرا با اهداف نظام اسلامی نشان داده و به هر سه عنوان موعی که بر سر راه حکومت اسلامی قرار گرفته، معرفی نماید. به هر حال ایجاد دغدغه و حساسیت نسبت به سرانجامت سیاسی جامعه و جدا شدن دین از سیاست و نیز پیدایش اعتقاد و عهد نسبت به نظام اسلامی که تعرفه آگاهی و بیداری و فداکاری ملت در این مرحله حساس از تاریخ خویش است. از اهداف اساسی آموزش دینی است. آنها به بعد خلاقی و فریدی دین نگه کردن و حساب حکومت اسلامی را از اسلام جدا دانستن و ریز «اسلام» منهای نظام اسلامی طرفداری کردن همان صدمه و ضربه ای را به بکر اسلام و مسلمانان وارد خواهد ساخت که در آنها عامل عقب ماندگی و حفاظت مان بوده است.

## تدریج در آموزش

۱- آموزش معارف دینی دارای مراتب و درجه ای است و هر یک دارای اصول و مقصدیاتی است که باید مراعات شود. این مراتب و درجات به علت تفاوت در رشد استعداد های ذهنی و روحی و نیز تفاوت در معلومات و تجربیات و وضعیت گوناگون اجتماعی و فرهنگی فراگیران است. به طوری که نمی توان هر مطلبی را در هر مرحله ای تعلیم داد و مطالب باید مناسب سطح فکر و قدرت فهم و درک دانش آموزان باشند. از این رو ممکن است برای یک سوال واحد در دوره دستان یک پاسخ یا پاسخ داد. در دوره راهنمایی نوع دیگر در دوره متوسطه یا دانشگاه به صورتی کاملاً متفاوت با آن دو بسجی که در مراحل پائین تر داده می شود. نمی توان همواره دقیق و مفید باشد؛ بلکه همراه با نوعی تسامح است. این حد در تسامح اغلب اجتناب ناپذیر بوده و لازمه آموزش در این سطح است؛ به طوری که اگر این تسامح را از بین ببریم و بخواهیم مطلب را با دقت فلسفی بیان کنیم، آثار بسیار خفشی به دنبال خواهد داشت. برای مثال می توان به مباحث مربوط به آذنه خداشناسی اشاره کرد.

در دوره های ابتدایی و راهنمایی در زمینه اثبات وجود خدا بیشترین تأکید بر روی سرهان نظم است. در سال اول دبیرستان نیز دلیل نظم به صورت عمیقتری است. به دوره راهنمایی (مورد استفاده قرار گرفته است) به طوری که می دانیم دلیل نظم و احد خصوصیات «برهان» به معنایی که

در منطق مورد بحث است. نمی دانند و نسبت به برهان صرفاً عقلی از قبیل وجوب و امکان، ضرورت و امکان و سایر دله فلسفی از دقت فلسفی و منطقی کمتری برخوردار است. حال یا به دلیل مسائل یاد شده می توان بر همین سرهان در این سطوح صرف نظر کرد یا آنها را مفید نماید. سادست مستلماً حسن نیست. حتی طرح ضعفها و محدودیتهای این برهان در این سطوح روا نیست و باید طرح آنها بر دلایل در نظر دانش موران بی غبار کرد. دانش آموزی که در سال اول دبیرستان سرهان نظم را فراموش می گیرد، در سطوح بالاتر با دلایل محکمتر و مستندتر روبرو می شود. ولی تا به این سطوح بالا نرفته نگذاشته و سر بسط و مقدمات لازم را تحصیل نکرده. به می توان دله محکمتر را به او یاد داد و به حسن کارتی مفید است بر همین اساس فراموش کردن برهان برای نکان دین دله و بیدار شدن نظریه پس از هر دلیل دیگری از دلیل نظم استفاده خواهد نمود. در دوره دبیرستان استفاده از آن ماستند.

این مطلب در مورد مسائل دیگر نیز صادق است و میتوان محترم دینی باید به ضرورت آموزش تدریجی توجه داشت و انتظار نداشته باشد که آموزش دینی در همه سطوح از دقت منطقی و فلسفی یکسانی برخوردار باشد. زیرا احدی از امور دلیل دقت را تواناییهای فراگیران و سطح فکر و دانش آنها تعیین می کند. در روایات اسلامی نیز این مسأله کاملاً مشهود است و پاسخهای مختلفی که گاه در برابر پرسشی واحد داده شده، بعضی غلبه یافته است که سوال کنندگان را نظر آنها و بزرگ و کوچک و حدی بوده است. دستور عملی یکی «که استخرا علی قیصر عقولهم» پس بر حسب مطلب تا کند در روز ۱۰.

۲- یکی دیگر از نتایج من غمت «تدریج امور» است. این است که در هر مرحله از آموزش فایده نظرها در حد معینی به تحقیق مباحث پرداخت و سطوح معادنی از موضوعاتی که در آن مرحله قابل فهم است، توجه کرد. مثلاً اگر در سال سوم راهنمایی موضوع بحث «برهان غیب» است، نباید تصور نمود که تمام افراد موضوع باید عمیق مورد بحث قرار گیرد و نکته ای فروگذار نشود و با کسر دربر آه مسأله «انشا» منطقی ذکر نشده است، باید اوج ساختار آن حد به طور عمیق و همه جانبه، در همان سال به دانش مور موخت

سر بیان دینی  
جامعه باید نسل جدید  
را چنان تربیت کند که  
توان مقابله با شهام  
فرهنگی بیگانه را داشته  
باشد.

مسئلاً «حدی» از برهان علیت و مسأله شناخت و غیره را می‌توان در همان سال سوم راهنمایی به دانش‌آموزان آموخت که هدف از طرح این مسأله در این مرحله نیز تنها رسیدن به آن «حد» از آموزش است نه بیشتر، البته می‌توان این نکته را به دانش‌آموزان یادآوری کرد که در خصوص موضوع مورد بحث در سالهای بالاتر مطالب بسببتر و عمیقتری خواهند آموخت. در مراحل بالاتر می‌توان به این مطالب عمق بیشتری داد و دانش‌آموزان را با ابعاد دیگری از موضوعات آشنا ساخت.

۳ - مراعات اصل تدریج در آموزش دینی به این معنی است که در سطوح پایین‌تر می‌توان از استدلالهای غلط و بی‌بایه و مستند استفاده کرد. در هیچ مرحله‌ای از مراحل آموزش نمی‌توان بر اثبات مدعا به دلایل شست و بی‌بایه استناد کرد، حتی نمی‌توان از حلالی که صحت آنها بر خود ما مسلم نیست، استفاده کرد. معلم موظف است تنها از مطالبی به عنوان دلیل استفاده کند که بر درستی آن آگاهی و اطمینان کامل داشته باشد. هر غیر این صورت ممکن است مطالب سستی که امروز به عنوان دلیل به دانش‌آموز یاد داده می‌شود، اثر ظاهر مثبتی در کوتاه مدت داشته باشد (یعنی او را به یکی از اصول درست متقاعد سازد) اما اثرات زیانباری در دراز مدت خواهد داشت. یعنی وقتی او به مرحله بالاتری از رشد فکری برسد، اطمینان مطلبی که در گذشته از معلم و بی خود آموخته است، بر او آشکار خواهد شد و او بر او است به همه آموخته‌هایش دستخوش تنگ و تردید خواهد کرد. همین تنگ و تردید ممکن است حالت روانی نامطلوبی بر وی ایجاد کند؛ به طوری که همه مفروضات قبلی او بی اعتبار تلقی شود. از این رو، کسی که امروز تعلیم و تربیت دینی افرادی را در اختیار دارد، نباید «نزدیک‌بین» باشد و تنها آثار کوتاه مدت آموزشهای خود را در نظر آورد؛ بلکه باید با یک «دید بلندبینی» آثار و نتایج مربوط را در دراز مدت نیز بسنجد. این مسأله شبیه به این است که پدری تنها با توسل به سندی و خشونت و تشبیه، فرزندان خود را وادار به اقامه فرائض کند. این عمل ممکن است در کوتاه مدت مؤثر واقع شود، اما در دراز مدت چگونه؟ آیا این احتمال وجود ندارد که نور عقده‌های روانی که امروز در زمینه روحی آنها بناتیبده می‌شود، در سنین جوانی رشد کرده و مانند یک فنر فشرده رها شده

همه چیز را در سر راه خود نابود سازد؟

در سطوح پایین‌تر آموزش دینی، نباید مطالبی گفته شود که دانش‌آموزان در آینده با یادآوری آنها احساس غبن کنند و این تصور برای آنها پیش آید که معلم از ضعف فکری یا احساسات آنها استفاده کرده و مطالبی به آنها آموخته که ارزش یک تکیه‌گاه فکری را ندارد.

۴ - مراعات اصل «تدریج» نه تنها در خصوص ادله و استدلالات و مطالب علمی و فلسفی صادق است؛ بلکه در مورد نوع مطالب نیز صدق می‌کند. یک مطلب ممکن است کاملاً صحیح و از لحاظ دینی نیز معتبر باشد، اما آیا تعلیم هر مطلب صحیحی در هر مرحله‌ای از تعلیم و تربیت، اثر مثبت به دنبال دارد؟

در تعالیم دینی ما مطالب عرفانی فراوان و بسیار عمیقی وجود دارد که کاملاً معتبر هم هست، اما این مطلب در سنین نوجوانی قابل فهم صحیح نیست و تعلیم آنها به نوجوانان اثرات زیانباری به دنبال دارد. صحبت کردن از گریه‌های عرفانی بزرگان دین، و ادانشن آنها به برخی اعمال که تنها در درجات والایی از سیر و سلوک قابل توصیه است، سخن گفتن از بعضی عقبات و مشاهده عالم آخرت، صحبت کردن از عشق معنوی به خدا و مسائلی از این قبیل برای نوجوانی که روحی آکنده از شور و هیجان دارد و به دنبال ارضاء عواطف حاد و طوفانی خویش است، نه لازم است و نه به صلاح. در این دوران باید بسایه‌های اعتقادی دانش‌آموز، محکم شود و مطالبی به او آموخته شود که او را از حیرت دوران نوجوانی برهاند و به شناخت خود و جهان پیرامون او کمک کند و به انبوه سؤالاتی که برای او پیش آمده است، پاسخ گوید؛ البته ممکن است با تکیه بر احساسات دوران نوجوانی چنان مطالب عرفانی را به نوجوانی آموخت و حتی او را به انجام برخی اعمال و ریاضات واداشت، اما نباید فراموش کرد که این نوع تعلیم و تربیت در دراز مدت آثار زیانباری به دنبال خواهد داشت. این دوران اقتضا می‌کند که نوجوان عرصه‌ای برای ابراز شور و نشاط داشته باشد؛ بنابراین برای چنین فردی از گریه‌های عرفانی سخن گفتن و به طور افراطی او را به این امور واداشتن نه تنها مفید نیست؛ بلکه جهرة دین را به صورت غیر واقعی به آنها می‌نمایاند. به هر حال مراعات اعتدال و برهیز از هر گونه افراط از اصول مهمی است که

# دینی

باید در آموزش دینی مورد توجه قرار گیرد.

همچنین گاهی مطالب درست و معتبره برای بوجوان قابل فهم نیست و ممکن است و زبانیین بهادوری کرده آنها را خرافه بدردمانند برخی جزئیات مربوط به زندگی اخروی که در بعضی روایات مطرح گردیده است او در برخی کتابها که در بین زمینه کتابفروشان است درج گردیده است، معنای دینی، با بصیرت بر حواله دانش موران باید مطالبی را در کلاس طرح کند که سیری دانش آموزان قابل فهم باشد و آثار و نتایج سوئی به دنبال نداشته باشد. مهم این است که مساحت مناسبی و مورد نیاز در کلاس مطرح شود و بحث در مورد چنین مطالبی (که بدنیس آنها صدمه ای به کسی نمی زند) مورد نیاز نیست! بدین قبیل در انتخاب نوع مطالب، یکی دیگر بر عدد و وجوه دستور مهم «گفته الناس عنی قدر عقولهم» است که لازمه آن مساحت روحیات، روشهای مورد قبول، حواسها، معلومات، گرایشها، قدرت فکری و ذهنی و بالاخره مسائل جادب و دافع برای معطلان است.

در این جا باید به این نکته اشاره کنیم که دوران بوجوانی دوران شکوفایی اعتقادات دینی و شور مذهبی است تا آن جا که برخی از روان شناسان، دوران بوجوانی و بنوعی را دوران توجه به ماوراء طبیعت نامیده اند. اگر در این دوران بوجوان به طرز صحیحی هدایت شود، می توان زیربنای دینیت را در او مستحکم ساخت و او را در سیرای نزدیکها، حیرتها و الحرافهها بجات داد و به ارفاق رسانید. اما اگر این کنش و گرایش فطری به طرز صحیحی مورد استفاده واقع شود و جهت درستی به آن داده شود یعنی تعلیم و تربیت دینی آن صحیح است، در این صورت همین دوران تبدیل به دوران سرخوردگی از مذهب و به دنبال آن بوج گیری نجات، عناد با مذهب و... می شود. در این جا می توان دریافت که آموزش دینی بوجوانان و جوانان تا چه اندازه خطیر و حساس است پس سر در عصر حاضر به مراتب خطیرتر و حساستر است، رسوا گسترش وسایل ارتباط جمعی و افزایش سطح فرهنگی جوامع سبب شده است که بر حساسیت روحی و فکری نوجوانان افزوده شود و همین فریش حساسیتهای فکری و روحی، سرخوردن آنان را بسی حساس و درمناحی حتی بیخنده کرده است و لذا لازمه است که به هدایت فکری



انان توجه بیشتری شود و سرمایه گذاری بیشتری به عقل این

ارتباط دادن درس به مسائل زندگی دانش آموزان این یک اصل کلی است که هر چه میسر و موضوعات و مطالبی که به فرگیر آموزش داده می شود، با مسائل زندگی و ارتباط بیشتری به کند به همین اندازه توجه و ارزش بیشتر شود. این مسئله هم باید در سرمایه گذاری و هم در تدریس مورد توجه قرار گیرد. معنای دینی هر چه مسائل و موضوعات فقهی را به مسائل زندگی فرگیران و محیط اطراف آنرا (از جمله نهاد و تعادلات و حساسات و سردیگ سازد، به همان اندازه در تدریس موفقتر خواهد بود. از این رو هر چه مطالب نمونه ها و مثالها را از محیط اطراف دانش آموزان و از مسائل مربوط به این انتخاب کند، به همان اندازه مطالب درسی معنی دار و قابل درک و فهم خواهد بود و به همان اندازه سطح عمیقتری از ذهن و حافظه آنها عبور کرده و امکان سردارس بیشتری خواهد داشت حال آنکه اگر مسائل تدریس شده، مسائل مورد نیاز آنها را ارتباط پیدا کند، به علت عدم امکان سردارس و این مسائل در سطح فقهی حافظه آنها حافظه کوتاه مدت است و بدین اندک به دست فراموشی سپرده خواهد شد. تا توجه به این که محیطهای مختلف مقتضیات مختلفی و فرهنگی گوناگونی دارند، معلم با شناختی که از محیط دارد، باید سعی کند که مطالب کلی را با ارتباط دادن به مسائل موجود در محیط و محیطی در دسترس و قابل فهم چه بیشتر برای دانش آموزان خود محسوس و ملموس کرده اند تا قدرت تشخیص و تحلیل و بررسی آنها را نسبت به واقعتهای بیرون خود تقویت کند. در مورد تدریسات مربوط به سرمایه گذاری و به همین فرار است در تدریس اخلاق برای دانش آموزان که هنوز قدر به درک و تشخیص زیر کارهای مسائل معنوی و اخلاقی و عرفانی نیست، باید در حجاب صفائی سخن گفت که هنوز سالها وقت لازم است تا وجدان مسئولی را در زندگی خود تجربه کند، ملأ بر اساس قضی، مفاهیم دینی و زهد و رومی و غیره صفائی است که دانش موران دین سنجی قادر به درک واقعی آنها باشند و با صفائی چون

فخر فروشی به همکلاسیهای خود به خاطر پیشرفت‌های درسی، رقابت‌های مضر با همسالان خود از این قبیل آشناسات و اینها مسائل او هستند.

به هر حال، هر چه مواد و موضوعات درسی با مسائل زندگی فراگیر و نیازها و سوالات و گرفتاریهای او ارتباط بیشتری پیدا کند، به همان اندازه جرح آموزش با جرح دنده‌های ذهن او درگیر شده و آن را به حرکت در خواهد آورد.

### دانستنیهای عمومی

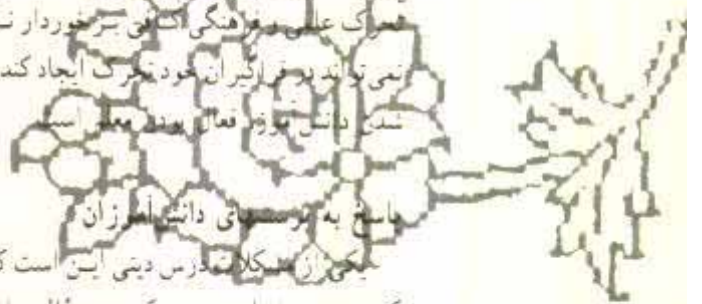
با توجه به ارتباط درس دینی با مسائل گوناگون و گستردگی مفاهیم آن، هر چه معلم دینی از نظر اطلاعات عمومی غنی‌تر باشد، به همان اندازه در آموزش مسایل دینی به دانش‌آموزان موفقتر خواهد بود. اطلاعات گوناگون علمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و آشنایی با برخی افسار و ارقام در غنا بخشیدن به شرح دینی و افزایش مهارتهای تدریس و ابالات آوردن به کلاس درس مؤثر است. نکته حساستر اهمیت این است که این گونه اطلاعات باید از منابع موثق جمع‌آوری شود و فقط از ذکر آنها که منبع مربوط نیز نام برده شود تا دانش‌آموزان پس از مطالعه آنها که همواره مطالب را همراه با آدرس یاد بگیرند. استفاده از این قبیل اطلاعات در تدریس سبب می‌شود که دانش‌آموزان مطالب کتاب را با بصیرت بیشتری فراگیرند و دانش‌آموزان از وسعت دید بیشتری برخوردار شوند. از این حیث می‌توان به اهمیت مطالعه متن‌های عمومی معلم دینی پی برد. معلمی که خود از تحریک علمی و فرهنگی کفایت برخوردار نباشد، طبعاً نمی‌تواند روشی را بکار آید که خود تحریک ایجاد کند. لازمه فعال شدن دانش‌آموزان فعال بودن معلم است.

### پاسخ به سوالات دانش‌آموزان

یکی از مشکلات تدریس دینی این است که معمولاً هر کسی به خود اجازه می‌دهد که هر سؤالی را در ارتباط با مسائل دینی بپرسد. در برابر هر سؤال، پاسخ قانع‌کننده نیز دریافت کند؛ بنابراین معلم دینی در کلاس با انواع پرسشها رو به رو می‌شود، اما پسیداست که هر سؤالی را در هر شرایطی نمی‌توان پاسخ گفت، زیرا نیاز به مقدماتی دارد که بدون فراگیری آن، فهم پاسخ امکان‌پذیر نیست. مانند

بسیاری از سوالات که نیاز به مقدمات فلسفی دارد. صرف نظر از این که باید در پاسخ به این سوالات قائل به مراتب و درجات بود و در هر سطحی پاسخی متناسب با آن به سوالات داد، کار مهمی که باید یک معلم انجام دهد، این است که دانش‌آموزان را در زمینه سؤال کردن راهنمایی کند و نیازهای واقعی آنها را از نیازهای فرعی و غیر ضروری تمیز داده و به آنها بشناساند، مثلاً سوالاتی هستند که جز کنجکاویهای بی‌جا و تفتنهای ذهنی انگیزه دیگری ندارند و پرداختن به آنها نیز جز اتلاف وقت و نیرو نتیجه‌ای ندارد. برای دانش‌آموزی که هنوز بسیاری از مسائل ضروری را نمی‌داند، پرداختن به جزئیات مربوط به خلقت اولیه انسان یا حیات بعد از مرگ یا بعضی حوادث بی‌اهمیت تاریخی در زمانهای دور جز ایجاد انحراف در مسیر فکر و اندیشه او چه اثر دیگری می‌تواند داشته باشد. از این رو معلم دینی باید دانش‌آموزان را با این حقیقت آشنا سازد که توجه به مسائل و سوالات بی‌فایده یا حتی کم‌فایده و غیر ضروری آدمی را از توجه به مسائل ضروری و مورد نیاز باز می‌دارد و بنابراین نباید غنان ذهن خود را رها سازند تا به هر سوئی بروند. همچنین می‌توان پاسخ برخی پرسشها را به سالهای بالاتر موکول کرد و در صورت لزوم تنها به ذکر اجمالی پاسخ بسته کرد، اما به سوالاتی که ناظر به نیازهای حقیقی جوانان است، باید با توجه و عنایت لازم پاسخ گفت و با ادامه دلایل معقول و منطقی آنها را قانع کرد.

اهمیت پاسخ به سوالات از این جهت است که کتابهای درسی نمی‌تواند متعرض تمامی مسائل شود یا مسائلی را که احیاناً در بعضی نقاط بنا به عللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مطرح سازد. علاوه بر آن، تحولات اجتماعی و فرهنگی مدام سوالاتی را برای نوجوانان کنجکاو و پرشور به وجود می‌آورد که باید در کلاس دینی و توسط معلم دینی پاسخ داده شوند؛ بنابراین معلم نباید بخشی از وقت کلاس (یا بعضی مواقع خاص) را برای پاسخ به سوالات و احیاناً بحث و گفتگوی دسته‌جمعی اختصاص دهد و یا شیوه‌ای کاملاً منطقی و توأم با سعه صدر به بررسی سوالات دانش‌آموزان بپردازد و به حل مشکلات فکری آنها کمک کند. از خلال این سوالات، معلم بهتر می‌تواند با نیازها، احساسات، مسائل و مشکلات





تا حدی آمیخته با سواس داشته باشد، بی توجهی به این نکته مهم سبب شده است که دشمنان اسلام با نقل این قبیل احادیث و سبب دادن آنها به اسلام، در تضعیف دین بکوشند و اذهان ساده اندیش را به انحراف بکشانند، ولی باید اذعان کرد که در این زمینه تقصیر اصیلی متوجه کسانی است که در نقل روایات بدون بصیرت عمل کرده زحمت بررسی و تحقیق را بر خود هموار نساخته‌اند. یکی از بهترین روشها برای افراد غیرمتخصص در استفاده از روایات، رجوع به آثار دانشمندان و محققانی مانند امام خمینی (علیه السلام) طباطبایی و... است که نقل احادیث از سوی آنان که تساهلی دلیل اتقان و اصالت آن احادیث است و لذا با اطمینان می‌تواند مورد استفاده و استناد قرار گیرد.

احساسات و احياناً تخيلات سوق می‌دهد. آن جا که جای دلیل و برهان است، نباید از چیزی جز دلیل و برهان استفاده کرد، مگر در مباحث نقلی که در آنها مباحث نوعاً نقلی است نه عقلی. همچنین استفاده از امثال و حکم با نثر مسجع (نظیر آنچه در گلستان هست) نیز در جاذبه کلام و تأثیر آن می‌افزاید و از نظر آموزشی مفید واقع می‌شود. تأثیر این قبیل عوامل روانی را در تعلیم و تربیت نباید از نظر دور داشت.

برخی معلمان علاقه‌مند، دفترچه مخصوصی را برای ضبط آیات و روایات، اشعار، امثال و حکم اختصاص می‌دهند و بدین وسیله گنجینه‌ای ارزشی را پشتوانه تدریس خود می‌سازند.

### بویایی، نشاط و شادایی در کلاس

معلم دینی باید با چهره‌ای گشاده و شاداب و ظاهری آرامسته و نظیف در کلاس حاضر شود تا نشاط و گشاده‌رویی او موجب شادایی و نشاط دانش‌آموزان شود و آنها را برای شرکت در یک بحث و گفتگوی با نشاط آماده سازد. استفاده از لطیفه‌های مناسب در بعضی از مراحل تدریس - با حفظ حدود و حریم لازم - در افزایش این نشاط روحی مؤثر است. اهمیت گشاده‌رویی و آراستگی معلم دینی از آن جهت است که سبب می‌شود دانش‌آموزان دیانت و معنویت را معادل عیوسی و ترش‌رویی و زولیدگی ندانند و کلاس دینی، کلاس خسته‌کننده و رخسوت‌آور نباشد. هر چیزی که بر صفا و نشاط کلاس دینی بیفزاید و آن را برای دانش‌آموزان خوشایند و لذت‌بخش سازد، در موفقیت معلم مؤثر است. نرمش، صمیمیت و دلسوزی معلم در کلاس دینی بر صفای درس دینی می‌افزاید و آن را در ذائقه دانش‌آموزان شیرین و گوارا می‌سازد.

سلام کردن معلم به هنگام ورود به کلاس، دلسوزی برای دانش‌آموزان در فراگیری درس، فداکاری در حق دانش‌آموزان ضعیف به صورت برنامه‌های خارج از کلاس، نادیده گرفتن ایرادها و اشکالات جزئی، پذیرفتن عذر دانش‌آموز پس از ارتکاب به خلاف، کینه نداشتن در برابر دانش‌آموزان خطاکار، داشتن رفتار مسهرآمیز با دانش‌آموزان و پرهیز از سخت‌گیرهای بی‌جا، نداشتن توقعات زیاد و... همه و همه عواملی هستند که فضای

### بیان شیوا و رسا

بویایی بیان یکی از مهارت‌های مهم تدریس است. این عامل در همه دروس سخن‌گویی در درس دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گفتار بکلیت، خسته‌کننده، بی‌حالت و ناگهنگانگی کلام می‌کاهد و موجب حواس پرتی دانش‌آموز می‌شود و برعکس بیان زیبا و مبتنی بر اصول سخن‌گویی در جاذبه کلام می‌افزاید و موجب تمرکز ذهنی دانش‌آموزان می‌شود.

استفاده مطلوب و معادل از شعر بر زیبایی کلام و حسن بیان معلم می‌افزاید و چون از نظر احساسی لطف و جاذبه خاصی دارد، در ذهن و سلیقه دانش‌آموزان اثر می‌گذارد. گاهی می‌توان حاصل یک بحث مفصل را در یک بیت مشهور ساخت که این امر کمک مؤثری در یادگیری بهتر است. نکته مهمی که در این جا باید به آن توجه کرد، این است که هرگز نباید شعر را به جای استدلال به کار گرفت و هر سوزنی را با شرح آمیج داد. آن جا که نیاز به تجزیه و تحلیل عقلی و اقامه دلیل و برهان هست نه تنها از شعر، بلکه حتی از آیات و روایات نیز نباید استفاده کرد، مگر این که شعر یا محتوای آیه یا روایت دلیل عقلی باشد و به همین دلیل مورد استفاده قرار گیرد. تنها پس از اقامه دلیل می‌توان به عنوان مؤید از آیات و روایات و اشعار نغز به عنوان جانشین کلام سود جست، زیرا در غیر این صورت مانع رشد تفکر منطقی در فراگیر می‌شود و او را به سوی

آموزش دین در مسین پایین تر محتاج علم و تخصص نیست و از هر کسی بر می آید، تصویری نادرست است.

۴- به همین علت است که گفته اند که میزان رشد و پیشرفت هر جامعه را می توان در میزان توجهی که به جوانان و سوجوانان خود می کند، دریافت.

۵- حتی نباید از مهارتهای بظاهر سی اهمیت ز قبیل «حفظ زیبا» در موفقیت معلم غافل بود.

۶- در خصوص استفاده از بدله و لطیفه یادآوری یک نکته عاری از فایده نیست و آن این که تأسفانه به جهت عقلت بر حمی مسلمانان، پاره ی بدله در ارتباط با اساتذ قسرنی و رسه گاری حضرت معصومین و احکام شرعی شکل گرفته و حتی در جمع افراد مندین نیز رواج یافته. مثلاً قسمتی از یک به را گرفته و با افزودن مطلبی بر آن، بدله و طبری ساخته اند یا در برهه رسه گاری آبیاء و اولیاء طهرهایی ساخته اند که در همه ی موارد حقایق مقدس دینی را دست مایه پاره ی طرها و لطیفه ها کرده اند که سبب جدارت به حربه مقدسات و لووت و سی روش شدن حقایق و مقدسات دینی در نظر مرده است. استفاده از این قبیل لطیفه ها در هیچ شرایطی صحیح نیست.

کلاس دینی را آمیخته با رابطه معنویت و صمیمیت کرده در برقراری رابطه عاطفی بین معلم و دانش آموزان بسیار مؤثرند و در مجموع، درس دینی را برای آنان خوشایند و دلپذیر می سازند. همچنین تحرک و پویایی در تدریس سبب می شود کلاس درس از حالت خسته کننده و کسالت خارج شود و ذهن و روح دانش آموز با به پای درس به حرکت و پویا در آید. معلم دینی باید بر اساس عشق و علاقه و اخلاص به تدریس و تعلیم بپردازد و با سخنان از دل برخاسته و با شوق نشاط و پویایی و تحرک لازم کلاس را به وجد و حرکت وادارد. معلمی که با بی حالی و تنها برای رفع تکلیف تدریس می کند، هرگز در کنار خود موفق نخواهد بود.

یادمان

۱- استاد شهید مرتضی مطهری در برخی از کتاب خود این بدیده را مورد بررسی و انتقاد قرار داده است. مراجعه کنید به «ایست گفتار» مقاله اول و «ایرانون انقلاب اسلامی» ص ۱۱۸.

۲- در این جا باید به این نکته نیز توجه داشت که حتی برخی از این قبیل مفاسد اجتماعی نیز به نحوی معلول ساسامانیهای نظام پیشین است، زیرا این قبیل امور اغلب از فرهنگ غلطی که در طول سالها ترویج و تثبیت شده و به مسح فرهنگی حاد معصومی شده است، ناشی می شود که خود از اهداف مهم استعداد در کشور ما بوده است و بر واضح است که حل مسائل فرهنگی همواره محتاج گذشت زمان است و چیزی نیست که سرعت و سهولت بتوان به آن دست یافت. هم اکنون در گوشه و کنار جامعه، بسیاری از آثار و نشانه های فرهنگ منحط با اصطلاح شافشاهی به چشم می خورد که از موانع اصلی تحقق اهداف نظام اسلامی است.

۳- باید توجه داشت که روح کودک و سوجوان بسیار حساس است و کوچکترین رفتار و برخورد ما در او اثر می گذارد، ولی چون این اثرات بلافاصله محسوس واقع نمی شود، ما از عمق این تأثیرات غافل می شویم، اما نزدیکی سیست که روزی این آثار از ضمیر باطن او به خارج جریان می یابد و به صورت طغیان و سرکشی، نفی و انکار، عناد و لجاحت خود را می نمایاند که در این مرحله معمولاً براحتی نمی توان به درمان درد پرداخت، اما اگر در همان ابتدا دقت و بصیرت کافی در برخورد ما وی به کنار گرفته می شد، اکنون این مشکل به وجود نمی آمد؛ بنابراین تصور این که





مقاله زیر علل و چگونگی تدوین اهداف تعلیمات اجتماعی سال سوم راهنمایی را تشریح می‌کند. در این مقاله نیاز یادگیرنده و نیاز جامعه به عنوان مبانی تعیین هدفها تشریح شده است. از آقای ملکی برای تهیه این مقاله سپاسگزاریم.

## تحلیل

### هدفهای آموزشی

### تعلیمات اجتماعی

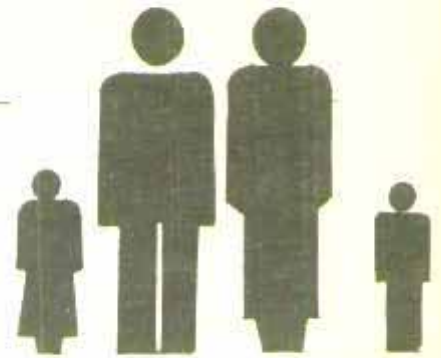
### سال سوم راهنمایی

انسان یک موجود سیاسی است. وی علاقه‌مند است در سرنوشت سیاسی خود دخالت کند و در انتخاب حکومتی که بر او حکومت می‌کند نقش و سهم داشته باشد. ممکن است عده‌ای بپرسند که اگر انسان چنین ویژگی را دارد پس چرا در بعضی عصرها و زمانها تن به حاکمیت طاغوتها و مستبدانی داده است که همه آزادیها را از او گرفته و بدون قید و شرط بر جامعه انسانی حکومت کرده اند؟ پاسخ این است که این ویژگی و صفت انسان نیز همچون دیگر ویژگیها و صفات او به پرورش نیاز دارد. هرگاه این صفت بر اثر وجود آزادیهای معقول سیاسی رشد کرده انسانها نیز در عرصه سیاست فعال بوده‌اند. در هر جایی که چنین فضایی وجود نداشته، در عرصه سیاست فقط رأی و نظر یک دیکتاتور یا گروهی از اشراف حاکمیت داشته است.

در تفکر سیاسی اسلام بنا به مبانی انسان شناسی که این تفکر را حمایت می‌کند، انسان در تعیین سرنوشت سیاسی خود هم ذی صلاح است هم ذی مدخل و هم این که از نظر استعداد و توان فکری این صلاحیت را دارد که در امور

حسن ملکی

معاونت دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی



مادر است. چنانکه بسیاری از افراد در همین گروه هستند. خود را به عنوان صاحب نظر و صاحب نظران می‌دانند و به نظر خود ارجحیت می‌دهند. فکر می‌کنند این فعالیت‌ها در واقع کارهای اساسی است و به آن‌ها اکتفا می‌کنند.

سیاسی‌دستان به انتخاب برسد، از بعضی ایات الهی در فرین مجید چنین استفاده می‌شود که: «صَولاَ رَاده و رَاقی السَّماواتِ مَنه سَرا و سَراطِ عَده، سَرا و سَرا حَدا و سَرا سَرا و سَرا... لا تُغَیِّرُ ما یَقومُ حَتی یُحَیِّروا ما نَشاءُ» «خداوند وضع هیچ چیزی را عوض نمی‌کند مگر اینکه آن ملت عین خود را عوض کند». بنابراین اگر فرد جامعه در صحنه نایستد و در تعیین مسیر سیاسی جامعه خود آگاهانه و صادقانه دخالت نکند، زایل شود و کمال ساری آنها بسته می‌شود و امداد عینی شامل حال آنها نمی‌گردد پس از این مقدمه وارد بحث هدفهای تعلیمات اجتماعی کلاس سوم رهنمایی می‌شویم.

#### نیاز یادگیرنده

مطابق مباحثی که از وزن‌دهی در کلاس سوم رهنمایی گردیده‌ای از مسایل سیاسی و حکومتی را مطرح می‌کنیم. پس از این که دانش‌موز در تعلیمات اجتماعی دوره رهنمایی به تعدادی از سازمانها و مؤسسات آشنا شد زمینه یادگیری و آشنایی، یک سازمان دیگری که اهمیت آن در رأس اهمیت همه سازمانهاست در اوفس راه‌شده است. از نظر سنی هم فرد در کلاس سوم در مرحله‌ای است که باید آگاهی و شناخت لازم را نسبت به وظایف سیاسی خود بدست آورد. اگر ضرورت آشنایی یک شهروند با این وظایف از اهمیت و ضرورت آشنایی با وظایف در مقابل خانواده و گروههای مختلف بیشتر

#### نیاز کمتر است

اگر گروه سلامت و بخای جامعه را در نظر بگیریم، کسب آگاهیهای سیاسی در حفظ این سلامت نقش بسیار مهمی دارد. زیرا اگر فرد در این گروه محروم باشد، قادر به ایستادن سیاسی خود نخواهد بود. اگر فرد در مورد حقوق و وظایف متعلق خود و حکومت آگاهی لازم را به دست نیآورد، نخواهد توانست وظایف شهروندی خود را عمل کند.

#### نیاز جامعه

جامعه نیازمند افراد مسلط به حقوق و وظایف سیاسی خود است. این امر در صورت فقدان این آشنایی، بالندگی سیاسی در جامعه نخواهد بود. منظور از بالندگی سیاسی، رشد و ترقی سیاسی از روابط متقابل ملت و دولت است. اگر بحرفیده به حقش و همیت پس بالندگی بی سرید در جامعه کنونی خودمان قدرتی تأمل کند، بر سر آگاهی سیاسی مرده مسئولان، جامعه و حکومت در صحنه بین المللی از اقتدار بیشتری برخوردار است و بهتر می‌تواند بر روی دوش از حقوق همه جانبه کشور بر نامه‌ریزی کرده به همین دلیل است که گفته می‌شود هر قدر یک رئیس جمهور با آراء بیشتری انتخاب شود قدرت بیشتری دارد. با هر قدر مرده در صحنه باشد به همان میزان طرحهای سیاسی بیگانه خنثی می‌شوند. به طور کلی جامعه گاه رسد یافته سیاسی می‌شود افکار و تصمیم‌گیرهای سیاسی افرادی است که حساسیت سیاسی دارند و گرفتار روزمرگی

خداوند وضع هیچ چیزی را عوض نمی‌کند مگر اینکه آن ملت عین خود را عوض کند.

نشده‌اند.

۶ - حکومت این نظم و هماهنگی را در جامعه از طریق وضع، اجرا و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات پدید می‌آورد.

۷ - شکلهای مختلفی از حکومت در بستر زمان و گستره مکان بوجود آمده‌اند.

۸ - حکومت جمهوری اسلامی به عنوان نوعی از انواع حکومت مبنای قوانین خود را مکتب اسلام قرار داده است.

۹ - ارکان حکومت جمهوری اسلامی عبارتند از: رهبری، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه و مجلس خبرگان.

۱۰ - نقش مردم در حکومت جمهوری اسلامی بسیار اساسی و با اهمیت است.

۱۱ - در جامعه اسلامی دست بردن به معیارهای اسلامی و تبعیت از رهبری عامل ایجاد وحدت و مانع پراکندگی و از هم گسیختگی جامعه است.

با توجه به موارد فوق محتوای تعلیمات اجتماعی سوم راهنمایی را به نهاد حکومت اختصاص داده‌ایم. در این کتاب قصد داریم دانش آموزان به چند هدف اساسی نایل شوند.

۱ - آشنایی با ضرورت و اهمیت حکومت در جامعه؛

۲ - آشنایی با انواع حکومت؛

۳ - آشنایی با ارکان حکومت جمهوری اسلامی؛

۴ - آشنایی با اخلاق انتخابانی؛

۵ - آشنایی با نقش مردم در حکومت اسلامی.

برای تحقق هدفهای فوق چند محور اساسی را در محتوای این درس مورد توجه قرار داده‌ایم که هر یک از این محورها در دروس مختلف بتفصیل مورد بحث قرار گرفته‌اند. به طور اجمال این محورها عبارتند از:

۱ - نیاز انسان به دیگری به عنوان محور اساسی زندگی اجتماعی است.

۲ - سازمانها و نهادهای اجتماعی مختلف جامعه، عامل تأمین کننده نیازهای مختلف انسانها و جامعه می‌باشند.

۳ - این مؤسسات و سازمانهای اجتماعی با یکدیگر دارای روابط متقابل هستند.

۴ - سازمانهای اجتماعی در روابط متقابل خود نیاز به نظم و هماهنگی دارند.

۵ - حکومت این نظم و هماهنگی را بین مؤسسات و سازمانها بوجود می‌آورد.

به از نظر سنی هم فرد در گسلاس سوم در مرحله‌ای است که باید آگاهی و شناخت لازم را نسبت به وظایف سیاسی خود بدست آورد.

اگر فرد در مورد حقوق و وظایف متقابل خود و حکومت آگاهی لازم را به دست نیآورد، نخواهد توانست به وظایف شهروندی خود عمل کند.

به طور کلی جامعه آگاه رسد بیافته سیاسی مولود افکار و تصمیم گیریهای سیاسی افرائی است که حساسیت سیاسی دارند و گرفتار روزمرگی نشده‌اند.

سازمانهای اجتماعی در روابط متقابل خود نیاز به نظم و هماهنگی دارند.

مطلب زیر در مورد اصلاح و ویرایش کتابهای تاریخ دوره راهنمایی و دلایل این بازنگری توسط آقای مسعود جوادیان کارشناس محترم گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی به رشته تحریر درآمده است که بدینوسیله از ایشان تشکر می‌شود.

از هنگامی که کتابهای تاریخ دوره راهنمایی به صورتی سویی، طراحی و نگارش یافته و طی چندین سال تدریس به محک آزمایش گذارده شد، بنا بر مقتضیات علمی و آموزشی، ضرورت ویرایش آنها از سوی گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی احساس می‌شود، اما سایر اشغالات و ضرورت‌های موجود در خصوص کتابهای پایه‌های مختلف تحصیلی (تاریخ) موجب می‌گشت که فرصت و فرصت لازم برای این امر فراهم نیاید؛ تا این که در سال جاری موفقیتی به دست آمد و وظیفه مذکور تا حدی صورت تحقق به خود گرفت. (اگر چه باز هم اصلاح برخی از قسمتهای سه کتاب مذکور به چه بهای بعد موکول گشت.) دیران گرامی ملاحظه خواهند کرد که چاپ سال ۷۲ کتابهای تاریخ دوره راهنمایی همراه با اصلاحات و تغییراتی چند عرضه شده است که در این جا به شرح آن می‌پردازیم:

## الف) اصلاحات کلی

کتابهای اول و دوم به دلیل تغییرات کلی از نو حروفچینی و صفحه‌زایی شده است. این تغییرات شامل موارد متعددی است که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- ویرایش مطالب به منظور روانتر شدن متن، فارسی‌شدن برخی واژه‌ها و ترکیبات، رعایت بعضی نکات دستوری، و تغییر رسم الخط برخی کلمات؛
- ۲- اصلاح برخی خطاهای نگارشی و علمی؛
- ۳- حذف یا تخصیص بعضی مطالب، تا حد امکان؛
- ۴- تغییر رنگ زمینه طرح روی جلد.

یکی از بحث‌های مستمر در گروه تاریخ، سمبادهای دبیران تاریخ و نیز یکی از نکاتی که مکرر در سامه‌های پرسشی از مسأله و استنادهای گوناگون بدان اشاره می‌شود، مسأله «مشکل بودن» یا «اصطلاح «سنگین بودن» بعضی از قسمتهای کتابهای تاریخ دوره راهنمایی می‌باشد. برای رفع این مشکل راه‌هایی را همین ترتیب می‌توان در پیش گرفت: تألیف جدید بعضی فصلها، اصلاحات جزئی و

# گذارشی پیرامون کتابهای تاریخی دوره راهنمایی چاپ ۷۲

مسعود جوادیان



رعایت این نکات دقت شده است. این امر علاوه بر هدف اصلی کار، به درست خوانی مطالب کمک می‌کند که خود موجب تسهیل یادگیری می‌شود. در عین حال ضمن هماهنگی با درسهایی چون «فارسی و دستور» به تحقق هدفهای درسهای مذکور نیز یاری می‌رساند. رسم الخط بکسوخت و یکدست، علاوه بر نظم ظاهری کتاب که نوعی تعلیم و تربیت به شمار می‌رود - به زیبایی آن نیز می‌افزاید.

یکی از مسایلی که از سوی دبیران محترم مطرح می‌گردد، شکایت از زیادی حجم کتابها نسبت به ساعات تدریس می‌باشد. گروه تاریخ همواره در این اندیشه بوده است که در این خصوص راه چاره‌ای بیابد. در نظر گرفتن فصلهایی از کتابها به عنوان «برای مطالعه» و نیز حذف و تلخیص قسمتهایی از مطالب در جاهای بعدی، بدین منظور صورت گرفته است. این شیوه در چاپ جدید کتابها نیز به کار گرفته شده است که در جای خود به پاره‌ای از آنها اشاره خواهیم کرد.

منظور روانتر شدن عبارات، همچنین یافتن بهترین شیوه تدریس در کلاس. در چاپ سال ۷۲، سعی شده است از طریق ویرایش بعضی جمله‌ها، به فهم بهتر آن توسط دانش‌آموزن کمک شود؛ همچنین از آنجا که در جامعه فرهنگی ما، اهتمام نسبت به حفظ زبان فارسی، فارسی‌نویسی و خودداری از به‌کار بردن واژه‌های مهجور، از وظایف خطیر مؤسسات فرهنگی و اشخاص و صاحب نظران ذیربط محسوب می‌گردد، در چاپ جدید کتابها سعی شده است در حد توان به مسأله فوق توجه شود. اصلاح برخی غلطها و تغییرات مربوط به رسم الخط مطالب نیز در این راستا صورت گرفته است؛ مثلاً در زبان فارسی شایسته است که به جای جمع مکسر، جمع هر کلمه با «ها» انجام پذیرد (نظیر دولتها به جای دول) یا «های» جمع به کلمه جسيانده شود (نظیر «دولتها» به جای «دولتها») و یا از به‌کار بردن حرف ط در برخی کلمات برهیز گردد (نظیر امپراتور به جای امپراطور، توسی به جای طوسی) و یا صورت درست هر کلمه نوشته شود (نظیر بنیانگذار به جای بنیانگزار) یا از جسيانندن و بعکس، از جدا نشدن بیجای کلمات که گاه منجر به تغییر معنای آن می‌گردد خودداری شود (نظیر «به دلیل» به جای بدلیل، «به نام» به جای بنام). در چاپ اخیر کتابها نسبت به

## مقدمه

### اهمیت و فایده تاریخ

#### چرا تاریخ می‌خوانیم؟

تاریخ بشر سرگذشت و شناسنامه خانواده بسیار بزرگی است که جامعه بشری نامیده می‌شود.

در تاریخ، ما با زندگانی مردمی آشنا می‌شویم که در دورانهای مختلف با عقاید و رسوم و عادات گوناگون روزگاری در این جهان زندگی می‌کردند و هر کدام در زمانهای مختلف یادگارهایی از خوبی و بدی و عدالت و ستم و آبادانی و ویرانی باقی گذاشتند. تاریخ سرگذشت پدران و اجداد و نیاکان ما و شرح رنجها و راحتیهای آنان و طرز زندگی (تعلیم و تربیت) حکومت (اعتقادات) روابط فرهنگی و سیاسی و اقتصادی آنهاست.

مطالعه تاریخ ما را به گذشته باز می‌گرداند، تا کارهای مردمی را که از این جهان رفته اند (باز دیگر بینیم و سخن کسانی را که امروز خاموشند بشنویم و از همه آن گذشته‌ها درس عبرت بیاموزیم)

در سیمینار دوره راهنمایی که از ۲۰-۱۶ سال ۱۳۷۱ از سوی کمیسیون راهنمایی شورای تغییر نظام وزارت آموزش و پرورش و توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار شد، برخی از دبیران محترم درس تاریخ، ضمن بحث با کارشناس مسئول گروه تاریخ، اظهار داشتند که رنگ زمینه جلد کتاب‌های دوره راهنمایی مناسب نیست و از نظر روانی موجب بی‌علاقگی دانش‌آموزان نسبت به این درس می‌شود. در پی این سخن که معقول می‌نمود، طبعی احساس به مسئولین ذربط در دفتر چاپ و توزیع کتاب‌های درسی «مقرر شد که رنگ مذکور تغییر یابد و بدین ترتیب یکی دیگر از پیشنهادهای معلمان عزیز عملی گردید.

پس از این توضیح کلی، به شرح موردی بعضی از اصلاحات انجام شده در هر یک از کتابها می‌پردازیم:

## ب) برخی از اصلاحات جزئی کتابها

### ۱- تاریخ اول راهنمایی

در فصل سوم، علاوه بر موارد کمی فوق، ذکر دو نکته لازم به نظر می‌آید: در بحث از اختراع خط حای یک جمله خالی بود که بدین صورت اضافه شده است: «به دوره قبل از پیدایش خط، دوران ساقبل تاریخ می‌گویند». نکته دیگر عبارت است از تبدیل کلمه «عیلام» به «ایلام». این تبدیل در برخی اظهار نظر یکی از اساتید پیاده‌سازی کشورمان صورت گرفت؛ ایشان به دلایل زبانی‌شناسی به کار بردن این کلمه را به صورت «عیلام» غلط می‌دانند.

در این کتاب و همچنین در کتاب دوم، فصلهایی را که «سرای مطالعه» در نظر گرفته شده‌اند، از نظر اصلاحات لازم، از نظر دور نداشته‌ایم، زیرا فصلهای مذکور، به خلاف تصور برخی از دانش‌آموزان با همکاری آن‌ها می‌تواند، فصلهای کاملاً حذف شده نبینند، بلکه همان‌گونه که پیش از این طی نامه‌ی اداری اعلام داشته شد، تنها از نظر ارزشیابی جزو مطالب مستحاجی محسوب نمی‌گردد و این تصمیم در پی کاهش ساعات درس تاریخ دوره راهنمایی از سوی شورای عالی وزارت آموزش و پرورش و در نتیجه درخواستهای مکرر دبیران برای مناسب کردن حجم کتاب با ساعات تدریس، به عمل آمده است. شایسته است دبیران محترم هنگام تدریس در فصل بعد یا قبل از آن، اشاره‌ای گذرا به مطالب این نوع فصلها داشته باشند و یادانش‌آموزان را تشویق کنند که خود به مطالعه آنها بپردازند و یا در صورت امکان به تدریس آنها اقدام کنند.

استفاده از نقشه، هم به معنی در کار تدریس کمکی شایان می‌کند.

و هم یادگیری را تعمیق می‌بخشد. بدین منظور و نیز به منظور ساده‌تر شدن مطلب، آخرین بار اگر ف درس دهم کتاب اول به این صورت اصلاح شده است: «صد دروازه و سلوکیه، از شهرهای مهم سلوکیه بودند. از روی نقشه می‌توانید محل این دو شهر را پیدا کنید».

در درس یازدهم، چند جمله از کتاب حذف شده است که شایسته است، ضمن مقایسه کتاب با جلد ۷۲، بدون توجه به

تبدیل «زرتشت» به «زردشت» در برخی از درسها، به سواصبه ویر شده کتاب و با استفاده برخی مدعیان حمله گراف حذف و حتی نسخه نامور ذوالکفایت در درس یازدهم، به دلیل مستند نبودن این گزینش تاریخی صورت گرفت. در فصل یازدهم، با حذف بعضی جمله‌های دشوار مربوط به بحث «طبقات جامعه ساسانی» نویسنده به از مشکل بودن آن نگاهیه، جمله «خسرو برویز آخرین پادشاه معروف ساسانی... نیز از مواردی بود که پیوسته موجب خطای دانش‌آموزان می‌گشت، زیرا این پادشاه را آخرین پادشاه ساسانی می‌گفته‌اند؛ بدین جمله مذکور حذف گردید.

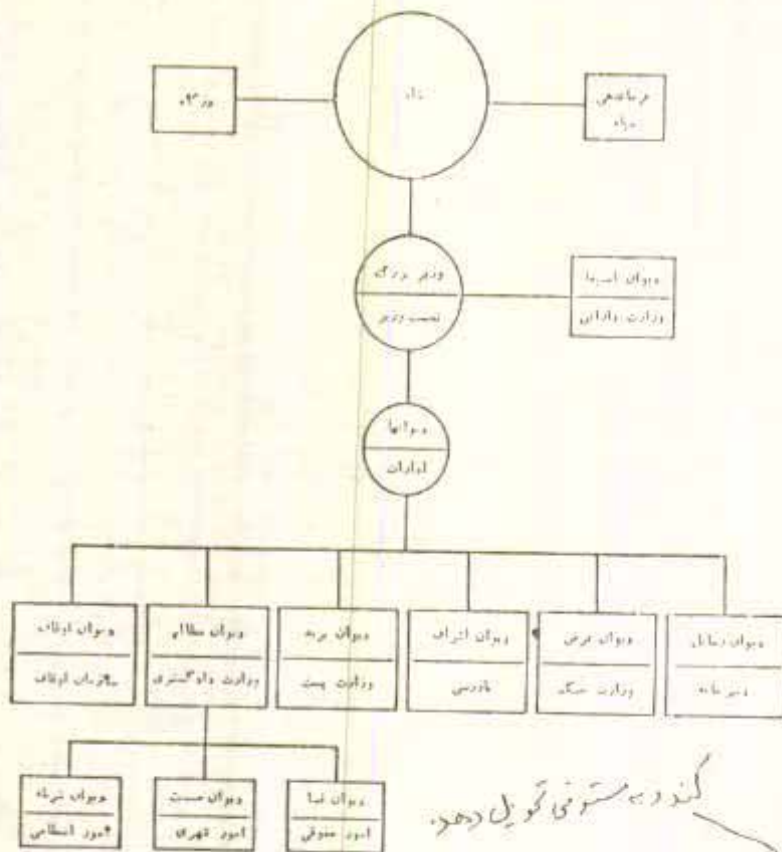
در درس بیست و یکم از بار گراف خراب، سه جمله در این باره باقی گذاشتیم. حذف بقیه مطالب اثر چند خوب می‌بود و به بی‌نیازی ارائه شده بود، به منظور کاهش حجم کتاب صورت گرفت.

## ۲- تاریخ دوم راهنمایی

در فصل سوم در بحث «غزوه حدق» آمده بود: «... سرکشی پس از آن که در پشت حدق در سرمای سخت زمستان باقی ماندند». جمله مذکور در جاب جدید بدین صورت اصلاح شده است: «... در این هنگام باد سردی وزیدن گرفت؛ به طوری که حاضرین سرکشی را از جا بر می‌گذاشت».

در فصل چهارم، در خصوص تعیین مبدأ تاریخ و تأسیس دیوان، مطالب موجود به نظر عمده‌ی، بی‌جیدگی‌هایی داشت و توجه به این که برخی تحقیقات جدید، تعیین تاریخ هجری را به عنوان مبدأ تاریخ مسلمین مربوط به دورانی پیش از زمان خلیفه دوم می‌دانند؛ بنابراین بدین صورت تلخیص و سهیل گشت: «اب قبل از این، از تاریخ هجری استفاده می‌شد، اما رسمیت نداشت».

در درس ششم، پیش از این، نوشته بودیم «غزوه‌عاص که از جانب معاویه به مضر اعزام شده بود، با تبرک محمد بن ابی بکر و ابی امام (ع) در مضر را به نهادن رسالتش از آن، فناء مالک بشری بدان دیار فرستاد و...» در جاب جدید، مطالب مذکور بدین صورت



گنبد و به مستوفی گویند (دهج)

شهر قرار داشت زندگی می کرد این قلعه آرگ نامیده می شد. حاکم وظیفه داشت مالیات مردم شهر را جمع آوری و تحویل مستوفی دهک می کرد او نماینده سلطان و مسئول نظم شهر بود. در دوره مقدانی به حاکم شهنه می گفتند حاکم صاحب شرطه، نظم شهر را تامین می نمود زیرا دست صاحب شرطه تعداد زیادی باستان (تیمار) شرطه خدمت می کردند.

در شهر دارای دیوار بزرگی بود که گردها گردان کشیده بودند دیوار شهر را جصوار می نامیدند و در نقاط مختلف آن برجهایی می ساختند در این برجها سربازان قرار می گرفتند شهر پناه چندین دروازه که به بیرون راه می یافت و شرطه در هر دروازه ای به نگهبانی می پرداختند. با فرارسیدن شب دروازه های شهر را می بستند هنگام هجوم دشمنان سربازان در دروازه ها قرار می گرفتند و در دروازه ها گردها کشیده بودند.

بندگان آزاد شده می گفتند: «در چاب اخیر، این جمله حذف گردیده است.»

در فصل هفتم، زمان حمله مغولان به ایران به جای «در پایان سلسله خوارزمشاهیان» به «در اواخر دوره خوارزمشاهیان» تبدیل شد. در این جا اشاره به یک نکته خالی از فایده نیست. بسیاری از کسانی که به تدریس تاریخ (در پایه های گوناگون) اشتغال دارند ابراز می دارند که تفهیم «چگونگی طلوع و افول سلسله های حاکم بر

اصلاح شده است: «عمر و عاصی... محمد بن ابی بکر را... به شهادت رسانند... پیش از آن، عمال معاویه مالک اکثر را... مسموم ساخته بودند.»

در همین فصل ماجرای قتل «زبیر» بدین گونه اصلاح شده است: «... زبیر نیز که از میدان جنگ کناره گرفته بود به بصره رفت و در آن جا کشته شد.» در درس ششم می خواندید: «مثلاً به ایرانیان «موالی» یعنی



قسمتهای مختلف ایران در فرون اولیه اسلامی»، به فرگیران مشکل است و بخصوص در دوره راهنمایی از آن جا که شرح این طلوع و افول، بسیار مختصر نگاشته شده است. دانش آموز به درستی به فهم حوادث و جریانهای تاریخی موفق نمی‌گردد. در این خصوص لازم است نخست یادآور شویم که شرح تفصیلی حوادث مربوط به دوران مذکور در کتاب راهنمایی، خارج از حوصله فرگیران این دوره و نیز با توجه به کمی ساعت تدریس، امری ناممکن می‌باشند. علاوه بر آن حقیقت این است که این مشکل در سطوح تحصیلی عالی نیز محسوس است؛ به طوری که دانشجوی رشته تاریخ تنها با توجه و حوصله‌ای بیشتر خواهد توانست چگونگی قوت و ضعف و روابط حکومتی سده‌های اولیه هجری را دریابد. در این خصوص استفاده هر چه بیشتر از نقشه و نمودار و شرح مطالب به وسیله آن، همچنین مطالعات جانبی معلم می‌تواند راهگشای تدریس باشد.

### ۳- تاریخ سوم راهنمایی

در فصل اول، تاریخ قتل شاه سلطان حسین از سال ۱۱۳۵ هـ ق به ۱۱۴۲ هـ ق تبدیل و تصحیح شد.  
در فصل هفتم، به منظور کاهش حجم کتاب، عنوان «قتل گریبایدوف» حذف و بیشتر مطالب آن به باورقی منتقل شده است. در فصل هشتم، در بحث از «انتشار روزنامه» سهوی روی داده بود که در جاب ۷۲ بدین صورت تغییر یافته است: «در عصر ناصرالدین شاه، روزنامه‌هایی نیز منتشر شد. پیش از آن، نخستین روزنامه در ایران، توسط میرزا صالح شیرازی منتشر شده بود. این روزنامه «کاغذ اخبار» نام داشت. در عصر ناصرالدین شاه نیز همان گونه که خواندید، سه دستور امیرکبیر روزنامه‌ای به نام وقایع اتفاقیه انتشار یافت. از دیگر روزنامه‌های این دوره می‌توان از روزنامه قانون نام برد». لازم به یادآوری است که اطلاق نام «روزنامه» به «وقایع اتفاقیه» بر اساس شیوه رایج می‌باشند؛ در حالی که می‌دانیم نشریه مذکور، هر هفته یک بار منتشر می‌گردیده و در واقع «هفته‌نامه» بوده است. در پایان توضیح چند نکته لازم به نظر می‌رسد:

اگرچه جاب جدید کتابهای تاریخ دوره راهنمایی بسیار بهتر از سالهای قبل از آن عرضه گشته است، با این حال هنوز نقصها و کاستیهایی در آنها موجود است که امیدواریم در جاب سال ۷۳ برطرف شود. تصاویر صفحه‌های «۳» و «۵» کتاب اول از جمله آنهاست که مناسب دوره‌های تاریخی مورد بحث نمی‌باشند. پیش از این، در سمینار دبیران علوم اجتماعی که در خرداد سال ۷۱ در جالوس برگزار شد،

تغییر و تعویض این تصاویر را به دبیران شرکت کننده قول داده بودیم. اما از آن جا که به تصویری مناسب دست نیافتیم. این امر به سال بعد موکول گشت. همچنین امیدواریم در سال آینده به بازنگری فصلهایی از تاریخ سوم راهنمایی بپردازیم و بیش از پیش از نظریات اصلاحی دبیران گرامی بهره‌مند گردیم. در پایان بر خود لازم می‌دانیم از تمامی دبیران و سایر افرادی که با ارسال نامه یا اظهار نظر در سمینارها و جلسات ما را در منقح ساختن کتابها یاری رساندند تشکر نماییم.

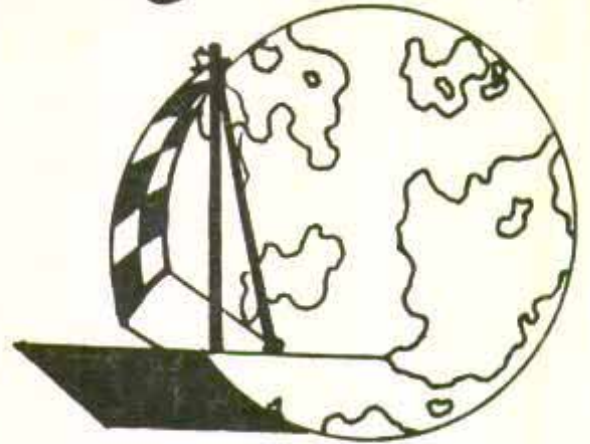
### باورقی

۱- در این خصوص لازم است از خانم یرسا گره رضایی و آقای فرروز اسماعیل زاده و براستارن دفتر سرنام‌ریزی و تألیف کتب درسی سیاست‌گذاری تعییم.

۲- رجوع کنید به مقدمه‌ای بر گاهشماری هجری و مسیحی، نوشته دکتر رضا عبدالهی، تهران، انتشارات مرکز.

۳- جمله‌های مذکور نقل به مضمون است. به نقل غیر مطالب





## تاریخچه رشد جمعیت تهران

تنظیم از صدیقه سلطانیفر

نفر شده است.

با توجه به این که در سرشماری سال ۱۳۷۰ جمعیت کل کشور حدود ۵۸ میلیون نفر و جمعیت شهر تهران ۶/۶ میلیون نفر بود می توان گفت که شهر تهران به تنهایی ۱۱/۳۷ درصد از جمعیت کل کشور را در خود جای داده است.

تهران امروز مرکز قدرت سیاسی کشور است. نقطه تعاس ایران با جهان و عامل و مرکز نشر استعدادها و نیروهای انسانی است. شعاع فعالیت آن در مقیاس کشوری و بهره‌وری از نقش هدایت‌کننده تمام مسائلی که در سطوح کشور جریان دارد و نیز داشتن امکانات جهت توسعه صنایع سبک که در اقصی نقاط کشور خریدار و مصرف‌کننده دارد، این شهر را به عنوان مادر شهر که نفوذ و اثرش را در مقیاس وسیعی از سواحل دریای مازندران تا کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان می‌توان احساس کرد، درآورده است.

**تکوین و تغییرات جمعیت شهر تهران.**

عوامل و ضوابطی که تکوین و تغییرات جمعیت تهران براساس آنها مشخص و معلوم می‌شود، عبارتند از:

۱ - اثرات ناشی از عوامل طبیعی:

— به مسوازت  
افزایش عرض  
جغرافیایی از شمال به  
جنوب میل به  
نهرنشینی افزایش  
یافته و برترکم جمعیت  
افزوده شده و نیز هر چه  
از مدار ۳۵ درجه بالاتر  
رویم، رشد جمعیت  
جسمگیرتر می‌نماید.

مقاله زیر در مورد علل رشد و افزایش جمعیت شهر تهران بحث می‌کند. از جمله عوامل مؤثر در رشد جمعیت عرض جغرافیایی، میزان ارتفاع، وجود آب، علل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ذکر شده است. از خانم صدیقه سلطانیفر تنظیم کننده این مقاله متشکریم.

شهر تهران از زمانی که در عهد قاجاریه به عنوان پایتخت انتخاب شد تا به حال دارای رشدی سریع بوده و جمعیتش روز به روز افزایش داشته است. اولین آمارگیری رسمی در سال ۱۳۳۵ و به دنبال آن در سال ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ انجام شد که گرچه دارای نارساییهایی بود، اما تنها منبع و مأخذ مورد استفاده و مطالعه بوده است.

جمعیت تهران با سرعت زیادی رشد کرده است؛ به این ترتیب که در آغاز سلطنت آقامحمدخان ۱۵۰۰۰ نفر، در زمان متحعلیشاه ۵۰۰۰۰ نفر، در سال ۱۳۱۷ ۵۴۰،۰۰۰ نفر، در سال ۱۳۲۱ حدود ۷۰۰،۰۰۰ نفر، در سال ۱۳۳۵ حدود ۱،۵۰۰،۰۰۰ و در سال ۱۳۴۵ به ۲،۸۰۰،۰۰۰ نفر رسیده و طبق سرشماری ۱۳۵۵ حدود ۴۵۰۰،۰۰۰ نفر جمعیت داشته است در اولین سرشماری رسمی پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۵، جمعیت تهران ۹،۰۰۰،۰۰۰

# جغرافی



تراکم جمعیت در شهرهای واقع بین مدار ۲۵ و ۳۰ درجه عرض شمالی از بین رفته است. اما در تهران که در عرض شمالی ۳۵ و ۴۱ قرار دارد تا سوجه به فزایش عرض جغرافیایی تراکم جمعیت بخوبی محسوس است. نتیجه این که به موازات افزایش عرض جغرافیایی از شمال به جنوب میل به نپهرنسنینی افزایش یافته است تراکم جمعیت فزوده می شود و نیز هر چه از مدار ۳۵ درجه بالاتر رویه برسد جمعیت چشمگیرتر می شود.

ب - عامل ارتفاع در رابطه با تراکم جمعیت تراکم جمعیت در ایران در رابطه با ارتفاع مکن بر سه

الف - رابطه عرض جغرافیایی با توزیع و تراکم جمعیت:

در کشور ما توزیع و تراکم جمعیت بی رابطه با عامل عرض جغرافیایی نیست و همچنان که عرض جغرافیایی افزایش می یابد و از مناطق نسبتاً گرم و خشک دور شد، به نواحی معتدل نزدیک می شویم. به تعداد جمعیت افزوده می شود؛ به طور مثال در عرض جغرافیایی ۲۵ و ۳۰ درجه که منطبق با استانهای ساحلی، فارس، کرمان و بلوچستان است، آب و هوای گرم، کمی بارندگی و سایر عوامل نامساعد جغرافیایی تراکم جمعیت را در سیستان و بلوچستان به حداقل می رساند. به طور کلی

در جهتهای شمالی و جنوبی تراکم جمعیت کم است و در نواحی معتدل تراکم جمعیت زیاد است. در نواحی کوهستانی تراکم جمعیت کم است و در نواحی پهنه‌های حاصلخیز تراکم جمعیت زیاد است.

طور ناهماهنگ توزیع شده است و این عامل اثرات بارزی در پراکندگی جمعیت در نقاط مختلف کشور داشته است. در شهرهایی که بین صفر و ۳۰۰ متر ارتفاع واقع اند حدود ۱۵ میلیون نفر جمعیت بر روی اراضی هموار سکونت دارند، (نظیر شهرهای شمالی و جنوبی ایران)، در شهرهایی که در ارتفاع ۳۰۰ تا ۹۰۰ متری واقع اند، به علت ارتفاع نسبتاً کم، رشد جمعیت ناموزون و نامتناسب است. در شهرهای واقع بین ۹۰۰ و ۱۵۰۰ متر ارتفاع، جمعیت انبوهی سکونت دارند. این جمعیت شهرهای واقع بین ارتفاع یاد شده را به علت مزایایی که دارد برای زندگی انتخاب کرده اند؛ به این دلیل که ارتفاع هم عاملی در جهت تعدیل آب و هوای ناحیه ای است و هم در کشوری نظیر ایران که تاریخ پرماجرایی را پشت سر نهاده ارتفاع چون بناگاه‌های در برابر خطرات احتمالی مورد توجه واقع شده است. شهر تهران در ردف شهرهایی است که در ارتفاع بین ۹۰۰ تا ۱۵۰۰ متر ارتفاع واقع شده است و به همین علت انبوهی جمعیت، نظام شهری ایران را به هم زده است. نتیجه این که هر چه ارتفاع مکان افزایش می‌یابد، از تعداد

— شهر تهران در ردف شهرهایی است که در ارتفاع بین ۹۰۰ تا ۱۵۰۰ متر واقع شده است و به همین علت انبوهی جمعیت، نظام شهری ایران را به هم زده است.

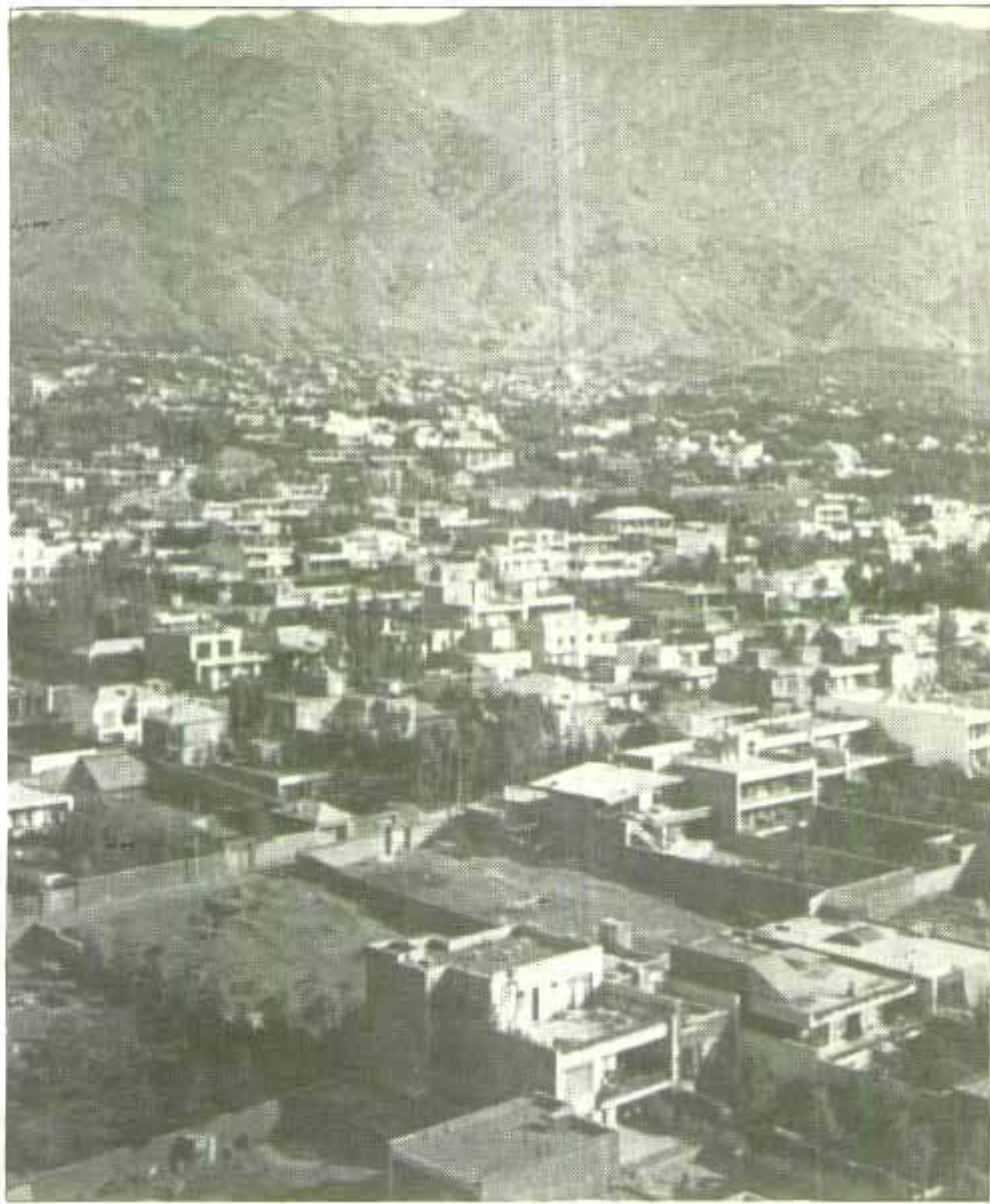
جمعیت کاسته می‌شود و به علت نامساعد بودن هوا و زمین در مناطق مرتفع جمعیتی دیده نمی‌شود، نظیر نقاطی که در ارتفاع بیش از ۲۰۰۰ متر واقع شده‌اند؛ برعکس در مناطقی با ارتفاع مناسب، عامل شهر و شهرنشینی و در نتیجه تراکم جمعیت گسترش می‌یابد.

### ج - نقش آب در پراکندگی و توزیع جمعیت

نقش آب را در جمعیت پذیری شهرهای ایران نمی‌توان انکار کرد، در تمام نواحی جغرافیایی این سرزمین اولین روستاها در کنار آب به وجود آمده‌اند و رشد کرده‌اند و در ضمن شکل استقرار و موقع نسبی خود را از مسیر آب مورد نظر کسب کرده‌اند.

نگاهی به نقشه پراکندگی جغرافیایی شهرهای ایران بکثرت حالت بی‌قربنگی را در مناطق داخلی نشان می‌دهد. این مورد را مقایسه نقشه‌های بارندگی و نقشه‌های تراکم جمعیت بخوبی تأیید می‌کند. مقایسه نقشه‌ها نشان می‌دهد که نواحی مرکزی، شرقی و جنوب شرقی ایران جمعیت کمتری را در خود جای داده‌اند و برعکس در نواحی





## ۴ - اثرات ناشی از عوامل سیاسی:

یکی دیگر از عواملی که در جمعیت‌پذیری و تکوین شهرها در ایران نقش اساسی داشته عامل سیاسی بوده است. تهران پایتخت و مرکز اداری و سیاسی کشور است و از لحاظ عظمت و گسترش ابعاد در زمره بزرگترین پایتخت‌های دنیا شمرده می‌شود. گذشته تهران مسین این واقعیت است که روز به روز بر وسعتش اضافه شده همزمان با وسعت به جمعیت آن نیز اضافه می‌شود و آنچه که امروز تهران را به عنوان پایتخت و نیز یکی از بزرگترین شهرهای خاورمیانه در آورده بشرفقت همه حایه سیاسی و فرهنگی و

— گاهی به نفعه  
— گاهی به ضرر  
— گاهی به نفعه  
— گاهی به ضرر  
— گاهی به نفعه  
— گاهی به ضرر  
— گاهی به نفعه  
— گاهی به ضرر

شمالی ایران که رطوبت و باران زیاد است، دسترسی به آب مسأله مهمی ایجاد نمی‌کند. در ایران گاهی به شهرهای پرجمعیت و بزرگی برمی‌خوریم که در حاشیه رودخانه‌ها مستقر شده‌اند، نظیر اصفهان و اهواز و گاه نیز نواحی که جمعیتی را می‌بینیم که در بناه یک بادوقنات شکل یافته‌اند و به حیات خود تنها از طریق یازدهی قنات‌ها ادامه می‌دهند. جوامع شهری بسیاری که در نواحی خشک و کم‌آب ایران قرار دارند، از این نوع هستند. شهر تهران یکی از شهرهایی است که ابتدا در جهت قنات توسعه یافته و توسعه اولیه به طرف شمال و سرچشمه قنات بوده است.

اجتماعی و اقتصادی آن است.

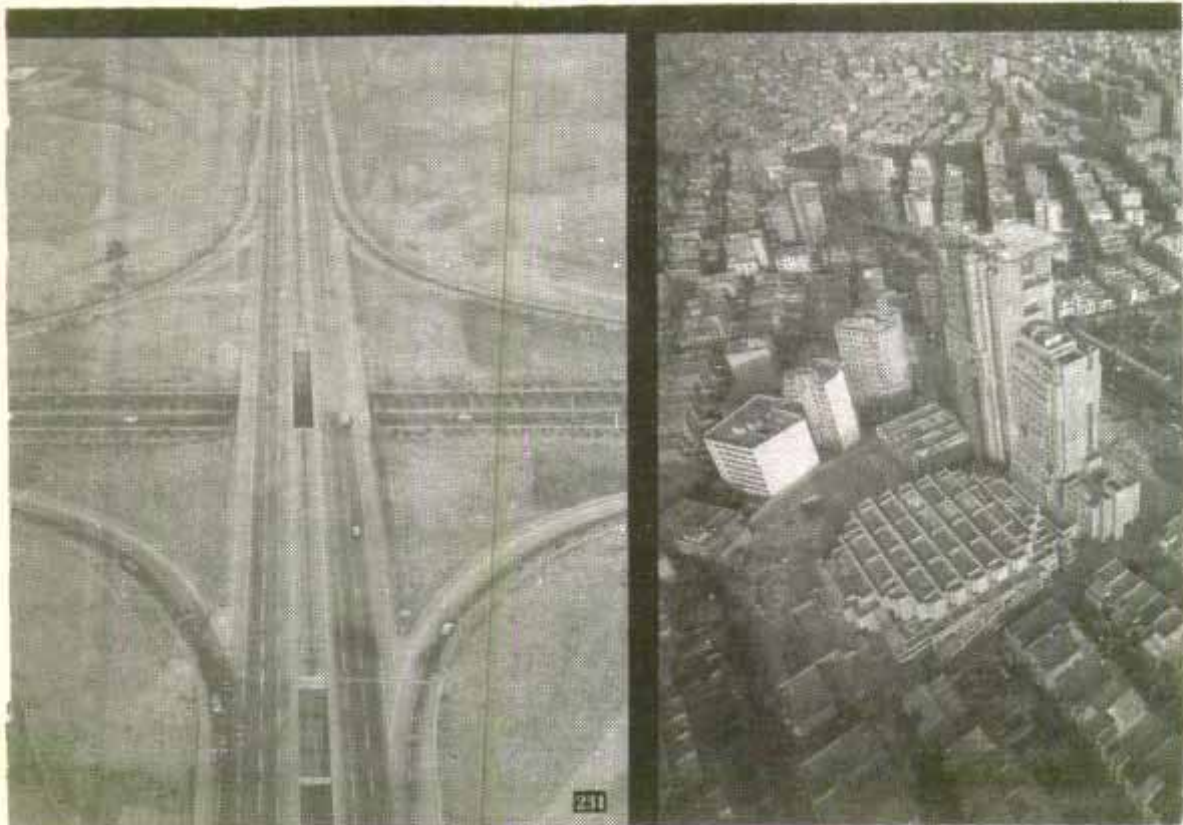
توسعه سریع این شهر سایر شهرهای بزرگ ایران را تحت الشعاع قرار داده است و موقعیت تهران به عنوان پایتخت کشور و تمرکز قسمت مهمی از مؤسسات دولتی و ملی در آن و به عبارت دیگر تمرکز قدرت سیاسی در تهران و قوای تصمیم گیرنده باعث گسترش و عظمت شهر تهران و جمعیت پذیری بیش از حد آن شده است.

### ۳- اثرات عوامل اقتصادی و اجتماعی:

ایجاد شهرهای بزرگ و جریان شهرتسبب شدن انسان از مسائل تاریخی مبهم و پیچیده است که باید ریشه و علل آن را در تمدنهای مختلف اولیه بشر پیدا کرد. به طور کلی می توان گفت که نهال مدنیت در بین اولین حصار شهرستانهای قدیمی و پس از طی سالیان دراز دوره های زندگی قبیله ای و بردگی و فئودالیسم و همبای تکامل تدریجی آنها کم کم توضیح گرفته و گسترش بسافته است؛ بنابراین توسعه شهرتسببی می تواند به نوبه خود

توسعه شهرتسببی می تواند به نوبه خود نمودار درستی از تکامل فرهنگی و اجتماعی ملل در دوره های مختلف تاریخ آنها باشد.

نمودار درستی از تکامل فرهنگی و اجتماعی ملل در دوره های مختلف تاریخ آنها قرار گیرد. به طور مسلم فرهنگ اجتماعی انسانها راه بریج و خمی را طی کرده و مدنیت از گرد راه رسیده امروز مراحل مختلفی را پیموده است و همواره جلب مردم به سوی شهرها و ایجاد شهرهای بزرگتر مدنظر و توجه قرار داشته است. تحول و پیشرفت شهرتسببی و توسعه شهرستانهای قدیمی و تغییرات اساسی که در آنها به وجود آمده تا اندازه زیادی به طور مستقیم و غیرمستقیم، سبب اضافه شدن جمعیت شهرستانها و جلب روستاییان به شهرهای مرکزی شده که از خصوصیات سیاسی عصر حاضر است. در تکوین پذیری تهران عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همگام و یکپارچه اثر داشته اند و نباید تنها امر صنعتی و اقتصادی تهران را علل جذب جمعیت دانست، بلکه باید در کنار این عامل، عوامل اجتماعی و فرهنگی را نیز مورد توجه قرار داد. در این میان شکی نیست که عامل جمعیت خود بهترین و اساسی ترین رکن تعیین کننده اوضاع



# جسراتی

## نتیجه گیری

به علت تمرکز سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تهران، با سرعت بسیار زیادی رشد کرده است. رشد سریع جمعیت تهران بخصوص در دوره اخیر چه ز نظر رشد طبیعی و چه از جهت مهاجرت مسائل بسیاری را مطرح کرده است. در اثر گسترش تهران شهرهای مهمی مانند شهرری، شمیرانات و کرج در حوزه نفوذ آن قرار گرفته اند و عملاً به صورت جزئی از این شهر و تمدن آن درآمده اند.

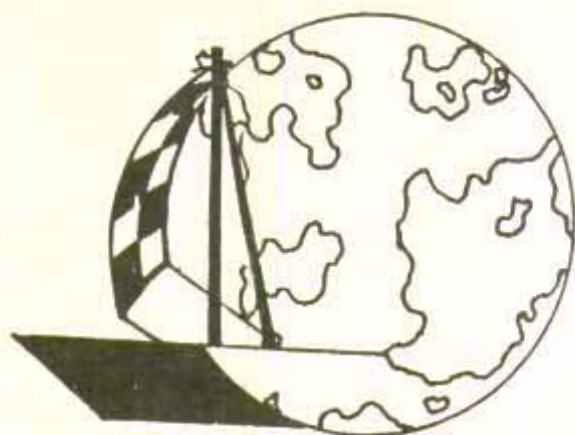
نفوذ تهران در شهرهایی مانند قزوین، قم، منجیل و سایر شهرهای مجاور نیز شدت محسوس است. از جانب دیگر توسعه بدون کنترل شهر مستمر و بی نظیر شهری را در تهران، اگر نه غیرممکن اما مشکل ساز ساخته است. تراکم زیاد بخصوص در مرکز شهر، مسائلی و مشکلاتی مانند ترافیک، آلودگی محیط زیست و ازدحام عبور و مرور و مسائل تغذیه و مهاجرت مداوم جمعیت که درآمد به تهران را برید آورده است. توسعه شهر از طریق جنوب به علت وجود کویر و هوای نامناسب و نیز توسعه آن از جانب شمال و ساحل، وادی سرقه به علت وجود مسوای طبیعی محدود است. از این رو آن حدی که مشهور است، شهر تهران از جانب غرب در حال توسعه می باشد و جنوب توان تهران کرج و بیدیش شهرکهای متعدد در این شهر و نیز تمرکز صنایع در این قسمت این گرایش را در آینده تشدید خواهد کرد.

در پایان باید گفت تهران تمام مسائل و مشکلات یک شهر سریع التوسعه را در خود جمع کرده است که لازم است هر چه سریعتر با نظارت و برنامه ریزیهای دقیق از این گسترش بی رویه جلوگیری به عمل آید.



اجتماعی و اقتصادی یک جامعه است. نقش جمعیت در تمام برنامه های توسعه اقتصادی به عنوان اولین و بارزترین عوامل و شرایط لازم به حساب آمده است. نقش شهر نیز به ایران تقریباً شبیه نقش سایر شهرهای عمده در کشورهای در حال توسعه می باشد. همان طوری که در سایر بخشهای تهران دیده می شود، وضع جغرافیایی خاص آن که در مسیر تجارت شرق و غرب واقع است، بدان جنبه مرکزیت داده و تهران را از نظر اقتصادی تقویت کرده است. این عامل همراه با صنعتی شدن کشور دست به دست هم داده و منجر به توسعه سریع تهران و جذب جمعیت در آن شده است. در نتیجه تهران امروزه نه تنها مرکز سیاست کشور است، بلکه مرکز اقتصادی آن نیز می باشد. به طور کلی وجود وسایل رفاهی رفیل و وسایل فرهنگی، بهداشتی، تفریحی، اقتصادی و غیره و اهمیتی که تهران در این مسائل به دست آورده باعث شده که همه ساله عدد زیادی مسکن اصلی خود را ترک گفته و به سوی تهران میروند. وجود دانشگاهها، هنرستانها و مدارس حرفه ای در تهران و این که اصولاً تهران مرکز دانش و آموزش ایران است باعث شده که جوستانان زیادی جهت دانش آموزی و پژوهش به سوی این شهر روی آورند. تمرکز امور اداری، پیشرفتهای صنعتی و تمرکز صنایع در تهران بسط و توسعه وسایل ارتباطی و تسهیلات حمل و نقل همه عواملی هستند که جاذب جمعیت می باشد.

توسعه اقتصادی و اجتماعی  
توسعه اقتصادی و اجتماعی  
توسعه اقتصادی و اجتماعی  
توسعه اقتصادی و اجتماعی  
توسعه اقتصادی و اجتماعی  
توسعه اقتصادی و اجتماعی  
توسعه اقتصادی و اجتماعی  
توسعه اقتصادی و اجتماعی  
توسعه اقتصادی و اجتماعی  
توسعه اقتصادی و اجتماعی



# پدیده‌های جوی

فخری هانسی تهرانی

مقاله زیر در مورد پدیده‌های جوی و علل تشکیل آنها مانند رنگ آبی آسمان، سرخی غروب، شکست نور اجرام سماوی، شفق و فلق، شفق‌های قطبی و جنمک زدن ستاره‌ها و... صحبت می‌کند. پدیده‌هایی که ما اغلب در طول سال شاهد آنها هستیم و برای کودکان و نوجوانان نیز همیشه سؤال برانگیز است. مطالعه این مقاله پاسخ مستندی به علل این پدیده‌ها را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. از خانم فخری هانسی برای ارسال این مقاله سپاسگزاریم.

مقدمه:

۱۸۳، ۱۶۰۰ و ۱۵۰۰۰ درجه کلون است. (۲۷۳ درجه کلون برابر صفر درجه سانتیگراد می‌باشد).

زمین توسط کره‌ای از گاز و غبار، یعنی جو احاطه شده است. این کره علاوه بر این که مانند سپری مانع رسیدن پرتوهای زیان‌آور به سطح زمین می‌شود، باعث بروز پدیده‌های متنوع و جالب چون رنگ آبی آسمان در لحظه ظهر و قرمزی آسمان در لحظه طلوع و غروب خورشید، شفق و فلق، رنگین‌کمان و غیره... می‌شود که در این جا علت پیدایش برخی از آنها بیان خواهد شد.

رنگ آبی آسمان و سرخی غروب پراکندگی نور، با ورود آن به داخل محیط مادی ایجاد می‌شود. ابعاد ذرات تشکیل دهنده محیط نسبت به طول موج تابشی سبب ایجاد دو نوع پراکندگی می‌شود. اگر ابعاد ذرات از طول موج تابشی بزرگتر باشند، مانند آینه عمل می‌کند و نور تابشی‌ای از برخورد با آنها منعکس می‌شود. حال اگر ابعاد ذرات از طول موج تابشی کوچکتر باشند، در این حالت، مانند منبع نور، نور را در همه جهات پراکنده می‌کند. میزان پراکندگی نور متناسب با عکس توان چهارم طول موج نور تابشی است.

جو زمین از لایه‌های با خواص فیزیکی متفاوت تشکیل شده است. چگالی مواد تشکیل دهنده جو با افزایش ارتفاع کاهش می‌یابد. اما درجه حرارت در برخی از لایه‌ها کم و در برخی زیاد می‌شود. لایه‌های جو زمین عبارتند از: تروپوسفر، استراتوسفر، مزوسفر، ترموسفر و اکزوسفر که ارتفاع حد فوقانی آنها به ترتیب ۱۲، ۵، ۸۵، ۱۰۰۰، ۱۰۰۰۰ کیلومتر و دمای جو در این ارتفاعات برابر ۲۱۷، ۲۷۳،

$10^4$

بنابراین نور آبی بیشتر از نورهای دیگر بخش می‌شود و

# جستجوی

ذرات موجود در جو زمین، با توجه به ابعاد آنها، پراکنندگی نوع دوم را موجب می‌شوند؛ به همین جهت نور آبی خورشید هنگامی که خورشید در سمت الرأس قرار دارد، بیشتر پخش می‌شود و رنگ بی‌آسمان را به وجود می‌آورد (شکل ۱ موقعیت B).

هنگام غروب به علت افزایش ضخامت جو (شکل ۱ موقعیت A) و پراکنندگی بیشتر این ذرات، رنگهای با طول موج بلندتر ظاهر می‌شوند و آسمان آبی به رنگ نارنجی و سپس به رنگ قرمز در می‌آید.

البته باید گفت خورشید در خارج جو به رنگ واقعی خود (زرد کم رنگ) دیده می‌شود و آسمان نیز به دلیل عدم وجود ذرات پراکنده کننده سیاه رنگ است. در دوره‌های غبار آلود به علت وجود ذرات سه ابعاد بیشتر، رنگ خورشید نیز تغییر می‌کند.

## شکست نور اجرام سماوی

نور اجرام سماوی پس از شکستهای متوالی توسط جو، به علت عبور از لایه‌ها، با خواص فیزیکی متفاوت به ناظر می‌رسد. این عمل باعث افزایش ارتفاع اجسام سماوی می‌شود (ارتفاع برابر فاصله زاویه‌ای جرم سماوی از افق ناظر است) (شکل ۲). از طرف دیگر، زاویه شکست (R) طبق تعریف

$$R = Z - Z_0 \quad (۱) \quad \text{رابطه}$$

یا

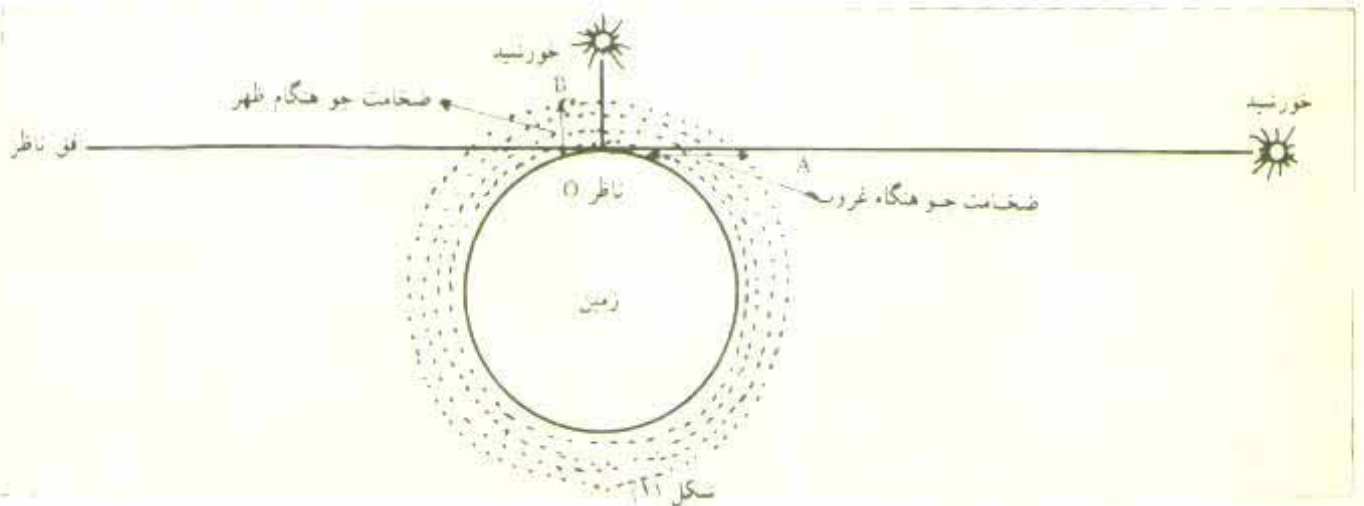
$$Z = Z_0 + R \quad (۲) \quad \text{رابطه}$$

در وسط تصویر  
رنگ و غیره یعنی جو  
خطه سه است  
نور خورشید  
در این حالت  
پخش می‌شود  
و رنگ آبی  
پدید می‌آید  
در این حالت  
ضخامت جو  
زیادتر است  
و رنگ نارنجی  
و قرمز دیده می‌شود  
در این حالت  
ضخامت جو  
زیادتر است  
و رنگ نارنجی  
و قرمز دیده می‌شود

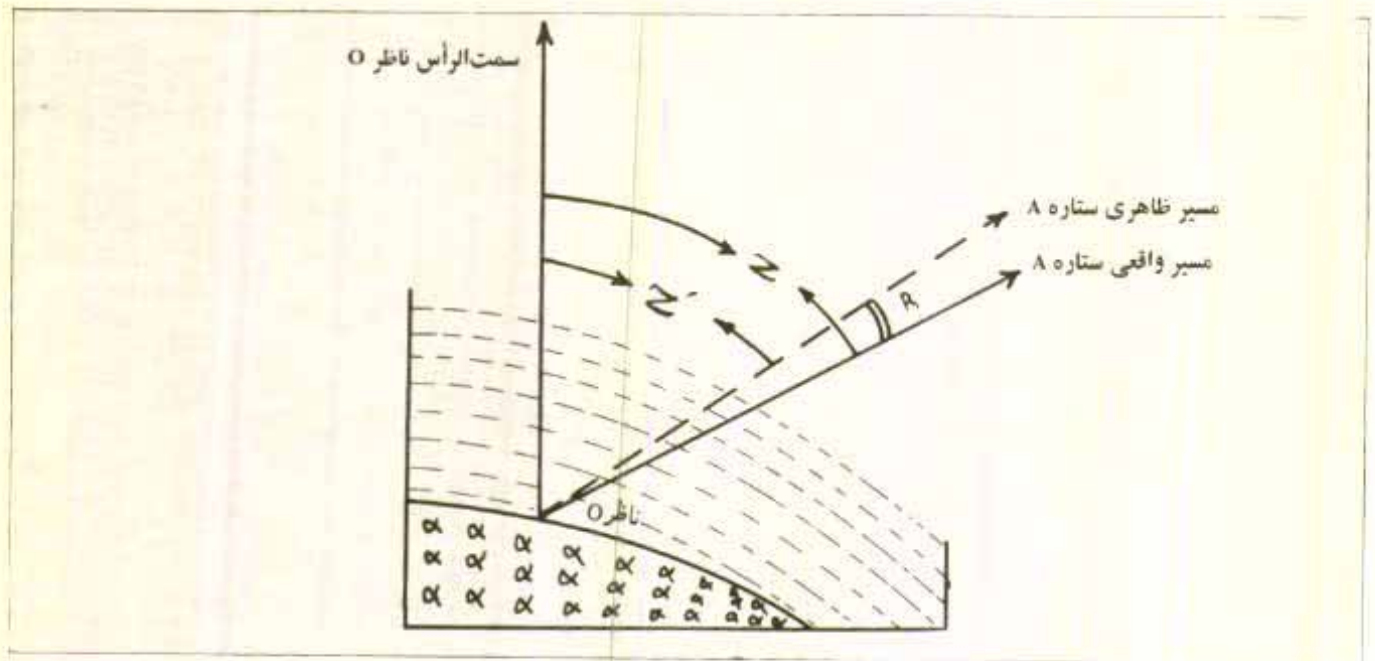


حدود ۱۶ بار بیشتر از نور قرمز پراکنده می‌گردد:

$$\frac{\text{قرمز}}{\text{آبی}} = \frac{(4000)^4}{(8000)^4} = 16$$







شکل ۲

همان طور که اشاره شد، مقدار زاویه شکست، طبق جدول (۱)، برای شرایط مختلف دما و فشار است و مقدار آن برای سایر مقادیر فشار و دما از رابطه زیر به دست می آید:

$$r = 60.125 \frac{P}{760} \cdot \frac{273}{273 + t} \cdot 18Z$$

که در آن P فشار بر حسب میلی متر جیوه، t دما بر حسب سانتیگراد است.

پدیده انکسار جو، علاوه بر تغییر جهت مسیر نور اجرام سماوی، باعث افزایش طول مدت روز نیز می شود، زیرا انکسار جوی باعث می شود خورشید قبل از طلوع و مدتی بعد از غروب از افق ناظر قابل رؤیت باشد؛ بدین ترتیب که قبل از طلوع و بعد از غروب تا زمانی که خورشید حدود ۰/۵ درجه (به اندازه قطر ظاهری ماه و

که در آن Z فاصله سمت الرأس واقعی، Z فاصله سمت الرأس ظاهری با مشاهده شده است. به علاوه ارتفاع منجم فاصله و سمت الرأس جرم سماوی است؛ بنابراین رابطه بین ارتفاع واقعی و ظاهری به صورت زیر است:

$$a = a' - R \quad (۳)$$

که در آن a و a' به ترتیب ارتفاع واقعی و ظاهری جرم سماوی است. زاویه شکست تابعی از فاصله سمت الرأس است. برای فاصله سمت الرأس صفر درجه، مقدار آن نیز صفر است، زیرا نور به طور عمودی می تابد. با افزایش فاصله سمت الرأسی ستاره، مقدار شکست نیز افزایش می یابد.

مقدار زاویه شکست (R) بر حسب فاصله سمت الرأس برای شرایط متفاوت دما و فشار جوی در جدول (۱) نشان داده شده است.

فاصله سمت الرأس (Z)	۰°	۲۰°	۴۰°	۶۰°	۷۰°	۸۵°	۸۶°	۸۷°	۸۸°	۸۹°	۹۰°	
مقدار شکست	۰ و ۰	۰ و ۲۱	۴۸	۱ و ۴۰	۲ و ۳۷	۵ و ۱۶	۹ و ۴۵	۱۱ و ۳۷	۱۴ و ۱۳	۱۸ و ۰۶	۲۴ و ۲۲	۵۰ و ۰

جدول (۱)

# جشنرانی

خورشید،<sup>۴</sup> زیر افق دیده می‌شود و سه همین دلیل مساه و ستارگان نیز زودتر طلوع و دیرتر غروب می‌کنند. به علت تغییرات زیاد زاویه شکست یا فاصله سمت لرآسی برای مقادیر بزرگ فاصله سمت لرآسی (سردبک افق)، در نوبه بالایی و زیرین قرص خورشید زاویه شکستهای متفاوت به دست می‌آید؛ در نتیجه قطر افقی خورشید بزرگتر از قطر عمودی آن می‌شود و از این رو خورشید در افق سه شکل بیضی دیده می‌شود.

## شفق و فلق

بخشی از نور خورشید، بعد از غروب و قبل از طلوع، در اثر پراکندگی نور توسط ذرات جو سه سطح زمین می‌رسد. این پدیده را قبل از طلوع خورشید فلق و بعد از غروب خورشید شفق گویند. شدت نور پراکنده به موقعیت خورشید نسبت به افق بستگی دارد. زمان آن مدتی است که خورشید باید به زاویه معینی در زیر افق برسد؛ مثلاً اگر مسیر خورشید عمود باشد (در استوا)، این زمان کوتاه و در صورتی که مسیر آن نسبت به افق مایل باشد، این زمان بلند است. سه نوع شفق و فلق، عرفی، دریایی و نجومی تعیین شده است که به ترتیب زمانی است که خورشید به ۶، ۱۲، ۱۸ درجه زیر افق برسد.

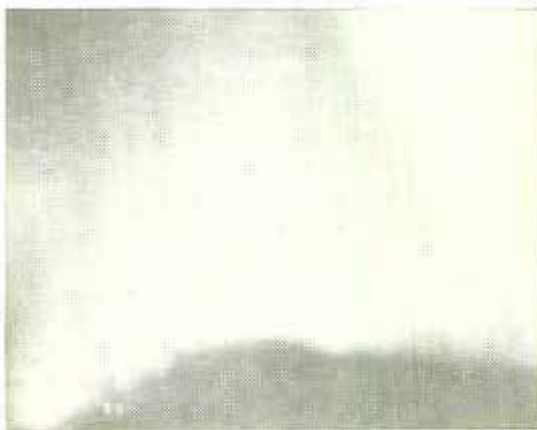
## جشمک زدن ستاره‌ها

چون طبقات مختلف جو از نظر دما و میزان بخارات و در نتیجه ضریب شکست متفاوت است، نور ستاره‌ها قبل از رسیدن به زمین از لایه‌های مختلف جو عبور می‌کند. حرکات مواد تشکیل دهنده لایه‌ها به طور افقی و عمودی باعث می‌شوند که موج نورانی به طور بکثرت به زمین برسد و به صورت چشمک زدن ستاره‌ها دیده شوند. سیارات معمولاً چشمک نمی‌زنند و این بدان علت است که سیارات به صورت متع گسترده نورند، در حالیکه ستاره‌ها به صورت منبع نقطه‌ای هستند. فقط سیارات یا قطر زاویه‌ای کوچک در نزدیکی افق، به علت شکست نور ممکن است مانند ستاره‌ها چشمک بزنند.<sup>۱</sup>

## شفقهای قطبی

شفقهای قطبی یکی از مناظر جانب و دیدنی جو است

که در مناطق قطبی زمین دیده می‌شود. نور رنگین شفقهای قطبی در امتداد خطوط نیروی میدان مغناطیسی زمین آشکار شده پس مانند پراده‌ای گسترده شده و تکرار می‌خورند پس از آن که روشنایی آن ۶۰ تا ۱۰۰ متر بر افش یافت بتدریج رنگ می‌زدود و سرانجام سه گام قرمز رنگی از آن باقی می‌ماند. شفقهای قطبی در قطب شمال «شفقهای شمالی» یا «سوار شمالی» و در قطب جنوب «شفقهای جنوبی» نام دارند. اشکال ۳، ۴.



شکل ۳

نور شفقهای قطبی توسط ذرات باردار خورشیدی به وجود می‌آید. ذرات باردار خورشیدی در هنگام فعالیت خورشید از آن جدا شده بعد از حدود یک روز به زمین می‌رسند. پس در میدان مغناطیسی زمین پخش می‌شوند.

لازم به توضیح است که از خورشید ذرات بارداری نظیر الکترون، پروتون و ذره آلفا هسه این هیوا، تشکیل می‌شود که به «باد خورشیدی» موسوم است. برخورد این ذرات با انهای اکسیژن و مولکولهای نیتروژن باعث تحریک آنها می‌شود. الکترون در برخوردن برزی به قدر بالایی می‌رود و هنگام بازگشت به مدار قبلی، انرژی مزبور را به صورت نور می‌دهد. انهای اکسیژن جو نور سبز و انهای نیتروژن نور قرمز تولید می‌کنند.

۱- ابعاد ذرات تشکیل دهنده محیط نسبت به طول موج تابشی سبب ایجاد دو نوع پراکندگی می‌شود. اگر ابعاد ذرات از طول موج تابشی بزرگتر باشد مانند ایسته عمل می‌کند و نور تابشی از برخورد با آنها منعکس می‌شود.

۲- قطر ظاهری جرم مدوی زاویه‌ای است که حد در قطر جرم مدوی از زمین دیده شود. قطر ظاهری ماه و خورشید ۰.۵ درجه و قطر ظاهری سیارات و جرم دورتر کوچکتر است.

## ظهور شهابها

شهابها یا ستاره‌های تیرانداز، در هنگام شب مانند رگه‌ای از نور در آسمان ظاهر می‌شوند. این اجرام از دنباله‌داران یا سیارک‌ها جدا می‌شوند و تعدادی از آنها به سوی زمین حرکت می‌کنند و به محض برخورد با مولکول‌های هوای گرم می‌شوند و نورافشانی می‌کنند. شدت گرما به قدری زیاد است که سنگ را ذوب و با تبخیر می‌کنند. روشنایی شهابها به انرژی جنبشی آنها بستگی دارد. جگالی هوا و میزان فشردگی مولکولهای شهاب نیز در مقدار روشنایی آن مؤثر است. گاهی اوقات اندازه ذراتی که با جو زمین برخورد می‌کنند بسیار کوچک است. اصطکاک حاصله از برخورد این ذرات گرمای کمی تولید می‌کند که باعث ذوب یا تبخیر ذرات نمی‌شود؛ در این صورت غبار در داخل جو برجا می‌ماند.

در مسیر شهابها اغلب نور کم‌رنگی مشاهده می‌شود که همراه با جریانهای هوا بیخ و تاب می‌خورد. این نور در اثر گازهای گرم منبسط شده هوا به وجود می‌آید.<sup>۲</sup>

## بیدایش رنگین کمان

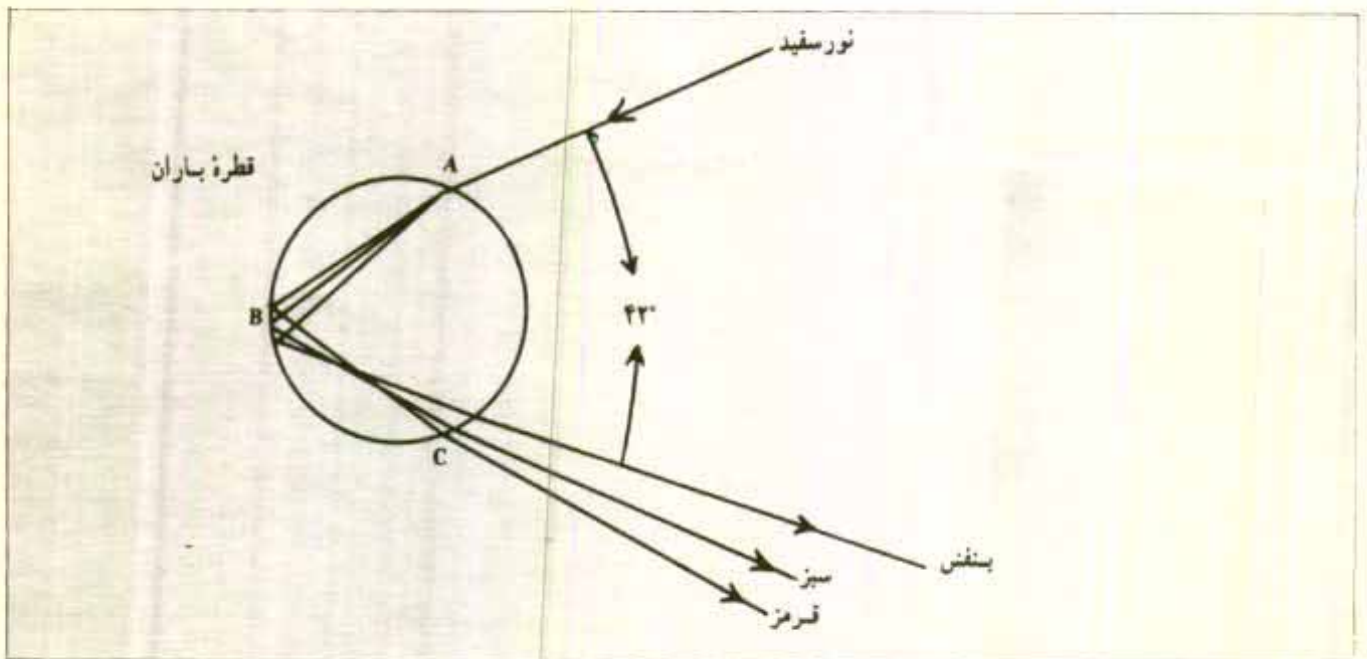
هرگاه یک دسته اشعه نورانی به سطح منشوری بتابد، نور بنفش با طول موج کوتاه بیشتر از نور قرمز با طول موج

بلند شکسته شده، از سطح دیگر منشور به خارج رانده می‌شود. نورهای دیگر بین قرمز و بنفش قرار دارند. باین بدیده «تجزیه نور» گویند.

رنگین کمان در شرایطی تشکیل می‌شود که هوا بلافاصله بعد از بارندگی آفتابی می‌شود. در این حالت قطرات باران مانند نور خورشید را تجزیه می‌کنند. نور خورشید پس از شکست و تجزیه در داخل قطره باران منعکس و بعد از شکست مجدد به چشم ناظر زمینی می‌رسد (شکل ۴). نور خروجی از قطره باران با نور تابشی خورشید که به قطره وارد می‌شود، زاویه ۴۲ درجه می‌سازد؛ از این رو، خورشید باید پشت سر ناظر، در ارتفاع ۴۲ درجه (نقطه مقابل خورشید) قرار داشته باشد. چون پرتو تابشی بالای قطره آب قرار دارد (خورشید بالای آسمان و پشت سر ناظر زمینی است)، مرکز رنگین کمان زیر افق است؛ بنابراین ناظر زمینی بیشتر از نصف رنگین کمان را نخواهد دید. ناظرانی که درون هواپیما یا بالای کوهها قرار دارند، ممکن است کمی بیش از نصف آن را ببینند. (برای اطلاع بیشتر از چگونگی تشکیل رنگین کمان‌ها به مقاله آقای دکتر حسن علیزاده در صفحه ۲۸ مجله شماره ۳ رشد آموزش جغرافیا مراجعه کنید).

## – شفقهای قطبی

یکی از مناظر جالب و دیدنی جو است.



شکل (۴)

# جستارانی

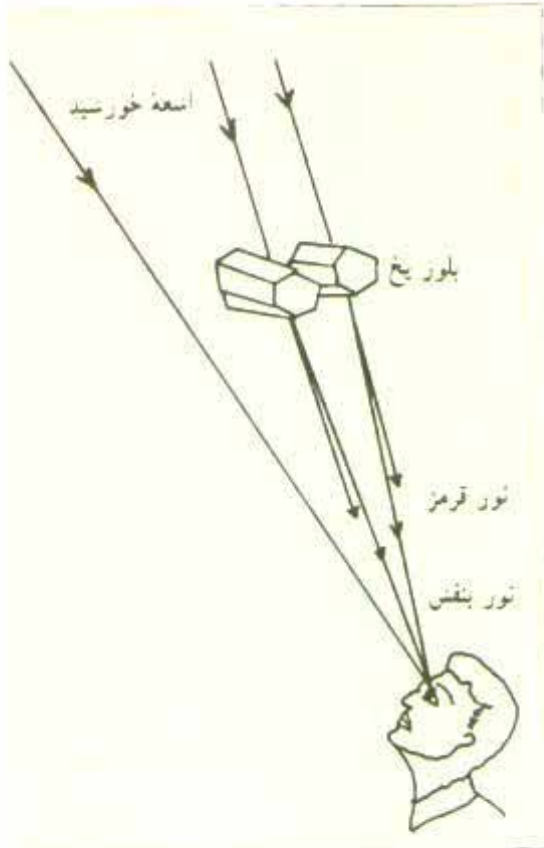
هاله دور خورشید و ماه

هاله یکی دیگر از پدیده‌های جانب و سنگین‌انگیز جو زمین است که به صورت حلقه‌ای از نور رنگین و ضعیف (کمرنگ) در طرف ماه یا خورشید ظاهر می‌شود. هاله بیشتر اوقات بی‌رنگ است و گاهی نیز رنگهای رنگین کمان را نشان می‌دهد، با این تفاوت که بین رنگها ضعیفتر از رنگین کمان هستند.

هاله از بلورهای یخ گونه‌یخ موجود در ابر سیروس جو زمین واقع در ارتفاع حدود ۷ کیلومتری تشکیل شده است که اغلب با شعاع زاویه‌ای ۲۲ درجه و بندرت با شعاع زاویه‌ای ۴۶ درجه به چشم ناظر زمینی می‌رسد. بلورهای ۶ گونه‌یخ مانند منشور عمل می‌کنند. نور خورشید پس از برخورد با آنها شکسته و تجزیه می‌شود. نور بنفش به علت این که هنگام عبور از بلور بیشتر شکسته می‌شود،

خارجی ترین قسمت هاله را تشکیل می‌دهد و نور قرمز به علت شکست کمتر، قسمت داخلی هاله را می‌سازد (شکل ۱۵). این هاله رنگین با جرحس بلورهای یخ تغییر می‌کند. لازم به تذکر است که در صورت متر که بودن آنها به علت عدم عبور نور خورشید از آنها هاله‌ای تشکیل نمی‌شود.

— فاصله از بلورهای ۶ گونه‌یخ موجود در ابر سیروس جو زمین واقع در ارتفاع حدود ۷ کیلومتری تشکیل شده است که اغلب با شعاع زاویه‌ای ۲۲ درجه و به بندرت با شعاع زاویه‌ای ۴۶ درجه به چشم ناظر زمینی می‌رسد.



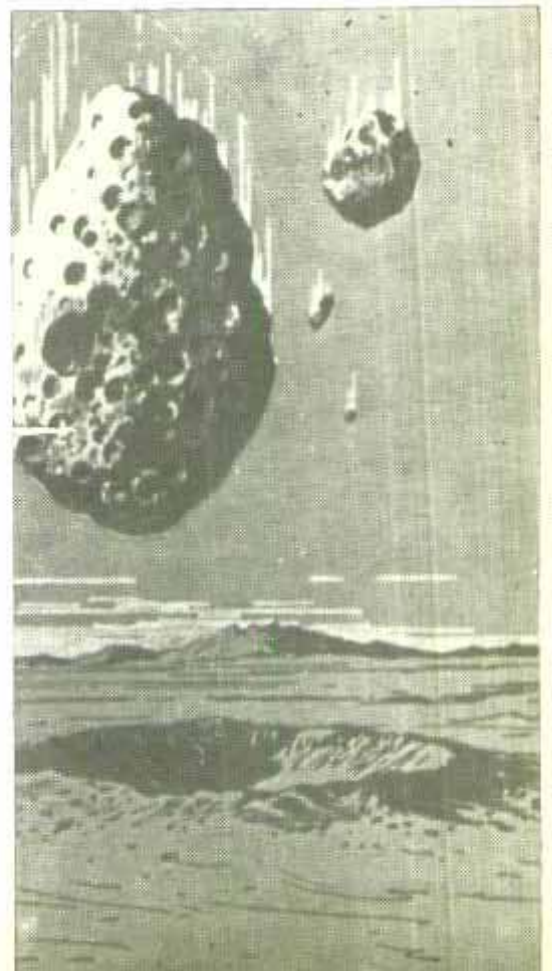
شکل ۱۵

## منابع

- 1 - Abell G. O Exploration of the Universe 3th edition Holt, rinehart and winston - 1974
- 2 - Brandt J. C New horizons in Astronomy stephen P Maran 1972
- 3 - Ordway R. J Earth science and Environment D. Van Nostrand company
- 4 - Beiser A and krauskopf Introduction to Earth science Mc Graw Hill book company New York 1975
- 5 - Baker R. H Astronomy 8th edition, Dvan Nostrand Company, Inc Princeton New - Jersey 1964

- ۱- از کتاب Baker, R. H. Earth science and Astronomy.
- ۲- از کتاب Baker, R. H. Introduction to Earth Science.
- ۳- از کتاب Baker, R. H. New Horizon.

برگرفته از کتابهای آقای دکتر برج منگور در ...  
مقاله صنعتی و ماسکواره.



# نکاتی

## در مورد

## فارسی و

# دستور دوره راهنمایی

بشیر فیروزی؛ سرگروه آموزشی شهرستانهای استان تهران

۱- انشاء از دروس حساس و مهم و پایه و اساس ادبیات فارسی است. لذا پیشنهاد می شود کتاب راهنما و فن نگارش که بتواند به تدریس این درس کمک کند تهیه و در اختیار دبیران دوره راهنمایی قرار داده شود.

۲- بهتر است درس فارسی و دستور به پایه راهنمایی در یک کتاب گنجانده شود و پس از هر درس یا چند درس فارسی یک درس دستور تدوین گردد تا در تمرینات کتاب فارسی که بخشی از آن مربوط به دستور است برای دانش آموز مشکل پیش نیاید.

۳- در کتاب دستور دوم بحث مفعول قبل

از درس لازم و متعدی آورده شود.

۴- در بعضی از دروس کتابهای سه پایه راهنمایی (نظم و نثر) اشاره ای به بعضی مباحث ذوقی و بلاغی مثل: تشبیهات و استعارات و کنایه و تمثیل شده است، بدون هیچ توضیح دیگری لذا پیشنهاد می شود این مطالب به صورتی در کتابها جهت مطالعه اضافی و افزایش معلومات دانش آموز درج گردد.

بهتر است در ابتدای دستور دوم و سوم خلاصه درسها و تمرینهایی از دروس کتابهای سال قبل گنجانده شود.



۶- دانش آموز اغلب اوقات برای تشخیص موصوف و صفت از مضاف و مضاف الیه دچار مشکل می شود روش با قاعده که بتواند به خوبی تشخیص دهد در کتاب وجود ندارد. درج این نکته در کتابها ضروری است.

۷- بهتر است در دستور سوم تمریناتی درباره تجزیه و ترکیب آورده شود.

۸- درس (سن و شناسه) از دستور دوم حذف گردد و در دستور اول قبل از مبحث افعال قرار بگیرد تا طرز ساخت افعال برای دانش آموز بهتر مفهوم شود.

۹- تألیف کتابی تحت عنوان روش تدریس جهت هماهنگ نمودن تدریس ادبیات فارسی در مدارس برای دبیران درس مذکور ضروری است.

۱۰- تدریس درس املاء و انشاء به وسیله دبیران غیرمتخصص لطافات جبران ناپذیری به این درس وارد نموده است. مشاهده می شود که مدبران مدارس این درس را به معلمان ریاضی یا علوم می دهند و این دبیران نسبت به آن احساس مسئولیت نمی کنند و بهتر است در این زمینه نیز تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.

۱۱- برای تصحیح انشاء روش واحدی در مدارس وجود ندارد و معلم با ذوق و سلیقه شخصی خود انشاء دانش آموز را تصحیح می کند جهت هماهنگ شدن این امر لازم است روش هماهنگی برای ارزش گذاری درس انشاء در نظر گرفته شود.

۱۲- به منظور بها و ارزش بیشتر به درس ادبیات فارسی، به علت اینکه پایه و اساس همه دروس به حساب می آید و برای اینکه معلم بتواند به خوبی حق دانش آموز را عادلانه و آن طور که شایسته است ادا نماید به پیشنهاد اکثریت همکاران از مناطق تابعه امتحان این درس به صورت شفاهی و کتبی به عمل آید. (پانزده نمره کتبی و پنج نمره شفاهی منظور گردد).



# نکاتی در مورد

## درس انشاء

سید مهدی فلسفی زاده

### ۱ - موضوعات گروهی

دانش آموزان را باید از ابتدا در فعالیتهای گروهی شرکت دهیم؛ یکی از این فعالیتهای موضوع انشاء گروهی است. می توان کلاس را به چند گروه تقسیم کرد تا هر کدام از دانش آموزان درباره قسمتی از موضوع مطالعه و بررسی کنند و به مدیر گروه ارائه دهند؛ برای مثال در یکی از کلاسهای مدارس روستا موضوع گروهی «نیکه آبرسانی توکیو» مطرح شده بود و هر کدام از دانش آموزان زیر نظر مدیر گروه که خود یکی از دانش آموزان بود، مأمور پیگیری یک قسمت از این موضوع شد. بکنفر درباره تصفیه آب، چند نفر درباره فشر آب در طبقات مختلف، تعدادی درباره سازمان آب عده ای درباره عوامل دیگر آبرسانی تحقیق کردند و اطلاعاتی گردآوری نموده پس از تصحیح از مجموع یک مقاله تحقیقی به کلاس ارائه کردند و درباره آن به تفصیل بررسی

تسند

مطلب زیر توسط آقای سید مهدی فلسفی زاده از شیراز ارسال شده است. در این مقاله در مورد چگونگی انتخاب موضوع برای انشاء، و نکاتی که دبیران محترم انشاء باید به آن توجه کنند، بحث شده است.

مطالب مطرح شده در مقاله برای دبیران محترم ادبیات و انشاء می تواند بسیار مفید و سودمند باشد. از آقای فلسفی زاده برای ارسال این مقاله بسیار متشکریم.

کافی مسئول دارد و با به‌خوشنامه‌ای به طور جدی حواستار رفع این نقیصه نمود و نظارت کافی در اجرای این موضوع به عمل آورد. دبیران ادبیات نیز باید آثار ادبی را بیشتر مطالعه کنند؛ متأسفانه بعضی از همکاران ما شاید به واسطه کمی وقت و مضیق‌های دیگری با وقت مطالعه ندارند و یا علاقه آنهاست به مطالعه کم شده است. اما باید با کتاب و مطالعه آشنی کرد. چه در آن صورت است که می توان دانش آموزان را به مطالعه بیشتر ترغیب و تشویق کرد.

چه موضوعاتی را برای دانش آموزان برگزینیم؟

فیل از هر موضوعی باید عرض کنم ادبیات فارسی در مدارس راهنمایی، معلوم و اوسع شده است. بخصوص درس انشاء از دیگر دروس ادبیات معلومتر است. دبیران غیرمتخصص را به تدریس این درس می گمارند و ساعات انشاء را به تدریس کلاسهای جبرانی ریاضی و علوم و زبان اختصاص می دهند؛ به همین جهت اکثر دانش آموزان فارغ التحصیل مدارس راهنمایی و دبیرستان نمی توانند خواسته‌های خود را روی کاغذ منعکس کنند و یا حتی نامه‌ای درست بنویسند. به نظر اینجناب وزارت آموزش و پرورش باید به این مسأله مهم توجه



#### ۲ - موضوعات ساده و عینی

مقصود ما از ساعات انشا در مدارس راهنمایی این نیست که دانش‌آموزان نویسنده شوند، بلکه منظور این است که آنها در حد متعارف بتوانند مطالبی را که در ذهن دارند بنویسند و به دیگران منتقل کنند؛ به همین سبب باید موضوعهایی را به دانش‌آموزان داد که از عهده نوشتن آن برآیند، زیرا مثلاً اگر یک بیت شعر مشکل را که مفهوم آن برای دانش‌آموز پیچیده است انتخاب کنیم، به واسطه عدم درک آن، موضوع را به آشنایان خود می‌دهد تا برایش بنویسند. پس چه باید کرد؟ به نظر من بساید از موضوعاتی ملموس و ساده که دانش‌آموز توان درک آن را دارد شروع کنیم.

#### ۳ - نوشتن خاطرات

در سنین دوره راهنمایی دانش‌آموز به نوشتن خاطرات خود علاقه دارد. ما می‌توانیم از این علاقه به نحو مطلوب استفاده و آنان را به نوشتن ترغیب و تشویق کنیم، زیرا «کار نیکو کردن از پر کردن است».

#### - ساعات انشاء را به تدریس

کلاسهای جبرانی ریاضی، علوم و زبان اختصاص می‌دهند.

#### - دانش‌آموزان را باید در ابتدا در

فعالتهای گروهی شرکت دهیم، می‌توان کلاس را به چند گروه تقسیم کرد تا هر کدام از دانش‌آموزان درباره قسمتی از موضوع مطالعه و بررسی کنند.

#### - برای مثال در یکی از کلاسهای

درس مدارس ژابن موضوع گروهی «شبکه آبرسانی توکیو» طرح شده بود.

#### ۴ - نوشتن خلاصه داستانها و فیلمها

می‌توانیم از دانش‌آموزان بخواهیم خلاصه داستانهایی را که در کتاب فارسی و در کتابهای دیگر خوانده‌اند بنویسند و حتی خلاصه فیلم سینمایی یا سریال تلویزیونی و برنامه کودکان و نوجوانان تلویزیون را که معمولاً موضوع صحبت و علاقه دانش‌آموزان است، به کلاس ارائه دهند.

#### ۵ - برگرداندن نظم به نثر

در کتاب فارسی داستانهای جالبی به صوت شعر آمده است که معلم می‌تواند پس از تدریس آن و آشنا شدن دانش‌آموزان با لغات جدید و مفهوم درس، از آنها بخواهد تا آن داستان منظوم را به نثر برگردانند.

#### ۶ - نوشتن مطالب طنزآمیز

«طنز نوشته‌ای است با چاشنی شوخی و خنده که در اصل هدف انتقادی دارد.» در این سن دانش‌آموز به مسائل خنده‌دار توجهی بیشتر دارد. می‌توان به دانش‌آموز ابتدا

البته باید طنز طوری نوشته شود که در آن به شخص به خصوصی اشاره نشده و موجودات با راحتی را برای اولیای مدرسه بوجود نیآورد.

#### ۷ - نوشتن گزارش

معلم انشائی تواند از دانش آموزان بخواهد گزارش از گردشهای علمی و اردوها و بازدید از کارخانجات و مؤسسات که به صورت دسته جمعی و با فردی از آنها دیدن کرده اند بنویسند و به کلاس تحویل دهند.

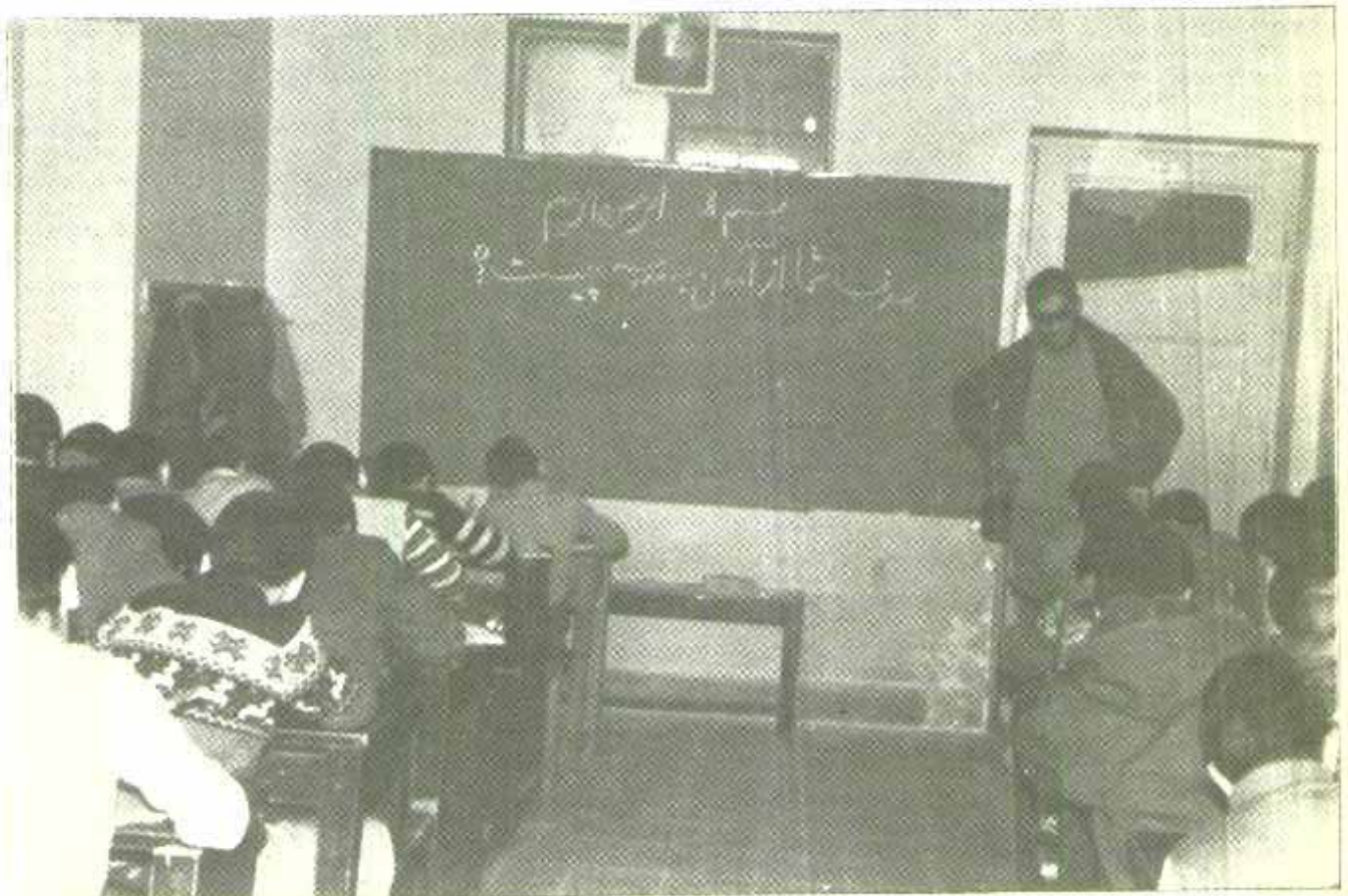
#### ۸ - نمایشنامه نویسی

دانش آموزان علاوه بر مدرسه می توان به نوشتن نمایشنامه تشویق کرد و در صورتی که مورد تأیید معلم استا قرار گرفت، نمایشنامه در کلاس یا برای کلیه دانش آموزان مدرسه اجرا کرد.

مقصود ما از ساعات انشاء در مدارس راهنمایی این نیست که دانش آموزان نویسنده شوند، بلکه منظور این است که آنها در حد متعارف بتوانند مطالبی را که در ذهن دارند بنویسند.



مقصود از طنز را فهمانید؛ سپس موضوعهای طنزآمیز را به آنها داد؛ برای مثال موضوعات «آب گیر نمی آورد و گزبه تنگتر فامی است.» «به روبه گفتند؛ شاهدت کیست گفت دم.» «شتر در خواب بیفتد بنه دانه و...» و...





## ۹ - نامه نگاری

یکی از موارد ضعف دانش آموزان در نامه نگاری است، چه نامه دوستانه و چه نامه های اداری. باید این ضعف را در اثر تمرین و ممارست از بین برد و آنها را به نوشتن عادت داد.

## ۱۰ - مصاحبه و سخنرانی کوتاه

از دانش آموزان می خواهیم تا هر کدام چند دقیقه در باره موضوع مورد علاقه خود و کلاس صحبت نمایند و با دو به دو یا بکدبگر بحث کنند. این روش برای دانش آموزان منزوی و خجالتی بسیار مفید است.

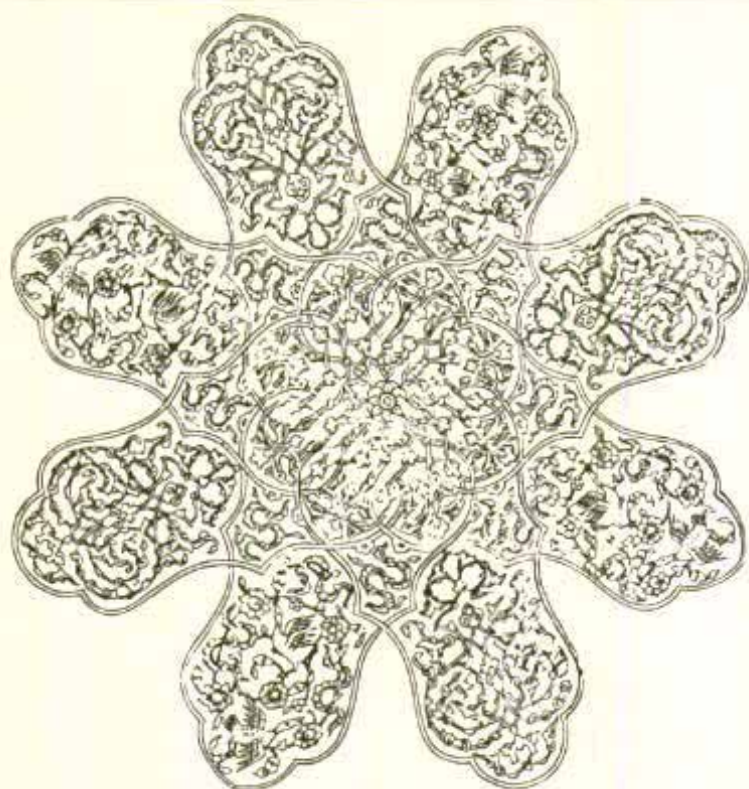
## ۱۱ - روزنامه نگاری و تهیه روزنامه

### دیواری

دانش آموزان به چند گروه تقسیم می شوند و هر کدام از آنها زیر نظر سردبیر که خود یکی از دانش آموزان است، مسؤلیتی به عهده می گیرند؛ از جمله: نویسنده، خبرنگار، مصاحبه گر، گزارشگر، نقاش، طراح، خوشنویس، عکاس، صفحه آرا و... برای کلاس اول راهنمایی می توان «روزنامه روزنامه ها» را توصیه نمود. دانش آموزان روزنامه ها و مجله های مختلف را مطالعه می کنند و از قسمتهای جالب توجه آنها قسمتهایی را بریده در روزنامه خود می چسباندند.

در کلاس دوم و سوم می توان تهیه «روزنامه کلاس» را به دانش آموزان توصیه کرد و از گروه زبده روزنامه نگاری کلاسها خواست تا «روزنامه مدرسه» را نوشته پس از نصب در سالن یا راهرو و مدرسه و مطالعه دانش آموزان مدرسه، آن را به مدرسه دیگر فرستاد. این مسأله باعث ایجاد رقابت مطلوب و مثبت میان دانش آموزان مدارس خواهد شد.

نکاتی که دبیر انشا باید به آن توجه داشته باشد:



دانش آموز داده شود و یا این که چند موضوع ارائه شود تا خود دانش آموز از میان آنها یک موضوع را انتخاب کند.

۵ - زمانی که دانش آموزی انشاء خود را قرائت می کند باید دانش آموزان دیگر با دقت و حوصله به آن گوش کنند و انتقادات خود را یادداشت کرده پس از اتمام انشاء ابراز دارند، و سپس خود دانش آموز به آن پاسخ دهد؛ بدین ترتیب قدرت انتقاد دانش آموز پرورش یافته و عادت به دقت در او تقویت می شود.

۶ - وجود کتابخانه مدرسه هر قدر که کوچک باشد، در پیشبرد اهداف آموزشی و مطالعه و بالطبع تقویت بنیه نویسندگی دانش آموزان بسیار مؤثر است. شایسته است دانش آموزان تشویق و ترغیب شوند که در طول سال تحصیلی یک جلد کتاب به کتابخانه مدرسه هدیه کنند و خودشان امور مربوط به کتابخانه کوچک را اداره کنند.

۱ - از خط زدن انشاء جداً پرهیز شود، چون دانش آموز می بیند حاصل کارش در یک لحظه باطل می شود. معلم باید پس از ملاحظه انشا کنار آن را امضاء کند با حوصله نکات لازم را در ذیل انشا مرقوم دارد و با مطالب محبت آمیز که باعث تشویق دانش آموز شود، از وی تقدیر نماید.

۲ - دانش آموز را به مطالعه مستمر تشویق کند، به طوری که مطالعه برای او به صورت عادت درآید. مسلم است دانش آموزی که بیشتر مطالعه می کند بهتر می تواند بنویسد.

۳ - معلم باید اخلاقی خوش داشته باشد، بخصوص دبیر ادبیات و انشا باید طوری خود را با دانش آموزان وفق دهد که قدرت جاذبه ای را به وجود بیاورد تا این مسأله باعث کنش بیشتر دانش آموزان به طرف انشا و نوشتن شود.

۴ - موضوعات انشا باید متنوع باشد. بعضی اوقات نیز باید موضوعهای اختیاری به



# حضور

## معنوی قرآن و حدیث

### در کتابهای فارسی راهنمایی

منوچهر مظفریان

این کتاب مسبین در رگ‌رگ جان‌های مسلمانان بیدار دل جاری است و تجلی انوار آن لایه‌لای پسرده‌های حیات مؤمنان را روشن می‌کند.

ادبیات زنده و بیوای فارسی گستره‌ای مناسب برای بهره‌گیری از برکت حضور قرآن در همه ابعاد زندگی ایرانیان و فارسی‌زبانانی است که به قرآن عشق می‌ورزند. شناسایی در دریای پهناور شعر و ادب فارسی از جهت ارزیابی میزان تأثیر قرآن و روایات بر آن، کاری گسترده است و ما در این نوشته تنها از درجه‌کتابهای درسی فارسی راهنمایی به اعجاز تعالی بخش قرآن می‌نگریم تا به تابش روزافزون آن بر جانشینان نوجوانان کمک کرده باشیم.

در کتابهای فارسی راهنمایی تحصیلی در مجموع به بیست‌ودو مورد برمی‌خوریم که تفسیر یا تفسیریه‌ای از اندیشه‌های تابناک جاری در آیات قرآن و بسا احادیث معصومین (ع) برخوردار شده و به انحاء گوناگون از این

مقاله زیر تأثیر آیات مبارک قرآن و حدیث را در ادب فارسی نشان داده است. این مقاله توسط آقای منوچهر مظفریان از شیراز به دست ما رسیده است که بدین وسیله از ایشان تشکر می‌کنیم.

قرآن این کتاب الهی، از آغاز نزول برای مسلمین منشأ خیر و برکت و در سنگناهای زندگی راهنمای دنیویها بوده است، به همین جهت مسلمانان با ایمان، آیات آن را برنامه زندگی خود قرار داده و ارزشهای متعالی آن را در ابعاد حیات خویش حاکم و استوار کرده‌اند. آنها به هنگام تولد زندگی را با شنیدن آیات دلاویز قرآن آغاز می‌کنند، تمامی لحظه‌های عمر خود را از جوشش این فیض الهی سرشار می‌سازند و سرانجام همبای نغمه‌های آسمانی آن به ابدیت برمی‌کشند. امروز با همه آن که نوای سازهای گوناگون کفر اوج گرفته است، موسیقی دلتواز

دو منبع فیاض و با برکت بهره‌ور گردیده است. از نقل قول مستقیم، تضمین، تلمیح، اقتباس، حل و درج گرفته تا خلق تابلوهای هنری بدیع در این آثار وجود دارد و نشان می‌دهد که شاعر فارسی‌زبان تا چه اندازه سرشار از این معنویت است:

— در سر آغاز کتاب فارسی اول ضمن شعری از مخزن الاسرار نظامی این بیت آمده است که:

آنچه تغیر نپذیرد تویی  
و آن که نمرده است و نمیرد تویی

این شعر بیانگر معنی آیه‌های ۲۶ و ۲۷ سوره الرحمن است که می‌فرماید:

«كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَسْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ» هر که روی زمین است دستخوش مرگ و فنا است، و زنده ابدی ذات خدای منعم با جلال و عظمت است.

— در صفحه ۵۴ کتاب نیز قطعه معروف گلستان سعدی آمده که می‌فرماید:

بسر نوح با بدان بستنست  
خاندان نبوتش گم شد  
سگ اصحاب کهف روزی چند  
بسی نیکان گرفت و مردم شد

و این قطعه تلمیحی است به داستانهای حضرت نوح (ع) و اصحاب کهف و نیز آیه‌های ۴۵ و ۴۶ از سوره هود: و نادى نوح ربه فقال رب ان ابني من اهلي وان وعدك الحق وانت احكم الحاكمين، قال يا نوح انه ليس من اهلك انه عمل غير صالح

ترجمه: و نوح به درگاه خدا عرض کرد: بار پروردگارا فرزند من اهل بیت من است (که وعده لطف به آنها دادی) و وعده عذاب تو هم حتمی است که قادرترین حکم فرمایانی (پس به لطف خود فرزندم را نجات بخش) خدا به نوح خطاب کرد که فرزند تو هرگز با تو اهلیت ندارد زیرا او را عملی بسیار ناشایسته است.

— در صفحه ۶۲ همین کتاب، استاد سخن سعدی، بر اساس اعتقاد به اصل تسبیح مداوم هستی و با استفاده از مضمون آیه شریفه: «يُسَبِّحُ فِيهَا مِائَتَيْ مِائَةِ مِائَةِ مِائَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...»

ترجمه: هر چه در آسمانها و زمین است به تسبیح و ستایش خدا مشغول اند...» که به تعبیرهای گوناگون در آیات دیگر نیز جاری است، در قالب نثر تابلو زیبایی خلق

می‌کند و تصویر دلاویزی می‌آفریند:

یاد دارم که شی در کاروانی، همه شب رفته بودم و سحر در کنار بیشه‌ای خفته، شوریده‌ای که در آن سفر همراه ما بود، تعره‌ای بر آورد و راه بیابان گرفت و یک نفس آرام نیافت. چون روز شد، گفتم: این چه حالت بود؟ گفت: بلبلان را شنیدم که به نالش در آمده بودند از درخت، و کبکان در کوه و غوکان در آب و بهایم در بیشه. اندیشه کردم که مروّت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته. سعدی سپس همین تصویر را به نظم کشیده و می‌گوید:

دوش مرغی به صبح می‌نالید  
عقل و صبرم ببرد و طاققت و هوش  
یکی از دوستان مخلص را  
مگر آواز من رسید به گوش  
گفت باور ندانستم که تو را  
بانگ مرغی چنین کند مدهوش  
گفتم این شرط آدمیت نیست  
مرغ تسبیح‌خوان و من خاموش

— کتاب فارسی دوم دوره راهنمایی نیز با گزیده‌ای از قصیده بلند و توحیدی سعدی آغاز می‌شود که:

فضل خدای را که تواند شمار کرد  
یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد

و این تحلیل محتوای آیه ۱۷ از سوره نحل است که می‌فرماید:

«وَأَنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْنَ» و اگر بخواهید که نعمت‌های بی‌حد و حصر خدا را شماره کنید هرگز نتوانید. بیت بعدی نیز:

توحیدگوی او نه هستی آدمند و بس  
هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

برداشت هنرمندانه‌ای است از آیه شریفه «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ...» که ذکر آن گذشت.

— بیت: بخشنده‌ای که سابقه لطف و رحمتش ما را به حسن عاقبت امیدوار کرد تحلیل آیه ۵۳ سوره زمر است: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» از رحمت خدا ناامید نباشید البته خدا همه گناهان را (چون توبه کنید) خواهد بخشید.

— پرهیز از گناه و تحریض به آراستن وجود خویش به تقوا نیز مضمون بیت بعدی است:

پرهیزکار باش که دادار آسمان  
فردوس جای مردم پرهیزگار کرد

— سرانجام کلام، مضمون شعر

بعد از خدای، هر چه پرستند هیچ نیست  
بی دولت آن که از همه هیچ اختیار کرد

به آیه شریفه ۱۰۷ از سوره مبارکه بقره ناسی دارد.  
«وَمَالِكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَاٰی وَلا نُصِیْر وَشَمَارًا لِحِجْرٍ  
خدا یار و یاورى نخواهد بود.

نصرت اله مردانی شاعر معاصر در شعر صبح که قابل  
امروزین چهارباره دارد و در صفحات ۶۳ و ۶۴ کتاب دوم  
آمده، از این آیه لاله الا لله برداشتی شاعرانه دارد: سخن  
از رسول همیشه نورانی است که از قله های روشن وحی  
فرود می آید، از جاده های خرم گل می گذرد، روح سحر در  
کلامش دمیده و جوانه نور در دستهایش شکوفه می زند و  
طلسم تبتیانی اینسان روزگاران را ساد لاله لا اله  
می شکند و پیامی به وسعت تاریخ می دهد که:

ای مسلمان، شتاب کن به نماز  
و این که:

دین اسلام دین بیداری است.

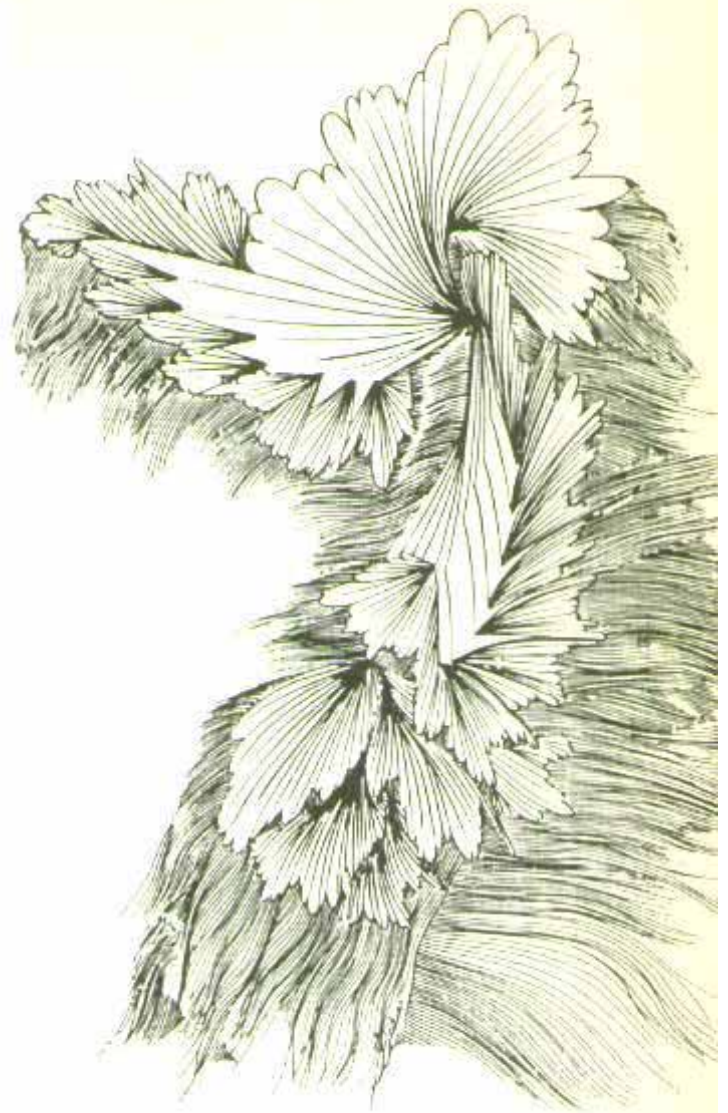
— مثنوی ساده و سرآمد شیخ فریدالدین عطار  
تیشابوری زینت بخش صفحات ۶-۵ کتاب فارسی دوم  
شده که اقتباسهای لطیفی از آیات و احادیث دارد. بیت  
آفرینش را جز او مقصود نیست  
پاکدامن تر از او موجود نیست

از حدیث قدسی: «أَوْلَاكُ لَمَّا خَلَقْتُ الْاَفْلَاكُ! اِی  
محمد، اگر به خاطر تو نبود، افلاک (آسمانها و زمین) را  
خلق نمی کرده.» گرفته شده و بیت:  
ختم کرده حق نبوت را بدو  
معجز و خلق و فتوت را بدو  
از آیه شماره ۴۰ سوره احزاب تأثیر پذیرفته است  
«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ اَبَا اَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلٰكِنْ رَسُوْلًا لِّلّٰهِ وَخَاتَمَ  
النَّبِیِّیْنَ»

محمد پدر هیچک از مردان شما نیست، لیکن او رسول  
خدا و خاتم انبیاست، و در بیت:

وَصِفِ اَوْكٰی لَیْسَ اِیْنِ نَاكِنٍ اِسْت  
وَاَصِفِ اَوْ خَالِقِ عَالَمٍ یَسِ اِسْت

عطار به آیه شماره ۴ از سوره مبارکه قلم اشاره دارد که  
خداوند به این صورت حضرت ختمی مرتبت را ستوده



بر آنان که تقوی پیشه کنند نزد خدا ناهای بهشتی  
است که بر زیر درختان آن نهرها جاری است. و می دانیم  
که این پرهیز (تقوی)، همان گوهری است که در بسیاری از  
آیه های قرآن و متون حدیث مکرر ذکر شده و اساسی ترین  
شرط رستگاری است.

— گنج فیض الهی، بی رنج سلوک میسر نیست و گوهر  
مقصود، نثار قدم انسانهایی است که به سعی و عمل  
می کوشند و لبابت دریافت تجلی انوار دوست را می یابند.  
این جوهر حقیقت را سعدی از آیه ۳۹ سوره نجمه: لَیْسَ  
لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعٰی دریافت و در بیت:

نابرده رنج گنج میسر نمیشود  
مزد آن گرفت جان برادر که کار کرده  
ریخته و عین همین مضمون را در بیت:

مردان به سعی و رنج به جایی رسیده اند  
تو بی هنر کجا رسی از نفس سروری  
که در صفحه ۱۱۸ همین کتاب آمده تکرار کرده است.

است: اِنَّكَ لَمَلِيْ خَلْقٍ عَظِيْمٍ: در حقیقت تو بر نیکی خلقی عظیم آراسته‌ای.

\*\*\*

خلق آثار بدیع و تصویرهای دل‌انگیز مُلهم از قرآن و حدیث، خاص گویندگان متقدم است. بروین اعتصامی این باتوی اندیشمند و سخن‌سرای متأخر نیز تابلوی «سلیمان و مور» خود را که در صفحات ۲۲ - ۲۰ کتاب دوم آمده از سخن حضرت سلیمان (ع) پیامبر آشنا به منطق الطیر (زبان پرندگان) گرفته که شرح این حادثه در آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره نمل آمده است:

وورث سلیمان داوود وقال يا ايها الناس علمنا منطلق الطير واوتينا من كل شيء وان هذا نهي الفضل المبين. وخير لسليمان جنوده من الجن والانس والطير فهم يوزعون حتى اذا اتوا على واد النمل قالت نملة يا ايها النمل ادخلوا مساكنكم لا يحطمتكم سليمان وجنوده وهم لا يشعرون، فتسم ضاحكاً من قولها»  
و سلیمان که وارث ملک داود شد به مردم گفت که ما را زبان مرغان آموختند و از هر گونه نعمت عطا کردند این همان فضل و بخشش آشکار است. و سپاهیان سلیمان از گروه جن و انس و مرغان هر سپاهی تحت فرمان رئیس خود در رکابش حاضر آمدند تا آنجا که به وادی مورچگان رسید. موری چون جلال سلیمان و سپاه عظیم آنان مشاهده کرد گفت: ای موران همه به خانه‌های خود اندر روید مبادا سلیمان و سپاهش ندانسته شما را پایمال کنند. سلیمان از گفتار مور بخندید.

حدیث دلگشایی «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْاِيْمَانِ» منسوب به احادیث نبوی و سرود روحبخش انسانهای آزاده تاریخ است. علی باقرزاده شاعر معاصر مضمون این حدیث را در شعر صفحه ۱۲۲ کتاب دوم به تصویر کشیده و خاطره یکی از همین انسانهای آزاده مسلمان را در ماجرای غرور آفرین دفاع مقدس جاودانه کرده است.

کتاب سوم راهنمایی نیز، جا به جا، به جلوه‌هایی از شکوفه‌های قرآن و حدیث آراسته شده و به گلزار اندیشه‌های قدسی معصومین (ع) معطر گردیده است.

— حسن حسینی، در صفحه ۲۳، حدیث: «فِيهَا مِثْقَا الدُّهْنِ» از امام سوم (ه) را در شعر وارث خون و نصرالله مردانی حدیث نبوی «الْجَنَّةُ تَحْتَ اَقْدَامِ الْاَمَّهَاتِ» را در شعر «فرشته مهر» به شکل زیبایی وارد کرده و سخن خود را به عطر این دو اندیشه الهی خوشبو ساخته‌اند.

— پیر دلسوخته هرات، خواجه عبدالله انصاری، نیز در

رباعی مناجاتی خود در صفحه ۳۲:

ای آنکه به ملک خویش باینده تویی  
در دامن شب، صبح نماینده تویی  
کار من بیچاره، قوی بسته شده  
بگشای خدایا که گشاینده تویی

به آخر آیه ۲۶ از سوره سبأ نظر دارد که: «... و هو الفتح العليم»

— تمثیل‌های «دوستی نادان» و «موسی و شبان» که در صفحات ۴۳ و ۱۰۴ کتاب آمده نیز از تصویرهای دلگشایی است که جلال‌الدین محمد مولوی در مثنوی خویش آورده است:

بیت:

چون سگ اصحاب کهف آن خرس زار  
شد ملازم در بسی آن پردبار

تلمیحی است از آیه ۲۲ سوره کهف: «سَيَقُولُونَ لَوْلَا رَبُّهُمْ كَلِمَهُمْ وَيَقُولُونَ خُمُسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلِمَهُمْ»

بعضی خواهند گفت که: عده آن اصحاب کهف سه نفر بود و چارمین هم سگ آنها و برخی دیگر از روی خیالبافی و غیب‌گویی می‌گویند عده آنها پنج نفر بود و ششمین، سگ آنها.

و در منظومه «موسی و شبان» بیت:

ما برون را ننگریم و قال را  
ما درون را بنگریم و حال را

به روشنی نظر به این حدیث نبوی دارد:

«ان لله لا ينظر الى صوركم و اموالكم و لكن ينظر الى قلوبكم و اعمالكم». ترجمه:

خداوند به ظواهر امور و دارائی‌ها نگاه نمی‌کند ولی اعمال و نیت‌های قلبی شما را می‌بیند و سرانجام باید از جامی بگویم که در بیت:

بُتِ خُودِ رَا بَشْكَنْ خَارِ وَ ذَلِيْلِ  
نَامُورِ شُو بَه فَتُوْتِ جُو خَلِيْلِ  
که در صفحه ۸۰ کتاب سوم در درس «نوع پروری» آمده است.

یادآوری: ترجمه آیات این مقاله از قرآن ترجمه مرحوم مهدی الهی قمشه‌ای انتخاب شده است.

— خلق آثار هنری و

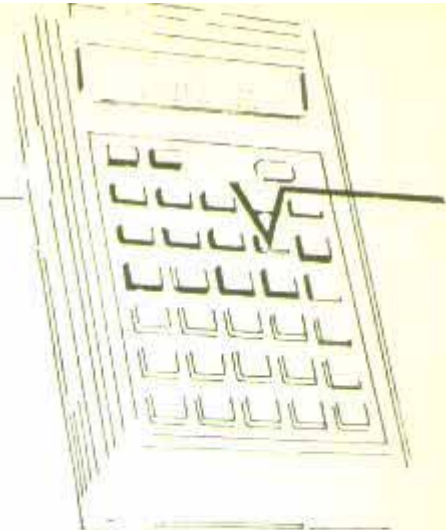
تصویرهای دلاویز

ملهم از منابع زرین

قرآن و حدیث منقذ

مضمون گویندگان

متقدم نیست



# ریاضی

## نسبت، درصد و تناسب « ۱ »

گروه ریاضی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف

$$\frac{2}{6} \text{ و } 3=6 \quad \frac{7}{2}=2 \quad \text{یا} \quad 6-3=2$$

این نوع مقایسه را نسبت هندسی یا به اختصار نسبت دو عدد می‌گویند.

تعریف: یک نسبت خارج قسمت دو عدد طبیعی است که با هم مقایسه می‌شوند.

$$\text{مثلاً، } \frac{a}{b} \text{ را نسبت } a \text{ بر } b \text{ می‌گویند.}$$

قرار داد: در نسبت  $\frac{a}{b}$ ،  $a$  را جمله اول و  $b$  را جمله دوم

می‌گویند.

مثال ۱: علی ۱۲ ساله و رضا ۲۵ ساله است نسبت سر علی

$$\text{به رضا برابر } \frac{12}{25} \text{ است.}$$

مثال ۲: می‌خواهیم ۱۴۰۰۰ ریال را به سه‌تای ۳ و ۴ بین

زهره و معصومه تقسیم کنیم هر کدام چند است؟

حل: چون ۱۴۰۰۰ ریال مجموع دو سهم است، بنابراین

سه‌تای داده شده ۳ و ۴ را بر جمع می‌کنیم تا مجموع دو سهم

حاصل شود.

$$3 + 4 = 7$$

بنابراین می‌توان چنین فرض کرد سهم زهره  $\frac{3}{7}$  کل سهم و سهم

در مقاله زیر نسبت حسابی، نسبت هندسی، درصدگیری، تناسب و خواص آن تعریف و تمرینهای متناسب با موضوعات ارائه شده آورده شده است. از گروه ریاضی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف برای تنظیم این مقاله متشکریم.

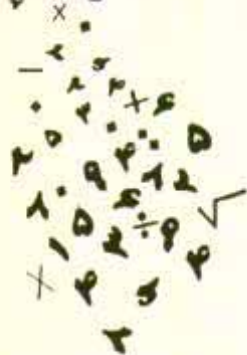
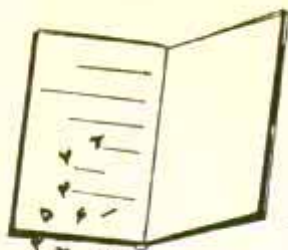
در ریاضیات، گاهی لازم است دو عدد (مثلاً ۳ و ۶) را با هم مقایسه کنید. این مقایسه معمولاً به دو صورت انجام پذیر است:

- تعیین زیادتی یکی بر دیگری که در این صورت از عمل تفریق استفاده می‌کنیم. بنابراین می‌نویسیم:

$$6-3$$

این تفاضل را "نسبت حسابی دو عدد" می‌گویند. در مقایسه این دو عدد گفته می‌شود یکی است به دیگری بزرگتر است. در زندگی روزمره هم می‌گویند این پارچه نسبت به آن پارچه شیبه ارزانتر است.

- گاهی نیز منظور از مقایسه این است که بسیم یکی چند برابر یا چه کسری از دیگری است. در این صورت با استفاده از "تقسیم" عمل مقایسه انجام می‌گیرد:



- نسبت خارج قسمت دو عدد طبیعی است که با هم مقایسه می‌شوند.

- درصد نسبت خاصی است که جمله دوم آن برابر صد باشد.

- هرگاه بنویسیم دو نسبت با هم برابرند، یک تناسب نوشته‌ایم.

راه حل سوم استفاده از جدول است:

سهام اولی به فرض	۳	x	(۱)
سهام دومی به فرض	۴	y	(۲)
مجموع به فرض	۷	۱۴۰۰۰	(۳)

یک بار ستون (۱) و (۳) را در نظر می‌گیریم، چون  $14000$  از ضرب  $2000$  در  $7$  به دست آمده، بنابراین در ستون  $x$  باید  $2000$  را در  $3$  ضرب کرد:  $x = 3 \times 2000 = 6000$  و دیگر بار ستون (۲) و (۳) را در نظر می‌گیریم و می‌نویسیم:  $y = 4 \times 2000 = 8000$

مثال: طول پاره خط  $AB$  برابر  $3$  سانتیمتر و  $CD$  مساوی  $2$

سانتیمتر است، نسبت  $\frac{CD}{AB}$  چقدر است؟

حل: باید توجه داشت که در مقایسه کمیت‌هایی نظیر این مثال باید واحدهای هر دو کمیت یکسان باشد و چون در این جا طول پاره خطها هر دو بر حسب سانتیمتر داده شده است، بنابراین داریم:  $\frac{CD}{AB} = \frac{2}{3}$

درصد: درصد یک نسبت خاصی است که جمله دوم آن برابر صد می‌باشد.

مثلاً: نسبت‌های  $\frac{3}{100}$ ،  $\frac{7}{100}$ ،  $\frac{2}{100}$  نسبت‌های خاصی هستند که

معمولاً آنها را بدین صورت نشان می‌دهیم:

$$\frac{3}{100} = 3\% \quad \frac{7}{100} = 7\% \quad \frac{2}{100} = 2\%$$

معصومه  $\frac{4}{7}$  تمام پول است. از این رو مانند این است که گفته شود  $\frac{3}{7}$  (یا  $\frac{4}{7}$ )،  $14000$  ریال چقدر است؟ و این با عمل ضرب محاسبه پذیر است:

$$\text{سهام زهرا} = 14000 \times \frac{3}{7} = 6000$$

$$\text{سهام معصومه} = 14000 \times \frac{4}{7} = 8000$$

امتحان:

$(14000 = 6000 + 8000)$  = سهم معصومه + سهم زهرا و

$$\text{نسبت سهم زهرا به کل پول} = \frac{6000}{14000} = \frac{6}{14} = \frac{3}{7}$$

$$\text{نسبت سهم معصومه به کل پول} = \frac{8000}{14000} = \frac{8}{14} = \frac{4}{7}$$

توجه: صورت دیگر مسأله چنین است: می‌خواهیم  $14000$  ریال را بین دو نفر چنان تقسیم کنیم که نسبت سهم اولی به دومی برابر  $\frac{3}{4}$  باشد.

راه‌حلی که در این جا ارائه می‌شود این است که سهم دومی، به فرض برابر  $1$  گرفته می‌شود.

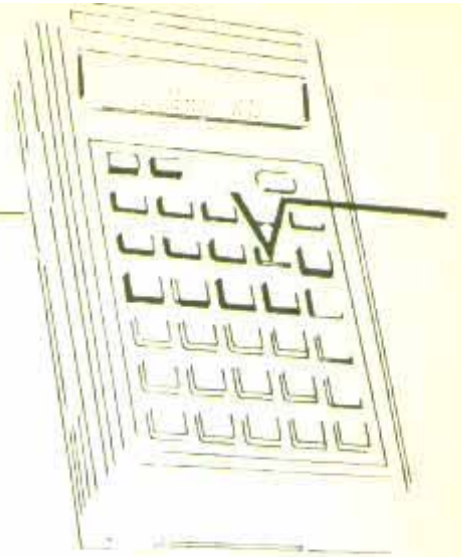
$$\text{سهم اولی به فرض} = \frac{3}{4} \quad 1 \times \frac{3}{4} = \frac{3}{4}$$

چون  $14000$  ریال مجموع سهام است، این دو عدد را جمع می‌کنیم:

$$\text{مجموع سهام به فرض} = 1 + \frac{3}{4} = \frac{7}{4}$$

$$\text{سهم دومی} = 14000 \times \frac{4}{7} = 8000$$

$$\text{سهم اولی} = 8000 \times \frac{3}{4} = 6000$$



کافی است آن را در ۱۰۰ ضرب کرده سپس به صورت درصد بنویسیم، مثلاً:  $0/13$  برابر چند درصد است؟

$$13\% = 13/100 = 0/13 \text{ نمایش } 0/13 \text{ به صورت درصد}$$

برای نوشتن یک نسبت که مخرج آن ناسازی به صد تبدیل نمی شود، صورت را بر مخرج تقسیم می کنیم و تا دو رقم اعشار در تقسیم پیشروی می کنیم و حاصل را در صد ضرب می کنیم و سپس آن را به صورت درصد می نویسیم.

$66\% = 66/100 = 0/66$  نمایش  $0/66$  به صورت درصد  
 $42\% = 42/100 = 0/42$  نمایش  $0/42$  به صورت درصد  
 فرامید بگفت - برای نوشتن درصد به صورت اعشاری آن را بر صد تقسیم کرده، حاصل را به صورت اعشاری می نویسیم.

$$12\% = \frac{12}{100} = 0/12$$

هرگاه بخواهیم درصد یک عدد را حساب کنیم کافی است آن درصد را به صورت نسبت با مخرج صد نوشته، سپس آن را در عدد داده شده ضرب کنیم.

مثال: ۴۳٪ مردم ایران در روستا زندگی می کنند. اگر جمعیت ایران ۵۷ میلیون نفر باشد یعنی چند میلیون؟

$$57 \cdot \frac{43}{100} \approx 25 \text{ میلیون نفر}$$

تناسب:

هرگاه بنویسیم که دو نسبت با هم برابرند، یک تناسب نوشته ایم.

دو نسبت  $\frac{2}{6}$  و  $\frac{4}{3}$  با هم برابرند پس یک تناسب داریم.

$$\frac{2}{6} = \frac{4}{3}$$

در حالت کلی اگر  $\frac{a}{b} = \frac{c}{d}$  دو نسبت مساوی باشند تناسب

زیر را می نویسیم:

$$\frac{a}{b} = \frac{c}{d}$$

در این صورت  $a, b, c, d$  را به ترتیب جملات اول تا

چهارم تناسب با اجزاء تناسب می خوانیم.

مثال: به صورت درصد بنویسید:

$$\frac{2}{8}, \frac{12}{5}, \frac{1}{3}$$

$\frac{2}{8} = 2/8 = 0/25 = 25\%$   
 $\frac{12}{5} = 12/5 = 2/5 = 40\%$   
 $\frac{1}{3} = 1/3 \approx 0/33 = 33\%$   
 توجه: اگر جمله اول نسبت با جمله دوم آن مساوی باشد آن نسبت برابر ۱۰۰٪ است، مثل وقتی که قیمتها دو برابر می شوند.

$$\frac{3}{3} = 1 = 100\%$$

اگر جمله اول نسبت از جمله دوم بزرگتر باشد نسبت بزرگتر از ۱۰۰٪ است.

$$\frac{7}{4} = 7/4 = 1/4 = 25\%$$

هرگاه قیمتها سه برابر شود تورم چند درصد است؟

بعضی از کسرهای متعارفی سنهای معینی را تعیین

می کند که دانش آموز باید درصد نظیر آنها را حفظ داشته باشد.

$$\frac{1}{4} = \frac{1 \cdot 25}{4 \cdot 25} = \frac{25}{100} = 25\%$$

$$\frac{1}{5} = \frac{1 \cdot 20}{5 \cdot 20} = \frac{20}{100} = 20\%$$

$$\frac{3}{4} = \frac{3 \cdot 25}{4 \cdot 25} = \frac{75}{100} = 75\%$$

$$\frac{1}{2} = \frac{1 \cdot 50}{2 \cdot 50} = \frac{50}{100} = 50\%$$

کسر  $\frac{3}{5}$  یعنی چند درصد؟  $\frac{3}{20}$  چند درصد است؟  $\frac{7}{50}$  را به صورت درصد بنویسید.

چگونه درصد می نویسیم

برای نوشتن یک عدد اعشاری کمتر از واحد به صورت درصد





— در هر تناسب حاصل ضرب جملات طرفین برابر حاصل ضرب جملات وسطین آن تناسب است.

— هرگاه دو کمیت چنان با هم بستگی داشته باشند که افزایش یا کاهش یکی باعث افزایش یا کاهش دیگری شود، آنگاه می‌گویند این دو کمیت در تناسب مستقیم هستند.

می‌شود دو کمیت یعنی تعداد روزها و تعداد صفحات خوانده شده با هم "تناسب مستقیم" دارند؛ یعنی با افزایش یکی، دیگری افزایش پیدا می‌کند و یا با کاهش آن، دیگری نیز کم می‌شود.  
تعریف: هرگاه دو کمیت چنان با هم بستگی داشته باشند که افزایش یا کاهش یکی باعث افزایش یا کاهش دیگری شود آنگاه می‌گویند این دو کمیت در تناسب مستقیم هستند.

اگر هر هکتار زمین کشاورزی ۱۰ هزار تومان باشد، هرچه مساحت زمین بیشتر باشد قیمت زمین نیز به همان نسبت زیادتر خواهد بود؛ یعنی مساحت زمین و ارزش آن در تناسب مستقیم هستند.

### تناسب معکوس

فرض کنید شما با اتوبوس از اصفهان به قم می‌روید (۲۴۰ کیلومتر راه)، اگر اتوبوس به‌طور متوسط با سرعت ۸۰ کیلومتر در ساعت راه طی کند زودتر به مقصد می‌رسید (یعنی ساعات کمتری در راه هستید) یا این‌که اگر اتوبوس با سرعت ۶۰ کیلومتر در ساعت حرکت کند؟ مسافت پیموده شده در هر دو حالت ثابت است (۲۴۰ کیلومتر)

یعنی:

زمان در راه × سرعت دومی = زمان در راه × سرعت اولی = مسافت پیموده شده ثابت

$$240 = 80 \times 3 = 60 \times 4 \quad (1)$$

↓ ساعت لایم سرعت اولی   
 ↓ ساعت لایم سرعت دومی   
 ↓ مسافت پیموده شده

### خاصیت تناسب

اگر تناسب  $\frac{a}{b} = \frac{c}{d}$  را به صورت زیر بنویسیم:

$$(a \cdot d) = (c \cdot b)$$

دو جمله  $a$  و  $d$  که در طرفین قرار دارند جملات طرفین  $b$  و

$c$  را که در وسط قرار گرفته‌اند جملات وسطین تناسب می‌خوانیم و خاصیت تناسب را به صورت زیر بیان می‌کنیم.

در هر تناسب حاصل ضرب جملات طرفین برابر

حاصل ضرب جملات وسطین آن تناسب است.

مثلاً در این تناسب:

$$\frac{2}{3} = \frac{4}{6}$$

$$2 \times 6 = 3 \times 4$$

داریم:

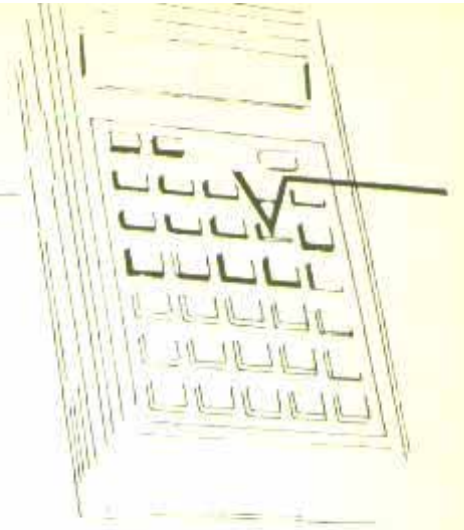
این خاصیت را در حالت کلی به صورت زیر بیان می‌کنیم:

$$\left( \frac{a}{b} = \frac{c}{d} \right) \iff (ad = bc)$$

(نماد  $\iff$  را بخوانید: "یعنی")

### تناسب مستقیم

فرض کنید شما به هنگام امتحانات خردادماه، به‌طور متوسط، روزی ۵۰ صفحه از دروس خود را دوره می‌کنید. روشن است که هرچه از روزها بگذرد تعداد صفحات مرور شده بیشتر خواهد بود و بعد از یک هفته شما ۷۰۵ صفحه دوره کرده‌اید. بعد از ۲۰ روز شما چند صفحه مرور کرده‌اید؟ اصطلاحی که در این جا به کار برده می‌شود این است که گفته



تعریف: اگر دو کسبیت چنان باهم بستگی داشته باشند که افزایش یکی باعث کاهش دیگری یا کاهش یکی باعث افزایش دیگری شود. آن‌گاه گفته می‌شود که این دو کسبیت در تناسب معکوس هستند.

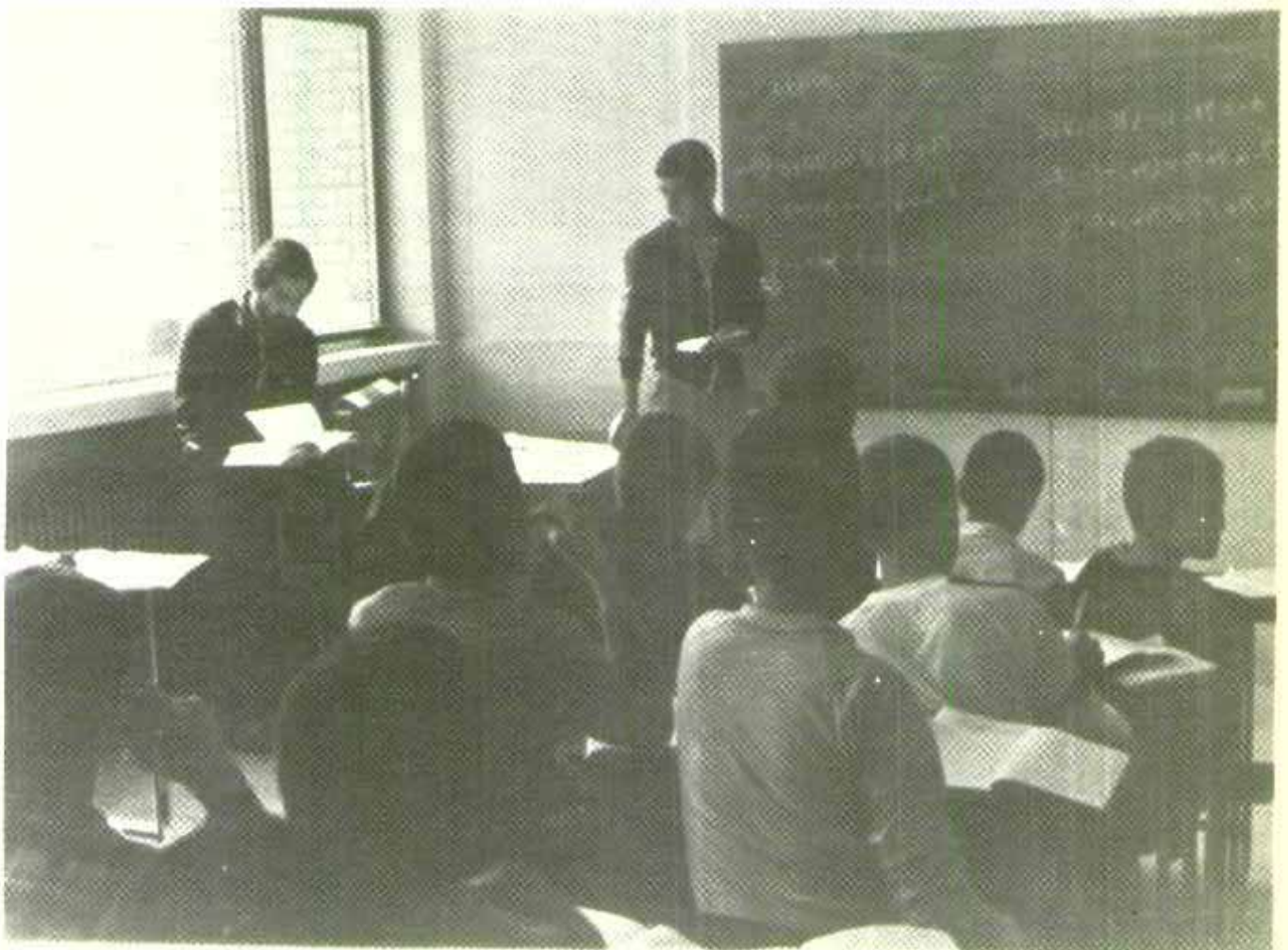
مثال: برای وکیل کردن غلتهای هرزه یک زمین کشاورزی ۱۲ نفر مشغول کار شدند که بعد از سه هفته زمین از غلتهای هرزه پاک شد. در زمین مجاور با همان مساحت و شرایط ۱۸ نفر کارگر شروع به کار می‌کنند. کار بر روی این زمین بعد از چند هفته به اتمام خواهد رسید؟

حل: وقتی ۱۲ نفر مشغول کار می‌شوند با ۲۴ دست غلتهای هرزه را می‌چینند، اما هنگامی که ۱۸ نفر کار می‌کنند با ۳۶ دست غلتهای هرزه را می‌چینند. روشن است که دست دوم همان

کمیت سرعت و زمان لازم برای پیمودن یک مسافت ثابت، نسبت معکوس دارند.

یعنی هرچه کمیت اول (سرعت) افزایش پیدا کند کمیت دوم (زمان) کاهش می‌یابد. اگر تساوی (۱) را به صورت تناسب بنویسیم خواهیم داشت:

$$\frac{۸۰ \text{ سرعت اولی}}{۶۰ \text{ سرعت دومی}} = \frac{۴ \text{ زمان دومی}}{۳ \text{ زمان اولی}}$$





اگر دو کمیت چنان با هم بستگی داشته باشند که افزایش یکی باعث کاهش دیگری و کاهش یکی باعث افزایش دیگری شود، آنگاه گفته می‌شود که این دو کمیت در تناسب معکوس هستند.

است. افزایش قیمت گوشت در این مدت چند درصد بوده است؟

۴- سال تحصیلی، طبق قانون ۳۲ هفته در سال است تعیین کنید چند درصد از سال مدارس باز است؟ در ۱۸ آذرماه چند درصد از سال تحصیلی گذشته است؟

۵- قیمت یک پیراهن در سال گذشته ۱۲۰۰ تومان بوده و نرخ تورم ۳۰٪ تعیین شده است قیمت این پیراهن امسال چقدر است؟ اگر گفته شود قیمت پیراهن یک برابر و نیم شده است، درصد افزایش این قیمت را بدست آورید.

۶- ۱۲۰ ساعت نیروی کار انسانی بین دو نفر تقسیم شده است. نسبت کار آنها  $\frac{۳}{۷}$  می‌باشد. اگر برای هر ساعت کار ۳۰۰۰ تومان پرداخت شود سهم هر یک چقدر است؟

۷- ۲۲ نفر کارگر اگر روزی ۸ ساعت کار کنند کاری را در ۱۲ روز تمام خواهند کرد. ۲۵ نفر کارگر اگر روزی ۶ ساعت کار کنند همان کار را در چند روز به پایان می‌رسانند؟  
۸- هر کدام درست است یا نماد ✓ و هر کدام نادرست است با علامت ✗ مشخص کنید.

- الف) نسبت  $\frac{۰}{۷۵}$  یک گرم به ۹۰۰ گرم برابر است با  $\frac{۵}{۶}$
- ب) نسبت  $\frac{۰}{۷۲}$  متر به ۹۶ سانتیمتر برابر است با  $\frac{۳}{۴}$
- ج) نسبت ۲۲ میلیمتر به ۷ سانتیمتر برابر است با  $\frac{۱۱}{۳۵}$
- د) نسبت ۳ هکتار زمین به ۵۰۰۰ متر مربع برابر است با  $\frac{۳}{۵}$

کار را زودتر تمام می‌کنند در این جایز نیروی انسانی با زمان لازم برای انجام یک کار ثابت در تناسب معکوس هستند؛ یعنی هر چه نیروی انسانی افزایش باید زمان لازم برای انجام آن کار کاهش می‌یابد. اما کار انجام شده در هر دو حالت ثابت است.

زمان لازم - عدد کارگران - دست دوم - زمان لازم - عدد کارگران - دست اول - انجام کار ثابت

$$۱۲ \times ۲۱ = ۱۸ \times x$$

$$\text{هفته } ۲ = \frac{۱۴}{۷} \text{ روز } ۱۴ = \frac{۱۲۰۲۱}{۱۸} = ۱$$

حل یک مساله: قیمت حمل ۲۵ تن گندم برای هر ۱۰۰ کیلومتر ۲۰۰۰۰۰ تومان است. هزینه حمل ۱۲۵ تن گندم برای حمل به مقصد ۴۵۰ کیلومتری چقدر است؟

تومان	کیلومتر	تن
۲۰۰۰۰۰	۱۰۰	۲۵
۴۵۰۰۰۰ (۱)	x	۱۲۵

(۲) چگونگی راه حل را توضیح دهید.

تمرین:

۱-  $\frac{۱۳}{۲}$  برابر ۲۴٪ چه عددی است؟

۲- در یک حراج، کفشی را به ۲۴۰۰ تومان خریده‌ایم قیمت کفش قبل از حراج چقدر بوده است؟ (روی شیشه مغازه نوشته شده است: اجناس با ۴۰ درصد تخفیف به فروش می‌رسد.)

۳- قیمت یک کیلو گوشت در فروردین ماه سال ۷۰ برابر ۲۸۰ تومان و در فروردین ماه سال ۷۲ برابر ۳۵۰ تومان بوده



جمهوری اسلامی ایران

وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی

برادر محترم جناب آقای تقی پور

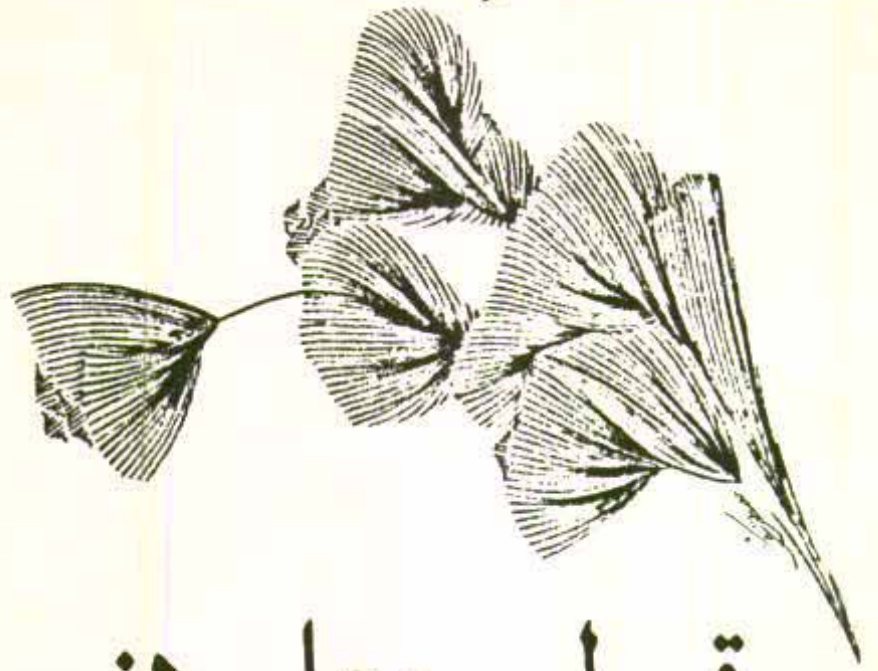
مدیر کل محترم آموزش و پرورش شهر تهران

احتراما

بطوریکه استحضار دارند اولین دوره کارشناسی ناپیوسته هنر با همکاریهای ارزنده اداره آموزشهای ضمن خدمت ، و گروه هنر این دفتر در سال تحصیلی جدید در مرکز آموزش عالی ضمن خدمت دایر شده و عدهای از همکاران هنرمند شهرستانهاکه از بهترین و شایستهترین معلمان هنر هستند طی دو مرحله آزمون ضمن خدمت انتخاب شدهاند با توجه به سوابق کمبود معلمان متخصص هنر در مناطق نوزده گانه تهران ، خواهشمند است دستور فرمایند با توجه به مقررات صدور ما موریهت تحصیلی طرح تا همین نیروی انسانی ، ترتیبی اتخاذ نمایند تا آنان بتوانند در مناطق یاد شده ساعات موظف خویش را به تدریس درس هنر یا در گروههای آموزشی هنر انجام وظیفه نمایند . قبلا " از همکاری جنابعالی در زمینه توسعه فعالیتهای آموزشی این درس تشکر می نمایم .

محمد مسعود ابوطالبی  
 مدیرکل دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی

- روپوشت :
- ۱- ریاست محترم سازمان جهت استحضار
  - ۲- اداره کل آموزشهای ضمن خدمت جهت استحضار
  - ۳- گروه هنر



## قبولی معلم هنر

نوشته: زهره اعتمادی  
دبیر هنر و عضو گروه آموزشی هنر تهران

یکی از راههای علاقه‌مند ساختن و ایده دادن به کودکان برای طراحی و نقاشی، تشویق آنان به مشاهده بهتر و خوب دیدن است. خانم اعتمادی دانش‌آموزان خود را به بازدید موزه تاریخ طبیعی برده‌اند و پس از آن از آنان خواسته‌اند که از این بازدید طرح‌ها را تهیه کنند. از ایشان برای ارسال این تجربه به دفتر برنامه‌ریزی و تألیف سپاسگزاریم.

چشمان شفاف و کنجکاو، صورتهای خندان و دستهای آماده خلق آثار، اولین جبرهایی بودند که در آن روز احساس می‌شد. روزی بود از روزهای اوایل زمستان، اما این روز با روزهای دیگر اندکی تفاوت داشت. چرا که طبق برنامه‌ریزی قبلی بازدیدی از موزه تاریخ طبیعی در پیش داشتیم با وجود سرمای

هوا جنب و جوش و تحرکشان گرما را به جمعمان می‌آورد.

ساختمان موزه مشکل از چهار طبقه بود. هر طبقه به نگهداری گونه‌ای خاص از حیوانات اختصاص داشت، بعد از راهنمایی مسوولان، موزه کلاً در اختیار ما بود. بچه‌ها بعد از تقسیم‌بندی در طبقات، ناباورانه مقابل جسمهای بی‌جان حیوانات قرار داشتند. با آرامشی از این که آثارشان با نمره‌ای سنجیده نخواهد شد کاغذهای سفید در دستشان جابه‌جا شده، ولی نقشی روی آنها حک نمی‌شد. چرا که هنوز چشم بودند.

صدای خود را می‌شنیدم: «بچه‌ها هر کدام را که دوست دارید یا هر قسمت از بدن آنها را که جالب توجه می‌بینید و با هر وسیله‌ای که در اختیار دارید راحت یا حتی بدون نگاه کردن روی کاغذ قلم را حرکت دهید.» ولی خوب می‌دانستم که حسن آنها بدون خطا

بهترین را انتخاب خواهد کرد. هنگامی که بعد از دو ساعت برای رفتن آماده شدیم نارضایتی و عدم تعامل بخوبی در چهره تک تکشان مشهود بود و این بی‌علاقگی وقتی که در راه بازگشت آثارشان را خواستم جقدر زیبا و دوست داشتنی تبدیل به نگاهی پرسشگرانه و کمی نگران شد.

چشم‌هایی که هر لحظه بی‌کلام، دنیایی از حرف و احساس را مطرح می‌کردند و به راستی خداوند، شاهدهی بی‌نظیر است که تنها به همین نگاههای سرشار از حس در تمام طول کار و تلاشم زنده و قادر به بیمودن راه هستم.

هفته بعد، زنگ آخر همان کلاس دوم نقاشی داشتند و بی‌صبرانه قبل از شروع کلاس آثارشان را می‌خواستند، ولی خیلی زود سکوت را بر خود حکمفرما نمودند. یک بار دیگر تنها چشم شدند و چشم با این تفاوت که این بار معلم هنر خود را می‌نگریستند، اما نه، روحش و آثار خلق شده در دستانش را می‌دیدند، روح و آثاری که متعلق به فرد، فردشان بود. حالا معلم بودم و کلام، کلامی که شکوفایی و استعدادشان را بیان می‌کرد و کاغذی را که حال دیگر سفید نبود و شخصیت نقاشی در آن نقش بسته بود نشانشان می‌دادم و استادیشان را در طراحی بدن حیوانات، بدون آن که حتی تصورشان را بکنند بسدین راحتی مشکل‌ترین قسمتها را با دید خوبشان ترسیم کرده‌اند و این که انتخاب هر حیوانی نشانگر روحیه‌ای خاص است، علاقه و نشاط، پرسش و پاسخ، توانایی و خلاقیت و تعلیم و تعلم را در همان چشمها باز می‌دیدم و احساس آرامش دریافت نمره قبولی را در کلاس دوم «الف» آن سال تحصیلی در درس هنر قسمت تدریس طراحی و شناخت حیوانات در قلمم حس می‌کردم.



## آثار هنری دانشجویان مرکز تربیت معلم شهید شرافت

نویسنده: مجید ملانوروزی

عضو گروه هنر دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.

و چیزی سیر فراتر از تصور و انتظار بود. بارها دانشجویان در نخستین روزهای ورود به مرکز با ذکر تاریخ و گواهی مصدق استادان در صدر بار عرضه شده به چشم می‌خورد. حدود صد تکر سلاخی صدقانه و تسلط استادان و افتخار و گویس جهاد دانشجویان در زمینه فراگیری رموز هنری و بهره‌گیری بهینه از تجربه استادان، در حقیقت، بشرف و دستاوردهای هنری دانشجویان، از دره‌های اقیانوس و موانعی موفق و اصولی خبر می‌دهد. آن‌ها که سیر بشرف هنری دانشجویان، با مقایسه نمونه‌های آثار نخستین روزهای حضور، متوجه محبت بود و از طرفی دیگر درسی بی‌پایان و حافظه که می‌تواند ممکن در این حلقه سراسر به حوزه‌ی روشی

چنانکه سرور می‌دهند می‌روند و نهایت این که حاصل کار در روزی مورث هنری دانش‌موران و رعایت کفایت کار آنان فقط تأثیر سراسری خواهد گذاشت

\*\*\*

لجه این دستاوردها را از دیگر آثار سراسر هنری کشور، متمایز می‌کند. حسی شفاف و بیان همراه - مفهومی معنی‌آمیز و

در اواخر خرداد ماه سال جاری نمایشگاهی از آثار هنری دانشجویان مرکز تربیت معلم شهید شرافت برگزار شد. گزینش زیر معرفی این نمایشگاه است. از آقای ملانوروزی عضو گروه هنر دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و نظمی‌کننده این خبر سپاسگزاریم.

دانشجویان رشته هنر مرکز تربیت معلم شهید شرافت شهر تبریز که دوره تحصیل خود را به اتمام رسانده بودند در اواخر خرداد ماه امسال، نمایشگاهی از آثار هنری خود ترتیب دادند. دانشجویان، استادان، مربیان هنر، کارشناسان و مؤلفان کتابهای درسی هنر، مدیرکل تربیت معلم و مسؤولان وزارت آموزش و پرورش از این نمایشگاه بازدید به عمل آوردند.

آثار هنری عرضه شده در این نمایشگاه شامل خوشنویسی، طراحی، عکاسی، تابلوهای رنگ و روغن، آیرنگ، گرافیک، تدفین و نقاشی ایرانی و کارهای دستی بود که دانشجویان طی دو سال تحصیلی و تجربه آموخته بودند. نمایان ذکر است که حاصل کار آنان فوق‌العاده



است که دانشجو و جوینده هنر، هرگز نتوانسته است آنچه را که پایه‌های اصلی آموزش و نیز انتقال یافته آموزشی فردای اوست بیازماید و به کار بندد و در واقع هریک از آثار هنری او که به بهای از دست رفتن چهار ترم تحصیلی بوده با محتوای برنامه‌هایی که برای آموزش آن تدوین شده نیز منافات دارد و نشان از ناهماهنگی عوامل اجرایی دارد. خوشبختانه در این نمایشگاه، دستاوردهای هنری دانشجویان از باورمندی و اصول علمی و دقت در کیفیت اجرایی بهره‌ور است و این اصول را در همه زمینه‌های دیگر اعم از نقاشی و طراحی و عکاسی و گرافیک دنبال می‌کند و به زبانی دیگر نشان می‌دهد که انتخاب استادان با هماهنگی کامل و دقت صورت پذیرفته است و همه آنان یک اصل را که همان اشاعه حقیقت هنر و اصالت آن است، دنبال می‌کنند و در اصول و مبانی نیز با یکدیگر توافق دارند که به اعتقاد ما، خود توفیقی تعیین کننده و ارجمند است.

\*\*\*

مفاهیمی که در قالب آثار هنری رخ می‌نمود بسیار به معنای اصلی و غایی هنر نزدیک بود.

به اعتقاد ما آنچه در مراکز هنری به مقصود و هدف غایی می‌تجمد، استعداد و زمینه‌بایی و ذوق هنرجو، همراه با شناخت درست و تدریس استادان، فضای آموزشی مناسب از هر جهت، وسایل و امکانات هنری از قبیل داشتن کارگاه هنر بسازدید از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، کتب و گنجینه‌های هنری و رعایت بسیاری از نکات و دقایق اصولی آموزش هنری است که بدون موارد یاد شده بسختی می‌توان اسباب بزرگی و درخشش هنر را فراهم کرد و هنرجو را به آنچه کمال و مقصود است راهبری نمود. توجه به اهمیت قضیه از آن جهت که در اغلب مراکز متناهی، شاهد اژهم پاشیدگی امور و منافات دستاوردهای هنری دانشجویی هستیم و بدبختانه در اثر بسیاری ناهماهنگی‌های ناشی از ضعف اجرایی و عدم توجه به توصیه‌های کارشناسان آموزشی شاهد هستیم که آنچه را دانشجوی هنر در واحدهای مبانی آموخته و در آثار طراحی، نقاشی، گرافیک و عکاسی و سایر واحدهای درسی آنان دیده می‌نمود با سرفصلها و اصولی که پیش بینی شده و برنامه تحصیلی مدون، منافات داشته است و بیانگر این

## طراحی و

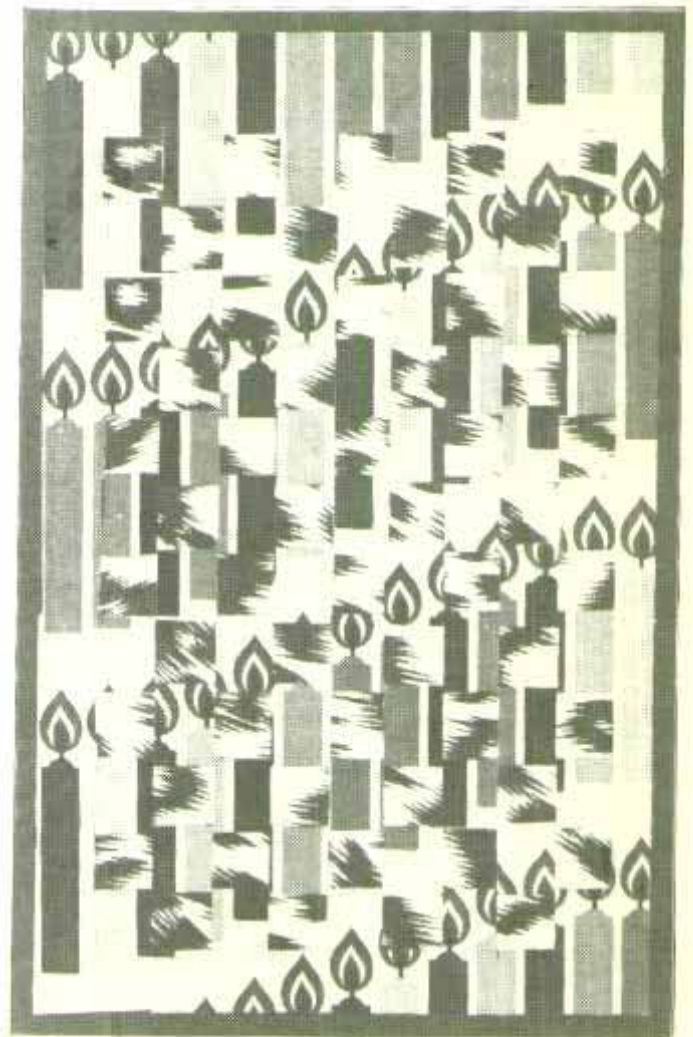
# ساخت کارتهای تبریک

نویسنده: حسن سرفی، عضو شورای هنر دفتر برنامه‌ریزی

مقاله زیر با استفاده از کتابهای هنر دوره راهنمایی و کتابهای کمک آموزشی هنر، راههای عملی برای ساخت کارت تبریک را ارائه می‌دهد. این کار هم هنر است و هم صرفه جویی هم، فال است و هم تماشای. شاید این طور به نظر برسد که ساخت کارت تبریک برای نوروز و بهار مناسب نباشد و حساب آن در شماره پانز و برگریزان کمی دور از ظرافت اما علت چاب آن در این شماره به جهت آشنایی بیشتر دبیران محترم با ساخت کارت تبریک، انتقال مفهوم به دانش آموزان و تعریف و ساخت این کارتها توسط دانش آموزان است تا آمادگی و مهارت لازم، برای تهیه این کارتها را پیدا کنند و در دهه مبارک فجر و نوروز از ساخته‌های خود استفاده لازم را ببرند. با تشکر از گروه هنر دفتر برنامه‌ریزی و تألیف برای ارسال این مقاله.

کودکان و جوانان برای بسرورشان تواناییهای ذهنی و قدرت آفرینندگی، باید در نظامها و روابط برقرار شده میان بدیده‌ها و رویدادهای محیط زندگی خود به جستجو و سرزنجی بردزند و در طی کردن این راه تشویق شوند.

تأکید بر اکتشاف در یادگیری، این اثر را بر یادگیرنده دارد که او را به صورت فردی متکرم و سازنده در آورد. آنها از طریق رو به رو شدن با فعالیتهای کاوشگری که منجر به تولید آثار خلاق می‌شود، می‌توانند هنر خود را رشد و گسترش دهند. معلم می‌تواند به





– کودکان و نوجوانان برای پرورش تواناییهای ذهنی و قدرت  
آفرینندگی باید در نظامها و روابط برقرار شده میان پدیده‌ها و  
دیوارهای محیط زندگی به جستجو و بررسی بپردازند و در طی  
کردن این راه تسویق شوند.

۴ – چسب مایع؛

۵ – قیچی یا تیغ برش؛

۶ – خط کش؛

۷ – کتابهای آموزش هنر سال اول، دوم و سوم راهنمایی.

۸ – کتابهای کمک آموزشی: الف) بافته‌های کاغذی، تألیف

محمد مهدی هراتی، انتشارات مدرسه.

ب) تعلیم هنر برای معلم، تألیف محمد مهدی هراتی، انتشارات  
وزارت آموزش و پرورش.

ج) از ساختن تا پرداختن، تألیف محمد مهدی هراتی،

انتشارات مدرسه.

روش ساخت:

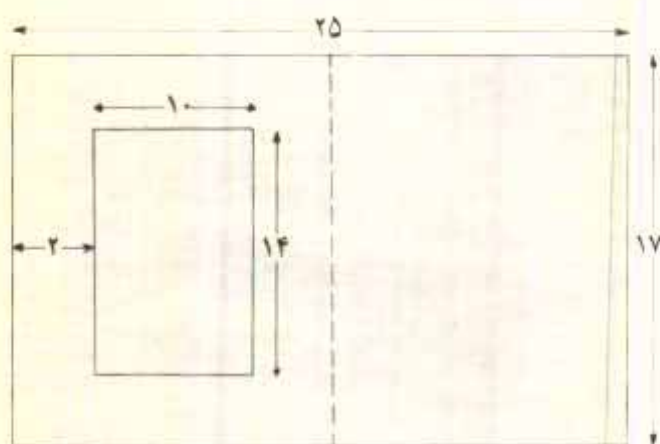
۱ – مقوای  $۱۷ \times ۲۵$  سانتی متر را از وسط طوری تا بزنید تا

اندازه آن از هر طرف مقوا مساوی شود ( $۱۷ \times ۱۲/۵$  سانتی متر)

۲ – روی یک طرف مقوای تا شده مستطیلی به اندازه

« $۱۰ \times ۱۴$ » سانتی متر رسم کنید. می‌توانید به جای برش روی همین

کارت، مستقیماً هم نقاشی کنید.



۳ – برای ساختن پاکت یک کاغذ سفید با رنگی مربعی شکل (تقریباً

$۲۵ \times ۲۵$ ) تهیه کنید؛ سپس از روی خط چین ها تا بزنید. لبه‌های پاکت

دانش آموزان بگوید: هرگاه مطالب کتاب آموزش هنر را مطالعه  
می‌کنید، به موارد استفاده مختلف بیان تصویری و اطلاعاتی که در آن  
کتاب به آنها برمی‌خورید بیندیشید. بسیار اهمیت دارد که به راههایی  
که می‌توانید اطلاعات هنری مطرح شده را در ساختن و خلق آثار  
هنری به کار برید فکر کنید. از خود پرسید که چگونه می‌توانم نوشته  
مؤلف را مورد استفاده قرار دهم؟ تنها به یک مورد استفاده اکتفا نکنید  
تا آنجا که می‌توانید موارد استفاده‌های بیشتری را بسابید و بعضی از  
آنها را برای ساختن کارت تبریک به کار ببرید.

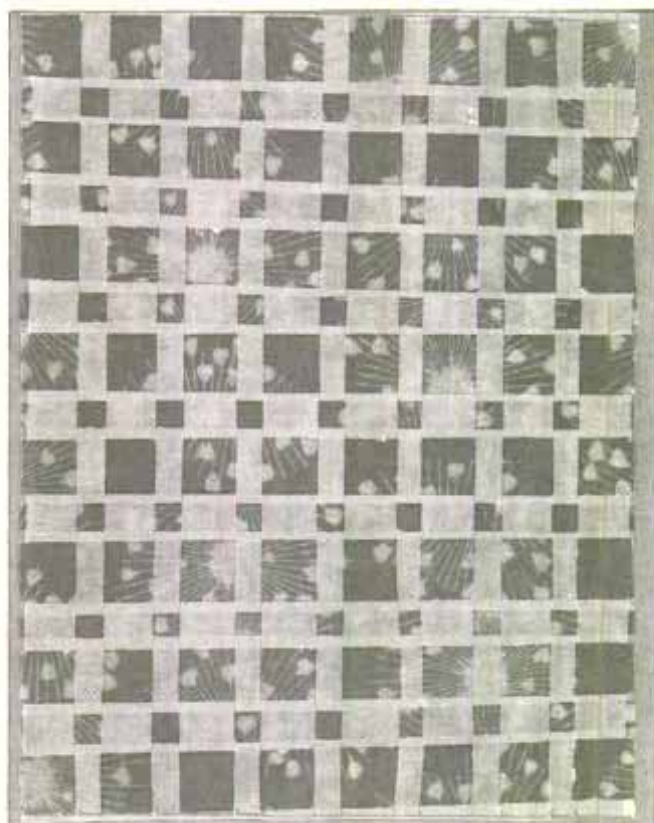
مواد و کار افزارهای لازم

۱ – یک ورق کاغذ مستطیل شکل در اندازه  $۱۴ \times ۱۰$  سانتی

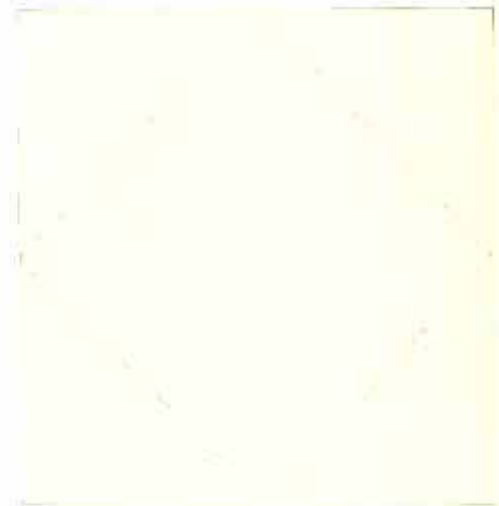
متر جهت نقاشی و یا اجرای روش قطاعی؛

۲ – یک قطعه مقوای رنگی و ساده ( $۲۵ \times ۱۷$ ) سانتی متر؛

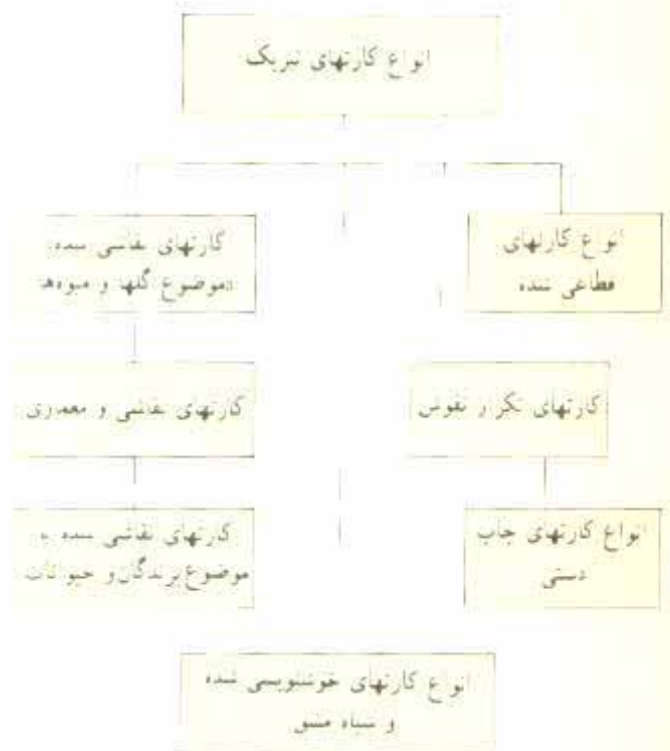
۳ – ماژیک یا مداد رنگی؛



را با جیب مایع بچسباند. اینک با کت کارت تبریک شما آماده است.



تقسیم‌بندی انواع کارتهای تبریک: در نمودار زیر انواع کارتهای تبریک با استفاده از روشهای کاربردی کتاب هنر اول، دوره دوم و سوم راهنمایی، مشخص شده است:



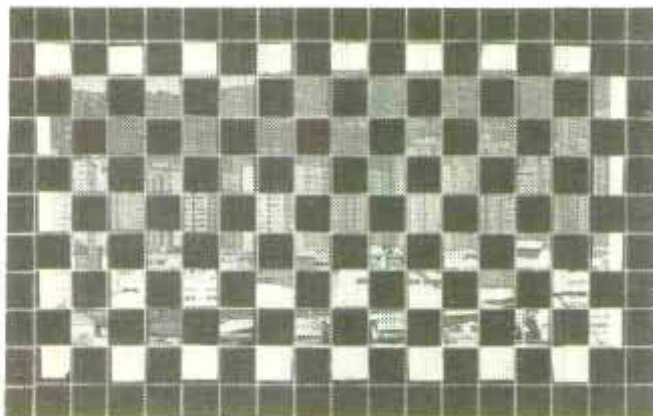
ب) آنتنایی دانش‌آموزان با شیوه‌های کاربردی هنر قطعی  
ج- آنتنایی دانش‌آموزان با امکانات مختلف هنر قطعی.  
تذکره: در جدول شماره یک، روشهای کاربردی استفاده از هنر قطعی یا استفاده از عناوین درسی کتاب هنر اول راهنمایی آمده است:

جدول شماره یک - ساخت زمینه‌های ساخت کارت تبریک با استفاده از محتوای کتاب هنر اول راهنمایی

ردیف	عنوان و تکنیک کاربردی	صفحه
۱	قطعی با کاعد بر وید	۵۲
۲	قطعی - برگ درختان	۳۸
۳	قطعی با موضوعهای نقوش منسی	۳۱
۴	قطعی با تمهای پستی	۵۶
۵	قطعی با عکسهای مجلات و روزنامهها	
۶	و خرده‌های - برجه فغانتهای حسی و کمک آموزشی شامل قطعی چهل تیکه، بافته‌های	۶۵
۷	کاغذی قطعی با استفاده از لایب کتابها و طرحی نقوش	

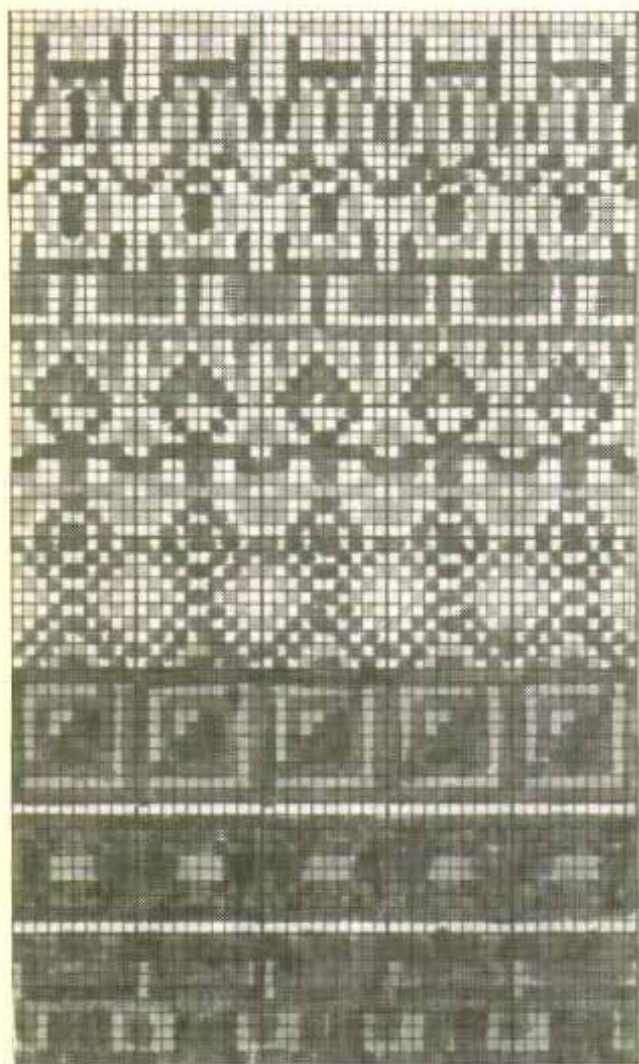
روشن کار!

با توجه به جدول شماره یک و پس از تهیه مواد و ابزار  
افزارهای لازم که قبلاً تشریح داده شد بدین ترتیب عمل کنید.



موضوع ساخت کارتهای تبریک قطعی شده.  
هدف: آنتنایی دانش‌آموزان با شیوه‌های عملی هنر قطعی!

– تأکید بر اکتشاف در یادگیری، این امر را بر یادگیرنده دارد که او را به صورت فردی مبتکر و سازنده در آورد.



الف: روی کاغذ ابر و باد، طرح مورد نظر را بکشید. ممکن است برای طراحی از نقش و نگارهای سنتی یا آلات طرح گاشی یا موضوعهای مناسب دیگر استفاده کنید. به هر حال بعد از طراحی و انتقال آن بر روی مقوای اصلی مربوط به کارت. تصاویر روی کاغذ «ابر و باد» را ببرید و در جای خود، روی کارت بچسبانید.

ب) تمبرهای باطل شده یا باطل نشده را، پس از جمع‌آوری آنها، روی کارت مقوایی قرار دهید و با جا به جا کردن آنها، سعی کنید ترکیبی زیبا و جالب به دست آورید: سپس آنها را در جای خود، بچسبانید.

ج) با استفاده از بریده‌های عکسهای مجلات و روزنامه‌ها و ترکیب آنها بر روی کارت، می‌توانید به موضوعهای مورد علاقه خود نزدیک شوید. مانند ردیف «ب» برای پیدا کردن ترکیبهای موزون و زیبا، عمل کنید و سپس آنها را در جای مناسب خود بچسبانید همین کارها را می‌توانید با استفاده از خرده‌های پارچه و گل‌های آنها، تکرار کنید.

د) برگ درختان همراه با جمع‌آوری گل‌های طبیعی می‌تواند موضوع کارتها را زیباتر کند. برگ‌های مختلف را جمع کنید و با آنها شکلهایی از گل‌های طبیعی را به نمایش بگذارید.

ه) هر یک از نقوش سنتی، را می‌توان با استفاده از روشهای مختلف قطعی، به شکلی تازه برای تهیه کارتهای زیبا به کار گرفت.

جدول شماره ۴: ساخت زمینه‌های ساخت کارت تبریک با استفاده از محتوی کتاب هنر دوه راهنمایی

ردیف	عناوین و تکنیکهای کاربردی	صفحه
۱	تهیه کارتهای هنری با موضوع چاپ دستی	۵۴
۲	تهیه کارتهای نقاشی شده با موضوع میوه‌ها، گلها، پرندگان (تکنیک رنگ آمیزی با نقطه و خط خطی و سایه روشن و نظائر آن)	۴۹ و ۱۵
۳	استفاده از تکرار نقوش در ساختن کارت تبریک	۶۰ و ۵۹
۴	کاربرد کاغذهای شطرنجی در ایجاد نقش با استفاده از نقوش قالبی و گلب	۵۲
۵	تهیه کارتهایی با استفاده از نقوش برجسته	۶۸
۶	تهیه کارتهای خوشنویسی شده	۱۱۶ و ۱۱۹

روش ساخت:

۱ – با استفاده از طرح گلها، میوه‌ها، پرندگان و حیوانات و بکارگیری تکنیکهای رنگ آمیزی و بزه (مثل روش رنگ آمیزی به وسیله نقطه و خط خطی و نظائر آن) خلایقتهای رنگ آمیزی خودتان را بکار اندازید و کار را زیباتر کنید.

۲ – با استفاده از لاستیک دو چرخه یا پلاستیکهای جلد دفتر مهر دستنی تهیه کنید و طرحی را با آن برای کارت تبریک بسجود آورید.

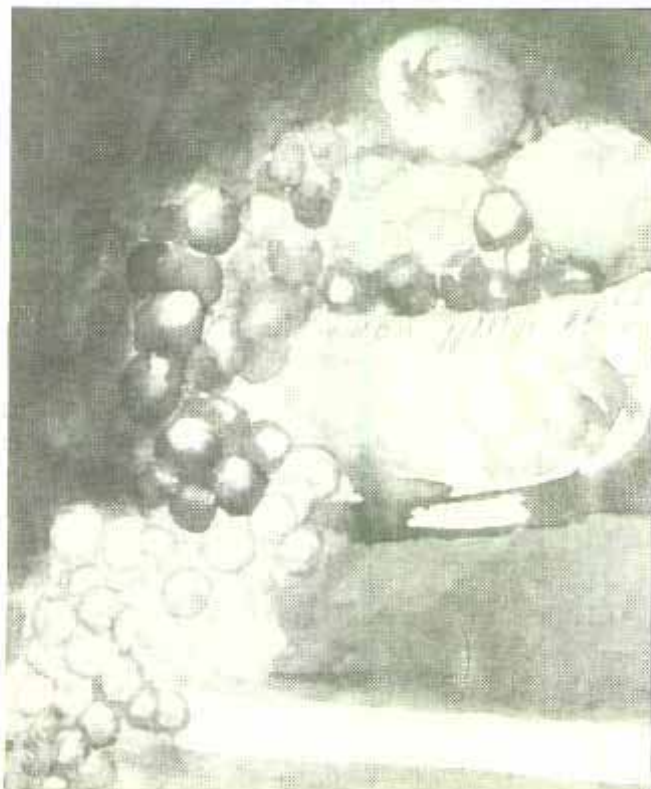
۳ – تکرار نقوش و نگاره‌های حیوانی کارهای زیبایی را برای ساختن کارت تبریک فراهم می‌کند.

– معلم می‌تواند به دانش‌آموزان بگوید: هرگاه مطالب کتابی آموزشی را مطالعه می‌کنید به موارد استفاده مختلف بیان تصویری و اطلاعاتی که در آن کتاب به آنها برمی‌خورید بیدار باشید.

- ۱ – برای طراحی و رنگ آمیزی نقوس می‌توان از ورقه‌های نقشه‌کشی قالبی (تقریباً ۱۳ × ۹) سانتیمتر استفاده کرد. این نقوش را می‌توان از طرح ماهبه‌ها و برندگان و سایر نگاره‌های حیوانی که در قالبی و گلیه بکار گرفته می‌شود مورد استفاده قرار داد. (طرح روی جلد کتاب برای ابتکار انگیزه بیشتری ایجاد می‌کند).
- ۲ – بجه بافت و رنگ آمیزی حیوانات با استفاده از مواد و نقوش برجسته و تکنیکهای واقعی تر را برای رنگ آمیزی ایجاد می‌کند.
- ۳ – در داخل کارت تبریک متن ساده و زیبایی را با خط تحریری نستعلیق بنویسید و اطراف نوشته‌تان را با حاشیه‌ها و نقوش سنتی که در کتاب آموزش هنر آمده است، تزئین کنید.
- ۴ – با مراجعه به کتاب تعلیم هنر برای مسعود تکنیکهای رنگ آمیزی خانه‌های شطرنجی که در بناهای مذهبی و معماری ویرانه نقش و نگاره‌هایی که در گلیه به کار می‌رود را فراموش نکنید.

- ۱ – معماری اسلامی بسیار الهام‌بخش است.
- ۲ – نقوش اسلامی و رنگ آمیزی آن را با روشهای متفاوت رنگ آمیزی در ساختن کارت تبریک به کار برید.
- ۳ – در رنگ آمیزی این نقوش هندسی و اسلامی به تضاد رنگها توجه کنید یعنی رنگهای تیره را در کنار رنگهای روشن بگذارید. رنگ آبی را در کنار رنگ نارنجی، رنگ زرد را در کنار رنگ سبز و سرخ رنگ قرمز را در کنار رنگ سبز بکار ببرید.
- ۳ – با بکارگیری «نقاشی خط»، نقاشی و حیوانتوسی و سایر طراحی حروف الفبای نستعلیق و کلمات و عبارات مختلف کارهایی را ارائه دهید.
- ۴ – با مراجعه به کتاب تعلیم هنر برای مسعود تکنیکهای رنگ آمیزی خانه‌های شطرنجی که در بناهای مذهبی و معماری ویرانه نقش و نگاره‌هایی که در گلیه به کار می‌رود را فراموش نکنید.

جدول شماره ۳: ساخت زمینه‌های ساخت کارت تبریک با استفاده از محتوی کتاب هنر سه راهنامه‌ای.



ردیف	عناوین و تکنیکهای کاربردی	صفحه
۱	تهیه کارتهای نقاشی شده با موضوع معماری و بناهای محلی	۳۶
۲	تهیه کارتهای نقاشی شده با موضوع نقوش سنتی و اسلامی	۵۶
۳	زمینه و طراحی روی جلد کتابهای آموزش هنر	سؤال و جواب: ۲۰ و ۲۱
۴	با استفاده از خطوط مختلف در رنگ آمیزی (ایجاد حجم - بکارگیری خطوط ساده و مستقیم)	۳۷ و ۲۳
۵	بکارگرفتن نقاشی خط و طراحی حروف و کلمات	۹۴
۶	فعالیت حسی رنگ آمیزی خانه‌های شطرنجی با روشهای مختلف دفتر نقاشی شطرنجی	

روش ساخت:

- ۱ – طراحی و نقاشی از روی بناهای قدیمی و مذهبی و



# زبان خارجی



مقاله حاضر از کتاب

Learner English

A teacher guide to interference and other problems

انر

Michael Swan and Bernard Smith

انتخاب شده است.

## تفاوتها و شباهتهای

# زبان فارسی و انگلیسی

لیلی و مارتین ویلسون

مقدمه

زبان فارسی یک زبان هند و اروپایی است که به طور وسیعی تحت تأثیر زبان عربی بوده است. الفبای فارسی نوین از ۳۲ حرف تشکیل شده که به صورت عربی یعنی از راست به چپ نوشته می شود. قبل از پیروزی اعراب در قرن هفتم، الفبای فارسی از ۲۴ حرف تشکیل می شد که به خط پهلوی می نگاشتند.

پس از پیروزی اعراب تعداد زیادی لغت وارد زبان فارسی شد و خط عربی با اضافه کردن هشت حرف دیگر که تعداد حروف الفباء را به ۳۲ حرف می رساند؛ پذیرفته شد.

گرچه فارسی یک زبان هند و اروپایی است، اما از آن جا که فارسی زبانان با خط لاتین آشنایی ندارند، در خواندن و نوشتن انگلیسی بخصوص در مراحل اولیه یادگیری دچار مشکل می شوند.

در این کتاب زبان انگلیسی و زبانهای متفاوت حوزه های جغرافیایی که این زبان در آن حوزه تدریس می شود، مورد تحقیق و مقایسه قرار گرفته است. کار اصلی بررسی شباهتها و تفاوتهای موجود در زبان انگلیسی در زبان آن منطقه است. قسمت اول این مقاله مربوط به آواشناسی مقایسه ای انگلیسی و فارسی است که از نظر خوانندگان گرامری می گذرد. قسمت دوم آن شامل بررسی دستور و یا گرامر هر دو زبان است که در شماره آینده خواهد آمد. از خانم شهلا زارعی نسبتانک و آقای جمشید دیستدوست کارشناسان محترم دفتر برنامه ریزی و تألیف کتابهای درسی که این مقاله را برای رشد آموزش راهنمایی ترجمه کرده اند، متشکریم.

# زبان خارجی

۸. /aʊ/ اغلب نزدیک به /oʊ/ تلفظ می‌شود.
۹. /eɪ/ اغلب /e/ به همراه /i/ تلفظ می‌شود.
۱۰. /aʊ/ اغلب نزدیک به /oʊ/ تلفظ می‌شود.
۱۱. /uə/ اغلب /u/ تلفظ می‌شود.

همخوانها: Consonants

p	b	f	v	θ	ð	t	d
k	g	ʃ	ʒ	tʃ	dʒ	h	g
m	n	ŋ	l	r	j	w	h

در فارسی همخوانهای نوشته شده در کاردهای سرده تری معادل یا معادل تقریبی هستند؛ بنابراین بدون مشکل زیادی در تلفظ تولید می‌شوند، اگرچه هنوز هم ممکن است موقع تلفظ مشکلاتی پیش بیاورند، برای توضیح بیشتر به مطالب زیر توجه کنید.

۱. /θ/ و /ð/ به آهسته می‌شوند و با /t/ تلفظ می‌شود، یعنی به جای /ten/ then و به جای /tinker, thinker/ تلفظ می‌شود.

۲. /θ/ به علت شکل نوشتاری آن، به صورت دو واج یعنی /t/ و /θ/ تلفظ می‌شود.

۳. مشکل /w/ و /v/ اگرچه /v/ معادل نزدیک در فارسی دارد، اما اغلب این دو واج با هم آهسته می‌شوند.

۴. /tʃ/ جراحی با زدن ضعیفی در فارسی دارد و بسیاری از فارسی زبانان در تولید /tʃ/ انگلیسی با اشکال مواجه می‌شوند.

۵. /t/ در فارسی به صورت حقیقت وجود دارد مانند کلمه /teat/ اما /t/ غلیظ مانند کلمه /feel/ در فارسی وجود ندارد و فرآیند گذر به نظر می‌رسد که در این مورد مشکلاتی دارند.

## خوشه‌های همخوانی Consonant clusters

در فارسی در هجاهای جداگانه خوشه همخوان وجود ندارد و بنابراین فارسی زبانان غالباً واژه‌های بین خوشه همخوانی و با در وسط آن اضافه می‌کنند، مثلاً /p/ از خوشه‌های دو قسمتی /sp/ و /st/ که مشکل آفرین هستند، عبارتند از: /st/ و /sp/، /th/، /gr/، /pl/، /pr/، /f/، /b/ و /t/ و چند نمونه برای این گونه تلفظها:

perice به جای price

pelace به جای place

getaround به جای ground

gelue به جای glue

واژه سر زده در اول کلمات معمولاً واج /t/ است.

## واج‌شناسی (Phonology)

به‌طور کلی نظام واجی فارسی و انگلیسی از نظر تعداد و‌ها، و همین‌طور از نظر تکیه و آهنگ جملات با یکدیگر متفاوتند. فارسی تنها ۱۱ واژه مجرد و واژه مرکب در مقابل ۲۳ همخوان دارد، در حالی که انگلیسی دارای ۲۲ واژه و واژه مرکب در مقابل ۲۴ همخوان می‌باشد؛ بنابراین فارسی زبانان در دریافت و تولید واژه‌ها و واژه‌های مرکب انگلیسی مشکلات زیادی دارند. ما گفته تعداد پنج همخوان انگلیسی در زبان فارسی حتی معادل نزدیک هم ندارند.

واژه‌ها (Vowels)

در شکل بر، واجهای تیره‌رنگ در کاردهای زبان فارسی معادل یا معادل نزدیک دارند؛ بنابراین موقع دریافت و تولید اشکال اشکال نمی‌کنند، اگرچه هنوز هم ممکن است اشتباهاتی را پیش بیاورند.

i	ɪ	e	æ	eɪ	aɪ	ɔɪ
ɑɪ	ɒ	ɔɪ	ʊ	aʊ	əʊ	ɪə
u	ʌ	ɜɪ	ə	eə	ʊə	aɪə aʊə

واجهای کاردهای سفید ممکن است بنا به توضیحاتی که در زیر آورده شده است، مشکلاتی را به وجود آورند.

برای توضیح بیشتر به مطلب زیر توجه کنید: اشتباهات کاملاً معمول در مورد واژه‌ها چنین است:

۱. /ɔɪ/ اغلب /aɪ/ تلفظ می‌شود؛ یعنی به جای /sheep, ship/ گفته می‌شود.

۲. /aɪ/ اغلب /aɪ/ تلفظ می‌شود؛ یعنی به جای /cart, cut/ گفته می‌شود.

۳. /æ/ تقریباً مانند /e/ تلفظ می‌شود؛ یعنی به جای /bed, had/ گفته می‌شود.

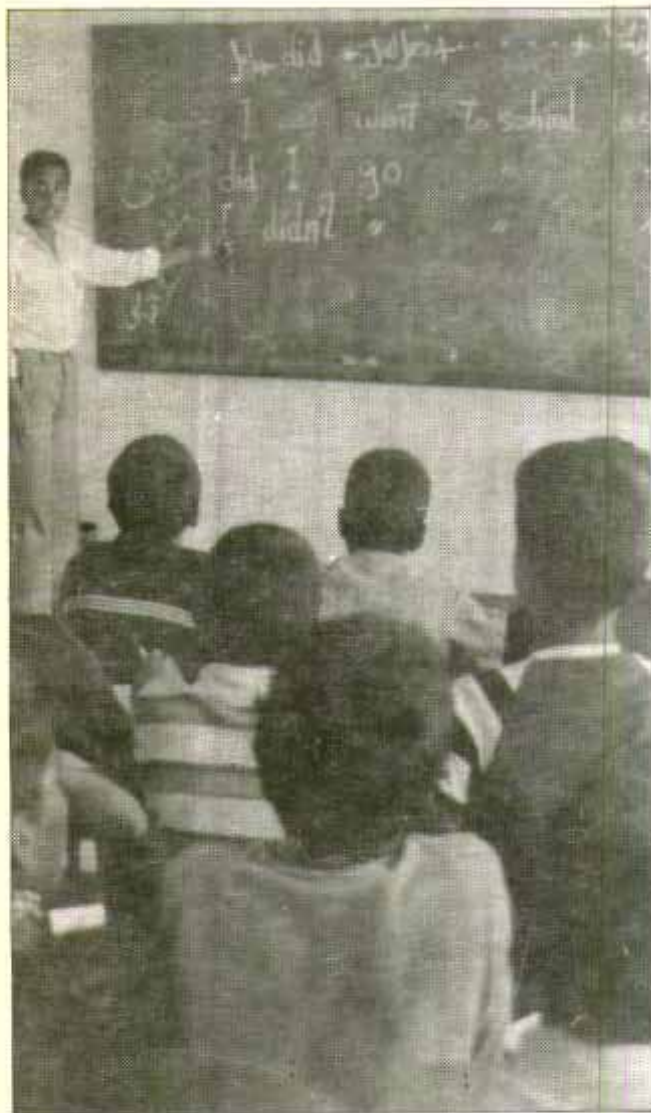
۴. /aʊ/ اغلب /u/ تلفظ می‌شود؛ یعنی به جای /fox, full/ گفته می‌شود.

۵. /eɪ/ اغلب به تناسب ملاء کلمه با تکیه تلفظ می‌شود.

۶. /əʊ/ تقریباً مانند /e/ تلفظ می‌شود؛ یعنی به جای /caught, cot/ گفته می‌شود.

۷. /e/ اغلب /e/ به همراه /i/ تلفظ می‌شود. مشکلات واژه‌های مرکب دو برابر است، بخصوص واژه‌های زیر که مشکلات خاصی را به وجود می‌آورند.

# A B C



است.

بدین ترتیب تکیه کلمات در فارسی از پیش تعیین شده است و فراگیرندگان زبان انگلیسی برای تسلط بر تکیه‌های متغیر با اشکالات زیادی مواجه هستند. وقتی قرار است تکیه معنی را تغییر دهد، مانند Content [اسم] و Content [فعل] مشکلات خاصی پیش می‌آید. شکل ضعیف کلمات (weak form) نیز اشکالات قابل توجهی پیش می‌آورد، در فارسی معادل شکل ضعیف موجود نیست و واژه‌ها در جگه‌های بدون تکیه، نه کیفیتشان تغییر می‌پذیرد و نه کمیتشان؛ بنابراین فراگیرندگان باید تمام ارزش آوانسی (value) مثلاً (ə) در کلمه can در حالت غیر موکد حفظ کنند. در دنباله این مطلب باید گفت که در

کلمه start را فارسی زبانان estart تلفظ می‌کنند.

با خوشه‌های سه قسمتی آغازین، مشکل زیاده‌تر می‌شود. خوشه‌هایی نظیر str, spr, spl و skr در اول کلماتی که این تلفظ را دارند چنین به گوش می‌رسد:

esperay به جای spray

esteraight به جای straight

esplash به جای splash

«e» سرزده معمولاً قبل از خوشه‌هایی که با «s» شروع می‌شوند، تلفظ می‌شود. خوشه‌های همخوان انتهای کلمات نیز احتمالاً مشکل‌آفرین هستند. مبتدیان در اوایل فراگیری انگلیسی «e» را زیاد به کار می‌برند؛ یعنی:

promptes را به جای prompts

warmeth را به جای warmth به کار می‌برند.

تأثیر املاء کلمات بر تلفظ آنها.

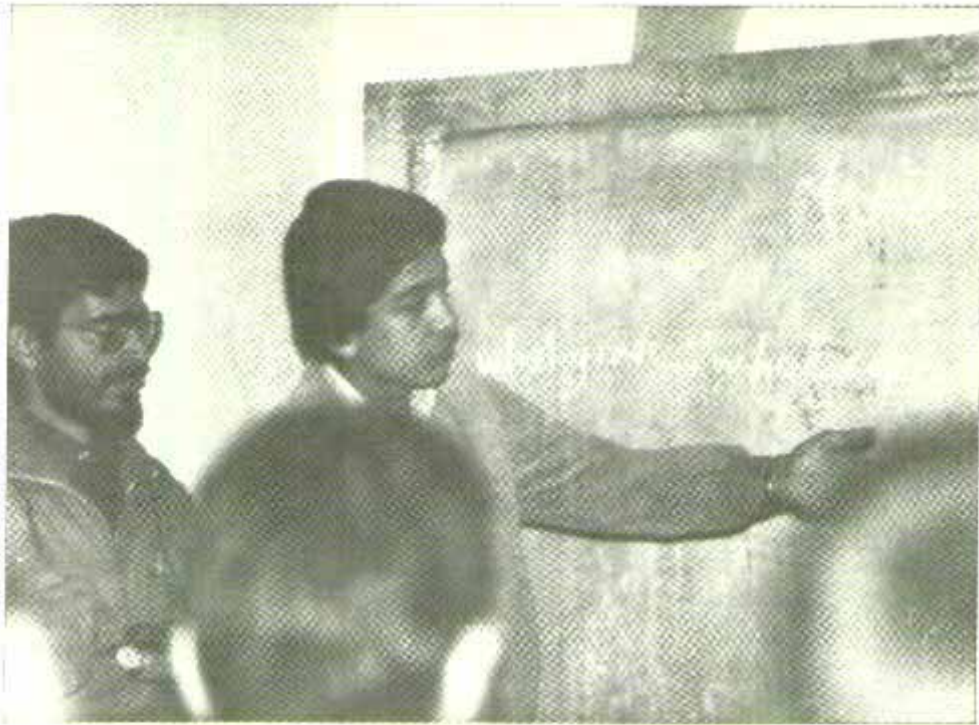
از آنجایی که هیچ رابطه مستقیم بین املاء فارسی و انگلیسی وجود ندارد (جداً از چند تراویسی مانند stainlesssteel)، یک فارسی زبان قبلاً هیچ آشنایی با الگوهای املائی ندارد و این مطلب به احتمال زیاد در تلفظ وی نفوذ می‌کند. با اینهمه املاء کلمات در فارسی که و بیش آوایی است، البته بجز حذف واژه‌های کوتاه؛ در نتیجه فارسی زبانان حروف معینی را با آوای معینی آدا می‌کنند. ایسن موضوع مشکلاتی را موقع بلند خواندن ایجاد می‌کند. وقتی با کلمات برای اولین بار به صورت سوشتاری برخورد می‌شود؛ مشکلات فارسی زبانان بخصوص با واجهایی است که نشانه‌های املائی گوناگون دارند؛ مثلاً واج «ā» که در فارسی یک واج بیشتر ندارد، می‌تواند هر کدام از اشکال زیر را شامل شود: i, ey, ei, ie, ea, e, ee. و یا ay مانند (اسکله = quav). برای فارسی زبانان مشکل است که تشخیص دهند «ā» بعد از واژه‌ها همخوان نیست، بلکه معمولاً نشانگر واژه کشیده است.

تکیه (Stress)

در زبان فارسی به طور کلی تکیه روی هجای آخر کلمات است. این موضوع درباره‌ی اسمی، اسمی مرکب، صفات، ضمائر، قیود و حروف اضافه صادق است. تنها استثناء بر این قاعده، بعضی از قیود و حروف ربط است که تکیه بر روی هجای نخستین دارد.

افعال کمی بیجده‌ترند. در مورد اشکال مثبت، تکیه بر روی هجای نهای است. اما در قسمتهای غیر فعلی (non-verbal parts) اسمی مرکب و بعضی از پیشوندها از جمله (نه) تکیه روی هجای اول

# زبان خارجی



گفتار به جمله می دهند که فاعل تأکید مشخص بوده در ضمن تغییرات لازم در آهنگ صدا را یاد دارند و با که دارند

در یافت اشکال ضعیف کلمات موقع مکالمه نیز مشکلاتی برای فارسی زبانان پیش می آید.

## مکت (Juncture)

فارسی زبانان اغلب با مکت در نگیزی همان مشکل را دارند که با خوشه های همخوانی! از این رو برای تعیین سرز کلمات، مثلاً در next week اغلب یک 'a' اضافی در چند جا قرار می دهند و آن را مانند neksetestreet تلفظ می کنند

در فارسی، کلمات بدون همگونی (تغییر آوایی) در مکت تلفظ می شود؛ سایرین در هر کجای زبان انگلیسی این همگونی پس می آید. مانند: Would you... What... که فارسی زبانان با هر دو با مشکلاتی مواجه می شوند

۱. مثلاً کلمه can خارج از یافت کلام و با هنگامیکه در جمله مورد تأکید قرار بگیرد به شکل قوی خود یعنی 'kæn' تلفظ می شود ولی چنانچه در یافت کلام بکار رود و تأکید روی آن نباشد به شکل ضعیف خود یعنی 'kən' تلفظ خواهد شد.

We can go to the cinema      حالت قوی

But I can      حالت ضعیف

## آهنگ صدا (Intonation)

جملات فارسی به گروه های آهنگ در تقسیم می شوند. در هر کدام از این گروه ها یکی از اجزاها نیکه مشخصی دارد که ساعت می شود در جهت آهنگ تغییر حاصل نمود. گروه های آهنگ دار را می توانیم به دو دسته تعلیقی (که غالباً گروه های دیگری بعد از آنها می آیند) و پایانی تقسیم کنیم. جملات اصلی پایانی نظیر انگلیسی است، یعنی آهنگ افشان برای جملات کامل، آهنگ خیزان برای جمله هایی که جوش بله و یا نه است و آهنگ افتان برای هنگامی که کلمه های بررسی بکار می بریم. در گروه های آهنگ در تعلیقی آهنگ خیزان در هجای مؤکد بالا می رود و تا انتهای گروه آهنگ در حفظ می شود. آهنگهای صدای فارسی وقتی برای انگلیسی به کار می رود، می تواند تأثیری به صورت صدای نامأنوس و بلندی بر جای گذارد که آشنای بر انگیز است.

به طور کلی دانشجویان فارسی زبان مشکل عمده ای در آهنگهای اصلی ندارند، اگر چه بعضی از جمله های غیر معمول که حالت و معنای مشخصی دارند، مشکلاتی را پیش می آورند. بعضی از دانش آموزان موقع خواندن یا صدای بلند، حالت



## تجربه‌ای در

# آموزش زبان خارجی

اعظم برق‌گیر دبیر زبانهای آلمانی و انگلیسی منطقه ده آموزش و پرورش

درسی برای زبان آموزان با هدف آسانتر شده و با توجه به ایجاد انگیزه و علاقه به زبان در آنها کلاس درس حالت مطلوب و جذابی را به خود می‌گیرد. هر ساله در برنامه‌ریزیهای درسی تلاش می‌کنم از روشهای نوین استفاده کنم، زیرا برخورد با نسل جوان شیوه‌های جدیدتری را هم می‌طلبد.

برای ازدیاد معلومات، آنها را به ثبت نام در کلاسهای آزاد زبان وادار نمی‌کنم، بلکه سعی دارم کلاس آزاد زبان را به کلاس خود بیاورم. طبیعی است که برای رسیدن به این هدف مطلوب باید با مراکز علمی و فرهنگی و گروههای آموزشی زبان مناطق ۱۹ گانه تماس داشته باشم و همچنین با دبیران موفق دیدار و گفتگو نمایم و از نمایشگاههای تکنولوژی آموزشی بازدید کنم.

مهمتر از همه، به معلومات ۱۸ سال پیش دوران تحصیل اکتفا نمی‌کنم و با این

مقاله حاضر توسط خانم اعظم برق‌گیر دبیر زبانهای آلمانی و انگلیسی منطقه ده آموزش و پرورش ارسال شده است. ایشان روش تدریس خود را درباره زبان آلمانی تشریح کرده‌اند، اما نکاتی که در مورد نحوه تدریس زبان آلمانی متذکر شده‌اند، برای تدریس تمامی زبانها مفید است و به این جهت تمامی دبیران محترم زبان می‌توانند از آن بهره‌برند. از خانم برق‌گیر برای ارسال این مقاله سپاسگزاریم.

فراموشی می‌سپارم تنها به این طریق توانسته‌ام که سرکش‌ترین و تنبل‌ترین دانش‌آموزان را به کلاس و درس علاقه‌مند کنم.

قبل از شروع به درس اهداف و مزایای زبان‌آموزی را در ابعاد مختلف، مثلاً در زمینه تحصیلات عالی و اشتغال به کار برای دانش‌آموزان تشریح و پس از مشخص شدن هدف برای آنها با توجه به برنامه‌ریزی درسی یکساله، حرکت را در جهت رسیدن به آن آغاز می‌کنم و در این جاست که تحمل مشکلات

با سمت کارشناس زبان و ادبیات آلمانی، فعالیت خود را از مهر ماه ۱۳۵۴ در آموزش و پرورش منطقه ۱۰ تهران آغاز نمودم و مدت ۱۸ سال است که در این منطقه به کار اشتغال دارم. همواره با عشق و علاقه به رشته مورد نظر در کلاسهای درس حضور دائم داشته‌ام سعی کرده‌ام که در محیط مدرسه و کلاسهی درس همواره روحیه‌ای شاد داشته باشم. هرگاه به کلاس درس با می‌گذره صرفاً به کلاس فکر نمی‌کنم و مسائل و مشکلات شخصی را به

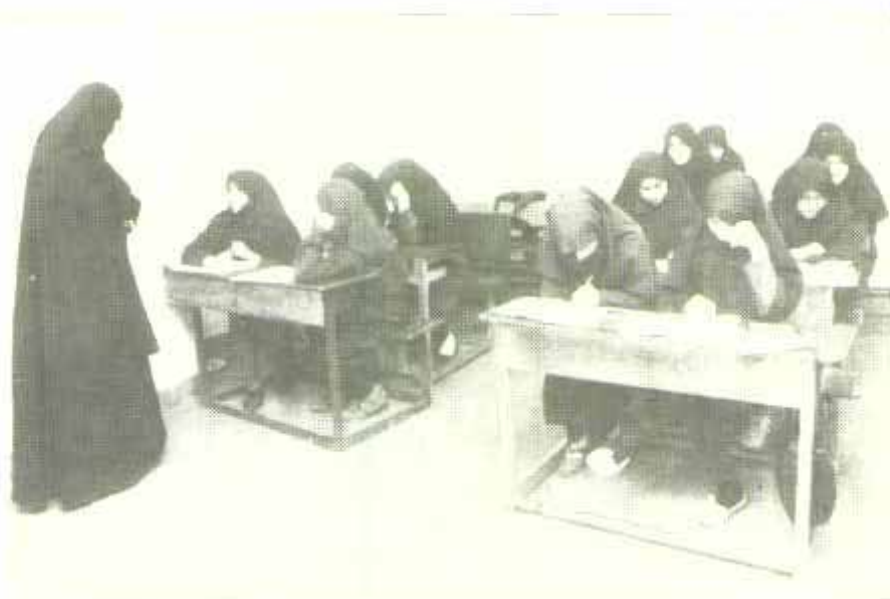
# زبان خارجی

برنامه‌ریزیها باعث جلب اعتماد دانش‌آموزان می‌شود که این خودتیز مستلزم یک تدریس نسبتاً موفق است. بنابراین، هدف از همان آغاز ایجاد یک سبک ارتباطی بین آموزش زبان در مدرسه و دانشگاه می‌باشد و نباید مخالف تدریس یا روشی کلیشه‌ای هسته که به نظر من یکی از عوامل مهم افت زبان در مناطق محروم آموزش و پرورش می‌باشد.

زبان خارجی فقط زبان انگلیسی نیست. گسترش ارتباطات جهانی در زمینه علمی و فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژی، لزوم توجه به سیاست آموزش چندزبانی را برای مسئولان محترم فرهنگی کشور یادآور می‌شود.

زیرا در حده دهه گذشته، نوسان‌گام، اندیشمندان، محققان به صورت یک بعدی و صرفاً با اتکا به زبان انگلیسی می‌توانستند به منابع مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند. از این رو برای رهایی از این وضعیت، در بعد مختلف و برای دستیابی به منابع علمی، زبانهای آلمانی و فرانسوی نیز در کنار زبان انگلیسی قرار گرفت.

یکی از اهداف مهم آموزش زبانهای خارجی این است که به عنوان وسیله‌ای برای استفاده و بهره‌گیری از منابع علمی به کار رود و با توجه به این مطلب که باید طبق یافته‌های روان‌شناسی یادگیری و اصول علمی برنامه‌ریزی درسی عامل بار، علاقه و انگیزه دانش‌آموز در انتخاب مورد و مطالب درسی در نظر گرفته شود، علاوه بر زبان انگلیسی زبان آلمانی نیز در برنامه‌های درسی گنجانده شده است تا دانش‌آموزان بتوانند زبان خارجی مورد علاقه خود را برگزینند. زیرا سیاست یک بعدی بودن زبان انگلیسی به عنوان تنها زبان خارجی قدرت انتخاب را از دانش‌آموزان علاقه‌مند به زبانهای غیر انگلیسی گرفته بود که می‌توان



خاصی برخوردار است و زبان آموزان زبان را به روشی کامل و - توجه به ساختار دستوری فر گرفته و می‌تواند به فرگیری زبان در مرحله پیشرفته‌تری برای زبان فر هم می‌گردد.

در جلسه اول کلاس را به معرفی خود و پرسش نام دانش‌آموزان و سلاط و حیوانی برسی اختصاص می‌دهد.

سعی می‌کند در کلاس فارسی صحبت نکند. اما ساعت ۹:۰۰ تا ۹:۳۰ نگرانی مستعد سوال و جواب و سعی در یادگیری آنها به دانش‌آموزان، باعث زوداد اعتماد آن به خودشان می‌شود که لازمه موفقیت‌های بعدی آنها خواهد شد و نخل سنجیده‌ای یادگیری زبان را برایشان آسانتر خواهد ساخت. در حین تدریس به آنها می‌گوید در یاد امر که صحبت کنند، اما در سب و صحیح تلفظ نماند که با یک ریگری بین روس مقدمه یادگیری صحیح در هر حال پیشرفته زبان و خواندن و نوشتن فراموش می‌گردد.

در جلسه دوم بدون استفاده از کتاب، به وسیله کمک آموزشی مؤثر در کتاب آلمانی دوم فرهنگی یعنی «آموزش» استفاده می‌کند.

گفت تمهید علاقه به رشته درسی نیز یکی از عوامل افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد. بر این اساس، به دانش‌آموزان سروهای کارآمد در این رشته مطابق با نیازهای رنگ‌های کشور در سطوح مختلف، سپس کار بر این نهادند که از سال دوم راهنمایی در کنار زبان انگلیسی آلمانی نیز تدریس شود و انتخاب رشته زبان به عهده و علاقه خود دانش‌آموز قرار گیرد.

خوشحانه تأییدات نهی و همکاری و مساعدت مسئولان محترم منطقه آموزش و پرورش و مدیران کشور و علاقه‌مند محترم راهنمایی نمونه «امت لوا احیاء و مکتب تربیت موفق» که به صورت آزمایشی در سال ۷۱ زبان آلمانی نیز در کنار زبان انگلیسی قرار داده و خود همزمان به تدریس این دو زبان مشغول شده و آنگاه مدینه به جهت خارج شدن از مسیر یک بعدی و یکوجهی زبان انگلیسی، کلاسهای زبان آلمانی مورد استقبال گروه اولیاء و دانش‌آموزان منطقه قرار گرفت.

در کلاس همیشه سعی دارم که آموزش زبان را شیوه روشی ساده، زیرا این گونه تدریس آموزش در این دانش‌آموزان از جمله

# A B C

تواناییهای فردی در: گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن تأثیر بسزایی در تدریس زبان خارجی دارد.

برای جلوگیری از افت تحصیلی در دروس زبان دوره راهنمایی لازم است که:

۱- برنامه ریزیهای درسی مدون یکساله برای پایه‌های دوم و سوم توسط گروه‌های آموزشی زبان تنظیم و هماهنگی در روش تدریس برای دبیران هر پایه مقرر گردد که پیامد آن موفقیت دبیران پایه بعدی خواهد بود، زیرا آموزش زبان همانند یک زنجیر باید به هم مرتبط و پیوسته باشد و با روشی صحیح از ابتدا، یعنی از دوره راهنمایی آغاز شده و به انتها یعنی موفقیت زبان آموز در تحصیلات عالی ختم شود.

۲- تسلط نسبی دبیران زبان در رشته مورد تدریس و قانع نبودن آنها به معلومات دوره تحصیلاتشان و آشنایی با روشهای نوین با شرکت در مجامع فرهنگی و گروه‌های آموزشی و کلاسهای مستمر بازآموزی و غیره.

۳- تسلط و آشنایی دبیر زبان در وهله اول به زبان و قواعد زبان مادری در توضیح معانی شکل و واژه‌ها و جمله‌ها و مطابقت آنها باشد.

۴- تکرار و تمرینهای پی‌درپی و تهیه جزوات کمک آموزش و چارتهای رنگی از تصاویر کتاب و استفاده ممتد از توارهای درسی و در صورت امکان از تسلیزبون و ویدئو، زیرا درصد یادگیری از طریق دیدن توأم با شنیدن بسیار زیاد است.

۵- ارزشیابیهای شفاهی و کتبی غیر کلیشه‌ای به صورت نوین و کاربردی از مطالب کتاب.

مربوط به هر درس بدون استفاده از کتاب مورد گفت و شنود و سوال و جواب قرار می‌گیرد و در این جاست که احساس می‌کنم، کلاس درس زبان به هدف خود، یعنی مهارتهای زبانی زبان آموز بدون استفاده از کتاب و یادداشتن القباء و نوشتار نزدیک شده است.

- در جلسه سوم با استفاده از نوار درسی و خود کتاب مطالب هر درس توسط دانش آموزان شنیده و تکرار می‌شود. در واقع می‌توان گفت که در این مرحله تواناییهای فردی دانش آموزان در مورد خوب گوش دادن و تکرار کردن برای معلم مشخص می‌شود که لازمه یک تدریس موفق خواهد بود. در این مرحله پاسخهای صحیح را مورد تشویق قرار می‌دهم تا ذوق و علاقه آنها بیشتر شود و اگر پاسخ غلط دریافت کردم با تکرار جواب صحیح به رفع اشکال آنها می‌پردازم.

- در جلسه چهارم به تدریس صحیح آواها در قالب واژه‌ها و عبارتها و جمله‌ها می‌پردازم و همیشه سعی می‌کنم که حروف الفبا را به صورت برانگیزه تدریس کنم.

برای مثال حرف A-a که جزء حروف صدادار (die Vokale) می‌باشد به دو صورت کشیده و کوتاه تلفظ می‌گردد.

تلفظ حرف A-a به صورت کشیده machen  
Ich mache eine Reise nach...

تلفظ حرف A-a به صورت کوتاه haben  
Ich habe ein Buch

با شروع مرحله نوشتن و آنچه در ارتباط با ساختن و ترکیب عناصر زبانی وجود دارد. زبان آموزان قادر خواهند بود که بدانند چه می‌گویند و چه می‌نویسند.

به طور کلی، از دیدگاه من، شرایط محیط و مکان آموزشی، عوامل اجتماعی و اقتصادی، سن، انگیزه زبان آموزان و نقش زبان بیگانه در گوشه‌ای از ابعاد زندگی او و مهارتها و

ناگفته نماند، نحوه تألیف کتاب آلمانی دوم راهنمایی از لحاظ تصاویر و جملات مربوط و مطابقت صحیح نمودارهای آموزشی با کتاب، امکان بهترین بهره‌برداری آموزشی را برای معلم و زبان آموز فراهم آورده است.

ایند تصویر را به دانش آموزان نشان داده، با شماره دست به کارت تصویری به آنها تفهیم می‌کنم که منظورم پرسش از تصویر مربوطه است. پس از اطمینان از آن پرسش مربوطه را مطرح می‌کنم:



Wer ist das?

پرسش خود را چندین بار تکرار کرده، سپس از دانش آموزان نیز می‌خواهم که جمله را تکرار کنند. بعد کارت تصویر را به یکی از دانش آموزان می‌دهم و از او می‌خواهم که از بقیه سوال کند.



Wer ist das?

و سپس با صدای بلند پاسخ می‌دهم:  
Das ist ein Mann  
و از دانش آموزان می‌خواهم که جواب را تکرار کنند. با استفاده از chart تمام مطالب

## بحثی

# پیرامون جرم و وزن

مجموعه علمی پژوهشی

مبحث جرم و وزن از معدود مفاهیمی است که در کتابهای علوم هر سه سال دوره راهنمایی به نحوی مطرح شده است. نویسنده مقاله که در جفان گوناگون بحث و رفع اشکال کتابهای عنوانه دوره راهنمایی تحصیلی سرگت داشته اند، دریافته اند که بیشترین اشکال معلمان هم از نظر درک صحیح و روشن خود مفاهیم جرم و وزن و هم از جهت نحوه آموزش و روش تئوری مطلب به دانش موران همین مبحث جرم و وزن است و بر این اساس به نگارش این مقاله برای ارتقاء روش آموزش راهنمایی اقدام کرده اند.

در این نوشتار سعی شده است که ابتدا مفهوم وزن از جنبه علمی به صورتی ساده و روشن و دور از تعقیدگیهای رایج در مقالات علمی بیان شود. آن گاه یک طرح درس مناسب و تجربه شده پیشنهاد شود. در پایان نمونه چند سوال مفهومی است که به معنی کمک می‌کنند تا درک و تفهیم دانش آموزان از مطالب تدریس شده در دسترس آید. از آقای مانی طهرانچی کارشناس محترم دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی برای تهیه این مطلب صمیمانه تشکر می‌کنیم.

### جرم چیست؟

جرم یکی از خاصه‌های ماده است، یعنی ماده چیزی است که جرم داشته باشد. قصد سوال کند: همچنین جرم مفهومی است نه‌تنها ماده بلکه مفهومی هستند که به کمک سایر کمیتها را تعریف می‌کنند؛ مثلاً فاصله (طول) یک مفهوم مادی است بنحوی بود این مفاهیم از آن جهت است که کسی نمی‌تواند آنها را به گونه‌ای تعریف کند که مفهوم خود آنها در تعریفشان استفاده شود. البته تعریف آنها مفهومی

### جرم یکی از خاصه‌های ماده است، یعنی ماده چیزی است که جرم داشته باشد.

فاصله بین دو نقطه را درگ می‌گویند. اما بین وجود جرم و آن عاجزند. به طور کلی مفهومی مادی را نمی‌توان تعریف کرد. اما این سخن بدان معنی نیست که این گسوه مفهومی مادی اندازه‌گیری نیستند برای اندازه‌گیری این گونه کمیتها نیز یک واحد در نظر می‌گیرند؛ مثلاً از صنعت برای اندازه‌گیری طول، واحدی به نام «متر» را به دلخواه انتخاب کرده‌اند؛ یعنی مبنای با طول مشخص را در نظر گرفته‌اند و «متر» را برگزیده‌اند که در آن به عنوان یک متر در نظر بگیرند. همچنین برای

اندازه‌گیری زمان که یک مفهوم بنیادی است، واحد ثانیه را (باز هم به دلخواه) انتخاب کرده‌اند. به همین ترتیب برای جرم هم واحدی به نام کیلوگرم در نظر گرفته شده است. پس از انتخاب واحد - که باز هم تأکید می‌کنیم کاملاً قراردادی است - برای اندازه‌گیری کمیت مورد نظر آن را با واحد مربوطه مقایسه می‌کنند.

لازم به ذکر است که فیزیکدانها به جای جرم، اینرسی را از خاصه‌های ماده می‌دانند، اما چون جرم و اینرسی ارتباط کاملاً نزدیکی با یکدیگر دارند، در واقع می‌شود هر یک را مفهوم بنیادی اصلی و دیگری را از صفات مربوط به آن دانست و این امر مشکل خصوصی را ایجاد نمی‌کند. بد نیست بدانیم که اولاً لغت جرم در زبان انگلیسی mass نامیده می‌شود و علامت اختصاری آن  $m$  است.

ثانیاً جرم را به کمک ترازوی دو کفه‌ای (ترازوی شاهین‌دار) اندازه می‌گیریم.

وزن چیست؟ بسیاری از مردم تصور می‌کنند که نیوتن با مشاهده فرو افتادن سبب از درخت بی برد که زمین جاذبه دارد و اجسام را به سوی خود می‌کشد و بدین ترتیب نیوتن را کاشف «جاذبه زمین» می‌دانند؛ در حالی که این سخن درست نیست. تمامی انسانها از ابتدای آفرینش جاذبه زمین را به روشنی احساس می‌کرده‌اند و از این رو اگر بنا باشد کاشفی را برای آن معرفی نماییم باید نام انسانهای نخستین را ذکر کنیم. حتی اگر تا زمان نیوتن کسی جاذبه زمین را در کتابی ثبت نکرده باشد و او برای اولین مرتبه آن را ثبت نموده باشد، این کشف آن چنان اهمیتی را نداشته که نیوتن را تا بدین درجه مشهور نماید. آنچه نیوتن کشف کرد قانون گرانش (قانون جاذبه عمومی) بود؛ یعنی قانونی که نه تنها علت وجود جاذبه زمین را توضیح می‌داد، بلکه در تمامی عرصه‌های خلقت بیکران گره از بسیاری مسائل بیجوده و ناگشوده می‌گشود و امکان پیش بینی دقیق بسیاری از واقعه‌های نجومی را فراهم می‌آورد. معمولاً در کتابهای فیزیک قانون گرانش نیوتن را به وسیله یک فرمول ریاضی بیان می‌کنند. اما زبان ریاضی زبانی است فخیم و فاخر؛ یعنی اگرچه مفاهیم بسیاری را در حجم بسیار کوچکی جای می‌دهد، اما این مفاهیم را جز در

اختیار کسانی که با آن زبان آشنایی دارند نمی‌گذارد. به همین دلیل ما قانون گرانش را نه به صورت ریاضی آن بلکه به صورت کاملاً مفهومی بیان می‌کنیم. این قانون از سه قسمت تشکیل شده است:

قانون گرانش نیوتن

۱ - هر دو جسمی یکدیگر را می‌ربایند.

۲ - هر چه جرم دو جسم بیشتر باشد، نیروی ربایش بین آنها بیشتر است.

۳ - هر چه فاصله میان دو جسم بیشتر باشد، نیروی ربایش بین آنها کمتر است.

مفهوم وزن از همین جا روشن می‌شود:

وزن نیروی جاذبه‌ای است که از طرف زمین بر اجسام اطراف آن وارد می‌شود. بدیهی است که هر چه جرم جسمی بیشتر باشد بر طبق قانون گرانش بر آن نیروی گرانشی بیشتری وارد می‌شود؛ یعنی وزن آن بیشتر خواهد بود. نکته دیگری که به روشن شدن مطلب کمک می‌کند این است که اگر صحبت از وزن اجسام در مکانی دیگر مثلاً روی سطح کره ماه شود می‌گوییم: وزن یک جسم در کره ماه نیروی گرانشی است که از طرف ماه بر آن جسم وارد می‌شود. پس به طور خلاصه در ساقیم که وزن اساساً نیرو است، نیرویی همچون دیگر نیروهایی که می‌شناسیم و بنابراین واحد آن هم واحد نیرو یعنی نیوتن  $N$  است. برای تصور نیروی یک نیوتنی می‌توانید نیرویی را که از طرف زمین بر یک وزنه صد گرمی وارد می‌آید در نظر بگیرید (البته به صورت تقریبی چرا که وزن جسمی به جرم یک کیلوگرم در زمین حدود  $9/8$  نیوتن است). بد نیست بدانید که اولاً، لغت وزن در زبان انگلیسی weight نامیده می‌شود و آن را با  $W$  نشان می‌دهند و ثانیاً وزن را با ترازوی فنری یا نیروسنج اندازه می‌گیرند.

#### جرم مفهومی

بنیادی است به طور کلی مفاهیم بنیادی را نمی‌توان تعریف کرد. فیزیکدانان به جای جرم، اینرسی را از خاصه‌های ماده می‌دانند.

چرا وزن را همچون جرم از خاصه‌های ماده نمی‌دانیم؟ فرض کنید که جسمی (مثلاً یک سفینه فضایی) در یک نقطه از فضای بیکران کاملاً به دور از تمامی جرمهای آسمانی قرار داشته باشد؛ به طوری که هیچ گونه نیروی گرانشی بر آن وارد نشود. در چنین حالتی بدیهی است که این جسم وزن ندارد یا با اصطلاح در حالت «بی‌وزنی» به



سرمی برد. اما آیا در چنین حالتی این جسم دیگر وجود ندارد؟ چرا، روشن است که در این حالت جسم همچنان جرم دارد و فضا اشغال می‌کند و در حقیقت ماهیت جسم هیچ تغییری نکرده است.

پس در حقیقت جسم بدون وزن ممکن است وجود داشته باشد و همین مکان موجب می‌شود که بتواند وزن را از خاصه‌های ماده بداند. چون خاصه ماده خاصیتی است که هرگز از ماده جدا نشود و اگر چیزی آن خاصیت را نداشت صلاً به آن ماده نگوییم.

نکته دیگری که در مورد وزن لازم است ذکر شود این است که وزن یک جسم ثابت نیست و بستگی به این دارد که جسم در چه مکانی قرار گرفته باشد و بر آن چه قدر نیروی گرانش وارد شود؛ در حالی که جرم هر جسم ثابت است و بستگی به مکان جسم ندارد. مثلاً یک سفینه فضایی که ۲۰۰۰ کیلوگرم جرم دارد در زمین وزنش در حدود بیست هزار نیوتن است. وزن همین سفینه در روی کره ماه  $\frac{1}{6}$  وزن آن در کره زمین است؛ یعنی در حدود ۳۳۰۰ نیوتن. چرا که شدت گرانش زمین در حدود ۶ برابر کره ماه است. اگر این سفینه روزی به کره مشتری سفر کند، در آن جا حدود پنجاه هزار نیوتن وزن خواهد داشت، چون جرم مشتری بسیار بیشتر از زمین است و شدت گرانش آن تقریباً ۲۱۵ برابر شدت گرانش زمین می‌باشد.

روش تدریس: معلمان گرامی توجه دارند که مطالبی که در بالا آمده است، بخصوص توضیحاتی که درباره جرم نوشته شده است، برای آنان نگاشته شده و درک آن برای دانش آموزان معمولی مشکل است اگر چه نگارنده خود تجربه کرده است که برای دانش آموزان تیزهوش و علاقه‌مند، این مطالب کاملاً مناسب و قابل درک و فهم می‌باشد. به هر حال تدریس این قسمت را با طرح یک پرسش آغاز می‌کنیم. از دانش آموزان می‌پرسیم: فرض

کنید یک توب والیبال داریم و یک گوی هنی سور درست به همان اندازه، به نظر شما پس دو چه تفاوتی با هم دارند؟ دانش آموزان ممکن است در پاسخ، به تفاوت رنگ و سفتی و نرمی و... اشاره کنند. اما رقم به سطح دمه دهید تا به سنگین تر بودن گلوله هنی زنون و اصل اشاره شود. نگاه برسید: حر گلوله هنی سنگین تر است! پاسخ چون مقدار ماده تشکیل دهنده آن بیشتر است و سی اضافه کنید. ما به این «مقدار ماده تشکیل دهنده جسم» جرم جسم می‌گوییم. در پایان توضیح دهید که حر از خاصه‌های ماده است؛ یعنی اگر بگوییم ماده‌ای حر از ماده‌ای است که گفته باشیم آن ماده اصلاً ماده نیست پس به واحد جرم و برابر بهره‌گیری از سوره کنید.

پس از روشن شدن مفهوم جرم قانون گرانش نیوتن را بیان کنید و به وسیله آن وزن را معرفی کنید و در سوره واحد وزن و وسیله اندازه‌گیری آن (ترازوی فنری) برای دانش آموزان توضیح دهید. همچنین می‌تواند سستی را که «جرای وزن» از خاصه‌های ماده نمی‌داند، مطرح سازد و پاسخ آن را به صورت گاملاً مترواح بیان درج.

در پایان با طرح چند پرسش نظری پرسش‌های زیر اطمینان حاصل کنید که همه دانش آموزان بخوبی مطالب درک کرده‌اند: ۱- مسی ۱ کیلوگرم چه وزن یک جسم یک کیلوگرمی در کره زمین تقریباً ۱۰ نیوتن است. همچنین می‌دانیم که شدت گرانش در کره ماه تقریباً  $\frac{1}{6}$  شدت گرانش در زمین است. با توجه به این اطلاعات به پرسش زیر پاسخ دهید:

گر جرم یک جسم در زمین ۶۰ کیلوگرم باشد، وزن آن در زمین چه قدر است؟ (ب) وزن آن در ماه چه قدر است؟ (ب) جرم آن در ماه چه قدر است؟ (ب) جرم آن در مکانی به دور از همه اجرام فضایی چه قدر است؟ پاسخ الف) تقریباً ۶۰۰ نیوتن ب)  $100 = \frac{1}{6} \times 600$  نیوتن ج) جرم در همه جا ثابت است و تغییری نمی‌کند؛ پس در این همان ۶۰ کیلوگرم است. د) چون نیروی گرانشی بر آن وارد نمی‌شود وزن آن صفر است. اما جرمش همان ۶۰ کیلوگرم است.

۲- اگر وزنه‌برداری در زمین ستوانه‌ورس ۲۵۰ کیلوگرم را بالای سر برد، چنانچه او را به کره ماه ببریم و

بسیاری از مردم تصور می‌کنند که نیوتن با مشاهده فرو افتادن سیب از درخت بی برد که زمین جاذبه دارد و اجسام را به سوی خود می‌کشد و بدین ترتیب نیوتن را کاشف جاذبه زمین می‌دانند. در حالی که این سخن درست نیست.

وزن نیروی جاذبه‌ای است که از طرف زمین بر اجسام اطراف آن وارد می‌شود.

ترازوی شیرینی‌فروشیها) که وزن اجسام را اندازه می‌گیرند، جرم آنها را تعیین کنیم. اما هنگام کشیدن اجسامی مانند طلا و جواهرات که دقت زیادی لازم است باید حتماً از ترازوی استفاده شود که یا جرم را به طور مستقیم اندازه بگیرد (مانند ترازوهای دقیق دوکفه‌ای) و یا این که رابطه دقیق بین وزن و جرم در مکان مورد نظر محاسبه شده باشد (مانند ترازوهای الکتریکی).

۲- اگر یک ترازوی فنری (ترازوهای عقربه‌ای که در شیرینی‌فروشی‌ها زیاد است) را به کره ماه ببرند، چگونه باید عددهای آن را تغییر دهند تا عددهای درست را نشان دهد؟ پاسخ: باید فاصله بین هر دو عدد مثلاً ۱ کیلوگرم تا ۲ کیلوگرم را به شش قسمت مساوی تقسیم کرده و هر قسمت را معادل یک کیلوگرم در نظر بگیریم؛ بدین ترتیب اگر عقربه در جایی قرار گیرد که در کره زمین نشان دهنده یک کیلوگرم باشد، در کره ماه همین محل نشان دهنده جرم ۶ کیلوگرمی خواهد بود.

جسم بدون وزن ممکن است وجود داشته باشد و همین امکان موجب می‌شود که نتوانیم وزن را از خاصه‌های ماده بدانیم، چون خاصه ماده خاصیتی است که هرگز از آن جدا نشود و اگر چیزی آن خاصیت را نداشت اصلاً به آن ماده نگوییم.

فرض کنیم که او همچنان نیروی خود را حفظ کند، در آن جا چه وزنه‌ای را می‌تواند به بالای سر ببرد؟ پاسخ: وزنه ۱۵۰۰ کیلوگرمی را، چرا که وزنه برادر در زمین توانسته بر نیروی ۲۵۰۰ نیوتونی غلبه کند و آن را بالای سرش ببرد و چون در کره ماه شدت گرانش تقریباً  $\frac{1}{6}$  زمین است پس جرم وزنه باید ۶ برابر شود ( $6 \times 250 = 1500$ ) تا همان نیروی ۲۵۰۰ نیوتنی بر آن وارد شود.

و اینک دو سؤال برای دانش‌آموزان تیزهوش:

۱- در هنگام خرید کالاهای کشیدنی آیا بر اساس جرم کالا را به شعاعی فروشنده با بر اساس وزن؟ پاسخ: بر اساس جرم، چرا که اگر بر اساس وزن جسمی را بکنیم ممکن است وزن یک جسم در نقاط مختلف کره زمین تفاوت‌هایی بسیار جزئی کند. البته هنگام خرید کالاهایی که کشیدن آنها احتیاج به دقت خیلی زیادی ندارد، مانند برتقال و سیب و شیرینی و... چون وزن و جرم از نابط مستقیم با هم دارند ما می‌توانیم به کمک ترازوی فنری (ترازوی عقربه‌ای مانند



## مطالعه تحقیقی

# درس شناخت حرفه و فن

گروه شناخت حرفه و فن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی

روشهای آموزش نیز باید متناسب با تغییراتی که در جهان به وقوع می‌پیوندد هماهنگ شود و عوامل آموزش و پرورش باید متناسب با آن حرکت کنند. بویژه معلمان که بار اصلی آموزش و پرورش بر دوش آنان گذاشته شده است، معلم یا شناختی که از جهان سرور را طریق مطالعه کتابها، مجلات، مقالات، رسانه‌های گروهی و... بدست می‌ورد دانسته‌های خود را طوری برای دانش آموزان بیان می‌کند که آنان بتوانند در زندگی روزمره خود از این دانسته‌ها بهره‌جسته و گذربرد آنها را اعمال در دنیای اطراف خود پیدا کنند و بدینوسیله، به دقت کردن در محیط اطراف خود و دارنده و بسیاری از آموزشها از طریق غیر مستقیم در یافت می‌کند. درس شناخت حرفه و فن در این مورد می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند و معلمان حرفه و فن می‌توانند عاملی اساسی در ایجاد نگرش عمیق و روحیه تحقیق و مطالعه در دانش آموزان باشند.

حرفه و فن حاصل دانش و اطلاعات نیز است. علم و فنی ارزش می‌یابد که به عمل درآید. همه دانشها، اطلاعات و رتباطات علمی و نظری و علوه بایه پیشرفته جهان سرور و فنی روزآمد و کارساز می‌شوند که از دنیای نظریه‌ها و فرضیات خارج شده و به صورت فن یا تکنولوژی و در نهایت منجر به صنعت و تولید می‌شوند و جنبه کاربردی پیدا می‌کنند. به همین منظور حتی علوه تناسی مانند ادبیات، فلسفه، حقوق هم جنبه فنی و کاربردی به خود گرفته و به صورت تخصص عرضه می‌شوند. شناخت حرفه و فن سر تا سر

در مقاله زیر توجه دبیران محترم شناخت حرفه و فن به محتوای برنامه عمده از هدفها، مفاهیم آموزشی، تهیه امکانات و وسایلی آموزشی، روشهای تدریس و روشهای ارزشیابی در درس شناخت حرفه و فن جلب شده است و سپس فصل برق مثال سوء راهنمایی با دید تکنولوژی تدریس مورد بررسی و مذاکره قرار گرفته است. رشد آموزش راهنمایی از گروه محترم شناخت حرفه و فن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف برای تهیه این مقاله سپاسگزار است.

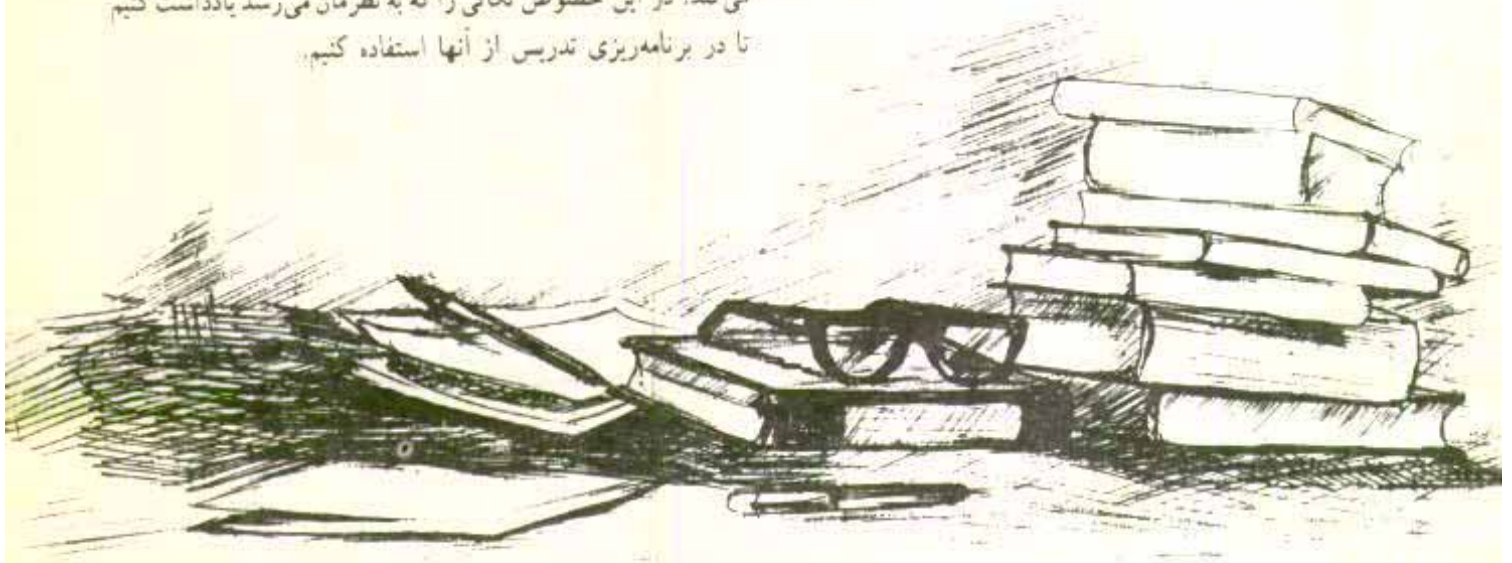
جهان امروز جهان ارتباطات است جهانی است که اخبار و حوادث و اطلاعات به سرعت نور در گستره زمین حرکت می‌کند و به اقصی نقاط عالم می‌رسد. همه‌جای این کره خاکی بر احشای زیر پوشش ماهواره‌های مخابراتی و اطلاعاتی قرار دارد. حتی منظومه شمسی نیز در دامنه تحقیقات و اطلاعات بشر قرار گرفته است. نتیجه این جریان ارتباطی پیشرفت روز افزون و همه‌جانبه جوامع بشری خصوصاً در زمینه صنعت و تکنولوژی است. سرعت پیشرفت دانش بشر و تکنولوژی چنان حیرت‌آور است که گاه از قدرت تسخیل و تصورات انسان نیز پیشی گرفته است. در چنین شرایط زمانی آموزشی نقش بسیار حساس و اساسی در انتقال اطلاعات و تکنولوژی دنیای امروز دارد. و روشهای آموزشی به همان سرعت که دانش و اطلاعات سر پیشرفت می‌کند منحول می‌گردد. هر روز شیوه جدیدی پدید می‌آید

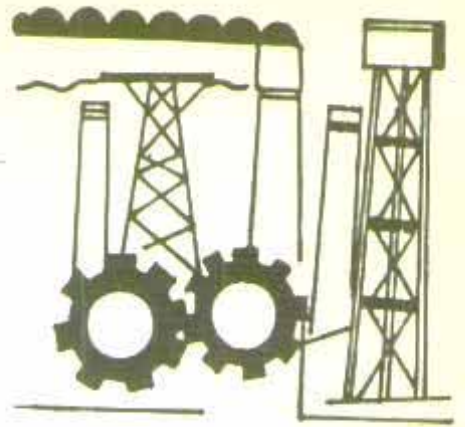


جوان بسیار ضروری و حیاتی است. اینکه آنان بدانند که چگونه علوم پایه مثلاً علوم تجربی و ریاضیات، جغرافی و... در ساخت ماشین آلات، وسایل زندگی و امکانات عمومی نقش دارند و اینکه با اصول بکارگیری علوم مختلف در ساخت و تولید ابزار و وسایل آشنا شوند و بتوانند ارتباط میان علم، تکنولوژی، مشاغل، فرهنگ اجتماعی اصول اخلاقی، پیشرفت جامعه، خودکفایی اقتصادی را به خوبی درک کنند قطعاً در آماده سازی آنان برای زندگی موفقیت آمیز توأم با پیشرفت و توسعه در دنیای امروز مؤثر و مفید خواهد بود و این میسر نیست مگر اینکه کارگزاران و مسئولین اجرایی آموزش و پرورش امکانات لازم برای اجرای برنامه های حرفه و فن در رسیدن به اهداف آن در مدارس راهنمایی فراهم آورند و نیز به نحوی از انحاء فرهنگ کار و پیشه را در برنامه های درسی مقطع ابتدایی بگنجانند و جایگاه ویژه آنرا مشخص سازند. در این راستا گروه کارشناسی حرفه و فن بر خود وظیفه می دانند همکاری های لازم را با کارشناسان محترم مقطع ابتدایی به عمل بیاورند و مطالبی را هم که در کتابهای موجود در مقطع ابتدایی در ارتباط با این درس نگاشته شده مورد توجه قرار داده و در جهت تکمیل آنها در راه رسیدن به اهداف اصلی شناخت حرفه و فن کوشش نمایند و با عنایت به برنامه های نظام جدید متوسطه موضوع کاملاً روشن می شود که شاخه کار و دانش به دلیل جهت دادن صحیح فعالیت های دانش آموزان در رسیدن به شغل مورد علاقه طراحی شده و نیاز مبرم به درس شناخت حرفه و فن دارد. اکنون به لطف شاخه کار و دانش، درس شناخت حرفه و فن اهمیت خود را باز یافته و نیاز دارد که مطالب آن در دوره دبستان نیز بیان شود و با محقق شدن این هدف، آن

را می شود به یک درخت تووند تشبیه کرد که دارای ریشه و تنه و شاخ و برگ است که در گذشته به حق این درس (تنه) فراموش شده بود. دبیران حرفه و فن می باید به اهمیت نقش خود در جامعه وقوف کامل پیدا کرده و با آگاهی از هدفهای این درس تلاش خود را در جهت رسیدن به اهداف متمرکز کنند روش مطالعه تحقیقی یکی از مهمترین روشهای این درس است. این روش به معلم کمک می کند تا به مجموعه برنامه این درس نگاهی عمیق انداخته و کلیه ابعاد آن را بررسی نماید و با آگاهی از جزئیات آن، اجرای موفقیت آمیزی از این درس را ارائه نماید. گفته می شود معلم باید در اداره کلاس یک مدیر و در امر آموزش یک محقق باشد یعنی برای اجرای برنامه تدریس کلیه اصول مدیریت را که شامل برنامه ریزی، سازماندهی و نظارت است رعایت کند و تحقیقات و مطالعات به او کمک می کند تا در اعمال مدیریت تدریس موفق بوده و بازدهی کارش شمر بخش و مفید باشد به همین منظور در ادامه بحث به چگونگی روش مطالعه تحقیقی پرداخته و یک نمونه از آنرا در مورد یکی از فصلهای کتاب درسی در جهت استفاده دبیران محترم حرفه و فن ارائه می کنیم.

توجه به هدفها: لازم است قبل از هر چیز برنامه تدوین درس شناخت حرفه و فن را مورد مطالعه دقیق قرار دهیم. تحولات برنامه را چنانچه در طول زمان تغییری کرده بررسی و تغییرات قبل و بعد برنامه را با هم مقایسه کنیم. دقت داشته باشیم که هدف درس و الگوی اجرایی با محتوای برنامه چه ارتباطی با هم دارند. آیا الگوی اجرایی با محتوای پیشنهادی برنامه هدفها را کاملاً می پوشانند و آنها را محقق می کند؟ در این خصوص نکاتی را که به نظرمان می رسد یادداشت کنیم تا در برنامه ریزی تدریس از آنها استفاده کنیم.





سرعت بیشتر دانش بشر و تکنولوژی جهان حیرت‌آور است که  
گاه از قدرت تخیل و تصورات انسان نیز پیشی گرفته است

علم وقتی ارزش می‌یابد که به عمل درآید

روشهای مناسب تدریس در برنامه گنجانده شده است. بین روش‌ها مورد  
بررسی محتوایی قرار گیرند. از مطالعه هدف‌های جزئی، سخت‌روش  
تدریس معمولاً به عهده معلم است ولی در اغلب برنامه‌ریزی‌ها، برای  
سهولت کار روش‌های مناسب‌تر پیشنهاد می‌کنند. بین پیشنهادها  
فرصت اینکار و خلاقیت معلم را در انتخاب روش‌های جدید است  
حق کند و صرفاً برای تکمیل برنامه به کار برده می‌شود. پیشنهاد  
استفاده از امکانات مختلف، رسانه‌های آموزشی، یاددهنده، استفاده از  
کارگاه و با روش‌های تدریس نظری در برنامه برای رسیدن به هدف‌های  
درس است و معلمین مردم به جزیی که حداقل در حد تئوری می‌باشند.  
اظهار نظر معلم درباره روش‌ها وقتی مؤثر است که در مقایسه با هدف‌ها و  
شیوه‌های ارزشیابی باشد.

### زمان اجرای برنامه

از دیگر مواردی که باید در مطالعه تحقیقی مد نظر قرار گیرند،  
اندازه‌گیری زمان اجرای برنامه در طول یکسال تحصیلی است.  
اندازه‌گیری زمان تها موردی است که پیشی بر تجربه علمی معلم است.  
این تجربه در برنامه مورد توجه قرار می‌گیرد ولی هر معلم باید خود  
برنامه را مطابق با زمان‌هایی که در اختیار دارد مقایسه کند و محتوای  
آموزشی را در جدول خاصی زمان‌بندی کرده و اثر از لحاظ فسرده‌گنی  
کار یا کمبود وقت لازم و یا دانش وقت اضافی و کم حجم بودن برنامه  
در رابطه با زمان ارزشیابی کند.

### بررسی امکانات

نجه را که برای اجرای یک برنامه آموزشی به نحو مطلوب  
لازم است امکانات آموزشی می‌باشد. همه ارضای آموزشی، وسایل  
آموزشی، کارگاه، تجهیزات، مواد اولیه کارگاهی و آزمایشگاهی،  
دستگاه‌ها و ابزارهای آموزشی و... در برنامه امکانات است. چیزی شده  
برای اجرای آن باید متناسب با محتوای آموزشی باشند تا هدف‌های  
آموزشی را محقق سازد. بنابراین مطالعه امکانات پیش‌بینی شده و اینکه  
آیا امکانات به حد کافی در دسترس می‌باشند باید مورد مطالعه قرار داده  
شود.

در این مرحله از کار باید محتوای برنامه (صرفاً فصل دروس) و  
جزئیات درس (مفاهیم آموزشی) بطور کامل و دقیق از کتاب‌های درسی  
مورد مطالعه قرار گیرد. در این بازنگری باید توجه کرد که تسجیح  
اهداف کلی برنامه در مفاهیم گنجانده شده باشند. عبارات دیگر مفاهیم  
باید هر کدام جزئی از هدف کلی را بیان کنند بهمین دلیل به ازای هر  
مفهوم آموزشی هدف‌های جزئی نیز فرار داده می‌شود. هدف‌های  
رفتاری، هدف‌های جزئی یا هدف‌های رفتاری انتظاراتی است که در  
بایان تدریس پس از دریافت مفاهیم ز دانش آموزان در رسد. مجموعه  
هدف‌های جزئی درس باید تجلی هدف‌های کلی برنامه باشد در غیر  
اینصورت در برنامه‌ریزی درس اشکالاتی وجود دارد.

در اینجا کار معلم قدری وسیع‌تر شده و لازم می‌شود که در هر  
فصل یا بخش کتاب درسی مفاهیم را استخراج کرده و هدف‌های جزئی  
را در مقابل آنها یادداشت کند تا در پایان ستواند روی هدف‌های جزئی  
جمع‌بندی کرده و هدف کلی را پیدا کند. سه عبارت دیگر محتوای  
آموزشی را با هدف ارزشیابی کند.

### بررسی روش‌های ارزشیابی

در هر برنامه درسی معمولاً روش‌های ارزشیابی درس را تعیین  
می‌کنند مثلاً اینکه چگونه باید درس ارزشیابی شود. ارزشیابی به  
صورت کتبی است یا بصورت شفاهی و یا بصورت عملی. هر کدام  
امکانات ارزشیابی چند درصد نمونه کل را به خود اختصاص می‌دهد.  
معلم با مطالعه دقیق محتوای آموزشی و هدف‌های جزئی می‌تواند به  
مقایسه حیطه‌های تربیتی و هدف‌های آموزشی با هر یک از حیطه‌ها  
تعیین کرده و جنبه فوق هر یک بر سایرین را دقیقاً معین کند و انگه  
ظرف بدهد که کدام جنبه غالب است و باید ارزش‌گذاری به سمت آن  
حرکت کند. به عنوان مثال در زمینه آموزش کارهای عملی حیطه  
آموزشی جنبه روانی حرکتی دارد و ارزشیابی آن نیز باید بصورت  
شفاهی و عملی باشد در غیر اینصورت ارزشیابی دقیق نخواهد بود.

### مطالعه روش‌های تدریس

پس از بررسی برنامه درسی و محتوای آموزشی چنانچه

اکنون به لطف شناخته کار و دانش درس شناخت حرفه و فن اهمیت خود را بازیافته و نیاز دارد که مطالب آن در دوره دبستان نیز بیان شود.

گفته می‌شود معلم باید در اداره کلاس یک مدیر و در اسر آموزش یک محقق باشد.



انتخاب امکانات به عهده معلم و بستگی به توانمندی او در جذب امکانات دارد. بالطبع معلمی که می‌تواند با جایگزین کردن مواد دیگر و تهیه ابزار کافی با توجه به محل کار خود مقدمات تدریس را تهیه کند، در اجرای برنامه موفق‌تر خواهد بود. از امتیازات یک معلم توانایی و ابتکار او در پیش‌بینی وسایل آموزشی برای استفاده در تدریس است.

با انجام چنین مطالعاتی است که معلم می‌تواند به خوبی درباره برنامه و محتوای آن اظهار نظر کند. بدون آن، اظهار نظرها بیشتر جنبه سلیقه‌ای داشته و قابل قبول نمی‌باشند و گاه با نظر سایر معلمان تضاد پیدا می‌کند علاوه بر اظهار نظر علمی و منطقی از چنین تحقیقی می‌توان به صورتهای دیگری هم استفاده کرد از جمله:

— تهیه جدول طرح درس سالانه، ماهانه، روزانه.

— تهیه جدول ارزشیابی

— تهیه جدول زمان‌بندی

— تهیه جدول بودجه‌بندی

— یافتن روشهای نو و ابتکاری برای تدریس.

— یافتن راههای جدید برای استفاده از وسایل آموزشی و...

در نهایت با انجام مطالعه تحقیقی درس و تسلط معلم بر اصول آموزش درس، می‌توان کیفیت تدریس را طوری بهینه‌سازی کرد که راندمان کار به نحو چشمگیری بالا رفته کار تدریس به سهولت و دقت انجام شود. ارزشیابی دانش‌آموزان صحیح و اصولی بوده و با هدف و جهت روشن انجام می‌شود و دانش‌آموز بهره‌گاملی از کلاسهای درس شناخت حرفه و فن برد.

مطالعه تحقیقی در فصل صنعت برق، سال سوم راهنمایی

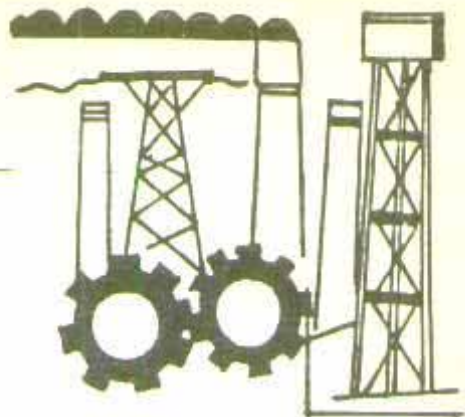
اهداف و اصول اجرا:

در اهداف درس محور فعالیتها انجام کار عملی ساده توسط دانش‌آموزان است به نحوی که از انجام کار احساس

توانمندی کرده، حس اعتماد به نفس و روحیه علاقمندی به کار در آنان تقویت شود و دست به ابتکار و خلاقیت بزنند و از این رهگذر آمادگی پذیرش انجام کارهای بزرگتر در آینده را پیدا کنند. همچنین با انجام بازدید از مراکز مختلف تولیدی صنعتی، کشاورزی یا زمینه‌های دانش، فن، مهارت و شغل در جامعه آشنا شده و بتوانند راههای ادامه تحصیل برای رسیدن به مشاغل گوناگون را بشناسند و با کسب اطلاعات لازم برای آینده تحصیلی خود تصمیم‌گیری کنند.

آنچه در این اهداف مورد نظر است، اینست که شناخت حرفه و فن از راه تمرین و رسیدن به شناخت عملی صورت می‌گیرد و هدف مهارت‌آموزی نیست. مهارت‌آموزی به عهده دوره‌های بعد از راهنمایی موقوف می‌شود. شناخت عملی برای بی‌برد به رغبتها، علائق و استعدادها دانش‌آموزان است.

اجرای برنامه‌ها نیز باید همراه با اجرای عملی در کارگاه توسط دانش‌آموزان بصورت فردی یا گروهی باشد و در آموزش مفاهیم عملی از کلیه امکانات موجود استفاده شود. مسئولان ادارات آموزش و پرورش، مدیران و معلمان حرفه و فن باید زمینه اجرای



سیم‌کشی: - سیم و انواع مختلف آن  
براز کار در یک سیم‌کشی

- ۱ - سیم‌چین
- ۲ - دم‌باریک
- ۳ - البردست
- ۴ - سیم‌نخت‌کن
- ۵ - آچار بیج‌گشتی
- ۶ - جاقوی سیم‌کشی
- ۷ - فازمتر
- ۸ - بست
- ۹ - قتر سیم‌کشی

انواع سیم‌کشی خانگی: الف) سیم‌کشی روزگار

- با سیم‌کشی نوکار - لوله‌های نوکار
- روش گسار در

سیم‌کشی بالونه

کار عملی در کارگاه برق: - اتصال کلید یک پل (برای دختران و

پسران)

- اتصال کلید دویل (برای پسران)

- اتصال کلید تبدیل (برای پسران)

- اتصال مدار لامپ مهتابی (برای

پسران)

- اتصال مدار زنگ اخبار (برای

پسران)

- ساختن یک موتور الکتریکی (برای

پسران)



بازدید از مراکز مختلف را با کمک اولیاء دانش‌موزان و استفاده از امکانات منطقه فراهم آورند. و برای جهت‌دانی به بازدیدها، با برنامه‌ریزی دقیق دانش‌موزان را به تهیه گزارشی از محل مورد بازدید ترغیب نمایند.

برای آشنا شدن هر چه بیشتر دانش‌موزان با مشاغل موجود در جامعه آنان را تشویق به جمع‌آوری اطلاعات در باره شغل طرفین خود کرده و از مجموعه اطلاعات جمع‌آوری شده بروشور یا رورت‌نامه دیواری تهیه کنند. سرگزاری مراسم هفته معرفی مشاغل و انسجام سخنرانی توسط صاحبان مشاغل نیز در دادن اطلاعات شفاهی به دانش‌موزان کمک می‌کند. معرفی مشاغلی که امکان دستیابی به تخصصهای گوناگون آن در نظام آموزش و پرورش وجود دارد باید در اولویت معرفی مشاغل و رشته‌های تحصیلی باشد مثلاً در نظام فنی و حرفه‌ای آموزش و پرورش متوسطه ۳۱ رشته فنی ۵ رشته حرفه‌ای و ۵ رشته کشاورزی وجود دارد. برخی از این رشته‌ها تا عالی‌ترین مدارج تحصیلی ادامه می‌یابد.

پی‌گیری هدفها در صنعت برق

سرفصل دروس:

مقدمه

کاربردهای گونه‌گون انرژی الکتریکی (برق) - مصرف

صنعتی

- کاربرد در کشاورزی

- کاربرد در حمل و نقل

- کاربرد ارتباطی (مخابرات)

روشنای تولید برق

ترموکوپل

باتری خورشیدی برق A.C انتقال برق

توزیع برق

برق خانه‌ها

مفاهیم آموزشی	هدفهای جزئی (هدفهای رفتاری)
۱ - مطالعات گوناگونی برای تغییر شکل انرژی بطوریکه به کارگیری آن ساده باشد صورت گرفته است. حاصل این کوششها انرژی الکتریکی است.	۱ - و ۲ دانش آموز بتواند: منشأ پیدایش انرژی الکتریکی را بیان کند.
۲ - انرژی الکتریکی از تبدیل سایر انرژیها بدست می آید.	۳ - انرژیهای قابل تبدیل بیکدیگر را نام ببرد.
۳ - انرژیها قابل تبدیل بیکدیگرند.	۴ - مزایای استفاده از برق نسبت به سایر انرژیها را توضیح دهد.
۴ - عوامل زیر سبب می شود که استفاده از برق ساده تر و راحت تر از سایر انرژیها باشد.	۵ - عمده ترین کاربرد مصرفی برق را نام ببرد.
- برق را می توان به سهولت از نقطه ای به نقطه دیگر انتقال داد.	۶ - استفاده از برق در صنعت را شرح دهد.
- نسبت به سایر انرژیها هزینه انتقال آن حداقل است.	
- کار کردن با برق ساده است.	
- دستگاههای متعددی می توان ساخت که با برق کار کنند.	
- انرژی الکتریکی می تواند کارهای بسیار سنگین و دقیق را انجام دهد.	
- در تبدیل انرژی الکتریکی به انرژیهای دیگر مواد زاید ایجاد نمی شود.	
۵ - تقریباً بیش از نصف برق تولیدی برای رفع احتیاجات صنعتی به کار می رود.	
۶ - موتورهای الکتریکی در اندازه های کوچک و بزرگ جرخ صنایع را به حرکت درمی آورند. الکترو مغناطیس های بزرگ در جرثقیلها کار جا بجا کردن قطعات بزرگ فلزی را به عهده دارند.	

برخی از هدفهای رفتاری صنعت برق:

الف: دانش آموز بتواند:

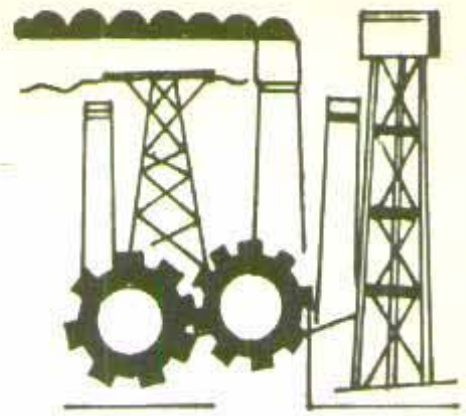
- کاربرد برق در مزارع کشاورزی را توضیح دهد.
- کاربرد برق در نگهداری مواد غذایی و محصولات کشاورزی را توضیح دهد.
- مصارف عمده برق در شهر را نام ببرد.
- استفاده از برق در وسایل حمل و نقل را توضیح دهد.
- کاربرد ارتباطاتی برق را توضیح دهد.
- روشهای تولید شیمیایی برق را شرح دهد.
- مولدهای شیمیایی را نام ببرد.
- ویژگی هر کدام از مولدهای شیمیایی را توضیح دهد.
- طرز کار ترموکوپل را تعریف کند.
- بانری خورشیدی را تعریف کند.
- تفاوت برق متناوب با برق مستقیم را بیان کند.
- روشهای تولید برق متناوب را با توجه به مولد آن شرح دهد.
- مولدهای برق متناوب را نام ببرد.
- روشهای انتقال برق را شرح دهد.
- ابزارها و وسایلی که در انتقال برق مورد استفاده قرار می گیرند نام ببرد.
- از روی نمودار انتقال برق را توضیح دهد.
- ویژگی برق مصارف خانگی و صنعتی را بیان کند.
- دستگاههایی که در توزیع برق مورد استفاده قرار می گیرند نام ببرد.
- طرز کار هر کدام از دستگاههای توزیع برق را شرح دهد.

ب: دانش آموز بتواند:

- با استفاده از سیم چین، سیم را ببرد.
- با استفاده از دم باریک سیم را به شکل حلقه درآورد یا خم کند.
- با استفاده از سیم لخت کن روپوش سیم را بردارد.
- با استفاده از فازمتر سیم فاز را از نول تشخیص دهد.

ج: دانش آموز بتواند:

- با استفاده از نقشه سیم کشی و وسایل آماده شده سیم کشی مدار کلید یک پل را انجام داده با راهنمایی دبیر آزمایش کند.
  - با استفاده از نقشه سیم کشی و وسایل آماده شده سیم کشی مدار کلید دوپل را انجام داده با راهنمایی دبیر آزمایش کند.
  - با استفاده از نقشه سیم کشی و وسایل آماده شده سیم کشی مدار کلید تبدیل را انجام داده و با راهنمایی دبیر آزمایش کند.
- در مقایسه هدفهای جزئی (در نمونه های بالا) با حیطه های



اظهار نظر معلم درباره روش‌ها و وقتی مؤثر است که در مقایسه با هدفها و شیوه‌های ارزشیابی آنها باشد.  
 استفاده از امکانات مختلف: رسانه‌های آموزشی، بازدیدها، استفاده از کارگاه و یاروشهای تدریس نظری در برنامه، برای رسیدن به هدفهای درس است.

قراولی دارد، وجود کارگاه از ضروریات است. بزاره‌های گذر در حد پیش‌بینی شده برنامه لازم است که باید تهیه شود. انچه از دید از یک مرکز تولید برق یا یک پست تقویت برق محلی در بین موارد بسیار مفید خواهد بود. استفاده از عکس، پوستر، ماکت، لیسخته‌های رنگی به سهولت آموزش مفاهیم کمک می‌کند.

یا توجه به نمونه‌ای از بررسی انچه سنده می‌تون در ساقب که محتوای آموزشی درس حرفه و فن مربوط به هر رشته صنعتی سیر به آموزش عملی، بازدید از مرکز فنی مربوطه، استفاده از سیر و امکانات دارد و در حقیقت نحوه اجرای برنامه و دستیابی به هدفها بدون آنها امکان‌پذیر نیست. برنامه‌ریزی تدریس و تهیه طرح درس در تمام موارد اجرا باید رعایت شود.

با عنایت به مراتب فوق که بطور اجمالی مورد بررسی قرار گرفت معلمان محترم حرفه و فن می‌توانند بطور گام و دقیق به صورت فردی یا گروهی این بررسی‌های محتوایی را برای کلیه فصلهای کتاب سجاه داده و نظرات خود را با توجه به مطالعات و تحقیقات سجاه سنده سزای گروه کارشناسی دفتر برنامه‌ریزی ارسال دارند تا از نظرات آنان در بهبود و تنظیم برنامه‌های آتی استفاده شود.

همکاران محترم می‌توانند نظرات خود را در مورد الگوی ارائه سنده (مطالعه تحقیقی) مورد بحث این شماره کتاب بعد ارسال سنده به زمینه بحث علمی آموزشی در شماره‌های بعد باسد و مورد استفاده عموم معلمان قرار گیرد.

آموزشی، قسمت الف: هدفها در حیطه شناختی قرار دارد. قسمت ب: هدفها در حیطه روانی حرکتی و قسمت ج: هدفها در حیطه شناختی و روانی حرکتی قرار دارند. باید توجه کرد که در طبقه‌بندی هدفها در حیطه روانی حرکتی به مرحله‌های یعنی مهارت نمی‌رسند و فقط تا مرحله دقت، تمرین و اجرای مستقل پیش می‌روند. در رابطه با هدفهای کلی به شناخت عملی کار یا ابزارها وسیم‌کشی برق دست نمی‌یابند از کارگاه برق استفاده می‌کنند با مشاغل مربوط به صنعت سزای به طور غیرمستقیم آشنا می‌شوند مثلاً مهندسی برق (قدرت) اساسیات، تکنیسینها و کارگران فنی رشته‌های الکتریسته و قدرت، الکترونیک را می‌شناسند. (با توضیح معلم) با دوره‌های تحصیلی که در نظام آموزش و پرورش برای کسب مهارتها و تخصص‌های فنی این رشته وجود دارد و مدارج تحصیلی آنها تیر آشنا می‌شوند.

### بررسی روشهای ارزشیابی:

مطابق برنامه، گارهای عملی انجام سنده ارزشیابی می‌شود. برای مجموعه گزارشهای شفلی و اطلاعات حرفه‌ای در محتوای این فصل کار پیشنهاد سنده است. ارزشیابی‌کنشی از محتوای شناختی درس انجام می‌شود که این ارزشیابی بیشتر جنبه حافظه‌ای دارد. باید در آن به جنبه‌های درک و فهم، تجزیه و تحلیل و ترکیب توجه شود.

### بررسی روش تدریس:

روش تدریس صنعت برق باید بصورت عملی در کارگاه باشند. تدریس محتوای درس در کلاس اغلب با روش «شعائیلی» انجام می‌شود. کار عملی به صورت گروهی قابل اجراست. استفاده از امکانات آموزشی، فیلم، اسلاید، پوستر، کیت ابزار در تدریس این فصل ضروری است.

### زمان اجرای برنامه:

سنگی به جدول زمان‌بندی سالانه دارد.

### بررسی امکانات:

اجرای محتوای آموزشی این فصل نیاز به امکانات آموزشی



کمیسیون تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش در مقطع راهنمایی برای بررسی برنامه دوره راهنمایی اعم از مواد و موضوعات مختلف درسی، ریزمواد و ساعات اختصاص یافته به هر یک از دروس، علاوه بر سمیناری که در روزهای ۱۶ تا ۲۰ آبان ماه ۱۳۷۱ در خانه معلم منطقه ۳، با شرکت کلیه کارشناسان و صاحب نظران دفتر برنامه ریزی و نالیف، تعدادی از صاحب نظران و اساتید دانشگاه مدیران کل دفاتر ستادی، مدیران مختلف دوره راهنمایی سراسر کشور برگزار کرد، اقدام به برگزاری سمینار یک روزه ای با حضور تعدادی از مدیران مدارس راهنمایی استان تهران، برای بررسی میزان اختصاص ساعات هفتگی دروس، نحوه اجرای درس پرورشی و ساعات جبرانی در طول سال نمود. در این جلسه ابتدا آقای معافی دبیر اجرایی سمینار به معرفی سمینار و هدفهای آن پرداختند، پس از آن جناب آقای دکتر حداد عادل معاون وزیر و ریاست محترم سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و آقای معتمدیان مدیر کل محترم دفتر آموزش ابتدایی و راهنمایی تحصیلی سخنرانی کردند. سپس هر یک از مدیران محترم مدارس به تشریح نظریات خود در مورد موضوع مورد دستور سمینار پرداختند و در انتها ریاست محترم سازمان با تشکر از حضور مدعوین و با جمع بندی از سمینار سخنانی را ایراد فرمودند. پس از آن پرسشنامه ای میان مدعوین توزیع شد که باید پس از پر کردن به آدرس سازمان ارسال می کردند. پرسشنامه ها دریافت، استخراج و نتایج نظریات مدیران مسدود و مجموعه آنها در نشریه ای ۶۳ صفحه ای تنظیم شد.

در زیر متن سخنرانی اول جناب آقای دکتر حداد عادل و جناب آقای معتمدیان آورده شده است و قسمت دوم گزارش در شماره بعدی مجله درج خواهد شد.

# نتایج سمینار بررسی وضعیت اجرایی ساعات جبرانی و کلاسهای پرورشی



ندارد و حالا برای بار اول است که می‌خواهد ایجاد شود. در این صورت ما باید دینی داشته باشیم که چرا یک درسی را در برنامه هفتگی می‌گنجانیم و چرا این تعداد ساعات به آن اختصاص می‌دهیم. ما باید جیس نگاه می‌کنیم بدون بکنیم و اگر تغییری لازم آمد به شورای تغییر نظام پیشنهاد کنیم. از چند جهت گرهایی شده است: یکی تشکیل سمیناری در این ماه بود که در تهران برگزار شد و حدود ۲۰۰ نفر از استانیهای مختلف در آن شرکت داشتند. گروههای برنامه‌ریزی درسی اهداف خودشان را از هر درس بیان کردند و در ستاره ریسر برنامه‌هایی که آنها را به این اهداف می‌تواند برساند، توضیح دادند و استدلال کردند که باید این تعداد ساعات باشد. نماه گروهها یک گزارشی ارائه دادند که مجموعه آن گزارشها در اختیار ما هست. در آن سمینار فرصت بحث و گفتگو هم بود و صحبتها نقد و بررسیهای هم شد. در پایان آن سمینار یک نظرخواهی آزمایشی از حاضران کردیم که هر کارشناسی نظر بدهد که مثلاً اگر و می‌خواست بدون درسی را تنظیم کند چند ساعت برای هر درس می‌گذشت. کارهای دیگری هم کردیم. اطلاعاتی نیز از سایر کشورها در اختیار داریم

و یک تحقیقی هم کردیم. کبیه تغییر نی که از ابتدای تأسیس دوره راهنمایی تا امروز در جدول برنامه‌ها حاصل شده است. سردما موجود است. در جلساتی که حدود یک ماه پیش داشتیم بهتر دیدیم که یک سوتی هم با مدیران تعدادی از مدارس گفتگو داشته باشیم و بررسییم شما که از نزدیک شاهد اجرایی برنامه دوره راهنمایی هستید، نظرشان نسبت به این برنامه چیست؟ بخصوص مسایل هستیم. اطلاعاتی را از اجرای برنامه جیرالسی و پرورشی به دست آوریم. چون ما از مشن مدارس دور هستیم البته استان به ما نزدیکتر است، اما ایرادی ندارد حالا که ما برنامه‌ریزی ستادی می‌کنیم و استان کار اجرایی می‌کند و شما که اصلاً مجری برنامه در مدرسه هستید،

را ما نباید کنیم و بین احتمال هم هست که یک تغییری را پیشنهاد کنیم.

نکنه سمنه بین اسه که در طول این ۱۰-۱۵ سال بعد از انقلاب، تا اینجا که ما اطلاع داریم، هیچ‌گاه یک ارزیابی مفصلی از جدول دروس هفتگی در دوره راهنمایی به عمل نیامده است؛ یعنی آن جدول قبل از انقلاب منبای کار بوده است و در هر موردی یک جای آن را حک و اصلاح کرده‌اند؛ مثلاً یک درسی را یک ساعت که کرده‌اند یا یک درسی را یک ساعت اضافه کرده‌اند. اما به صورت بنیادی و اصولی ما نتسنبه که فکر کنیم به چه دلیل باید این درس خوانده بشود با این تعداد ساعات را باید دانسته باشیم. ما در جلسه خود این طور بحث کردیم که فرض می‌کنیم اصلاً دوره راهنمایی وجود

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت خواهران و برادران ارجمند سلام عرض می‌کنم. حلول ماه مبارک رمضان را تبریک می‌گویم و امیدوارم طاعات همه شما قبول باشد. از تشریف‌فرمایی شما بسیار متشکریم و بخصوص از تشریف‌فرمایی جناب آقای معتمدیان مدیرکل محترم دفتر آموزش ابتدایی و راهنمایی تشکر می‌کنم. هم‌بطور که همکار ما جناب آقای معافی توضیح دادند، ما در چند ماه اخیر بحثهای گوناگونی در زمینه ارائه جدول جدیدی برای ساعات تدریس هفتگی در دوره راهنمایی داشته‌ایم. البته بین طور نیست که به یک نتایج قطعی رسیده باشیم. این احتمال هست که در نهایت همین جدول موجود



— در چند ماه اخیر بحثهای گوناگونی برای پیشنهاد جدول جدیدی از ساعات تدریس هفتگی دوره راهنمایی داشته‌ایم.

— در طول ۱۰-۱۵ سال بعد از انقلاب، هیچ گاه ارزیابی مفصلی از جدول دروس هفتگی در دوره راهنمایی به عمل نیامده است.

— خیلی از بازدیدها را ما فکر می‌کردیم در این ساعت سرورشی می‌شود گنجاند. وقتی هوا خوب نباشد و امکانات نباشد، سر کلاس به صورت کار دسته جمعی و خلاصه کار تربیتی نه کار محفوظاتی و کار معلوماتی و باز تکرار همان کلاسهای درس.

ارتباط معلم‌گونه نداریم. البته غیر از آنها که درس دینی می‌دهند، که در آن صورت هم، باید تنها درس دینی بدهند و این یک اشکال دیگر هم داشت که به سربان تربیتی هیچ وقت به چشم یک معلم نگاه نمی‌شد. گفته شد که اگر مربی پرورشی در متن برنامه یک جایی داشته باشد، از نظر این که در عداد معلمان و دبیران تلقی بشوند بهتر است؛ علاوه که ارتباط آنها را با معلمان بهتر می‌کند. منتهی ما از اول نمی‌خواستیم برنامه پرورشی به صورت یک درس بشود. تا به حال نیز فرصتی نشده که به معاونت پرورشی یکبار دیگر اهداف این درس را تذکر بدهیم. آن موقع صحبت این بود که دانش‌آموز در این فرصت با مربی پرورشی باشد و واقعاً کار پرورشی صورت بگیرد؛ مثلاً باورمان این بود که وقتی هوا خوب است، مربی بچه‌ها را بردارد ببرد به پارکی و دور هم بنشینند و یک قدری تفریح بکنند و یک بازی یا مسابقه‌ای با یک بازدیدی داشته باشند. (ما فکر می‌کردیم خیلی از بازدیدها را می‌شود در این ساعت پرورشی گنجاند) وقتی هم هوا خوب نباشد و امکانات نباشد، سر کلاس به صورت دسته‌جمعی کاری انجام دهند و خلاصه کار تربیتی بکنند نه کار محفوظاتی و کار معلوماتی و باز تکرار همان کلاسهای درس باشد. اگر نقص این باشد که یک تعداد داستان اخلاقی در متن برنامه کم بوده است بسیار خوب، برای ما ممکن بود که این داستانها را به کتاب دینی اضافه کنیم و این یک ساعت پرورشی را به همان درس دینی بدهیم. ما از درس دینی هم کم کردیم. یکی از درسهایی که از ساعت آن کم شد، مجموع دینی و قرآن بود که از ۵ ساعت به ۴ ساعت تقلیل داده شد؛ دو ساعت قرآن و دو ساعت دینی. ما نمی‌خواستیم یک درس شبیه درسهای دیگر داشته باشیم و به بقیه درسها اضافه کرده باشیم. واقعاً یکی از دلایلی که از تعداد ساعات کم شد این بود که می‌گفتند فشار کار روی بچه‌ها زیاد است و استدلال ما هم این بود که برای این که وقت

مثلاً ریاضی را که ما به ۴ ساعت تقلیل داده‌ایم در همان ۵ ساعت درس بدهند؛ یعنی اصلاً این طرح کلاسهای جبرانی عملاً اجرا نشود. البته لازم است من اینجا اشاره‌ای بکنم که کلاس جبرانی امروز اصطلاحی شده برای دو شیوه اجرا: یکی جبرانیهای تالیفاتی و یکی هم جبرانیهای ضمن سال در دوره راهنمایی. ظاهراً کلاسهای جبرانی تالیفاتی اثرش مطلوب بوده و آن طور که آمار گزارش می‌دهد، قبولی شهرپور ماه و نایبستان را افزایش داده است و ما الان درباره آن کلاسهای جبرانی بحثی نداریم. هر وقت می‌گوییم کلاس جبرانی منظورمان جبرانیهای متن برنامه و در طول سال تحصیلی است. آن هم تنها در دوره راهنمایی و مطابق ضوابطی که در سال ۶۶ پیش‌بینی شده است. یکی دیگر هم بحث کلاسهای پرورشی است که ۲ ساعت در هفته پیش‌بینی شده است. من فلسفه این درس را هم خدمت شما بگویم. در واقع از ده - یازده سال پیش این صحبت مطرح بود که اگر مربی پرورشی مجالی داشته باشد که در کلاس با بچه‌ها سرو کار داشته باشد تأثیر کارش بیشتر خواهد شد. چون بعضی از مربیان گله می‌کردند که وقت ما بیشتر صرف برنامه‌های فوق برنامه می‌شود؛ مثلاً یا صبحگاه است یا ایام... است یا یک جشنی است و ما هیچ وقت با دانش‌آموز،

با همدیگر در یک جلسه بحث بکنیم، ببینیم آیا مثلاً این کلاسهای جبرانی دوره راهنمایی تشکیل می‌شود و آیا این برنامه اجرا می‌شود؟ اگر می‌شود آیا راضی هستید یا خیر؟ چون ما ۳ - ۴ سال پیش آمدم برنامه دوره راهنمایی را سبک کردیم. در سال ۶۶ از ۳۶ ساعت به ۳۲ ساعت تقلیل دادیم. در آن سال گفته شد که این ۳ - ۴ ساعتی را که ما کم کردیم صرف ترمیم وضعیت درسی دانش‌آموزان ضعیف و متوسط می‌کنیم. الآن فرض ما این است که مطابق آئین‌نامه‌ای که آن موقع مطرح شد، مثلاً ۵۰ درصد دانش‌آموزان در این کلاسها شرکت می‌کنند و اگر دانش‌آموزی نمره‌اش بالا رفت دیگر شرکت نمی‌کند و دانش‌آموز ضعیف‌تر شرکت می‌کند. این حرفی بود که آن روز مطرح بود. اگر این اجرا بشود و از این نحوه اجرا راضی باشیم اثر آموزشی مثبتی داشته باشد و از افت تحصیلی کم کرده باشد، یک جور می‌شود تصمیم گرفت. اگر مثلاً این طور باشد که یک حرفی گفته شده باشد، اما اجرا نشود، در آن صورت باید جور دیگری تصمیم گرفت. الان این وضع برای ما روشن نیست و این را می‌دانیم که در بعضی از مدرسه‌ها، هم دولتی و هم غیرانتفاعی در سال اول زبان درس می‌دهند. با این که ما زبان را از سال اول حذف کرده‌ایم. حالا ممکن است بعضی از مدرسه‌ها

— کارشناسان ما نظرشان این است که ۳ تا یک ساعت برای تاریخ، جغرافی و تعلیمات اجتماعی کم است و مرتباً می‌گویند که ساعات این دروسها اضافه شود.

— واقع آن است که گرفتاری مملکت ما قبل از اینکه گرفتاری علمی یا صنعتی باشد گرفتاری فرهنگی است.

— ما هم می‌توانستیم کاری بکنیم که علم در کشور ما بایگردد و این مستلزم تعلیم و تربیت است. ما به رشته تعلیم و تربیت توجه نداریم.

نشود پدرها را صد بکنید و بگویید ما سری تعلیمات اجتماعی معلم گرفتیم و کلاس فوق العاده گذاشتیم و این قدر پول بدهید. اصلاً چنین حرفی نامعقول است و معنی ندارد: افت فیزیک، ریاضی چه! قوراً کسکور در ذهن تداعی می‌شود. الان پول خرج می‌کنند تا سجده فرد مهندسی قبول نشود. پزشکی قبول شود آنها پول می‌دهند و شعاع می‌گیرند یعنی نوعاً مدبران این کار می‌کنند اما واقع آن است که گرفتاری مملکت ما قبل از این که گرفتاری علمی یا صنعتی باشد، گرفتاری فرهنگی است. ما اگر هویتی نداشته باشیم و معلوم نشود در

اما هر دو بار ما شکست خوردیم.

بنده البته شخصاً متأسف هستم از این که در کشور ما علوم انسانی اصولاً تئوسری خورده است و اغلب فکر می‌کنیم که نجات کشور ما به این است که هر چه بیشتر ریاضی و فیزیک و زبان انگلیسی آموزش دهیم و اگر از کلاس اول رهنمایی زبان انگلیسی را حذف کردیم مثلاً خدایتی به بنده ایراد شده، گویی تا بربروز که از اول رهنمایی زبان شود، همه مشکلات زبان حل بود. گریک ممد پر حزب الهی، متدین، آده علاقه مند به مملکت هم یک ساعت در برنامه فرصتی پیدا کند. بنده نتنیده که مثلاً بین یکساعت اضافی را به تدریس تعلیمات اجتماعی اختصاص دهد. همه در این فکر هستند که درس ریاضی و با علوم تجربی بگذرند. عقیده بنده این است که در واقع بدون آن که مستوجه داشته باشند و غیرمتدین، حزب الهی و غیر حزب الهی همه در جاده غرب زدگی سیر می‌کنیم. بعضیها خیر دارند و بعضیها خیر ندارند. بعضیها نارحت هستند و بعضیها نارحت نیستند. واقع آن است که پدر و مادرها فکر می‌کنند با فوق العاده فیزیک و ریاضی و نسبی چه! نهاد در کسکور بیشتر قبول می‌شود و لذا مدرسه را تنبوی می‌کنند و پول هم می‌دهند. مثلاً شما مدیر مدرسه (حالا من دارم درددل هم می‌کنم در واقع شما اینها را باور می‌نحس من فرض کنید) شاید دروستان

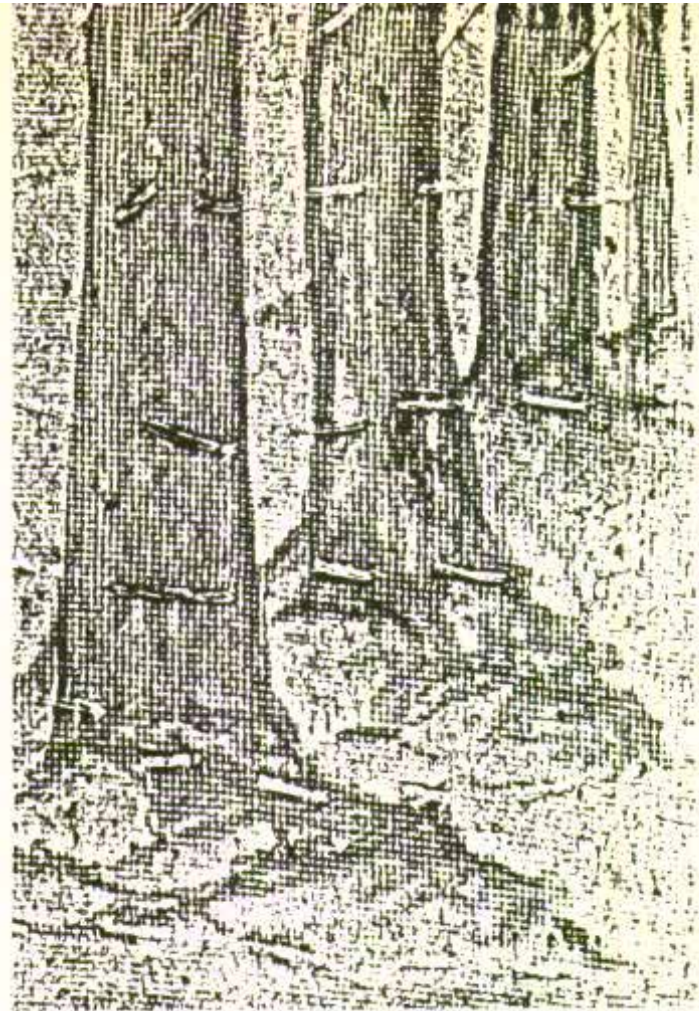
بچه‌ها هدر برود، مری پرورشی اگر کاردستی یا کار هنری دیگری می‌داند ۲ ساعت یا دانش آموزان کار کند همان طور که اشاره شد. بچه‌ها را باز دید برود و خلاصه انواع و اقسام برنامه‌ریزیهای زائنده و فعال بکنند نه از مبلغ سایر دروسها. ما اطلاع زیادی از جزئیات این درس نداریم. بنده فقط می‌دانم یکی دو کتاب برای این درس نوشته شده است و اخیراً هم در یک گزارشی که می‌دادند دیده‌ام می‌بیند برای این درس حتی نمره‌ای هم لحاظ نشود و حالا مثلاً اگر به صورت صفر تا ۲۰ نباشند، به صورت خوب و متوسط و عالی باشند. بعضی مربیان پرورشی صحبتشان این است که اگر این درس ارزشیابی نداشته باشد جدی گرفته نمی‌شود. کاملاً حساس کرده که دردمی افتد در جاده یک درسی، در ردیف سایر دروسها. اینها مسائلی است که مایه عجز شما و سایر دوستان را که تشریف دارند نسویم و علاوه بر این راجع به هر درس دیگری هم نظری داشته باشید خوشحال می‌شویم آنها را هم اظهار کنید. کارشناسان ما هم نظریه‌هایی دارند که به نیست آنها را هم نسویم. کارشناسان ما نظرشان این است که سه تا یک ساعت سری تاریخ و جغرافی و تعلیمات اجتماعی که است و باید ساعت این درسها اضافه شود. ما هم یکبار یا دوبار این طرح را به شورای عالی بردیم. یعنی جمله کردیم برای تصرف این قلمه،

این دنیا کسی هست به عنوان یک سری مسلمان! از طریق فیزیک و نسبی و بعضی پسرقتی نمی‌کنند ما واقعاً در آموزش به مسائل تاریخی و جغرافیایی و حتی نسبی باید توجه کنیم. الان گرفتاریهای مردم به بیشتر از حاجه این است که فیزیک و نسبی و ریاضی نمی‌دانند یا این که بنده هستند از حیثان رد بشوند. گرفتاریها کدام است! حتی در سجا که علم ما بیسرفتم می‌کند. به دلیل این است که ما کار گروهی و مدیریت و تعاون و نظف فکری و عقلی نداریم. خیلی از گرفتاریهای آموزشی ما معلول این است که رسه علوم تجربی و نسبی و تربیت در جامعه ما بیسرفتم نکرده است. در این سئجده، نسبت سال در تعلیم و تربیت ما بگ آده درجه یکی مثل دیگر حسابی که در فیزیک استاد بود پیدا نکردیم یعنی آدمی که در سطح زبان حرفی قابل گفتن داشته باشد ما باید حوس سبعت درین ادها. به رشته تعلیم و تربیت نسویم که بفهمد با اسان چه جور باید سروکار داشته باشند. این فرگیها که در اختراع و کشفات و علم موفق هستند و هر صبح رادیو را بار می‌کنیم می‌گوید این بین اختراع را کرد. سب سدر می‌کنیم می‌گوید سنگ، فلاخا چه کار کرد! اینها ذهنشان از ذهن ما قویتر نیست. اما حضور بنده به این نتایج رسیده اند. باید گفت از طریق نسبی و تربیت یعنی فهمیدن که نسویم مورس چه

را راهنمایی کنید تا این که بتوانیم صحیحتر تصمیم بگیریم و اگر تغییری لازم است آن تغییر را به شورای تغییر نظام پیشنهاد کنیم و برای آن استدلال کنیم.

سخنرانی آقای معتمدیان مدیر کل دفتر آموزش ابتدایی و راهنمایی تحصیلی  
بسم الله الرحمن الرحيم

ضمن عرض سلام خدمت همکاران محترم، من به اختصار چند نکته را عرض می‌کنم و امیدوارم که در تصمیم‌گیریها مورد توجه عزیزانی که در این زمینه فعالیت دارند قرار بگیرد. ابتدا عرض کنم که تقلیل ساعات دوره راهنمایی تحصیلی به منظور استفاده در کلاسهای جبرانی برحسب یک سلیقه شخصی نبود. در زمانی که آقای فانی معاونت آموزشی وزارتخانه را به عهده داشتند، دفتر ما ساعت کار هفتگی ۵۰ کشور، از ۵ قاره مختلف را بررسی کرد. میانگین ساعت کار هفتگی در این ۵۰ کشور حدود ۲۸ ساعت بود. البته علاوه بر این ۲۸ ساعت، ساعتی هم به عنوان فوق برنامه از قبیل موسیقی یا فعالیتهای دیگر داشتند، اما ساعات کار موظف به صورت تشکیل کلاس رسمی به طور متوسط ۲۸ ساعت بود. بر این اساس و به علت افت تحصیلی زیاد دوره راهنمایی تحصیلی، ما ناچار شدیم که برای تقلیل ساعات دوره راهنمایی تحصیلی پیشنهادی بدهیم. حذف زبان هم در پایه اول بر این مبنای بود که می‌گفتند در اغلب کشورهای جهان که زبان انگلیسی را زبان دوم خود انتخاب می‌کنند، در سال هفتم دوره تحصیلی آموزش داده می‌شود. دوره ابتدایی در این کشورها ۶ سال است و در سال هفتم (معادل دوم راهنمایی در کشور ما) وارد برنامه می‌شود. در ایران هم چون ما هم زبان عربی و هم زبان انگلیسی را آموزش می‌دهیم یا به عبارتی دو زبان بیگانه را تدریس می‌کنیم، البته عربی را صد در صد بیگانه نمی‌توانیم بگوئیم، اما چون دو زبان وارد برنامه می‌شود به



تاریخ کشور ما تاریخی طولانی جغرافیای ما، جغرافیای متنوع، تعلیمات اجتماعی ما و مسائل رفتاری ما همه قابل توجه است، اما عجیب آن که در علوم انسانی هم که ماسد برنامه‌هاست، از خیلی از کشورهای صنعتی ضعیفتر هستیم؛ یعنی ما قوت علوم انسانی را از کشورهای صنعتی تقلید نمی‌کنیم و فقط فکر می‌کنیم که عقب‌ماندگی خودمان را در ریاضی و علوم تجربی باید جبران کنیم. این حاشیه‌ای بود که عرض کردم. خود ما گرایشمان این است که اگر بتوانیم یک قدری در دوره آموزش عمومی که باید همه مردم به عنوان یک شهروند آموزشهای انسانی و اجتماعی بیشتر ببینند، ساعات بیشتری را برای این درسها اختصاص دهیم، اما حالا چه قدر بتوانیم و چه قدر برنامه راه بدهد، ما نمی‌دانیم. ما منتظر هستیم تا نظر شما را بشنویم. بنده عرایض خودم را خاتمه می‌دهم و از سخنرانی آقای معتمدیان و دوستان دیگری که تشریف دارند استفاده می‌کنیم. اگر نظری بود، به هر حال ما

جوری باید باشد. ما اگر به جای این که برویم دستگاه وارد کنیم یا مثلاً آدم بفرستیم خارج درس بخواند و یاد بگیرد، خودمان آن شیوه‌ای را که به تربیت آن جور آدمها منتهی می‌شود در ایران پیدا می‌کردیم، همان آدمها را تربیت می‌کردیم. ما هم می‌توانستیم کاری بکنیم که علم در کشور ما با بگیرد و این مستلزم تعلیم و تربیت است. ما به رشته تعلیم و تربیت توجه نداریم؛ یعنی خود بنده مشکل می‌توانم بجه خودم را متقاعد بکنم که به جای مثلاً پزشکی برود در رشته تعلیم و تربیت درس بخواند. اگر بگویند یک کسی دانشکده علوم تربیتی قبول شده ما می‌گوئیم لابد پزشکی، مهندسی و علوم پایه قبول نشده و از ناچاری این رشته را انتخاب کرده است. ما روزی در زمان در زمان می‌شود که به مسائل اجتماعی توجه کنیم. متأسفانه این زمینه در جامعه وجود ندارد، حتی در شورای عالی که یکی دو نفری متوجه این قضایا هستند، نیز نتوانستیم مشکل را حل بکنیم.

— باید به شرایط سنی دانش آموزان در دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه توجه کنیم نمی شود در پایه اول و دوم ابتدایی ۲۴ ساعت، در پایه سوم، چهارم و پنجم ۲۸ ساعت و بعد در دوره راهنمایی ۳۶ ساعت و دویساره در در دوره متوسطه برگردیم به ۳۴ ساعت یا ۳۲ ساعت. این اصلاً با مسائل رشد فکری و جسمی دانش آموزان هماهنگی ندارد.

— یک بررسی در ارتباط با کلاسهای جبرانی انجام دادیم، ۱۷ استان به ما جواب داده بوده که کلاسهای جبرانی ضمن سال را تشکیل می دهند. بدین شکل که اغلب ۳۶ ساعت را بر مبنای قدیم تنظیم می کنند با این تفاوت که مثلاً چون از ریاضی قبلاً کم نده الان به همان روش سابق ساعت ریاضی را اضافه می کنند.

منطبق با واقع نبود، اما در بعضی از استانها که من خودم هم بازدید کرده، مثل سیستان و بلوچستان، عینی رغبه محرومیت و کمبود نیروی انسانی کلاسهای جبرانی را سر مستی دستور العملها تشکیل داده بودند و استفاده بهینه و مطلوبی هم از آن به عمل می آوردند. در مجموع می توان گفت که کلاسهای جبرانی ضمن سال به نحو مطلوب و به صورت یقین در کشور اجرا نشد. الان سبیل جمعیت ابتدایی به طرف دوره راهنمایی در حرکت است و بر حالی که رشد دانش آموز ابتدایی به ۱۳ کاهش پیدا کرده است، در دوره راهنمایی به ۸ یا ۹ درصد و در دبیرستان حتی در بعضی از جاها به ۱۱ درصد رسیده است. این نیروی انسانی

زیادی را می طلبد و ما مکان تربیت نیروی انسانی را در این حدتند زبده و وضعه نمی توانیم. آیا نمی شود تجدیدنظر کرد و اصلاً سبب فصل کلی تری را در نظر بگیریم. به جای ۳۲ ساعت با ۳۶ ساعت در هفته ساعتها را ۶۰ دقیقه ای و تک رنگ در نظر بگیریم و ساعتها را تخفیف بدهیم مثلاً ۵ ساعت اگر ریاضی داریم بکنیم ۴ ساعت، ۴ تا ۶۰ دقیقه می شود ۲۴۰ دقیقه، ۵ تا ۴۵ دقیقه که آن جبر می شود، می شود ۲۲۵ دقیقه، تازه یک ربع هم از ۵ ساعت بیشتر خواهد شد. در عمل ما ضرری نمی کنیم. اما از نظر نیروی انسانی به طور قانونی هر معلم باید در دوره ابتدایی ۲۴ ساعت تدریس کند، و در دوره راهنمایی ۲۸ ساعت، نه این که ۲۸ رنگ، ۲۸ رنگ ۴۵ دقیقه ای یا ۴۰ دقیقه ای که خود شما می دانید الان ۴۰ دقیقه اجر می شود و نه ۴۵ دقیقه. این البته ممکن است یک مقدار مشکلائی را ایجاد کند، اما می شود برای آن فکر کرد و مجموع ساعت را از ۳۶ ساعت و ۳۲ ساعت در راهنمایی تقلیل داد؛ مثلاً به ۲۶، ۲۴، نه طور مثال بنده محاسبه کردم، ما در پایه اول راهنمایی ۳۲ ساعت درس داریم، ۳۲ تا ۴۵ دقیقه، اگر شما حساب کنید دقیقاً ۲۴ ساعت

اصل کلی است، نکته دوم این که در ارتباط با کلاسهای جبرانی انجام دادیم و یک پرسشنامه تنظیم کردیم. از استانها سؤال کردیم که الان در حال حاضر در مورد تشکیل کلاسهای جبرانی ضمن سال چه کار می کنند ۱۷ استان به ما پاسخ داده بودند که کلاسهای جبرانی ضمن سال را تشکیل می دهند و دو استان پاسخ نداده بودند. بقیه ستانهای هم که پاسخ داده بودند، به من شکل بود که مثلاً در «تهران اغلب ۳۶ ساعت را بر مبنای قدیم تنظیم می کنند، با این تفاوت که مثلاً چون قبلاً از ریاضی کم شده، الان به همان روش سابق ساعت ریاضی را اضافه می کنند، یعنی به جای جبرانی که مخصوص دانش آموزان ضعیف است برای همه دانش آموزان کلاس جبرانی تشکیل می شود که دیگر نمی شود گفت این کلاس جبرانی است، می شود گفت به ساعات مثلاً ریاضی یا علوم یا فلان درس که جبرانی دارد یکساعت افزوده اند. در تهران و چند استان دیگر به این صورت اجرا می کنند. از ۸ استان هم همکاران ما بازدید کردند و بررسی کردند. گزارشهایی که از ۱۷ استان داده بودند از جمله یکی، دو تای آن جزء نمونه ها بود. ما دیدیم که یک استان که گزارش داده بود ما انجام می دهیم انجام نداده بودند و گزارش آنها

بگیره دانش آموز کلاس پنجم ابتدایی در دوره راهنمایی با دو زبان جدید آشنا می شود و این عامل موجب اکت تحصیلی است؛ پس یکی از دلایل دیگر حذف زبان انگلیسی در پایه اول این قضیه بود. ما در مورد ساعات کار، من چند نکته را عرض می کنم، استدعای من این است که به شرایط سنی دانش آموزان در دوره ابتدایی، در دوره راهنمایی در دوره متوسطه توجه کنیم. نمی شود در پایه اول و دوم ابتدایی ۲۴ ساعت، در پایه سوم، چهارم، پنجم ۲۸ ساعت و بعد در دوره راهنمایی ۳۶ ساعت را به تدریس اختصاص دهیم و در دوره متوسطه دوباره به ۳۴ ساعت و یا ۳۲ ساعت برگردیم. این اصلاً با مسائل رشد فکری و جسمی دانش آموزان هماهنگی ندارد. رعایت اصل تدریجی بالا بردن ساعت به نظر من ضرورت دارد. در دوره ابتدایی یک مقدار کمتر با اگر مقدور نیست لا اقل طول ساعت باید متفاوت باشد یا مثلاً در دوره راهنمایی در بنایه های مختلف ساعت را تغییر بدهیم و بتدریج آن را افزایش دهیم یا اگر قرار است در دوره های مختلف ساعات درس در طول هفته مثلاً ۳۶ ساعت یا ۳۰ ساعت باشند، باید مدت زمانی که دانش آموز در کلاس است، در دوره های مختلف متفاوت باشد که به نظر من این یک

— آیا نمی شود تجدیدنظر کرد و اصلاً بیاییم فصل کلی تری را در نظر بگیریم. به جای ۳۲ ساعت یا ۳۶ ساعت در هفته ساعتها را ۶۰ دقیقه‌ای و تک زنگ در نظر بگیریم و ساعتها را تقلیل دهیم. مثلاً اگر ریاضی ۵ ساعت داریم، بکنیم ۴ ساعت، اما ۴ ساعت ۶۰ دقیقه‌ای.

— در مورد دروس تاریخ، جغرافیا بنده اعتقاد دارم که مادر زمینه تاریخ ضعف داریم.

— بیاییم تاریخ، جغرافیا و اجتماعی را به عنوان یک درس در نظر بگیریم و ۳ ساعت به آن اختصاص دهیم. اگر این کار رانمی کنیم و به صورت تفکیکی و مجزا است، ۲ درس از ۳ درس را هر سال وارد برنامه کنیم.

در ۴ ماه دوم عکس این روش را اعمال کند و ۲ ساعت به آن درس دیگر و یکساعت به این درس اختصاص بدهد که بتواند آن کمبود درس را به این صورت جبران کند. درس پرورشی هم بدون این که خدای نخواسته بخواهم بگویم که موفق نیست، اما اعتقاد دارم که یک اشتباه کلی در اصل پرورش شده است، و من اعتقاد این است که پرورش مساوی تزکیه نیست. تزکیه زمینه ساز پرورش است و متأسفانه ما پرورش را مساوی تزکیه گرفتیم و می‌گوییم تزکیه در قرآن مقدم بر تعلیم است، پس پرورش مقدم بر آموزش است. در حالی که به نظر بنده تزکیه و آموزش هر دو باید منجر به پرورش بشود. نتیجه تزکیه و آموزش و نتیجه تزکیه و تعلیم باید پرورش باشد. اگر با این دیدگاه نگاه کردیم، آن موقع دیگر درسی تحت عنوان پرورشی وارد برنامه نمی‌کنیم. مجموعه دروس باید به گونه‌ای طراحی بشود که به دنبال آن پرورش دانش‌آموزان را در ابعاد مختلف فراهم کند.

من بیش از این مزاحم نمی‌شوم و در مورد آن ۲۴ ساعت یا بیشتر هم اگر صلاح دانستید دفتر ما حاضر است کاری انجام بدهد و بررسی بکند و طرح خودش را ارائه بدهد. متشکرم.

می‌شود. در این زمینه‌ها هم نمی‌خواهیم الآن تصمیم بگیریم، اما قابل تأمل است و می‌شود روی اینها فکر کرد. نکته دیگر در مورد دروس تاریخ و جغرافیاست (بخصوص که به بعضی از کتابهای تاریخی هم علاقه دارم و آنها را می‌خوانم) که مادر زمینه تاریخ ضعف داریم و شاید هم با عذرخواهی از کارشناسان و برنامه‌ریزان، شیوه‌های تدوین کتاب‌ها و روشهای آموزش ما چنین وضعی را به وجود آورده است که از علایق دانش‌آموزان و معلمان کاسته شده و به درس تنوری و حفظی تبدیل شده است. پیشنهاد من این است که اگر امکان تغییر در برنامه و ساعت برای تاریخ و جغرافیا نیست، قبلاً هم پیشنهاد کردم که بیاییم تاریخ و جغرافی و اجتماعی را به عنوان یک درس در نظر بگیریم (در مجموع یک درس) و ۳ ساعت به آن اختصاص بدهیم و اگر این کار را نمی‌کنیم و به صورت تفکیکی و مجزا است، ۲ درس از ۳ درس را در هر سال وارد برنامه کنیم؛ مثلاً تاریخ و جغرافیا را سال اول و سوم، جغرافیا و اجتماعی را سال دوم و سوم، که در هر سال ۳ ساعت به دو درس اختصاص پیدا کند و معلم مربوطه بتواند مانور لازم را روی آن بدهد؛ مثلاً در ۴ ماه اول سال ۲ ساعت به تاریخ و یک ساعت به اجتماعی اختصاص بدهد و یا

### مقدمه:

آموزش روستایی در ایران با توجه به میزان جمعیت، تنوع جغرافیایی و سبک فرهنگی روستاها از پیچیدگی خاصی برخوردار است و نیازمندیهایی را به همراه دارد که ناشی از وضعیت و شرایط حد که بر روستاهاست، پراکنده‌گی روستاها - وضعیت ارتباط روستاها با یکدیگر و با شهرهای نزدیک - فصل کار و نوع کار - وضعیت آب و هوایی - روابط اجتماعی - مسائل رفاهی و خدماتی و ... نشانی تعیین کننده در کیفیت و کیفیت آموزش و سرورشی روستایی دارد. بیش‌بیش راه‌حلها و روشها و سطور کلی برنامه‌ریزی برخی آموزش روستایی ارتباط تنگاتنگ با عوامل یاد شده دارد که عده توجه به آنها باعث منفی سازی را در باردهی فعالیتها بدینال خواهد داشت. قایل ذکر است که ۴۵ درصد جمعیت کل کشور را روستائیان تشکیل می‌دهند و ۴۶.۱۵ درصد از کل دانش آموزان دوره ابتدایی در مدارس روستایی تحصیل می‌کنند.

میزان مردودی این دانش آموزان طبق آخرین اطلاعات موجود ۱۶۱ درصد بوده که در مقایسه با میزان مردودی دانش آموزان دوره ابتدایی مناطق شهری ۸۱۵ درصد به سهولت

دفتر آموزش ابتدایی و راهنمایی تحصیلی از فعالیت معلمان راهنمای روستایی، ارزشیابی به عمل آورده و نتایج آنرا در نشریه‌ای ۲۷ صفحه‌ای منتشر کرده است. این طرح شامل یک مقدمه و معرفی موضوع اهداف کلی و جزئی طرح، ابزار جمع‌آوری اطلاعات، جامعه آماری حجم نمونه و تشریح جگونگی گردآوری اطلاعات است. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسشنامه استفاده شده است:

پرسشنامه شماره ۱ با ۱۹ پرسش بسته و باز پاسخ مخصوص معلمان راهنما تهیه شده است.

پرسشنامه شماره ۲ با ۷ پرسش بسته و باز پاسخ مخصوص آموزگاران تهیه شده است.

هر یک از پرسشهای پرسشنامه‌های مذکور استخراج و در صدگیری شده و سایر

پاسخ‌های معلمان نیز فهرست‌وار در تشریح آمده و در انتها سوارده مهم استخراج و

جمع‌بندی شده است. صرف‌نظر از برخی کاستیها که در تحقیق از نظر انجام یک تحقیق معتبر و

قابل تعمیم علمی به چشم می‌خورد تحقیق حاوی نکات روشنگری نیز می‌باشد. در اینجا با

استفاده از مقدمه، اهداف کلی و جزئی و جمع‌بندی از پرسشنامه‌ها چکیده‌ای تهیه شده که به

نظر شما می‌رسد. با تشکر از دست اندرکاران این تحقیق.

## خلاصه طرح

## ارزشیابی از فعالیت

## «معلمان راهنما»ی روستایی

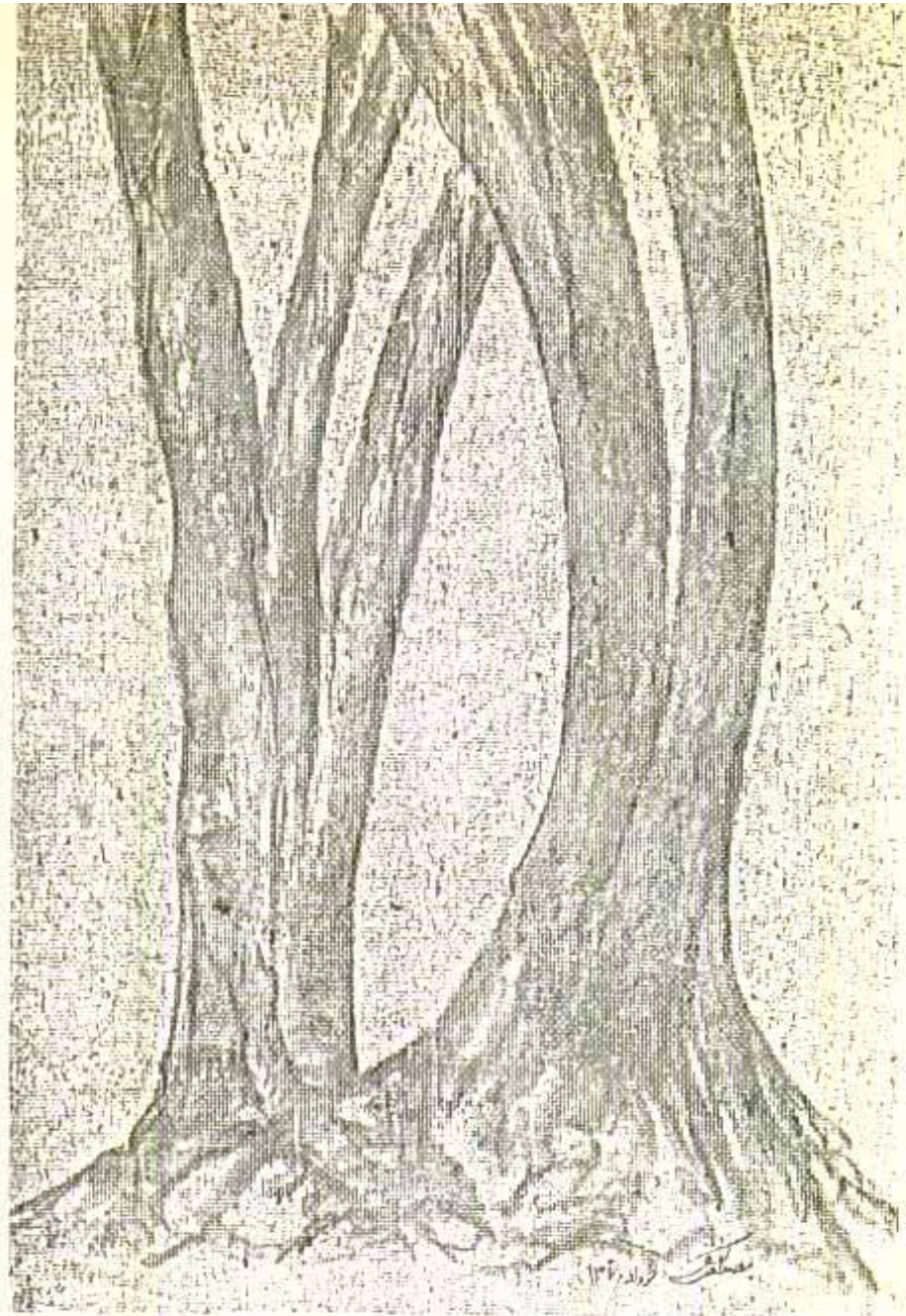
گردد. بدین منظور واحد ارزشیابی ابتدایی دفتر آموزش ابتدایی و راهنمایی طرح ارزشیابی از فعالیت معلمان راهنما را با توجه به دستور العمل بکارگیری آنان و با اهداف زیر تهیه نموده که امید است با اجرای آن به نقاط ضعف و قوت پی برده و با اخذ پیشنهادهای و نظرات و ارائه آن به مراجع ذیصلاح نسبت به اصلاحات مورد لزوم اقدام شود و در نهایت موجبات ارتقاء کمی و کیفی آموزش و پرورش روستایی در ایران فراهم آید.

### اهداف کلی طرح

- ۱ - بررسی و شناخت وضع موجود معلمان راهنما با توجه به ضوابط انتخاب آنها
- ۲ - شناخت کلی نحوه توزیع معلمان راهنمای مورد نیاز هر منطقه با توجه به جدول تعداد روستاهای مناسب و صعب العبور برای هر معلم راهنما.
- ۳ - جمع آوری اطلاعات کمی و کیفی از فعالیت معلمان راهنما در زمینه های مختلف آموزشی و پرورشی.
- ۴ - جمع بندی اطلاعات و نظرات مآخوذه به منظور اتخاذ یک خط مشی هماهنگ جهت ارائه راه حلها و پیشنهادهای و خط مشی های اصلاحی در مسیر بهبود کمی و کیفی آموزش و پرورش مناطق روستایی.

### اهداف جزئی طرح

- بررسی وضعیت موجود معلمان راهنما از لحاظ:
- ۱ - سن، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، سوابق خدمت (سابقه خدمت در دوره ابتدایی، تجربه کار زمینه تصدی سمت معلم راهنما، ...) بررسی دوره های ضمن خدمت و وضعیت استخدامی.
  - ۲ - تعداد روستاهای مناسب، تعداد روستاهای صعب العبور و تعداد کلاسهای مربوط و



دستور العمل بکارگیری معلمان راهنما از سوی این دفتر روشن گردید. با توجه به اینکه تجربه نشان میدهد که بهترین طرحها و دستور العملها چنانچه با نظارت و ارزشیابی از نحوه اجرا توأم نباشند پس از مدتی رنگ و بوی خود را از دست داده و احياناً در عمل چیزی غیر از آنچه در اصل طرح مورد نظر بوده است تحقق می یابد که با اهداف مغایر است. برای جلوگیری از ایجاد چنین شرایطی لازم است در محدوده های زمانی مشخص مسیر حرکت شناسایی و کنترل شود تا اشکالات و انحرافات بموقع اصلاح و طرح یا قوت اجرا

می توان دریافت میزان مردودی در مناطق روستایی تقریباً دو برابر مناطق شهری است. (سال تحصیلی ۷۰ - ۶۹)

استفاده از معلمان راهنما سالهاست که بعنوان یکی از مهمترین ابزارهای نظارت و کنترل وضعیت آموزش و پرورش در مدارس روستایی شناخته شده و اهمیت و نقش این افراد در پیشبرد آموزش روستایی از جهات کمی و کیفی قابل توجه است.

اما نکته حائز اهمیت نحوه فعالیت معلمان راهنما و نقش و جایگاه آنان در مدارس روستایی است که این مهم در سال ۶۹ با تهیه

- نحوه ترکیب آنها با توجه به حداقل و حداکثر تعداد روستا و کلاس.
- ۲- میزان ایام ده گردشی در روستاهای محل مأموریت.
- ۳- دفعات بازدید از مدارس حوزه مأموریت.
- ۴- نحوه بازدید و ارزشیابی از کار آموزگاران دستانهای تحت نظارت با توجه به فرمهای ۴ و ۵ بازدید.
- ۵- چگونگی رهنمایی آموزگاران در مسائل آموزشی و پرورشی.
- ۶- نحوه گزارش ماهانه بازدید از کار آموزگاران و کارکنان کودکان و دستانهای روستایی.
- ۷- چگونگی اقدام به تشکیل جلسات درس نمونه و نحوه کاربرد صحیح وسایل کمک آموزشی از طریق جلسات گروههای آموزشی.
- ۸- آگاه ساختن مدیران از نارساییهای موجود و همکاری با آنان.
- ۹- معرفی آموزگاران و مدیران و سایر کارکنان مدارس گنه نیاز به دانش افزایی دارند به کلاسهای کارآموزی و بازآموزی ضمن خدمت.
- ۱۰- نظارت بر کلیه فعالیتهای پرورشی در موارد لازم از قبیل اجرای آزمون.
- ۱۱- نظارت بر حسن اجرای امتحانات واحدهای آموزشی تحت نظارت خود.
- ۱۲- مشاوره و تبادل نظر با رؤسای دستانها و آموزگاران در زمینه شناخت دانش آموزان استثنایی و معرفی آنان به منطقه.
- ۱۳- شرکت در جلسات معلمان رهنما، همکاری الحمن اولیه و مریدان.
- ۱۴- جلب همکاری روستائیان و شوراهای روستایی با اولیاء دستانها در زمینه جذب اطفال لازم التعلیم و شناسایی روستاهای فاقد مدرسه.
- ۱۵- نظارت بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و سایر اقدامات ضروری مربوط به امور پرورشی، بهداشتی و اجتماعی آنان.
- ۱۶- نظارت مستمر بر پیشرفت مواد برنامه درسی با توجه به تقویم جاری.
- ۱۷- رسیدگی به مورد اداری واحدهای آموزشی مانند حضور و غیاب کارکنان تحت نظارت خود، دفاتر کلاس، امتحانات، اموال، آمار، پروندههای تحصیلی و.....
- ۱۸- همکاری با مسئولان جهاد سازندگی، نهضت سوادآموزی، سایر سازمانهای
- دیپلمات در زمینه آموزش روستایی، احداث، تعمیر ساختمان مدارس و تکمیل تجهیزات لازم و نظارت بر حفظ و نگهداری اموال و ساختمان مدارس.
- ۲۰- بازدید از مدارس راهنمایی و تهیه گزارش.
- ۲۱- انجام وظایف محوله در ارتباط با سرایز معلم.

### ابزار جمع آوری اطلاعات

برسنامه و مشاهده

برسنامه

۱- برسنامه مخصوص معلمان رهنما - به

ازای هر معین رهنما یک نسخه

۲- برسنامه مخصوص معلمان - به ازای

هر معلم راهنما ده نسخه برای ده نفر از

معلمان مدارس تحت پوشش

جامعه آماری

معلمان راهنمای روستایی کشور.

حجم نمونه

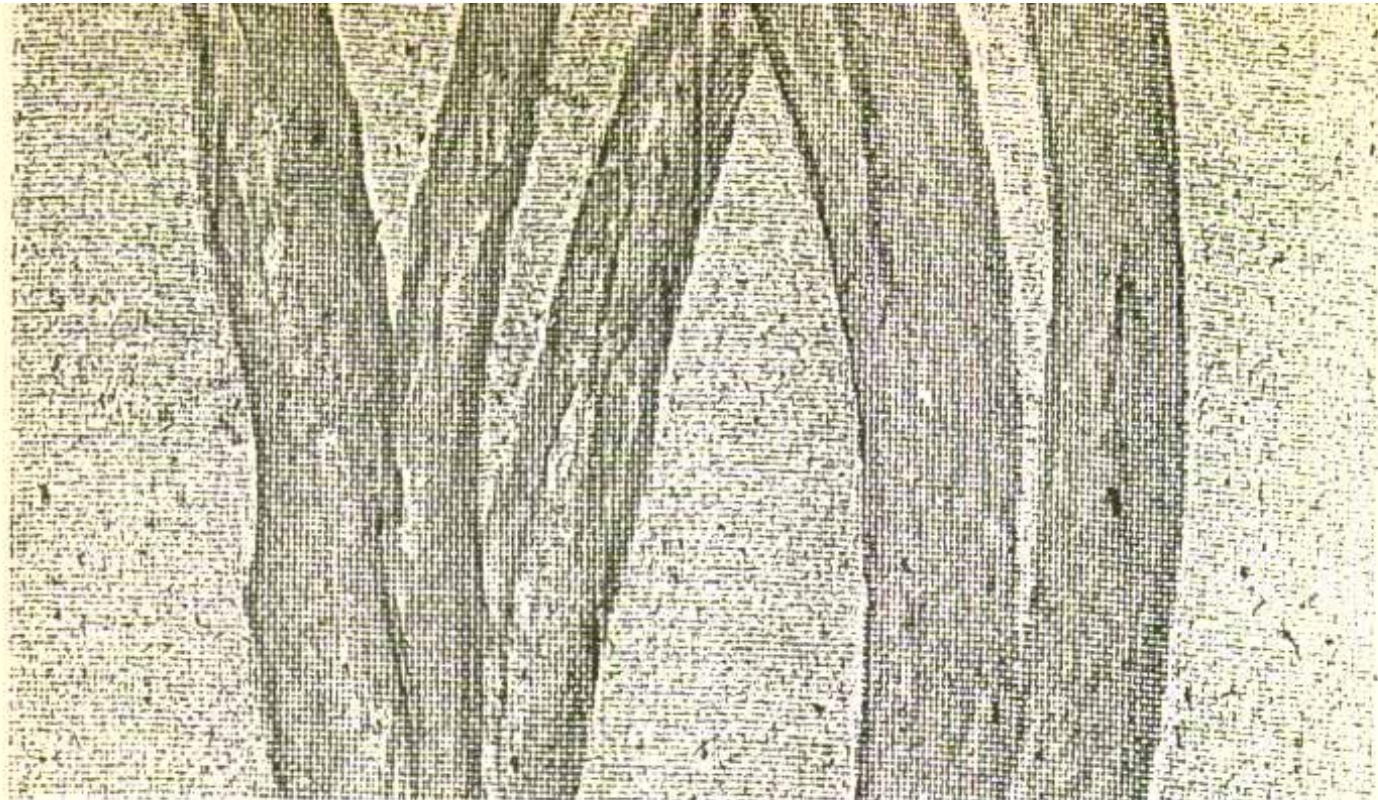
با توجه به وضعیت استانها از نظر تعداد

مناطق و معلم رهنما و سایر امکانات موجود

برای جمع آوری اطلاعات از میان ۲۱۲۰ نفر







معلم راهنما در سراسر کشور حدود ۷۰ نفر یعنی ۳/۳ درصد از کل معلمان راهنما از استان بصرح زیر انتخاب شده است.

\* لازم به توضیح است که در ابتدا در طرح پیشنهادی حجم نمونه شامل حدود ۱۴۰ نفر معلم راهنما از ۱۰ استان بود که بدلیل محدودیتهای موجود از قبیل روزهای مأموریت و نیروی انسانی منحصص مورد موافقت قرار نگرفت و به تعداد مذکور تقلیل یافت.

### روش گردآوری اطلاعات

اعزام مستقیم کارشناس به استانها و مناطق مورد نظر بدین ترتیب که فعالیت هر معلم راهنما در یک روز مورد مشاهده مستقیم قرار خواهد گرفت، بطوریکه کارشناس اعزامی یک روز کاری هر معلم راهنما را مورد مشاهده قرار خواهد داد و پرسشنامه مربوط به وی را تکمیل خواهد نمود. همچنین تکمیل پرسشنامه معلمان، توسط خود آنها صورت خواهد گرفت.

نتایج اجرای این طرح در دو بخش زیر شامل:  
الف - تجزیه و تحلیل نتایج پرسشنامه شماره یک - مخصوص معلمان راهنما.  
ب - تجزیه و تحلیل نتایج پرسشنامه شماره دو

- مخصوص آموزگاران ارائه شده است.

### جمع بندی و نتیجه گیری

چکیده مطالب حاصل از استخراج پرسشنامه شماره یک بشرح زیر می باشد:

۱ - ضوابط انتخاب معلمان راهنما توسط استانهای نمونه گیری شده بطور کامل رعایت شده است.

۲ - حدود ۲۰ درصد از معلمان راهنمای مورد مشاهده از وظایف خود مطلع نبوده اند.

۳ - حد نصاب تعداد روستا و کلاس برای تعیین حوزه مأموریت معلمان راهنما رعایت نشده و اغلب بین ۱/۵ تا ۲ برابر میزان تعیین شده بوده است.

۴ - همه معلمان راهنما حداقل ماهی ۲ بار از مدارس حوزه مأموریتی خود بازدید بعمل می آورند.

۵ - فرمهای بازدید شماره ۴ و ۵ و ۸ از سوی اغلب معلمان راهنما مورد استفاده قرار نگرفته است.

۶ - اغلب معلمان راهنما به همه وظایف خود که در دستورالعمل شماره ۳۱۴/۳۴ مورخ ۶۹/۸/۲۶ به تفصیل درج شده عمل نمی نمایند و فقط به بخش محدودی از وظایف خود می پردازند.

جمع بندی نتایج پرسشنامه شماره ۲ - مخصوص آموزگاران

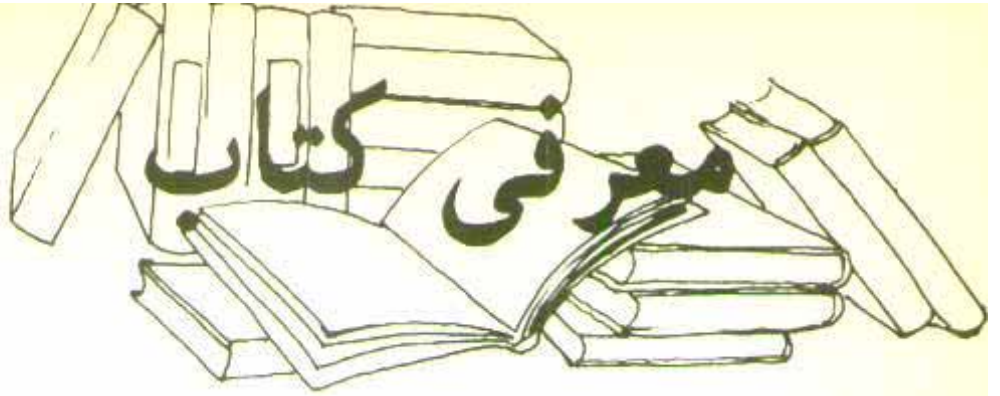
۱ - معلمان راهنما حداقل ۲ بار در ماه از هر واحد آموزشی بازدید داشته اند.

۲ - معلمان راهنما در هنگام بازدید از واحدهای آموزشی از فرم شماره ۵ کمتر استفاده نموده اند. بخشی از بازدیدها با استفاده از فرمهای دیگر و بخشی از بازدیدها بدون استفاده از هرگونه فرم بوده است.

۳ - اغلب معلمان از نحوه بازدید معلمان راهنما از کلاسهای درس راضی بوده اند.

۴ - باید در انتخاب معلمان راهنما به تسلط افراد در زمینه روشهای تدریس و دارا بودن توانایی کافی در راهنمایی معلمان توجه بیشتری مبذول گردد.

۵ - باید به معلمان راهنما توصیه شود ضمن مطالعه شرح وظایف مربوط و سعی در انجام کلیه وظایف محوله از جمله نظارت در اجرای امتحانات، شناسایی و معرفی دانش آموزان استثنایی و تشکیل جلسات درس نمونه در مدارس، از تمرکز فعالیتها حول محورهای خاص بپرهیزند.



مهارت‌های اجتماعی شامل یک مقدمه و بخش‌های:

۶- تربیت معلم در برنامه کلاسی بسیار فکرا

۷- رشد مهارت‌های اجتماعی از طریق برنامه‌ریزی برای مهارت‌های اوقات فراغت در کودکانی که معلولیت شدید دارند.

۸- آموزش مهارت‌های اجتماعی به منظور ایجاد ارتباط متقابل همسالان

۹- آموزش همکاری

۱۰- پرورش مهارت‌های اجتماعی و جوانان از طریق آموزش طقه بافته است.

علاوه بر مباحث فوق سه ضمیمه نیز در مورد معرفی منابع برای آموزش مهارت‌های اجتماعی و فهرست مهارت‌های اجتماعی و ناشران در انتهای کتاب آمده است. در قسمتی از مقدمه‌ای بر ترجمه کتاب آمده است:

«اجتماعی شدن حسریاتی است گشته در آن هنجارها، مهارت‌ها، الگوه‌ها، طرز تفکرها و رفتارهای فرد شکل می‌گیرند تا ایفای نقش کنونی یا آتی او در جامعه مناسب و مطلوب شناخته شود. این جریان از همان لحظه اول تولد کودک که وی را لباس می‌پوشند و به گهواره می‌گذارند و بسا در مقابل گریه و واکنش معینی را نشان می‌دهند آغاز می‌شود و در آن برخی از افراد و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی نقش کلیدی را دارند. پدر و مادر، برادر و خواهر، مربیان و معلمان بخش سزورگی از وقت خود را برای ارائه ارزشها و جهت دادن و تغییر رفتار کودکان صرف می‌کنند. سازمان مدرسه، مسجد و نهادهای گوناگون دولتی و غیردولتی که وظیفه انتقال فرهنگی را بر عهده دارند و همچنین وسایل ارتباط جمعی (خاصه تلویزیون) نیروهای قدرتمند در شکل دادن به طرز تفکرها و خواسته‌ها و رفتارهای کودکان هستند.»

مطالعه این کتاب برای تمامی دبیران محترم و به خصوص دبیران تعلیمات اجتماعی بسیار مفید و مؤثر است.

شامل ۴ فصل و بخش دوم شامل ۶ فصل می‌باشد

بخش اول را مسائل روان‌شناسی شامل کلیات روان‌شناسی، روان‌شناسی معلم، روان‌شناسی فراگیر، روان‌شناسی یادگیری تشکیل داده است.

فصول بخش دوم را کلیات آموزش و پرورش، وسایل آموزشی و یادگیری، تکنولوژی تدریس، مدرسه و تربیت معلم و آخرین سخن درباره چند مفهوم تشکیل داده است.

اگر چه کتاب فوق در سال ۱۳۶۸ منتشر شده است و چند سالی از انتشار آن می‌گذرد اما به جهت جامع و مفید بودن آن در زمینه تعلیم و تربیت، به تمامی دست‌اندرکاران امر آموزش و پرورش و به تمامی دبیران و معلمان محترم توصیه می‌شود که این کتاب مفید را مطالعه کنند.

### آموزش مهارت‌های اجتماعی

مؤلف: جی. کارنج، جی. اف و میسون

مترجم: محمدحسین نظری تژاد

چاپ اول: ۱۳۶۹

این کتاب شامل دو بخش است. بخش اول مراحل آموزش مهارت‌های اجتماعی است که شامل یک مقدمه و پنج بحث در مورد مفاهیم:

۱. انتخاب مهارت‌های اجتماعی
  ۲. ارزیابی و سنجش مهارت‌های اجتماعی
  ۳. فریند آموزش
  ۴. نگهداری و تعمیم مهارت‌های اجتماعی
  ۵. تلفیق مراحل: مسایل کاربرد
- فهرست منابع (فصلهای ۱ تا ۵)

و بخش ۲ با عنوان کاربردهای خاص آموزش

### روان‌شناسی اجتماعی

مؤلف: الیوت رونسون

مترجم: دکتر حسین شکرکن

ناشر: انتشارات رشد

چاپ پنجم: تابستان ۱۳۶۹

در این کتاب روان‌شناسی اجتماعی تعریف شده. از هم‌رنگی با جماعت و عواملی که سبب افزایش یا کاهش هم‌رنگی می‌شوند صحبت شده است. انواع پاسخ به نفوذ اجتماعی مانند تابعیت، همانندسازی، درونی کردن، اطاعت و فرمانبرداری به عنوان نوعی متابعت سخن به میان آمده است.

از دیگر مباحث کتاب می‌توان از «ارتباط جمعی، تبلیغات و متقاعدسازی، توصیه خود، پرخاشگری انسان، پیشداوری، کشش و جاذبه ارتباط در گروه‌های آموزش، حساسیت، و روان‌شناسی اجتماعی به عنوان یک معلم نام برد.

کتاب بسیار مفید و مورد توجه بوده و تا سال ۱۳۶۹ به چاپ پنجم رسیده است. خواندن این کتاب برای مسائل عمومی جالبی که در زمینه روان‌شناسی و مسائل اجتماعی دارد به تمامی دبیران محترم و به خصوص دبیران تعلیمات اجتماعی توصیه می‌شود.

### مبانی روان‌شناختی تربیت

مؤلف: علی اکبر شعاری تژاد

ناشر: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

چاپ دوم، ۱۳۶۸

«آموزش و پرورش مستلزم جرأت، عقل و فرزادگی، تحمل، شوخ‌طبعی و ایثار است.» کتاب فوق که در ۷۴ صفحه منتشر شده است در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول

عجبست اگر تو انم که منم کنم زود  
 بکجا رود کبوتر که ایسر باز باشد  
 و محبت نخواهم که طفت کنم بروی  
 که محبت صادق آنست که پاک باز باشد

# سازگار با همه

برگشته غنایت نمی بوی ماکن  
 که دعای در دست ز سر باز باشد  
 سخی که نیست طاقت که ز خویشین بپوش  
 بکدام دوست گویم که محل را باز باشد

تو می که بر کف من نه وفا و عهد میانی  
 اگر از باز است می قدم محب از باز  
 در کس شمع باز نمی محبت دل کوی است  
 تو بی کار از شب و صبح با باز  
 که در شب صواب کوتاه و سخن از باز  
 که در شب صواب کوتاه و سخن از باز

چه نماز باشد از که تو در خیال باش  
 تو صنم منم گذاری که مرا نماز باشد  
 خنجرین حساب که دچم تو دوست میکرتم  
 که شنا و حمد گویم و بوز نماز باشد

عاشق کار و الشجوة بال عمر کو برویت معلوم شهید شیر الفیہ۔



عکس از خطای محض